

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و چهارم، دفتر چهارم، زمستان ۱۴۰۳

شماره پیاپی ۱۳۶

شاپا (شماره استاندارد بین المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی طبق آیین نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره و مطالعات آرشیمیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سردبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، استاد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران / دکتر سید محمود سادات بیدگلی، دانشیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

دبیر اجرایی: دکتر دل آرا مردوخی delara.mardoukhi@gmail.com

مترجم: دکتر محمدجواد عبدالهی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳

شماره پیاپی ۱۳۶

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

تحقیقات تاریخی

تأسیسات عمرانی و سدسازی ایران در حریم رودخانه اترک در دوره پهلوی با تکیه بر اسناد/ باقرعلی عادل‌فر، فوزیه جواهردی

۶-۲۹(۲۴)

تحلیل فرایند انتخاب و عملکرد نمایندگان غیربومی سیستان در مجلس ملی و واکنش مردم (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش، ۱۹۰۶-۱۹۷۹ م)/ محمدرضا پردلی، مرتضی نورائی، مرتضی دهقان‌نژاد

۳۰-۶۷(۳۸)

رویارویی مردم و بلدیة در خیابان‌کشی‌های اقتدارگرایانه شیراز دوره پهلوی اول/ سهند لطفی، سارا قمر
نقش قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در سامان‌دهی بازار مسکن در دوره پهلوی دوم/ محسن پرویش

۶۸-۱۰۱(۳۴)
۱۰۲-۱۲۳(۲۲)

تحقیقات آرشیوی

انعکاس مفهوم مقاومت در ممبرهای پستی دفاع مقدس محفوظ در موزه ملی ملک از نظر میشل فوکو/ زهرا خوش‌نقش، شکوفه ساتیاروند

۱۲۴-۱۵۵(۳۲)

طراحی مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو ملی ایران/ آناهیتا نظری، سیدرضا صالحی امیری، محسن قدمی، فاطمه عزیزآبادی فراهانی

۱۵۶-۱۹۰(۳۵)

ترباط بذیرتن مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۲ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- مَتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

کوتنوشت‌ها

Iran's Civil and Dam Construction Projects in the Atrak River Basin during the Pahlavi Period (Based on Archival Documents)

Bagherali Adelfar¹ | Fouzieh Javanmardi²

Abstract

Purpose: The Atrak River has usually been a critical element in shaping civil expansion and dam construction in northern Khorasan and eastern Caspian littoral. As a Soviet–Iranian border river, partially marking off the border with modern-day southern Turkmenistan, it exercised a decisive influence on Iran–Soviet relations. In Pahlavi and Soviet times, rising strategic and development interest in the Atrak River, particularly questions over water rights and dam construction, further highlighted its geopolitical importance. The objective of this research is to study the policies, objectives, and consequences of Iran's nuclear and dam-building programs in the Atrak River basin under the Pahlavi regime, with particular emphasis on their consequences for border relations, environmental change, and altered water resource utilization patterns.

Method and Research Design: Applying descriptive-analytical approach, the study uses archival documents and library literature to study the issue.

Findings and Conclusion: The results underscore the increasing significance of border rivers to national interests. Surface and groundwater cooperation across the Atrak River prompted Iran and its northern counterpart to pursue collaborative dam building and infrastructure ventures. With Iran's arrival at modernity and increasing demands for water consumption, new hydraulic infrastructures—specifically dams—presented possibilities alongside tensions. Such changes also had repercussions for regional diplomacy and domestic water management as well as for internationally flowing rivers such as the Atrak.

Keywords: Iran; Soviet Union; Pahlavi Era; Atrak River; Development Initiatives; Dam Construction.

Citation: Adelfar, B. and Javanmardi, F. (2024). Iran's Civil and Dam Construction Projects in the Atrak River Basin during the Pahlavi Period (Based on Archival Documents). *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 6-29 | doi: 10.30484/ganj.2024.3213

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini, International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author)

badelfar@yahoo.com

2. PhD in History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
javanmardi1318@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3213

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 6 -29 (24) | Received: 16, Oct. 2024 | Accepted: 25, Nov. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

تأسیسات عمرانی و سدسازی ایران در حریم رودخانه اترک در دوره پهلوی (با تکیه بر اسناد)

باقرعلی عادل فر^۱ | فوزیه جواهردی^۲

چکیده:

رود اترک از عوامل تأثیرگذار در وقایع تاریخی و ایجاد تأسیسات عمرانی در نواحی شمال خراسان و شرق دریای خزر بوده و جایگاهی مهم در تداوم حیات این ناحیه داشته است. این رودخانه به عنوان رود مرزی دائمی در بخشی از جنوب ترکمنستان امروزی در تعیین روابط میان ایران و شوروی نقش مهمی ایفا کرده است. هم چنین موضوع حقایق اترک و اقدامات عمرانی از جمله سدسازی و... موجب اهمیت یافتن بیش از پیش این رود در دوره حکومت های پهلوی و شوروی شده بود.

هدف: بررسی سیاست ها، اهداف، و پیامدهای احداث تأسیسات عمرانی و سدسازی ایران در حریم رودخانه اترک طی دوره پهلوی، با تأکید بر تأثیرات آن بر مناسبات مرزی، تحولات زیست محیطی و تغییر در الگوهای بهره برداری از منابع آب.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، و استفاده از منابع آرشیوی و کتابخانه ای موجود انجام شده است. **یافته ها:** به واسطه پژوهش حاضر می توان به اهمیت بیش از پیش آب رودخانه های مرزی در تعیین منافع ملی کشورها پی برد. موافقت نامه ها و معاهدات بین المللی در زمینه آب های سطحی و زیرزمینی مرزی اترک احداث سد ها و اقدامات عمرانی میان ایران و کشور همسایه را به دنبال داشت. در واقع با ورود ایران به دوره مدرنیته و افزایش تقاضا برای مصرف آب و برپایی تأسیسات عمرانی جدید برای مدیریت منابع آبی از جمله سدسازی، پتانسیل ایجاد تنش، بحران و یا همکاری و مشارکت بر سر استفاده از منابع آب چه در داخل کشور و چه در روابط با همسایگان فراهم شد. این موضوع در زمینه رودخانه های بین المللی از جمله اترک اهمیتی ویژه داشت.

واژگان کلیدی: ایران؛ شوروی؛ پهلوی؛ رودخانه اترک؛ اقدامات عمرانی؛ سدسازی.

استناد: عادل فر، باقر علی و جواهرمدی، فوزیه. (۱۴۰۳). تأسیسات عمرانی و سدسازی ایران در حریم رودخانه اترک در دوره پهلوی با تکیه بر اسناد. *گنجینه اسناد*، ۳۴(۴)، ۲۹-۶. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۱۳

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

badelfar@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران
javanmardi1318@gmail.com



گنجینه اسناد ۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۱۳

نمایه در Google Scholar, SID, ISC, Researchgate و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۲۹-۶ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

اترک رودی خروشان و سیل‌خیز است. در دره‌های کنار این رودخانه مرزی آثاری باستانی از جمله اشیای سفالی کشف شده‌است که نشان‌دهنده سکونت و تمدن انسان است. زیستگاه‌های دره اترک در طول تاریخ به آبیاری وابسته بوده‌است و این ما را قادر می‌سازد تا مسائل متنوعی را با عمق به مراتب بیشتری مطالعه کنیم. موارد دیگری نیز به چشم می‌خورد که در بین این‌ها به پیوندهای موجود میان همسایگان اصلی سکونت‌گاه‌های شهری می‌توان اشاره کرد (ریکیاردی، ۱۳۹۵، صص ۱۰۹-۱۱۴). هیدروپولیتیک به بررسی ابعاد مکانی آب و سیاست در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف و تداخل میان این دو می‌پردازد (مختاری دهشی، ۱۳۹۲، ص ۵۵). یکی از مصداق‌های هیدروپولیتیک (سیاست‌های آبی)، در حوزه عمرانی و سدسازی کشورها در حریم رودخانه‌های مرزی است. یکی از مباحث بحران‌زا و چالش‌برانگیز دنیا بهره‌گیری از آب رودهای مرزی است که علاوه بر تبدیل شدن به مسئله امنیت ملی، در روابط حکومت‌ها نیز تأثیرگذار است. اترک در شمال ایران و در همسایگی با ترکمنستان امروزی و شوروی سابق در دوره پهلوی نیز از این ضابطه مستثنا نیست.

ترکمنستان کشوری کم‌آب است که تقریباً همه منابع آب آن از سرزمین‌های همسایه تأمین می‌شود. رود اترک دومین تأمین‌کننده آب شیرین این کشور است. نبود رژیم حقوقی مناسبی در زمینه اختلاف بر سر بهره‌برداری بی‌رویه ترکمنستان از آب این رود موجب چالش‌های زیادی در روابط میان دو کشور می‌شد؛ که در پی این چالش‌ها اقداماتی عمرانی نظیر سدسازی برای ذخیره آب در دو سوی رودخانه انجام شد. درواقع سیاست‌های آبی در زمینه اترک، تأثیر تصمیم‌گیری‌های دو کشور مزبور در زمینه بهره‌برداری از آب این رودخانه و تصمیمات داخلی آن‌ها را نشان می‌داد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). اساساً چالش کمبود آب بر روابط میان دولت‌ها و ملت‌های امتداد رودها تأثیر می‌گذارد و به دلیل ماهیت فرامرزی بودن مسائل زیست‌محیطی، کنترل و مدیریت مسائل پیش‌آمده در این حوزه به تشریک مساعی دو جانبه، منطقه‌ای، و بین‌المللی نیازمند است.

پرسش‌های تشکیل‌دهنده دغدغه پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. بازخورد سیاست‌های آبی و مناسبات حکومت پهلوی و شوروی بر توسعه سدسازی بر روی رودخانه اترک چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟
 ۲. رودخانه اترک در زمینه ایجاد تأسیسات عمرانی و آبیاری چه نقشی را ایفا می‌کرد؟
- فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از: هیدروپولیتیک رودخانه اترک بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در مسائل عمرانی میان حکومت پهلوی و شوروی اثرگذار بوده‌است و تحولاتی همچون سدسازی و موافقت‌نامه‌های میان دو کشور می‌تواند شاهد این مدعا باشد.



در دوران جنگ سرد مفاهیم واقع‌گرایانه در زمینه منافع ملی و امنیت ملی تاحدودی ساده بودند. در این راستا هانس مورگنتا در اثر خود (سیاست در میان ملت‌ها) می‌نویسد: «منافع ملی هر کشور صلح‌دوستی را تنها می‌توان در قالب امنیت ملی توصیف کرد و امنیت ملی نیز باید به‌مثابه تمامیت ارضی و حفظ نهادهای آن کشور تلقی گردد» (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۴۸۵). هیدروپولیتیک وضعیت سیاسی رودخانه‌ها و دریاچه‌های میان دو یا چند کشور را بررسی می‌کند و سعی می‌کند تا دیدگاه‌ها و نظرات دو طرف را بررسی و تحلیل کند (پارسا، ۱۳۹۱، ص ۱۶). به‌کمک اسناد آرشیوی در زمینه توافق میان شوروی و ایران به نظرات دو کشور در این زمینه توجه خواهد شد؛ به‌عبارت‌دیگر، هیدروپولیتیک (سیاست‌های آبی) در سطح دنیا اهمیت نقش آب در مناسبات اجتماعی دولت‌ها و انسان‌ها و... را -که شامل مسائل داخلی کشورها می‌شود و مواردی همچون سازه‌های عمرانی و سدسازی را دربر می‌گیرد- در سطح منطقه‌ای یا جهانی و بین‌المللی مطالعه می‌کند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

پیشینه پژوهش: در زمینه پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله پژوهشی «نقش رودخانه مرزی اترک در مناسبات ایران و روسیه (۱۲۶۱ ش-۱۳۵۶ ش/۱۳۹۹ق-۱۳۹۷ق)» اثر دکتر باقرعلی عادل‌فر اشاره کرد که به وضعیت کلی رودخانه مزبور در دوره قاجار پرداخته و تنها در بخش پایانی مقاله به‌صورت گذرا به مطالبی در زمینه دوره پهلوی پرداخته‌است (عادل‌فر، ۱۴۰۲، صص ۷۷-۱۰۳). ولی پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد تاریخی به موضوعی خاص در دوره پهلوی یعنی بررسی تأسیسات عمرانی و سدسازی در حریم رودخانه اترک توجه کرده‌است.

در مقاله «هیدروپولیتیک رودخانه مرزی اترک و تأثیر آن بر روابط ایران و ترکمنستان» اثر پاک‌نژاد متکی و عزتی (۱۳۹۰) بیشتر روابط سیاسی در عصر حاضر و به‌ویژه روابط جمهوری اسلامی و ترکمنستان آمده و به موارد عمرانی در دوره موردتوجه پژوهش حاضر پرداخته نشده‌است. برای نمونه در مقاله «بررسی تغییرات مورفولوژیکی رودخانه اترک در بازه زمانی ۲۰ ساله» نوشته سیامک شرفی و همکاران نیز تنها جنبه جغرافیایی در دوره معاصر موردتوجه بوده‌است. پژوهش «تأثیرگذاری عوامل هیدروژئومورفولوژیک در تغییرات زمانی و مکانی بخش میانی رودخانه اترک» تألیف مجتبی یمانی و همکاران هم مقاله دیگری است که به رودخانه مزبور پرداخته؛ ولی این مقاله نیز همچون آثار دیگر جنبه جغرافیایی را موضوع مطالعه خود قرار داده‌است. کتاب هیدروپولیتیک رودهای مرزی یارمحمد بای (۱۳۸۴) هم از آثار مهم و ارزشمندی است که در زمینه رودخانه‌های مرزی ایران چاپ شده‌است. تمایز اثر مذکور با پژوهش حاضر در نپرداختن به رودخانه اترک

به عنوان یک بستر مرزی مهم است. به طور کلی می توان گفت در زمینه موضوع حاضر تحقیقی تاریخی با نگرش پژوهش سندی به جایگاه اقتصادی تأسیسات عمرانی رودخانه مرزی اترک در دوره پهلوی، انجام نشده است و تحقیقات موجود هم صرفاً یا مطالبی گذرا مربوط به این دوره در تکمیل ادوار پیشین است و یا در حوزه جغرافیایی و سیاسی امروز ایران است.

۲. جغرافیای طبیعی رودخانه اترک

رودخانه مرزی اترک در حدود شمال شرقی ایران در زمره رودهای مهم بین المللی و دائمی ایران به شمار می رود. رودخانه اترک چهار شاخه اصلی دارد که طول انشعاب اصلی آن از کوه های شاه جهان واقع در خراسان شمالی تا مصب دریای خزر ۵۸۰ کیلومتر است. مرز ایران و ترکمنستان از انشعابات اصلی و داخلی رود اترک - که در روستای چات با رود سومبار به هم درمی آمیزند - تشکیل می شود. اترک پنجمین رود طولانی ایران است و اختلاف نظرهای بسیاری درباره ماهیت نام گذاری آن وجود دارد. بعضی از مورخان نوشته اند نام این مسیل را در ابتدا «اتک» عنوان کرده اند که در زبان ترکی به «دامن» معنا شده است و چون اترک از دامنه کوه سرچشمه گرفته، به آن اتک اطلاق شده است که به تدریج نام آن به اترک تغییر پیدا کرده است. این رودخانه به طور تقریبی بین دو مدار ۳۸ و ۳۷ درجه عرض شمالی و بین نصف النهار ۵۸/۵ درجه و ۵۵/۵ درجه طول شرقی قرار گرفته است (سعیدی، ۱۳۵۳، صص ۲۳۴-۲۳۵). این رودخانه از کوه های هزارمسجد و الله رویان در استان خراسان سرچشمه می گیرد و در خلیج حسن قلی در کشور ترکمنستان امروزی به جنوب شرقی دریای خزر می ریزد. رودخانه اترک در مسیر طولانی خود، از شیروان، بجنورد و مراوه تپه عبور می کند و در روستای مرزی چات، ریزابه سومبار از جمهوری ترکمنستان به آن می پیوندد و سپس در امتداد جنوب غربی، دلتایی تشکیل می دهد و به خلیج حسن قلی می ریزد. به موجب قرارداد میان ایران و شوروی، رود اترک از چات به بعد خط مرزی دو کشور ایران و جمهوری ترکمنستان تعیین شده است. این رود با وجود اینکه برای آبیاری و زهکشی حدود ۲۷'۳۲۲ کیلومتر مربع از اراضی کشاورزی جوابگو است، ولی به دلیل مصرف بی رویه آب آن، تنها در فصول جاری شدن سیل آب آن برای کشاورزی کفایت می کند و رود تا دریای خزر امتداد پیدا می کند (رضایی مقدم و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲). در حدود دو درصد از مساحت خراسان در حوضه اترک واقع است. در حوضه اترک متوسط بارندگی سالیانه به مراتب از دو حوضه دیگر استان یعنی کال شور و گرگان رود بیشتر است؛ بنابراین در حدود ۷۰ درصد از آب های تجدیدپذیر



استان خراسان مربوط به حوضه اترک است. رودخانه اصلی اترک در تقریباً ۵۸۰ کیلومتر از خاک کشورمان جاری است؛ درواقع اترک انشعابات فراوان دیگری نیز دارد. لازم به ذکر است که رودخانه اترک در مرز چات تا داشلی برون به طول حدود ۹۵ کیلومتر مرز بین ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد (بوستانی و اسماعیلی، ۱۳۹۴، ص ۶۸). نفوذ تدریجی سیلاب‌های فصلی رودخانه اترک به کرانه‌هایش و هم‌چنین نفوذ آب به رسوبات آبرفتی بسترش، نقشی بااهمیت در تقویت بعضی از سفره‌های زیرزمینی دشت‌های مجاور همچون دشت شیروان ایفا کرده‌است. حکومت در دوره پهلوی برای کنترل و اندوختن آب‌های سطحی در نقاط مختلف استان چند سد مخزنی بر روی رودخانه اترک احداث کرده‌است و مقدار زیادی از آب مورداحتیاج استان برای تولید برق، و مصرف در کشاورزی، آشامیدنی، بهداشت، و صنعت را از این رودخانه تأمین می‌کند (بای، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

۳. آغاز عملیات و مطالعات اقتصادی برای بهره‌برداری از رودخانه اترک

نخستین گام‌ها برای کاهش چالش‌های آبی بین ایران و شوروی پس از تغییرات سیاسی رخ داده در هر دو کشور، به عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م برمی‌گردد. این قرارداد درواقع ادامه قرارداد آخال بود و باوجوداینکه بخش پایین‌دست تمامی رودخانه‌ها و نه‌های داخلی ایران از نقطه صفر مرزی سرخس کهنه تا ساحل شرقی دریای خزر را به‌عنوان مرزهای آبی تعیین کرد، ولی روس‌ها پس از گذشت نیم‌قرن از آن قرارداد هم هیچ‌گاه به متصرفاتشان در این سرحدات آبی قانع نبودند (استادوخ، ۱۲۳/۷-۱۲۳-۳۳-۲۰-۱۳۰۸). در فصل سوم این عهدنامه، دو کشور ایران و شوروی توافق کردند که با هدف حل‌وفصل مسائل آب‌های سرحدی، کمیسیونی مرکب از نمایندگان دو کشور تشکیل شود که از اقداماتی مانند ایجاد نه‌های جدید برای انحراف آب رودخانه اترک و برداشت بیش از حقابه قبلی، الحاق زمین‌ها و چراگاه‌های کشاورزان و دامداران ایرانی به حاکمیت روسیه، و ایجاد سکونتگاه‌های جدید جلوگیری شود (استادوخ، ۱۳۰۸-۲۰-۳۳-۱۲۳-۸/۹/۱۰/۱۱/۱۲/۱۳). مطالعه اسناد موجود در آرشیو وزارت خارجه حاکی از آن است که در دوره پهلوی اراده‌ای جدی در کارگزاران دو دولت برای شروع به کار هیئت کارشناس زمین و آب «هیئت معرفه‌الارض و المیاه» فراهم آمد (استادوخ، ۱۳۰۷-۵۱-۷/۵-۱۸). از ۱۳۰۷ش تغییراتی در مشی مدیریت آب‌های سرحدی ایجاد شد و دو طرف کوشیدند برای جلوگیری از هدررفت آب رودخانه‌ها، مطابق بند ۱۷ عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ م از متخصصان فنی و میراب‌های محلی بیشتر بهره‌مند شوند و تسهیلات لازم را با هدف آمدوشد آن‌ها برای ایجاد سازه‌ها و نظارت بر اجرای تقویم آب‌رسانی فراهم کنند (استادوخ، ۱۳۰۷/۴۶۶/۱۰ تا ۱۳۰۷/۴۶۶/۱۰) و درصورت اختلاف بر نحوه

اجرای تقویم، با رجوع به مقامات و کارگزاران دولتی در محل، مطابق پروتکل موضوع را حل و فصل کنند (استادوخ، ۱۳۰۷/۴۶۷۱۵). به نظر می‌رسد که در ادامه سیاست تنش‌زدایی در سرحدات آبی خراسان و مناطق مرزی ترکمن‌نشین، طرح سدسازی بین ایران و شوروی در ۱۳۰۷ شمسی مطرح می‌شود و برای نخستین بار در نامه‌ای از محمود جم به وزارت داخله مشکلات سدسازی هری رود در سرخس با وجود حضور مهندسان روس و نمایندگان ایران در این ناحیه، برای مسئولان وزارت خارجه و ریاست وزرا به اختصار بیان می‌شود. براساس اطلاعات حاصل از متخصصان دو کشور در صورتی که طرح روس‌ها برای سدسازی اجرا می‌شد، اراضی زیادی از کشاورزان ایرانی در بستر رودخانه‌ها به زیر آب می‌رفت (استادوخ، ۱۳۰۷/۴۶۷۷۱). از این پس تا حدود سه دهه اجرای طرح‌های عظیم سدسازی به تأخیر افتاد. در حدود خردادماه سال ۱۳۳۵ شمسی مطالعات اقتصادی طبق ماده چهارم عملیات طرح‌های مقدماتی در دو سوی اترک توسط ایران و شوروی در قسمت ترکمنستان شروع شد. این مطالعات در واقع به دلیل تعیین خسارت‌هایی انجام شد که ممکن بود در نتیجه احداث مخزن‌ها و تأسیسات و نهرها برای زمین‌های ساختمانی رخ دهد و یا نواحی‌ای که ممکن بود زیر آب برود و یا سفره آب زیرزمینی آن‌ها بالا بیاید (ساکما، ۱۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۱۷۰).

عملیات مزبور برای انجام کارهای مقدماتی تهیه طرح پروژه به شرح زیر بود: مرحله اول قطعات مرزی رودخانه اترک را اکتشاف می‌کرد. قبل از اینکه مطالعات شروع شود در تمام طول قسمت‌های مرزی رودخانه مزبور اکتشاف انجام شد و در نتیجه این اکتشافات مکانی برای تعیین محل سدهای آبگیر و قطعه ابتدایی هر نهر اصلی و ایستگاه‌های هیدروالکتریک در این قطعات معلوم شد و هم‌چنین حجم کارهای مطالعاتی لازم برای تهیه طرح مقدماتی استفاده مرکب از قسمت سفلائی رودخانه ارس (از تنگه قیزقلعه‌سی تا منتهی‌الیه قسمت مرزی) که هم‌زمان با اترک انجام می‌شد^۱ و تمام قسمت مرزی رودخانه اترک تعیین شد (ساکما، ۱۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۱۸۸).

در مرحله دوم مطالعات بر رودخانه اترک انجام شد که عبارت بود از:

۱. عملیات نقشه‌برداری و ژئودزی (ژئودزی، همان تعیین ابعاد و شکل زمین در مقیاس‌های مختلف است) شامل: الف) ترازیبی طولی قسمت مرزی رودخانه؛ ب) نقشه‌برداری طرفین رودخانه در نقاطی که برای احداث سد و ایجاد مخزن در نظر گرفته شده بود و هم‌چنین برداشت مقاطع عرضی بستر رودخانه؛ ج) تعیین مسیر نهرهای اصلی و تقسیم طول نهرها برحسب مقاطع عرضی آن‌ها به تعداد مورد لزوم؛ د) نقشه‌برداری نقاطی که برای احداث ایستگاه‌های هیدروالکتریک و سایر تأسیسات در نظر گرفته شده بود؛ ه) تعیین مختصات چاه‌ها و گمانه‌های زمین‌شناسی و ارتفاع دهانه آن‌ها روی نقشه

۱. از دهه ۱۳۲۰ شمسی هم‌زمان با فعالیت‌های عمرانی و مطالعاتی در حوزه رودخانه اترک، مطالعات و اقدامات مهمی نیز بر روی رودخانه ارس انجام می‌شد.



و تعیین ارتفاع و مختصات نشانه‌های ترازیابی که در خاک ایران نصب شده بود نسبت به ارتفاعات سیستم دریای بالتیک و سیستم واحد مختصات عملیات زمین‌شناسی بعداز انجام عملیات صحرایی و آزمایشگاهی و گزارش زمین‌شناسی تنظیم شد (ساکما، ۱۶۶-۰۳۷۰-۰۰۲۸۰۶).

۲. عملیات هیدرولوژی طبق مطالعات انجام‌شده سال‌های قبل در رودخانه اترک و شعب آن برای قسمت مدنظر تنظیم شد. در موقع تنظیم خلاصه مشخصات مزبور، مقدار آب تمام انهار که در تمام مدت مطالعات با هدف آبیاری از این رودخانه برداشته می‌شد، در نظر گرفته نمی‌شد. در خلاصه مشخصات هیدرولوژی، اطلاعاتی شامل موارد زیر ذکر شده بود: الف) وضع مطالعات هیدرولوژی رودخانه‌های اترک و سوم‌بار و ذکر اندازه‌گیری‌ها به لحاظ تعداد و محل ایستگاه‌ها و مدت و نوع مطالعات؛ ب) آبدهی متوسط دهروزه و مجموع سالانه مقدار کل آب که از رودخانه‌های اترک و سوم‌بار می‌گذرد برای تمام مدتی که مطالعات انجام شده است؛ ج) آبدهی متوسط، حداکثر، و حداقل سالانه؛ د) اطلاعات مواد معلق و رسوبات متحرک کف رودخانه با ذکر جنس ذرات؛ ه) اطلاعات رژیم رودخانه در فصل زمستان؛ و) اطلاعات ترکیب شیمیایی آب؛ ز) آبدهی مشخص که به عنوان مبنای حساب برای تهیه پروژه توصیه شده بود، در موقع تعیین مقدار کلی آب رودخانه، با میزان آبدهی رودخانه‌های مشابه مانند گرگان‌رود و کشف‌رود مقایسه شد. بدین ترتیب در محل‌های احداث مخزن آب، مطالعات اندازه‌گیری آب شروع شد و نتایج مطالعات با نتایج مطالعات ایستگاه‌های هیدرولوژی بیات‌خوجه در خاک شوروی و مراوه‌تپه در خاک ایران مقایسه و ترکیب شد (ساکما، ۱۶۸-۰۳۷۰-۰۰۲۸۰۶).

۳. مطالعات اقتصادی در قسمت‌های مربوط به رودخانه اترک که پیش‌ازین نیز اشاره شد.

۴. کارهای مربوط به تهیه پروژه در قطعات مربوط به رودخانه اترک.

پس از انجام تمام کارهای مطالعاتی به‌ترتیبی که در بالا شرح داده شد با هدف استفاده آبیاری و نیروی برق از آن قسمت از رودخانه ارس که بین قیزقلعه‌سی و منتھالیه قسمت مرزی این رودخانه واقع است و همچنین از تمام قسمت مرزی رودخانه اترک چند واریانت^۱ و طرح مقدماتی تهیه شد که این واریانت‌ها با مراعات اصل تقسیم و انحراف پنجاه درصد آب به هریک از دو ساحل در نقاطی مناسب‌تر برای احداث سد روی رودخانه مرزی تهیه شد. در این پروژه نمودارهایی با در نظر گرفتن توسعه آبیاری و نیروی آب در قسمت‌های علیای حوزه‌های رودخانه‌ها تنظیم شده بود. بدین ترتیب که در صورت پذیرش طرف ایرانی راجع به توسعه، پروژه‌های مقدماتی (برای آبیاری و نیروی برق) به

۱. واریانت به مجموعه‌ای از گزینه‌های فنی یا مسیرهای ممکن در حوزه رودخانه‌ها برای تعیین محل مناسب برای سدسازی و یا تأسیسات آبی گفته می‌شود که برای تصمیم‌گیری نهایی بررسی می‌شوند.

مبنای اطلاعات مربوط به وضع فعلی آبیاری و نیروی آب در طرف ایران خواهد شد؛ به این شرط که کمبود اطلاعات راجع به توسعه بعداً تکمیل و در مرحله بعدی تهیه پروژه (پروژه اصلی) در نظر گرفته شود. تمام اطلاعات موجود راجع به مطالعات جریان مایع و غیر مایع رودخانه اترک در ایستگاه هیدرولوژی مراوه تپه و اطلاعات راجع به ترکیب شیمیایی آب و... تا یک ماه پس از شروع موعد اکتشاف، تسلیم طرف شوروی شد.

بررسی اسناد نشان می‌دهد که دولت ایران برای بهبود عملکرد، در چند مورد نتیجه مطالعات و اطلاعاتش را به شوروی ارائه داده است؛ از جمله: اطلاعات چندین ساله راجع به مقدار متوسط ماهانه نزولات جوی و تبخیر در حوزه‌های رودخانه‌های اترک و گرگان رود و کشف رود و همچنین اطلاعات راجع به مقدار نفوذ آب در خاک در حوزه‌های مذکور برای مدت یک ماه و نیم، پس از شروع اکتشاف به شوروی تسلیم شد و نیز نتیجه برآورد مقدار آب، با در نظر گرفتن مصرف آبیاری کشاورزان در مدت بیست سال که ماهانه از خاک ایران تا ابتدای قسمت مرزی وارد رودخانه اترک می‌شد، توسط مطالعات ایستگاه هیدرولوژی بیات خوجه شوروی طی چهار ماه پس از شروع اکتشاف به ایران واگذار شد (ساکما، ۱۸۴-۰۲۸۰۶-۰۰۳۷۰). سپس نمودارهای مصرف آب از مخزن با هدف آبیاری اراضی واقع در خاک ایران به میزانی که برای سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۰ در نظر گرفته شده بود، مبتنی بر حق استفاده ۵۰٪ طرف ایرانی از منابع آب (برحسب میزان متوسط دهروزه) به دولت شوروی تسلیم شد (ساکما، ۱۷۰-۰۲۸۰۶-۰۰۳۷۰). در نهایت طرفین ایران و شوروی به تعداد مساوی پست‌های اندازه‌گیری آب در محل‌های در نظر گرفته شده برای سدها، تأسیس کردند (ساکما، ۱۷۸-۰۲۸۰۶-۰۰۳۷۰).

۴. اقدامات حکومت پهلوی روی رودخانه اترک با هدف کشاورزی و تولید

برق

برای حل مشکلات سالانه‌ای که میان دو سرزمین ایران و شوروی (قسمت ترکمنستان) بر سر مسئله آب رودخانه اترک ایجاد می‌شد و استفاده بهینه از این منبع آبی، توافقات و مطالعات گسترده‌ای میان حکومت پهلوی و شوروی انجام شد. البته معمولاً این گونه مطالعات بر روی رودخانه مرزی اترک هم‌زمان با رودخانه ارس انجام می‌شد؛ دلیل آن را می‌توان در قرار گرفتن دو رودخانه مزبور به صورت مشترک در مرز شوروی دانست. معاهدات و توافق‌نامه‌هایی بین ایران پهلوی و شوروی بسته می‌شد و مطالعاتی نیز در این راستا انجام می‌شد. از جمله در ژوئن ۱۹۵۷ م موافقت‌نامه‌ای دوزبانه در ۸ ماده و دو نسخه بسته شد که هدفش برقراری روابط دوستانه و از بین بردن چالش‌های استفاده از این منبع آب برای



بهره‌وری از آن در تولید نیروی برق و آبیاری به‌صورت مشترک بود و قرار بر این شد که عملیات اکتشافی توسط هیئت‌های کارشناسان دو طرف بیشتر از سه ماه طول نکشد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۰۴۲). بعد از انجام مطالعات توسط دو طرف، شرایط تقسیم آب تعیین شد و اکیپ‌های مختلطی شامل پنج متخصص و مترجم برای انجام پروژه مقدماتی به کار مشغول شدند. نکته‌ای که در قرارداد به آن اشاره شده بود این بود که انجام مطالعات کارهای اجرایی مربوط به پروژه و ایجاد تأسیساتی مانند سدها و مخزن‌ها به‌صورت مشترک انجام شود؛ ولی انجام کار به این شکل بود که کارهای پروژه و مطالعات آن در خاک اتحاد جماهیر شوروی را متخصصان شوروی و در خاک ایران را متخصصان ایرانی طبق برنامه انجام دادند (ساکما، ۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۰۴۴). البته در توافق اجازه استخدام متخصصان هم برایشان بود؛ به‌ویژه اینکه نقشه‌برداری و ژئودزی بایستی از سیستم ارتفاعات دو طرف انجام می‌شد؛ بنابراین طبق مواد ۳ و ۴ عهدنامه اجازه عبورهای مکرر مرزی به متخصصانی که استخدام می‌شدند داده شده بود (ساکما، ۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۰۴۶).

بعد از انجام مطالعات و پروژه‌های مقدماتی بین ایران و شوروی، موعد انجام کار و تقسیم آن تعیین شد. اکتشاف قطعات مرزی رودخانه اترک به‌وسیله اکیپ‌های مختلطی انجام شد. مأموران انجام این کار به تعداد پیش‌بینی شده استخدام شده بودند. طبق توافق قرار شد طرفین تا مدت یک ماه کارهای اکتشافی را هم‌زمان در هر دو طرف رودخانه انجام دهند و تنظیم پروتکل‌های مربوط به اکتشافات انجام‌شده و تنظیم برنامه مطالعات بعدی را ظرف بیست روز به پایان برسانند و گزارش آن را ظرف ده روز در اختیار دو کشور قرار دهند. کارهای نقشه‌برداری و ژئودزی ساختمان در رودخانه مرزی اترک، و نیولمان^۱ طولی رودخانه را طرف شوروی با شرکت کارشناسان ایرانی انجام داد. کارهای نقشه‌برداری نهرهای اصلی و ساختمان‌های آبگیر و مخزن‌های آب در خاک هر کشور را هم خود آن کشور انجام داد. نقشه‌برداری قطعاتی از رودخانه‌ها که برای ساختمان سد و آبگیر و مخزن در نظر گرفته شده بود و پروفیل‌های طولی نهرهای اصلی چهار ماه طول کشید و نقشه‌برداری قطعاتی که برای ساختمان ایستگاه‌های هیدروالکتریک در نظر گرفته شده بود و هم‌چنین نقشه شماتیک ناحیه ۶ ماه طول کشید (ساکما، ۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۱۳۲). اقدامات انجام‌شده توسط حکومت پهلوی در خصوص رودخانه اترک، به گزارش بنگاه مستقل آبیاری وقت و برطبق مطالعات هیدرولوژی شامل آب تمام نهرهای منشعب از این رودخانه بود که این مطالعات آبیاری در مطالب پیشین ذکر شد (۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۱۳۶). اقدامات انجام‌شده در این مرحله، در ۲۰ مرداد ۱۳۳۶ ش / ۱۱ اوت ۱۹۵۷م در قراردادی با ۱۱ ماده تنظیم شد و میان اتحاد جماهیر شوروی و حکومت پهلوی امضا شد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۲۸۰۶-۰۲۲۴).

۱. نیولمان: تراز یابی دقیق برای طرح‌های عمرانی.

۵. طرح‌های توسعه عمرانی در حوزه رود اترک

حکومت پهلوی برای بهره‌برداری بیشتر ایران از حوزه رودخانه مرزی اترک به ایجاد برخی طرح‌های عمرانی توجه کرد. طرح‌های مزبور شامل سدسازی، پل‌سازی و تأسیساتی از این قبیل بود. پروسه‌ای که در اسناد هم بازتاب یافته است تأمین بودجه این طرح‌ها بوده است. مکاتبات مدیرعامل طرح‌های عمرانی در این مناطق با سازمان برنامه و بودجه برای تأمین اعتبار گاهی با مخالفت مرکز مواجه می‌شده و اجرای طرح‌ها را کند می‌کرده است. البته گاهی هم با تصویب به موقع طرح و همکاری سازمان آب و برق، بودجه مناسب تخصیص می‌یافته است (ساکما، ۰۰۴۰-۰۸۰۷۹-۰۲۲۰). برای تنظیم و اجرای طرح‌های مزبور همواره پیش از اجرا طرحی مطالعاتی انجام می‌شد تا همه جوانب کار بررسی و میزان هزینه‌ها برآورد شود. این طرح مطالعاتی شامل حقوق و دستمزد و هزینه پرسنل، مواد و لوازم مصرفی، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز و... بود (ساکما، ۰۰۴۱-۰۸۰۷۹-۰۲۲۰). در نهایت شرکت مهندسان مشاور مهران که مسئولیت این پروژه را داشت، گزارش ماهانه پیشرفت عملیات عمرانی را منظم به مرکز ارسال می‌کردند تا پیشرفت کار خود را نشان دهند (ساکما، ۰۰۷۲-۰۸۰۷۹-۰۲۲۰).

الف) سدسازی

اراضی کشاورزی گسترده، و حوزه‌های شهری و روستایی متعدد با جمعیت قابل توجه و هم‌چنین سازه‌های آبی مختلفی از جمله پل‌ها و سدهای متعدد در محدوده اترک واقع شده‌اند که از نوسانات آبی این رودخانه تأثیر می‌پذیرند. از آنجاکه ترکمن‌های دامدار و کوچ‌نشین به سد نیازی نداشته‌اند، در سرشاخه‌های حوضه اترک برخلاف آنچه در روی سرشاخه‌های کشف‌رود در قرون قبل ساخته شده است به سد و بندهای مهمی بر نمی‌خوریم و تعداد معدودی سد و بند هم اگر بر روی اترک و یا سرشاخه‌های آن بوده، استفاده از آن‌ها به‌طور عمده منسوخ شده است. ساختن سدی با استحکام و احداث تأسیسات آبی پیچ‌در‌پیچ آن‌هم در محلی در نزدیک چات که بتواند نیازهای آبی شهری را تأمین کند مربوط به تمدنی پیشرفته و جامعه‌ای یکجانشین و با معیشت کشاورزی است. این گونه سازه‌ها معمولاً زمانی خراب می‌شود که آن جامعه رو به انحطاط بگذارد یا در حال تغییر معیشت باشد. اسناد و مدارک کتاب‌های وقف‌نامه و آثار باستانی باقی‌مانده از قبیل سدها و غیره بیانگر آن است که قبل از حمله مغول بخش عمده‌ای از سرزمین اترک، به‌ویژه ناحیه قوچان، شیروان و بخشی از بجنورد مسکون و آباد بوده است (بیهقی، ۱۳۵۶، ص ۵۶۹). بارتولد در این باره می‌گوید: «اکنون فقط عدهٔ خیلی از روستاهای ترکمن از آب بخش سفلاهی رود اترک استفاده



می‌کنند. در حال حاضر در محدوده ترکمنستان شهری که از رودخانه اترک یا دیگر شاخه‌های آن مشروب گردد، وجود ندارد؛ ولی ویرانه چنین شهری که اکنون به نام «مشهد مصریان» معروف است محفوظ مانده است. زمانی به یاری تأسیسات آبیاری پیچ‌درپیچی آب اترک به این شهر و پیرامون آن که اکنون بیابان است رسانده می‌شد و به گفته جهانگردان [این] شهر در ۶۰ ورستی^۱ چات قرار داشت [هست]» (بارتولد، ۱۳۵۰، ص ۳۹). ولی در دوره معاصر طبق مذاکرات مجلس و اسناد موجود، با احداث سد و یا تقسیم این منبع آب مشترک، اقدامات مدیریتی زیادی در زمینه رودخانه اترک بین ایران و جمهوری ترکمنستان انجام شده است. هم‌چنین نمایندگان این ناحیه در مجلس هم گاهی از دولت وقت خواستار ایجاد سد هایی در مقابل طغیان رودخانه اترک شده‌اند. برای نمونه در مذاکرات مجلس شورای ملی به تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۳۱ ش در نشست چهل و هشتم در بخش مربوط به راه و ارتباطات کشور به عملیاتی پرداخته شده است که با جدیت در همین سال ادامه داشته است؛ به شرح زیر: الف) مطالعات برای تهیه طرح و مناقصه و قرارداد حفر کانال با هدف جلوگیری از طغیان رودخانه اترک؛ ب) آبیاری و سدسازی؛

خلاصه عملیات انجام شده در امور سدسازی به شرح زیر بود: سازه‌های آبی، تولید برق، لای‌روبی، و احداث پل (صورت مذاکرات مجلس، ۲۷ آذر ۱۳۳۱ ش؛ نشست ۴۸۰). در سال ۱۳۵۶ ش نیز نماینده قوچان طی مکاتباتی با آموزگار نخست‌وزیر وقت از تخریب خانه‌ها و آسیب‌های جانی و مالی و نیز از بین رفتن محصولات کشاورزی بر اثر سیلاب‌های فصلی ناشی از طغیان رودخانه اترک یاد می‌کند و تنها عامل این خسارات سالانه را فقدان سد بر رودخانه مزبور می‌داند و به همین علت درخواست تخصیص هزینه توسط دولت برای تأسیس سد و بازسازی خرابی‌های ناشی از سیل را مطرح می‌کند (ساکما، ۰۰۸۱ تا ۰۰۷۹-۰۰۸۰۷۹-۲۲۰). در همین سال در پی درخواست نماینده مردم قوچان در مجلس، سازمان بودجه اعتباراتی را برای مطالعه رودخانه اترک تخصیص داد و اقدامات اولیه در این زمینه آغاز شد که برای کسب اعتبار لازم گزارش ماهانه پیشرفت عملیات به اداره آب، و سازمان بودجه فرستاده می‌شد (ساکما، ۰۰۹۴-۰۰۸۰۷۹-۲۲۰).

انحراف مسیر رودخانه اترک از مجرای اولیه آن از جمله مشکلاتی بود که همواره بر سر راه تأسیسات سدسازی و سایر طرح‌های عمرانی اطراف آن به وجود می‌آمد. شوروی با مطالعات دقیقی که از پیش انجام داده بود، از این لحاظ مشکلات کمی در ترکمنستان داشت؛ ولی ایران با وجود طرح مطالعاتی دقیق و پیش‌بینی وقایعی از این دست سال‌ها طول کشید تا به فکر راه چاره‌ای بیفتد؛ از طرفی و مهم‌تر از همه تخصیص بودجه در این موارد هم به‌کندی انجام می‌شد. برای نمونه در سال ۱۳۴۸ ش در قسمتی که پروژه سدسازی ده

۱. ورست: واحد اندازه‌گیری طول در روسیه
(البته این واژه بیشتر در زمان حاکمیت اتحاد
 جماهیر شوروی رایج بود).

سال پیش از این تاریخ آغاز شده بود، در حوزه پاسگاه ولی محمد، آب در دهانه سد به دلیل اشتباهات فنی مهندسان و بازگشت طبیعی جریان سیلاب فصلی که هر سال رخ می داد، از مسیر اولیه منحرف شد. این انحراف به حدی بحرانی بود و موجب خرابی و سیل شد که مرزنشینان کنار اترک شکایات متعددی به استانداری مازندران بردند که انحراف آب موجب ازبین رفتن محصول گندم و جو آن ها شده است (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۸۰؛ ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۸۶). ناچار برای حل این مشکل مکاتباتی میان ژاندارمری کل -که زیر نظر ارتش بود و در امور اجرایی در سطح استان ها با استانداری ها همکاری می کرد- با وزارت آب و برق انجام شد. ژاندارمری برای بستن دهانه انحرافی در این قسمت، از مرکز بولدوزر درخواست کرد و برای بریدن شاخ و برگ درختان گز موجود در محل و تهیه قالب های سیمانی دستور داد و سپس مانند کشور هم جوار رودخانه مرزی یعنی شوروی با به کارگماردن کارگران برای انسداد دهانه انحرافی اقداماتی انجام داد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۰؛ ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۲؛ ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۴). البته اسناد نشان دهنده کندی اقدامات انجام شده در آن مقطع است؛ مثلاً با وجود مکاتبات ژاندارمری با وزارت آب و برق در زمینه ارسال بولدوزر، مدت زمانی طول کشیده است تا بولدوزر به ناحیه اعزام شود (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۶۲) و یا وزارت آب و برق با دلایلی همچون دراختیار نداشتن اعتبار کافی و اینکه در فصل آبیاری اعتباری برای این اقدام منظور نشده است، از نخست وزیری اعتبار درخواست کرد و نخست وزیری نیز به بهانه اینکه این اعتبارات از قبل پیش بینی نشده است و در تعهد این نهاد نیست، از تأمین آن سر باز می زد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۶۸؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۷۲). تا اینکه بعد از بررسی های وزیر آب و برق، از محل اعتبارات دولت مبلغی را برای این اقدام اختصاص دادند و کار بعد از مکاتبات این سازمان انجام شد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۹۶). در سال های بعدی یعنی در سال ۱۳۵۶ش نیز برای طرح های عمرانی مربوط به سدسازی در پی طرح مطالعاتی برای ایجاد سدهای کوتاه در استان خراسان درخواست بودجه و مجوز شروع عملیات داده شد. در جریان پروسه طرح سدسازی بر اترک مکاتباتی میان سازمان بودجه و نخست وزیری انجام شد که در این سال به عنوان اولویت طرح سدسازی در خراسان مطرح و اجرا شد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۷۸؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۷۹). در این پروژه ها روال به این شکل بود که مهندسان و شرکت های برنده مناقصه کار را شروع می کردند؛ برای نمونه شرکت مهندسان مشاور اگروکمپلکت اجرای پروژه سدسازی همین سال را برعهده گرفته بود و با ارائه اطلاعات لازم در زمینه هواشناسی، آب شناسی، خاک شناسی و کشاورزی منطقه، تأسیس سد در این ناحیه را مناسب دید و فعالیت خود را زیر نظر وزارت نیرو آغاز کرد (ساکما، ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۷۲).



۲۲۰-۰۰۸۰۷۹). باتوجه به اسناد موجود، در یک بررسی میدانی سدها و طرح‌هایی عمرانی احداث شد که سد وشمگیر نمونه‌ای از آن بود.

ب) احداث پل

یکی از شهرهای مهم کنار رودخانه اترک، قوچان بود که در مسیر ارتباطی روسیه (مشهد- قوچان-عشق‌آباد) قرار داشت. تجارت و رفت‌وآمد با عشق‌آباد از طریق گمرک باجگیران و درگز انجام می‌شد. بخشی از کالاهای اروپایی از مسیر گمرک باجگیران وارد خراسان می‌شد. خط سرویس حمل‌ونقل پستی بین قوچان و باجگیران نیز در ۱۲۹۷ش راه‌اندازی شده بود (ساکما، ۴۸۹۴-۲۴۰، ص ۳). نداف در مصاحبه‌ای با کارشناسان محلی به این گزارش رسیده است که: موقعیت مکانی قوچان به گونه‌ای بوده است که به‌طور طبیعی بخش قابل توجهی از پیرامون شهر را مسیر اترک احاطه کرده بوده‌اند و شهر احیاناً به ساخت بارو نیازی نداشته است (نداف، ۱۴۰۰، ص ۵۵). در ایامی از سال عبور و مرور از رودخانه اترک برای کاروان‌ها و وسایل نقلیه بسیار دشوار و پردردسر بود. پل چوبی قدیمی (نداف، ۱۴۰۰، ص ۵۷) نیز جوابگوی عبور و مرور کاروان‌ها و وسایل نقلیه مدرن نبود؛ بنابراین یکی از نیازهای شهر جدید احداث پلی بر روی رودخانه اترک بود تا عبور و مرور از رودخانه را آسان‌تر کند. اسناد مربوط به همکاری فرمانداری قوچان، آستان قدس رضوی و شهرداری مشهد برای ساخت پل بتنی قوسی قوچان حاکی از آغاز مطالعات احداث پل در ۱۳۱۷ش است. در مهرماه این سال، مهندس الکساندر پولاک اهل کشور رومانی به استخدام وزارت داخله ایران درآمد و برای بررسی احداث ساختمان پلی بر روی رودخانه اترک و همچنین ساختمان‌های دیگر وارد شهر قوچان شد و طراحی و نظارت بر ساخت پل برعهده او گذاشته شد که این کار در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ش-۱۳۱۹ش انجام شد. پولاک در عزیمت به قوچان کارهای مطالعاتی‌اش برای احداث پلی بر روی رودخانه اترک را انجام داد (نجف‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۵۷). او براساس مطالعات خود بر روی رودخانه اترک و سایر اطلاعاتی که از افراد محلی و مسئولان قوچان به‌دست آورده بود باید در مسیر خروجی شمال شهر به سمت باجگیران، درگز و عشق‌آباد پلی مناسب بر روی رودخانه طراحی می‌کرد. یقیناً وضعیت رودخانه اترک که در ماه‌های پربارش سال به‌ویژه در فصل بهار احتمال طغیان و وقوع سیلاب داشت نیز موردتوجه او قرار داشت. به‌طور یقین پولاک از سرمای زودرس قوچان که به‌زودی فرامی‌رسید نیز موضوعاتی شنیده بود که می‌توانست شرایط را برای نیروی کار و همچنین برای سازه او دشوار کند. تهیه نقشه و طراحی پل در اواخر دی‌ماه پایان یافت و پولاک پلی از نوع بتنی قوسی را بر روی رودخانه اترک

طراحی کرد که نظیر آن را تا آن زمان در خراسان انجام نداده بود (نداف، ۱۴۰۰، ص ۵۶). عملیات احداث پل در فروردین ۱۳۱۸ش آغاز و در مهرماه همان سال پایان یافت و در آذرماه ۱۳۱۸ش پل افتتاح شد. مطابق اسناد، تمام خریدهای لازم اعم از انواع آهن آلات، سیمان و... برای ساخت پل قوچان را کارپردازی آستان قدس رضوی انجام داد و سپس بهای آن‌ها را فرمانداری قوچان به آستان قدس رضوی پرداخت کرد. برخلاف تصویری که تاکنون مبنی بر ساخت این پل توسط شرکت‌های خارجی وجود داشته است، در اسناد موجود به شرکت سازنده خارجی اعم از آلمانی و یا کشوری دیگر اشاره نشده است؛ بلکه دو کارشناس از کشورهای رومانی و مجارستان که با آستان قدس رضوی همکاری کرده‌اند، در ساخت آن شرکت داشته‌اند (نداف، ۱۴۰۰، ص ۶۶). پل دیگری که در این دوره با همکاری شوروی بر رودخانه اترک ساخته شد پل تله‌فریک^۱ بود که به گزارش ژاندارمری، در سال ۱۳۴۸ش با حضور افسران و کارگرانی از دولت شوروی مشترکاً با ایران ساخته شد (ساکما، ۲۵۶-۰۱۵۱۹-۳۷۰).

ج) جاده‌سازی

از قدیم در نواحی اطراف رودخانه اترک جاده‌هایی وجود داشت. در دوره پهلوی با توجه به مسائل مرزی و توافقاتی که در این زمینه شده بود برای ایجاد جاده‌های اصولی تر برای عبور ماشین‌آلات و مسیرهای تعیین شده اقداماتی انجام شد. گزارش شهربانی گرگان در سال ۱۳۲۵ش به تجاوزات شوروی به حریم مرز ایران در ناحیه اترک اشاره دارد. این گزارش حاکی است که مأموران شوروی از معبر رودخانه چات نقطه مرزی مشترک دو کشور عبور کرده‌اند و به قلمرو ایران وارد شده‌اند؛ به گونه‌ای که صدای تخریب و انفجار جاده‌سازی غیرقانونی آن‌ها موجب مزاحمت اهالی مرزی شده است. ارسال این گزارش از اداره مأموران مرزی اترک در گنبدکاووس به فرمانداری گرگان و سپس به دولت وقت نشان‌دهنده تجاوزات شوروی به حریم ایران بود (ساکما، ۰۰۲-۰۳۴۹۱-۲۹۰). جاده‌سازی در این ناحیه همان‌طور که اشاره شد بیشتر توسط شوروی اجرا می‌شد؛ تا اینکه با ارائه دادخواست اهالی مرزنشین اینچ‌برون و تنگلی به فرمانداری دشت گرگان در مازندران به سال ۱۳۴۸ش مشخص شد که سیل سال گذشته نه تنها باعث تغییر مسیر بستر رود اترک در نواحی ولی محمد و داش‌برون شده است، بلکه این قسمت را نیز درگیر کرده است. در واقع این انحراف همواره به نفع شوروی بود؛ چون در اثر سیلاب‌های فصلی لبه‌های اترک به سمت ایران متمایل می‌شد و بستر خاک به سمت ترکمنستان متمایل می‌شد و در نتیجه آب مورد استفاده مزارع ساکنان روستاهای اطراف اترک و حتی داش‌برون قطع می‌شد و راه‌های عبوری هم منهدم می‌شد

۱. تله‌فریک: سازه‌ای است که کابل‌های تله‌فریک از روی آن عبور می‌کنند.



و پل‌های مسیر جاده ازبین می‌رفت (ساکما، ۱۱۲-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). به‌گزارش اسناد دوره پهلوی تا مدت‌ها راه‌های مناسبی در اطراف رود اترک وجود نداشت و به‌طوری‌که پیشتر اشاره شد در همین سال برای اقدامات مربوط به جلوگیری از انحراف بستر رودخانه اترک به بولدورز نیاز بود؛ ولی به‌دلیل نبود جاده‌های مناسب عبور ماشین‌آلات سنگین با موانع زیادی مواجه بود. این موضوع موجب شد دولت برای تأسیس جاده‌های مناسب در کنار اترک به فکر بیفتد و عملیات جاده‌سازی را آغاز کند (ساکما، ۱۶۴-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰).

د) کانال‌کشی

پیش از این‌که مسئولان وقت دوره پهلوی برای سدسازی به‌عنوان راه‌حلی درمقابل طغیان‌های فصلی اترک تصمیمی بگیرند، طرح احداث کانال چندین بار مطرح شد. مکاتبات میان نخست‌وزیر و وزیر کشاورزی ابتدا این اقدام را هزینه‌کردن بی‌فایده و بی‌نتیجه می‌دانستند. کانال‌کشی‌های سابق پاسخگو نبود و طبق برآورد اشاره‌شده در اسناد احداث نهری جدید و یا کانال‌کشی برای جریان‌دادن آب و یا زه‌کشی به‌دلیل ثبات‌نداشتن بستر رودخانه مقرون‌به‌صرفه نبود؛ زیرا رودخانه اترک به‌سهولت بستر خود را تغییر می‌داد و این تغییر هر بار به‌ضرر ایران بود و اشکالات مرزی ایجاد می‌کرد؛ بنابراین با مطالعات دقیقی که مهندسان در سال ۱۳۳۳ش در این ناحیه انجام دادند موضوع کانال‌کشی در این زمان منتفی اعلام شد (ساکما، ۰۰۶-۰۵۷۲۵۶-۰۲۳۰). تااینکه در سال ۱۳۴۷ش به‌دلیل مشکلاتی که تغییر مسیر اترک به‌وجود آورده بود دولت ایران مکاتباتی را با شوروی در زمینه احداث کانال‌های انحرافی درطول رودخانه اترک انجام داد و طی آن سفارت شوروی موافقت خود را با احداث کانال و اندازه‌گیری متناوب آب رودخانه اترک اعلام کرد (ساکما، ۰۴۲۱-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). درواقع در این کانال‌کشی‌ها علاوه‌بر مسائل حفاظتی، آبیاری مراتع چات نیز موردتوجه بود. به‌همین دلیل باوجود هزینه زیاد احداث کانال برای آبیاری زمین‌های کشاورزان هیئت دولت تصمیم گرفت کانال را احداث کند (ساکما، ۰۴۲۵-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰)؛ که در گزارش‌ها و عکس‌های تهیه‌شده مربوط به کانال آب‌رسانی منطقه چات منشعب از اترک در همین سال (۱۳۴۷ش) ژاندارمری جوانب و میزان اعتبار لازم را بررسی کرد (ساکما، ۰۴۳۹-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰).

ه) تأسیسات حفاظتی و لایروبی

انحراف بستر رودخانه اترک و تغییر مسیر آب علاوه‌بر خسارت برای کشاورزان و روستاهای اطراف همواره موجب تغییر مرز به‌نفع شوروی می‌شد. پیشروی رودخانه اترک



در خاک ایران به دلیل تغییر مسیر رودخانه، سیلاب‌ها و طغیان‌های شدیدی را به دنبال داشت که به گزارش ژاندارمری در سال ۱۳۴۸ش تنها راه کنترل آن و تثبیت مرز با شوروی، ایجاد تأسیسات حفاظتی و کناره‌بندی رودخانه در سمت ایران بود تا آب رودخانه به مسیر اصلی خود برگردد و از نفوذ کشور همسایه در خاک ایران به واسطه اترک جلوگیری شود (ساکما، ۰۲۲۴-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). در همین سال در محلی به نام ولی محمد تلاش‌هایی برای حفاظت و لای‌روبی ساحل اترک انجام شد. انجام‌نشدن به موقع این اقدامات حفاظتی موجب شده بود که در این زمان هفت هکتار از خاک ایران به طور طبیعی ضمیمه شوروی شود (ساکما، ۰۲۶۴-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). لای‌روبی مسیر رودخانه مرزی اترک برای تأمین آسایش کشاورزان روستاهای اطراف این رودخانه از جمله اقدامات ژاندارمری بود که سالانه از وزارت کشور برای انجام آن اعتبار درخواست می‌کرد و گزارش سالانه خود را به این نهاد ارائه می‌داد (ساکما، ۰۱۸۸-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). به طور معمول مکاتباتی مربوط به تأسیسات حفاظتی و کناره‌بندی اترک در نواحی مختلف مانند سومبار، ولی محمد، داش‌برون، دانشمند و ... میان ژاندارمری و وزارت آب و برق انجام می‌شد تا به نتیجه مطلوب برسد. البته رودخانه سومبار همواره مورد اختلاف دو سرزمین بود و به همین دلیل موقعیت آن بر روی نقشه تعیین می‌شد و سپس تلاش برای ایجاد اقدامات حفاظتی آغاز می‌شد (ساکما، ۰۲۷۷-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰). گزارش‌های این دوره حاکی از اقدامات حفاظتی انجام‌شده توسط سازمان آب و برق سفیدرود در اترک و سومبار است؛ که برای نمونه در سال ۱۳۴۸ش شرح اقدامات خود در نواحی کناره اترک توسط مهندسان ناظر را به وزارت آب و برق کشور ارائه می‌دهد که شکستگی‌ها و خرابی‌ها بازسازی شده‌است. سازمان مذکور هم چنین اقدامات حفاظتی‌اش را همراه با شرح بودجه مصرف‌شده به اطلاع وزارت آب و برق می‌رساند (ساکما، ۰۲۸۰ تا ۰۲۷۴-۰۱۵۱۹-۰۳۷۰).

۶. نتیجه‌گیری

در دوره پهلوی به دلیل ظهور پدیده سرمایه‌داری جهانی، ایران نیز دستخوش تحولاتی عظیم شد. یکی از این تحولات، اسکان عشایر و خانه‌سازی و توسعه کشاورزی در مسیر رودخانه‌های مرزی همچون اترک بود که برای تأمین این موارد به اقدامات عمرانی و سدسازی نیاز بود. اساساً در راستای همین تغییرات، توافقاتی میان دو کشور ایران و شوروی انجام شد. در واقع سکونت دائم عشایر در کنار رودخانه به دلیل تخته‌قاپوشدن در این دوره، سبب قطع درختان کنار رودخانه برای خانه‌سازی شد و همین کار موجب فرسایش خاک و سیلاب‌های شدید شد. در این راستا برای مدیریت این آسیب توافقاتی با کشور همسایه امضا شد.



ایران یکی از کشورهای کم آب جهان محسوب می شود؛ بنابراین بهره برداری صحیح از آب رودخانه های مرزی همچون اترک در دوره پهلوی مورد توجه دولت قرار گرفت. مدیریت اختلافات این حوزه موجب بستن معاهداتی شد تا هر کدام از طرفین به منفعتی برابر در زمینه این منبع آبی برسند. هر دو کشور متوجه شده بودند که تعارض هزینه های زیادتری برایشان دارد؛ بنابراین به توافق و همکاری روی آوردند. اختلافاتی نیز که گاه بین دو کشور به وجود می آمد ناشی از زیاده خواهی شوروی در بهره گیری از اترک بود که خشک سالی را در این سوی مرز در ایران به وجود می آورد. گرچه اترک مرزی طبیعی محسوب می شود، ولی به عنوان مرز دو واحد سیاسی تأثیر محسوسی در روابط ایران و سرزمین همسایه داشت. اسناد دوره پهلوی به خوبی نحوه مدیریت این رودخانه را در ایجاد تأسیسات عمرانی مجاور آن و بهره برداری کشاورزی نشان می دهد. در واقع توجه دولت ها به فرسایش و خساراتی که ممکن بود به دلیل این رودخانه در آبراهه ها و اراضی کشاورزی به وجود بیاید، فصل حساسی از روابط میان ایران و ترکمنستان را به خود اختصاص می داد. چالش هایی مانند سهم یک سوم ایران از کل آب رودخانه اترک موجب کم آبی و در نتیجه ضعف کشاورزی در حوزه اترک می شد. به همین دلیل بر طبق اسناد تاریخی به جای مانده از این دوره، توافق نامه های عمرانی و سدسازی ای در راستای حل این مسئله امضا شد تا تنش های ناشی از این امر کنترل شود و از میزان آسیب پذیری ایران از عوامل اقلیمی کاسته شود و امنیت مرزی ایجاد شود. اگرچه تأسیساتی همچون پل قوچان بر رودخانه اترک موجب ارتباط و رونق تجارت در این دوره می شد، ولی همین راه های ایجاد شده، به دلیل تردهای غیرقانونی و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی و به ویژه پایبند نبودن عشایر ترکمن به قوانین مرزی، موجب اختلاف نظرهایی در میان دو کشور می شد و همین گاهی خود نقطه تنش و بحران در شمال شرق ایران می شد.

منابع

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۲۰-۰۰۸۰۷۹-۰۰۷۲-۷۵؛ ۲۲۰-۰۰۸۰۷۹-۰۰۷۲؛ ۲۲۰-۰۰۸۰۷۹-۰۰۴۱-۴۴؛ ۰۰۴-۰۰۸۰۷۹-۲۲۰
۲۳۰-۰۰۵۷۲۵۶-۰۰۶؛ ۲۲۰-۰۰۸۰۷۹-۰۰۹۴؛ ۲۲۰-۰۰۸۰۷۹-۰۰۷۹-۰۰۸۱؛ ۰۰۷۸-۰۰۸۰۷۹-۲۲۰
۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۲؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۱۰؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۰۴؛ ۲۹۰-۰۰۰۳۴۹۱-۰۰۰۲؛ ۴۸۹۴-۲۲۰
۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۸۰؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۷۲؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۰۶۸؛ ۰۰۶۲-۰۰۱۵۱۹-۳۷۰
۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۱۸۸؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۱۶۴؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۱۱۲؛ ۰۰۸۶-۰۰۱۵۱۹-۳۷۰
۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۲۶۴؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۲۵۶؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۲۲۴؛ ۰۱۹۶-۰۰۱۵۱۹-۳۷۰

۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۴۲۵؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۴۲۱؛ ۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۲۷۴-۰۲۸۰؛ ۰۲۷۷-۰۰۱۵۱۹-۰۳۷۰-۰۰۱۵۱۹-۰۴۲۱؛ ۰۴۵۸-۰۰۱۵۱۹-۰۴۳۹-۰۳۷۰؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۴۶؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۴۴؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۴۲؛ ۰۴۵۸-۰۰۱۵۱۹-۰۴۳۹-۰۳۷۰؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۶۶؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۳۲؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۲۶؛ ۰۰۸۴-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۳۷۰؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۸۴؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۷۸؛ ۳۷۰-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۰۱۷۰؛ ۰۱۶۸-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۳۷۰؛ ۰۲۲۴-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۳۷۰؛ ۰۱۸۸-۰۰۲۸۰-۰۶-۰۳۷۰

آرشیو سازمان اسناد وزارت خارجه و دیپلماسی (استادوخ):

۱۳۰۸/۲۰/۳۳/۱۲۳۷-۱۳؛ ۱۳۰۷/۵۱/۷/۵-۱۸؛ ۱۳۰۷/۴۶/۶/۷۱؛ ۱۳۰۷/۴۶/۶/۱۵؛ ۱۳۰۷/۴۶/۶/۱-۱۰

کتاب

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۵۰). *آبیاری در ترکستان*. (کریم کشاورز، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

بای، یارمحمد. (۱۳۸۴). *هیدروپولیتیک رودخانه‌های مرزی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

بی‌هی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۵۶). *تاریخ بی‌هی*. (علی اکبر فیاض، مصحح). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

صورت مذاکرات مجلس. (۲۷ آذر ۱۳۳۱ ش). نشست ۴۸۰.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.

مورگنتا، هانس جواکیم؛ تامپسون، کنت. (۱۳۸۴). *سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح*. (حمیرا مشیرزاده، مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.

نجف‌زاده، علی. (۱۳۹۴). *کنسول‌گری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد (از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی)*. مشهد: انصار.

مقاله

بوستانی، آرمین؛ اسماعیلی، کاظم. (۱۳۹۴). «مهندسی رودخانه از گذشته تا آینده (بررسی رویکردها و چشم‌انداز)». *نشریه آب و توسعه پایدار*، سال اول، شماره ۳.

پاک‌نژاد متکی، حمیدرضا؛ عزتی، عزت‌اله. (۱۳۹۰). «هیدروپولیتیک رودخانه مرزی اترک و تأثیر آن بر روابط ایران و ترکمنستان». *چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی)*، سال ششم، شماره ۱۴.

حافظ‌نیا، محمدرضا؛ نیکبخت، مهدی. (۱۳۸۱). «آب و تنش‌های اجتماعی-سیاسی، مطالعه موردی: گناباد».



فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، س ۱۷، ش ۶۵-۶۶.

رضایی مقدم، محمدحسین؛ ثروتی، محمدرضا؛ اصغری سراسکانرود، صیاد. (۱۳۹۱). «بررسی تغییرات شکل هندسی رودخانه قزل‌اوزن با تأکید بر عوامل ژئومورفولوژیک و زمین‌شناسی». **جغرافیا و**

برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲.

ریکیاردی، روبرتو. (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناختی دره‌اترک علیا (خراسان، ایران)». (حمید حسن‌علی‌پور، مترجم). **نشریه پاژ**، شماره ۲۲.

سعیدی، عباس. (۱۳۵۳). «سرآغازی بر پژوهش جغرافیایی شمال غربی خراسان یا سرزمین اترک». **نشریه جستارهای نوین ادبی**، شماره ۳۸.

شرفی، سیامک؛ شامی، ابوالفضل؛ یمانی، مجتبی. (۱۳۹۴). «بررسی تغییرات مورفولوژیکی رودخانه اترک در بازه زمانی ۲۰ ساله». **مجله آمایش جغرافیایی فضا** (فصل نامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان)، دوره ۴، شماره ۱۴.

عادل‌فر، باقرعلی. (۱۴۰۲). «نقش رودخانه مرزی اترک در مناسبات ایران و روسیه (۱۲۶۱ش-۱۳۵۶ش/ ۱۲۹۹ق-۱۳۹۷ق)». **نشریه پژوهش‌های علوم تاریخی**، دانشگاه تهران، سال ۱۵، شماره ۳، پیاپی ۳۵. مختاری دهشی، حسین. (۱۳۹۲). «هیدروپولیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق ۱۴۰۴». **فصل نامه ژئوپولیتیک**، سال نهم، شماره سوم.

نداف، رضا. (۱۴۰۰). «پل فوجان به روایت اسناد». **پژوهش نامه خراسان بزرگ**، دوره ۱۲، شماره ۴۳. یمانی، مجتبی؛ دولتی، جواد؛ زارعی، علی‌رضا. (۱۳۸۹). «تأثیرگذاری عوامل هیدروژئومورفولوژیک در تغییرات زمانی و مکانی بخش میانی رودخانه اترک». **تحقیقات جغرافیایی**، سال ۲۵، شماره ۴، پیاپی ۹۹.

پایان نامه

پارسا، بهزاد. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دیپلماسی آب بر روابط ایران با کشورهای همسایه شرقی و غربی هیدروپولیتیک رودخانه‌های مرزی». **پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی**، به راهنمایی حمید پیشگاه هادیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

English Translation of References

Archival Documents

Ārshiv-e Sāzmān-e Asnād-e Vezārat-e Xārejeh va Diplomāsi (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs): 1307/46/6/10-1; 1307/46/6/15; 1307/46/6/71; 1307/51/7/5-18; 1308/20/33/123/7.



[In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

0040-008079-220; 44-0041-008079-220; 0072-008079-220; 75-0072-008079-220;
0078-008079-220; 0081-0079-008079-220; 0094-008079-220; 006-057256-230;
4894-240; 0002-003491-290; 0004-001519-370; 0010-001519-370; 0012-001519-
370; 0062-001519-370; 0068-001519-370; 0072-001519-370; 0080-001519-
370; 0086-001519-370; 0112-001519-370; 0164-001519-370; 0188-001519-370;
0196-001519-370; 0224-001519-370; 0256-001519-370; 0264-001519-370;
0277-001519-370; 0280-0274-001519-370; 0421-001519-370; 0425-001519-370;
0458-0439-001519-370; 0042-002806-370; 0044-002806-370; 0046-002806-
370; 0084-002806-370; 0126-002806-370; 0132-002806-370; 0166-002806-370;
0168-002806-370; 0170-002806-370; 0178-002806-370; 0184-002806-370; 0188-
002806-370; 0224-002806-370. [In Persian]

Books

Bartold, Vasilii Vladimirovich. (1350/1971). *“Ābyāri dar Torkeštān”* (Туркестан в эпоху монгольского нашествия) [Turkestan down to the Mongol invasion]. Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Tahqiqāt-e Ejtemā’ee-ye Dānešgāh-e Tehrān (The Institute for Social Studies and Research). [In Persian]

Bay, Yarmohammad. (1384/2005). *“Hidropolitik-e rudxāne-hā-ye marzi”* (Hydropolitics of border rivers). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Tahqiqāt-e Beinolmelali-ye Abrār-e Mo’āser (Tehran International Studies and Research Institute). [In Persian]

Beihaghi, Abolfazl Mohammad Ibn Hossein. (1356/1977). *“Tārix-e Beyhaqi”* (The history of Bayhaqi). Edited by Ali Akbar Fayyaz. Mašhad: Dānešgāh-e Ferdowsi-ye Mašhad (Ferdowsi University of Mashhad). [In Persian]

Mojtahedzadeh, Pirouz. (1381/2002). *“Joqrāfiyā-ye siyāsi va siyāsat-e joqrāfiyāyi”* (Political Geography and Geopolitics). Tehran: (SAMT) (The Organization for



Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities). [In Persian]

Morgenthau, Hans Joachim; & Thompson, Kenneth W. (1384/2005). *“Siyāsat miyān mellat-hā: Talāš dar rāh-e qodrat va solh”* (Politics among nations: The struggle for power and peace). Translated by Homeira Moshirzadeh. Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh (The ministry of Foreign Affairs). [In Persian]

Najafzadeh, Ali. (1394/2015). *“Konsulgari-hā, moštaxdemān va moštāšārān-e xāreji dar Mašhad: Az dowre-ye Qājār tā enqelāb-e eslāmi”* (Consulates, foreign employers and missionaries in Mashad). Mašhad: Ansār. [In Persian]

Articles

Adelfar, Bagher Ali. (1402/2023). “Naqš-e ruxdāne-ye marzi-ye Atrak dar monāsebt-e Irān va Rusiyeh (1261 – 1356 SH / 1297 – 1297 AH)” (The role of Atrak border river in the relations between Iran and Russia (1356 A.H. 1299 A.H./1261 A.H.)). *Našriye-ye Pažuheš-hā-ye ‘Olum-e Tārixī, Dānešgāh-e Tehrān* (University of Tehran) (Historical Sciences Studies), 15(3), series 35. [In Persian]

Boustani, Armin; & Esmaeeli, Kazem. (1394/2015). “Mohandesi-ye ruxdāneh az gozašte tā āyandeh (Barresi-ye ruykard-hā va češm-andz” (River engineering, from the past to the future (Evaluation of approaches and outlooks)). *Našriye-ye Āb va Towse’e-ye Pāydār* (Journal of Water and Sustainable Development), 1(3). [In Persian]

Hafeznia, Mohammadreza; & Nikbakht, Mehdi. (1381/2002). “Āb va taneš-hā-ye ejtemāee-siyāsi, motālāe-ye moredi: Gonābād” (Water and Socio-Political Tensions, Case Study: Gonabad). *Fasl-nāme-ye Tahqiqāt-e Joqrāfiyāyi* (Geographical Research), 17(65-66). [In Persian]

Mokhtari Hashi, Hossein. (1392/2013). “Hidropolitik-e Irān; Joqrāfiyā-ye bohrān-e āb dar ofoq-e 1404” (Hydropolitics of Iran; The geography of water crisis in the horizon of 2025). *Fasl-nāme-ye Žeopolitik* (International Quarterly of Geopolitics), 9(3). [In Persian]

Naddaf, Reza. (1400/2021). “Pol-e Qučān be ravāyat-e asnād” (Quchan Bridge accord-



- ing to the documents). *Pažuheš-nāme-ye Xorāsān-e Bozorg* (Research Journal of Greater Khorasan), 12(43). [In Persian]
- Paknejad Mottaki, Hamidreza; & Ezzati, Ezzatollah. (1390/2011). “Hidropoloitik-e rudxāne-ye marzi-ye Atrak va ta’sir-e ān bar ravābet-e Irān va Torkamanestān” (The hydropolitic of border river Atrak and its effect on Iran’s and Turkmenistan’s relation). *Češm-andāz-e Joqrāfiyāyi (Motāle’āt-e Barnāme-rizi-ye Sokunāt-gāh-hā-ye Ensāni)* (Journal of Studies of Human Settlements Planning), 6(41). [In Persian]
- Ricciardi, Robeto, (1980). “Barresi-ye bāstān-šenāxti-ye darre-ye Atrak-e ‘Olyā(Xorāsān, Irān)” (Archaeological Survey in Upper Atrak Valley (Khorassan, Iran)). Translated by Hamid Hasanlipour. *Našriye-ye Pāž*, 22. [In Persian]
- Rezaei Moghaddam, Mohammad Hossein; Sarvati, Mohammadreza; Asghari Sareskanrood, Sayyad. (1391/2012). “Barresi-ye taqyirāt-e šekl-e hendesi-ye rudxāne-ye Qezel Ozon bā ta’kid bar ‘avāmel-e žeo-morfik va zamin-šenāsi” (Investigation of geometric alterations of Gezel Ozan River considering Geomorphologic and Geologic parameters). *Joqrāfiyā va Barnāme-rizi-ye Mohiti* (Geography and Environmental Planning), 23, series 46, issue 2. [In Persian]
- Saeedi, Abbas. (1353/1974). “Sarāqāzi bar pažuheš-e joqrāfiyāyi-ye šomāl-e qarbi-ye Xorāsān yā sarzamin-e Atrak” (A Beginning in geographical research on North-western Khorasan or the land of Atrak). *Našriye-ye Jostār-hā-ye Novin-e Adabi* (Journal of Literary Studies), issue 38. [In Persian]
- Sharafi, Siyamak; Shami, Abolfaz; & Yamani, Mojtaba. (1394/2015). “Barresi-ye taqyirāt-e morfoložiki-ye rudxāne-ye Atrak dar bāze-ye zamāni-ye 20 sāleh” (Morphological changes of river Atrak a period of 20 years). *Majalle-ye Āmāyeš-e Joqrāfiyāyi-ye Fazā (Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Pažuheši-ye Dānešgāh-e Goleštān)* (Geographical Planning of Space Quarterly Journal), 4(14). [In Persian]
- Yamani, Mojtaba; Dolati, Javad; & Zarei, Alireza. (1389/2010). “Ta’sir-gozāri-ye ‘avāmel-e hidro-žeo-morfoložik dar taqyirāt-e zamāni va makāni-ye baxš-e miyāni-ye Rudxābe-ye Atrak” (The influence of hydrogeomorphological factors on temporal and spatial changes in the middle section of the Atrak River).

Tahqiqāt-e Joqrāfiyāyi (Geographical Research), 25(4), series 99. [In Persian]

Dissertations

Parsa, Behzad. (1391/2012). *“Barresi-ye tatbiqi-ye diplomāsi-ye āb bar ravābet-e Irān bā kešvar-hā-ye hamsāye-ye šarqi va qarbi-ye hidropolitik-e rudxāne-hā-ye marzi”* (A comparative study of water diplomacy on iran's relations with eastern and western neighboring countries: Hydropolitics of border rivers). [Masters' thesis in Political Sciences]. Supervised by Hamid Pishgah Hadian, Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University), Vvhed-e Tehrān Markaz (Central Tehran Branch). [In Persian]



The Election of Non-Native Representatives for Sistan in the National Assembly and the Public Response (1906–1979)

Mohamad reza Pordeli¹ | Morteza Nouraei² | Morteza Dehghan nejad³

Abstract

Purpose: In this research, the process of election of non-native representatives for Sistan to the National Assembly, the effect of their absence in the region on their performance in the parliament, and the responses of the local people to their representation have been analyzed.

Method and Research Design: Employing a descriptive-analytical approach based on primary documents and archival sources, this research explores the reasons behind the repeated selection of non-native delegates for Sistan, analyzes how this non-locality influenced their legislative activity, and investigates how the Sistanis responded.

Findings and Conclusion: Without a local political elite during the late Qajar era, the Alam family—political leaders based in the capital—appointed central political figures to represent Sistan. Although the majority of these representatives held important positions in national politics, their lack of familiarity with local issues and lack of accountability to the people of Sistan rendered them inactive in parliament. There were several sessions that passed without presenting comments or propositions. This trend eventually gave rise to public discontent and gave rise to political movements in Sistan, which were initiated by local Khans, promoting indigenous candidates to better represent regional interests. While such efforts introduced some form of political competition, this also introduced tensions and occasional clashes between the opposing parties within some election periods.

Keywords: Sistan; elections; National Assembly; representative; Alam family.

Citation: Pordeli, M. R. , Nouraei, M. and Dehghan nejad, M. (2024). The Election of Non-Native Representatives for Sistan in the National Assembly and the Public Response (1906–1979). *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 30-67. doi: 10.30484/ganj.2024.3199

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student in Iranian History, Islamic Period, University of Isfahan, Isfahan, Iran

alipordeli1363@gmail.com

2. Professor, Department of History and Iranology, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author)

mortezanouraei@yahoo.com

3. Professor, Department of History and Iranology, Faculty of Literature, University of Isfahan Isfahan, Iran mdehqannejad@yahoo.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3199

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 30 -67 (38) | Received: 18, Oct. 2024 | Accepted: 15, Dec. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

تحلیل فرایند انتخاب نمایندگان غیربومی برای سیستان و عملکرد این نمایندگان در مجلس شورای ملی و واکنش مردم (۱۲۸۵ ش-۱۳۵۷ ش / ۱۹۰۶ م-۱۹۷۸ م)

محمدرضا پردلی^۱ | مرتضی نورائی^۲ | مرتضی دهقان نژاد^۳

چکیده:

هدف: تحلیل روند انتخاب نمایندگان غیربومی برای سیستان برای مجلس شورای ملی؛ تأثیر غیربومی بودن نمایندگان و غیبتشان در منطقه بر عملکرد آنها در مجلس؛ واکنش مردم سیستان به عملکرد این نمایندگان. **روش:** پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی برپایه اسناد و منابع دسته‌اول به دنبال علل غیربومی بودن نمایندگان سیستان در مجلس شورای ملی و تأثیر این ویژگی بر عملکرد آنان، و واکنش مردم به آن است.

یافته‌های پژوهش: باتوجه به نبود نخبگان سیاسی در سیستان در اواخر دوره قاجار، خاندان علم از سیاسیون مرکز نشین برای نمایندگی سیستان استفاده می‌کردند. اغلب این افراد باینکه از چهره‌های مطرح و تأثیرگذار در سیاست‌های کلان کشور بودند، ولی به دلیل نداشتن شناخت از مشکلات منطقه و هم‌چنین نداشتن تعهد به مردم سیستان، اقدامی در جهت بهبود شرایط مردم انجام نمی‌دادند و اکثر جلسات مجلس را بدون اظهار نظر و ارائه پیشنهاد، با سکوت به پایان می‌رساندند. ادامه این روند باعث اعتراضات مردمی و شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی بین مردم سیستان، تحت رهبری برخی از خوانین منطقه شد که از طریق انتخاب نماینده بومی به دنبال احقاق حق مردم سیستان بودند؛ اما این جریان ضمن ایجاد فضایی رقابتی در برخی از انتخابات‌های این منطقه به تنش و درگیری بین دو گروه منجر شد.

کلیدواژه‌ها: سیستان؛ انتخابات؛ مجلس؛ نماینده؛ خاندان علم.

استناد: پردلی، محمدرضا، نورائی، مرتضی و دهقان نژاد، مرتضی. (۱۴۰۳). تحلیل فرایند انتخاب و عملکرد نمایندگان غیربومی سیستان در مجلس ملی و واکنش مردم (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش، ۱۹۰۶-۱۹۷۹ م). *گنجینه/اسناد*، ۳۴ (۴)، ۶۷-۳۰. doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۹۹

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

alipordeli1363@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ و ایران شناسی،
دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mortezanouraei@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ و ایران شناسی، دانشکده
ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mdehqannejad@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۹۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۶۷-۳۰ (۳۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

با آغاز انقلاب مشروطه و به دلیل نبود نخبگان سیاسی در نقاط دورافتاده کشور، برخی از سیاسیون مرکز نشین از طریق رایزنی با حکام و خوانین محلی به عنوان نماینده این مناطق وارد مجلس شدند. مردم امیدوار بودند تا ایجاد پارلمان و انتخاب آزادانه نماینده، زمینه کاهش قدرت حکام محلی را فراهم آورد؛ ولی این نمایندگان انتصابی باعث شدند که حکام و خوانین محلی ضمن حفظ قدرت خود در منطقه، در مجلس نیز صاحب نفوذ شوند. این روند بعد از انحلال حکومت های محلی، در بسیاری از مناطق کم رنگ شد و بعد از مدتی سیاسیون محلی برای وکالت در مجلس برگزیده شدند؛ اما در سیستم به دلیل ادامه نفوذ و قدرت خاندان علم این وضعیت تغییری نکرد و هم چنان نمایندگان انتصابی یکی پس از دیگری بر مردم تحمیل شدند^۱ که برخی از آنان حتی یک بار هم سیستم را ندیدند و طبعاً برای بهبود شرایط این منطقه تلاشی هم نکردند؛ بنابراین مردم سیستم برای دستیابی به خواسته های سیاسی خود وارد مبارزه ای طولانی و نابرابر با خاندان علم شدند؛ اما این حاکمان علم بودند که با استفاده از جایگاه سیاسی خود و حذف سران مخالف در سیستم، قدرت و نفوذ خود را تا آخرین دوره مجلس حفظ کردند.

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است و موضوع مجلس پژوهی اکثراً به صورت عمومی در تحقیقاتی مانند کتاب *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی* اثر زهرا شجیعی آمده است که با شرحی از اسامی نمایندگان به کارکرد کلی ادوار مجلس پرداخته است. در برخی از تحقیقات تاریخ محلی سیستم، مانند کتاب *تحولات سیاسی و اجتماعی سیستم و بلوچستان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ شمسی)* اثر مریم ابراهیمی و کتاب *سیستم و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی* اثر جواد محمدی خمک هم هر چند به برخی از وقایع سیاسی در سیستم اشاره شده است، ولی هدف آن ها بیشتر تحلیل حادثه ۱۹ بهمن بوده که در روند انتخابات دوره هفدهم سیستم اتفاق افتاده است و به سایر ادوار انتخابات در سیستم توجهی نشده است.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که:

دلایل بومی نبودن نمایندگان سیستم چه بوده و کارکرد آنان در ادوار مجلس چگونه بوده است؟

این پژوهش بر آن است تا با این پرسش مطرح شده و براساس اسناد بایگانی مجلس (کمام) وقایع و نتایج مرتبط با انتخابات ادوار مجلس ملی در این منطقه را تحلیل کند.

۱. جدول اسامی و مشخصات نمایندگان سیستم در ادوار مجلس. نک: پیوست شماره ۱



۲. وضعیت سیستان مقارن با مشروطه

سرزمین باستانی سیستان که از گذشته‌های دور به انبار غله ایران شهرت داشت بعد از ورود ترکان و خصوصاً حمله تیمور به شدت رو به ویرانی نهاد. این روند در دوره معاصر و با ایجاد مرزبندی‌های جدید در شرق کشور به دست انگلستان - که به دنبال حفظ هند بود - بیشتر هویدا شد. این مرزبندی‌های جدید باعث شد افغانستان بر شاخه اصلی هیرمند مسلط شود و در نتیجه با کنترل آب ورودی به سیستان سبب کم‌آبی‌های شدید و پیاپی شود و مشکلات زیادی را برای حوزه کشاورزی این منطقه ایجاد کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶۰). از طرفی کشمکش بین خاندان‌های قدرتمند کیانی و سرابندی در سیستان، اوضاع سیاسی این منطقه را به هم ریخته بود (نائبیان و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۲۳)؛ تاجایی که ناصرالدین شاه مجبور شد دخالت کند و برای اولین بار در سال ۱۲۴۶ ش/۱۸۶۷ م خاندان حکومتگر علم در قائلات را به عنوان حاکمانی غیربومی بر سرنوشت سیستان مسلط کند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

اما این تغییرات سیاسی باعث بهبود شرایط در سیستان نشد و حاکمان جدید که با بحران مشروعیت مواجه بودند، نتوانستند بر مشکلات سیستان فائق آیند. آنان برای حل مشروعیت خود به سمت ازدواج‌های سیاسی با خوانین منطقه کشیده شدند (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲). ولی ادامه خشک‌سالی و فقر شدید باعث مهاجرت بسیاری از اهالی شد و نارضایتی و تنفر از خاندان علم را افزایش داد و امید مردم برای بهبود شرایط را بسیار کم کرد (رئیس طوسی، ۱۳۸۵، صص ۱۳۶ و ۲۹۴).

در چنین شرایطی انقلاب مشروطه در کشور رخ داد که البته در سیستان به دلیل دوری از مرکز و وجود مشکلات معیشتی و از همه مهم‌تر نبود طبقه روشن فکر چندان احساس نشد؛ ولی با توجه به اهداف سیاسی این انقلاب در زمینه حذف تدریجی خوانین ایالات و کاستن از قدرت حاکمان محلی (اتحادیه، ۱۳۷۵، ص ۳۲) زنگ خطر برای حاکمان علم به صدا درآمد. در این مقطع شوکت‌الملک علم حاکم وقت قائلات و سیستان، که ضمن بهره‌هوشی، ارتباطات گسترده و روابط حسنه‌ای با دولت بریتانیا داشت و به این واسطه از پشت پرده بسیاری از مسائل سیاسی مطلع بود، با وزش باد هم‌سو شد و به صف مشروطه‌خواهان پیوست و در قدم بعدی به سوی رضاخان متمایل شد (سیاسر، ۱۳۹۲، صص ۴۲-۴۳). او با اعمال این سیاست در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران، ضمن حفظ قدرت و نفوذ خاندان علم در شرق کشور، به تأثیر گذارترین مهره سیاسی برای انتخابات این منطقه بدل شد.

۳. نمایندگان سیستان در دوره اول مشروطه

دوره اول مشروطه از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در مهر ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۶ م، تا آذر ۱۳۰۴ ش، پنج دوره اول مجلس را شامل می شود (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۳). سیستان مانند بسیاری از نقاط دورافتاده کشور در اولین دوره مجلس (۱۲۸۵ ش-۱۲۸۷ ش/ ۱۹۰۶ م-۱۹۰۸ م) نماینده ای نداشت و از دوره دوم به همراه قائنان صاحب کرسی مشترک در مجلس شد؛ اما به دلیل ناآگاهی مردم از کارکرد مجلس و هم چنین نبود سیاسیون آگاه و تحصیل کرده در منطقه، شوکت الملک به سمت انتخاب سیاستمداران مرکز نشین و ناآشنا با منطقه کشیده شد که از حضور آن ها در مجلس نتیجه مثبتی برای سیستان به دست نیامد. منصورخان معدل الدوله اولین نماینده ای بود که شوکت الملک برای شرق ایران در نظر گرفت. او که اصالتی کاشانی داشت در حالی به عنوان نماینده سیستان معرفی شد که هرگز سیستان را ندیده بود و با رأی گیری فرمایشی در حالی با ۴۷۹ رأی به عنوان نماینده سیستان انتخاب شد (ساکماق، ۱/۷۷۷)، (پیوست ۲) که در همان زمان جمعیت یک بخش سیستان چندین برابر این تعداد بود.

البته این انتخاب در قائنان که اوضاع فرهنگی بهتری داشت و مردم اطلاعات بیشتری از مشروطه داشتند به چالش کشیده شد و آنان با ارسال چندین شکوائیه، اعتراض خود را به انتخاب معدل الدوله -که نماینده «پنج یا شش نفر» بود و جمعیت «چهار صدهزار نفری» بیرجند از انتخاب او اطلاعی نداشتند- ابراز کردند (کمام، ۱۷/۳۳-۱۸-۱-۳۷-۱۶۸-۲).^۱

این شکایات که مشکلات چندین ماهه ای را برای تأیید اعتبارنامه معدل الدوله به وجود آورد، چندان بیجا و کذب نبود؛ زیرا او فقط به دنبال منافع خود و همان چند نفر حامی اش بود و در مجلس از حقوق موکلان و منطقه خود دفاع نکرد. او در اکثر جلسات مجلس بجز یک بار -که آن هم در مبحثی غیر از سیستان بود- با سکوت جلسات مجلس را به پایان می رساند (مشروح مذاکرات دوره ۲، نشست ۲۸۹-۶۷۷/۱۲۹۰)؛ و در نهایت قبل از انحلال مجلس، با استفاده از نفوذ نمایندگی و رایزنی با اداره مالیه، از وکالت مردم سیستان و قائنان کناره گیری کرد و به سمت ریاست مالیه آذربایجان منصوب شد (آل رضا امیری، ۱۳۹۶، ص ۱۶۳).

انتخابات دوره سوم مجلس (۱۲۹۳ ش-۱۲۹۴ ش/ ۱۹۱۴ م-۱۹۱۵ م) بعد از سه سال فترت در سال ۱۲۹۳ ش انجام شد. انتخابات در سیستان مثل دوره قبل در تسلط کامل شوکت الملک بود که این بار هم با سیاستمداری مرکز نشین به نام سعیدخان کاشی -که او نیز هیچ وقت سیستان را ندیده بود و با مشکلات آن آشنایی نداشت- به عنوان نماینده سیستان و قائنان به توافق رسید. ولی میزان آرای پایین او در سیستان (۴۷۵ رأی) (نظری، ۱۳۸۸، ص ۶۷۹) در برابر جمعیت زیاد این منطقه، نشانه بی اهمیتی و فرمایشی بودن این انتخابات در سیستان بود.

۱. اسناد مجلس براساس شماره یازبانی سند که در سایت کتابخانه مجلس وجود دارد ارجاع داده می شود.

کاشی که در حوزه مالی تخصص داشت به عضویت کمیسیون بودجه مجلس برگزیده شد (کمام، ۱۳۹۱-۳-۲۶-۹-۱/۲۲) و در چندین جلسه مجلس در حوزه قوانین مالی سخن راند؛ ولی در این نطق‌ها از مشکلات موکلان خود در سیستان و قائنات یاد نکرد؛ بلکه شاید در مواردی با وضع قوانین مالیاتی جدید زمینه فشار اقتصادی بیشتری بر آنان را هم فراهم آورد (مشروح مذاکرات دوره ۳، نشست ۶۰-۱۸/۵/۱۳۹۴).

انتخابات دوره چهارم مجلس (۱۳۰۰ش-۱۳۰۲ش / ۱۹۲۱م-۱۹۲۳م) بعد از پنج سال فترت و با این تفاوت برای سیستان برگزار شد که حوزه نمایندگی سیستان از قائنات جدا شد تا آن‌ها نماینده‌ای مستقل برای مجلس انتخاب کنند. این موضوع اگر به انتخاب نماینده سیستانی آگاهی می‌انجامید می‌توانست نقطه عطفی در تاریخ سیستان شود و به بهبود وضعیت منطقه کمک کند؛ البته باید اذعان کرد که سیستان به دلیل ضعف‌های فرهنگی و سیاسی، هنوز فاقد چنین سرمایه اجتماعی-سیاسی‌ای بود.

در این دوره شوکت‌الملک که برای انتخاب‌های قبلی خود، خصوصاً از سوی مردم قائنات هدف انتقاد قرار گرفته بود هوشمندانه‌تر عمل کرد و برای نمایندگی سیستان سیدمهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) را انتخاب کرد که علاوه بر تجربه و کالت در مجلس سوم، مدتی هم به عنوان سرحدار در سیستان خدمت کرده بود و با مردم آشنایی داشت (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۱۲-۱۴). اما با تغییر دولت و آغاز نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، فرخ که از دوستان و همراهان کلنل پسپان بود تحت پیگرد قرار گرفت و اعتبارنامه‌اش به اتفاق آراء در مجلس رد شد و سپس دستور تجدید انتخابات در سیستان صادر شد (کمام، ۴۵ و ۱۰۲۱-۴-۸-۳-۱-۲۴/۵).

شوکت‌الملک که بعد از این ماجرا، به دلیل نزدیکی انتخابات میان‌دوره‌ای، برای رایزنی با فردی جدید فرصت کافی نداشت، تصمیم گرفت از محمدولی خان اسدی (مصباح‌السلطنه) استفاده کند که سال‌ها در دستگاه حکومت محلی او به عنوان پیش‌کار و مستوفی خدمت کرده بود و به توانایی و وفاداری‌اش اعتماد کامل داشت (نظری، ۱۳۸۸، ص ۸۳). البته محمدولی خان در دوران نمایندگی هم به نوعی پیش‌کار شوکت‌الملک باقی ماند و به جای تمرکز بر مشکلات سیستان، تمام تلاش خود را برای رضایت شوکت‌الملک و پیگیری امور مختلف او در تهران گذاشت (ساکماق، ۱-۱۳۰۱۶۷/۵-۱) و از طریق کسب رضایت او، سه دوره متوالی (از مجلس چهارم تا ششم) نماینده سیستان در مجلس باقی ماند.

محمدولی خان که سیاست‌مداری باهوش و فرصت‌طلب بود، در طول این سال‌ها علاوه بر پیگیری امور شوکت‌الملک در تهران، با نزدیکی به جناح قدرت، در دایره طرفداران رضاخان قرار گرفت و همراه آنان برای تغییر سلطنت تلاش کرد؛ از این‌رو رضاشاه بعد از

کسب قدرت و در اواخر مجلس پنجم (۱۳۰۲ش-۱۳۰۴ش/ ۱۹۲۴م-۱۹۲۶م) او را با حفظ سمت نمایندگی سیستان، نایب التولیه آستان قدس رضوی کرد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰). بی شک کرسی نمایندگی سیستان برای محمدولی خان سکوی پرتاب به سمت های بالاتر بود؛ ولی وکالت او برای سیستان دستاورد چشمگیری نداشت. او در طی سه دوره حضورش در مجلس، حتی یک نطق هم درباره سیستان ارائه نداد و به دلیل اینکه از اواخر مجلس پنجم به عنوان نایب التولیه آستان قدس انتخاب شده بود، در جلسات آخر مجلس پنجم و کل مجلس ششم حضور نداشت و نامش به عنوان غایب همیشگی در مذاکرات این ادوار به ثبت رسید (مشروح مذاکرات دوره ششم).

۴. نمایندگان سیستان در دوره دوم مشروطه

با سقوط قاجار و آغاز سلطنت پهلوی دومین دوره مشروطه شامل هفت دوره مجلس بین ادوار ششم تا سیزدهم آغاز شد (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۱۲). سیاسیون در ابتدای این دوره تحت تأثیر شعارهای قبل از سلطنت پهلوی منتظر تغییرات مثبت در روند سیاسی و مدنی بودند؛ ولی برعکس انتظار آنان، شرایط کشور به سمت استبداد و خفقان سیاسی کشیده شد و مجلس نیز با انتخاب مهره های مدنظر شاه به نهادی وابسته به سلطنت مبدل شد.

در سیستان محمدولی خان اسدی باینکه از اواخر دوره پنجم نایب التولیه آستان قدس شده بود، اما قصد نداشت مجلس را رها کند و باوجود حضورنداشتن در مجلس ششم، هم چنان عنوان نمایندگی سیستان را یدک می کشید. او که با برنامه کاری بسیار فشرده ای در آستان قدس روبه رو بود برای پیشرفت کاری اش تمایل داشت تمام تمرکز خود را در آستان قدس به کار گیرد؛ بنابراین ضمن نامه ای به شوکت الملک و ابراز ناخشنودی از این شرایط خسته کننده، زمینه را برای رهاکردن نمایندگی مجلس مهیا کرد (ساکماق، ۱ و ۱۳۰۲۵۶/۲)؛ باوجوداین او که به خوبی می دانست مجلس سکوی پرش است، با معرفی سلمان خان پسر بزرگ خود به شوکت الملک تلاش کرد تا شرایط را برای جانشینی و حضور او بر کرسی نمایندگی سیستان فراهم آورد (ساکماق، ۲ و ۷۱۸۷۸/۳).

به این ترتیب سلمان خان اسدی که تحصیل کرده اروپا بود و مدتی را دور از ایران سپری کرده بود به عنوان دومین فرد از خاندان اسدی، در دوره هفتم مجلس (۱۳۰۷ش-۱۳۰۹ش/ ۱۹۲۸م-۱۹۳۰م) نماینده مردم زابل شد (کمام، ۳/۴-۵۲-۲۸-۷-۱۰۲۱). مردم سیستان با گذشت چندین دوره از مجلس و کسب اطلاعاتی از نقش مجلس در کشور طبعاً شاخصه هایی برای انتخاب نماینده پیدا کرده بودند و از طریق آن ها به دنبال تغییراتی در وضعیت آشفته سیستان بودند. به همین دلیل زمره هایی اعتراض آمیز به



گزینه‌های شوکت‌الملک آغاز شد. این اعتراضات با انتخاب سلمان خان که برعکس پدرش هیچ‌وقت سیستان را ندیده بود و با مشکلات آن آشنایی نداشت، شدت یافت. آنان در این اعتراضات، اسدی را نمایندهٔ تحمیلی بر سیستان می‌خواندند که با «زور پول و فشار [بر] مستأجر[ین]»^۱ به این سمت رسیده است (کمام، ۶ و ۱/۷-۵۲-۲۸-۷-۱۰۲۱؛ پیوست ۳). البته شدت این اعتراضات علاوه بر غریبه بودن سلمان خان در سیستان، به عملکرد او در مجلس نیز مربوط می‌شد. درواقع سلمان خان نتوانست تأثیر رضایت‌بخشی بر وضعیت اسفناک سیستان بگذارد و این درحالی بود که او به دلیل شهرت و اعتبار پدرش که مهره‌ای شناخته شده در مجلس بود، حتی به عنوان منشی هیئت‌رئیس دورهٔ هفتم هم انتخاب شده بود (مشروح مذاکرات دورهٔ ۷، نشست ۲-۱۳۰۷/۸/۲۰). او با این جایگاه حتی یک نطق هم در مجلس ارائه نداد و نامش در مذاکرات مجلس با بیش از شصت بار غیبت فقط در قسمت تذکر به افراد غایب و بی‌نظم مجلس ثبت شد (مشروح مذاکرات دورهٔ ۷، نشست ۶۰-۱۳۰۸/۵/۳۱).

باین حال سلمان خان که مانند پدرش می‌دانست عامل بقای او در مجلس، بیشتر از رضایت مردم به رضایت و حمایت شوکت‌الملک بستگی دارد، تمام تلاش خود را برای جلب حمایت او گذاشت (ساکماق، ۱-۷۱۹۸۵/۴) و از این طریق سه دورهٔ متوالی (هفتم تا نهم) نمایندهٔ مردم سیستان در مجلس باقی ماند.

ازسوی دیگر محمدولی خان اسدی که اکنون یکی از قدرتمندترین مردان سیاست در ایران بود سعی داشت تا با وصلت‌های سیاسی اعتبار خاندانش را چندبرابر کند. او در این مسیر هرچند موفق نشد با دختران رضاشاه وصلت کند، اما علی‌اکبر پسر کوچکش را داماد محمدعلی فروغی نخست‌وزیر کشور کرد (وحیدنیا، ۱۳۷۸، ص ۶۱) و با استفاده از این روابط زمینهٔ پیشرفت دو پسرش را فراهم آورد. او ابتدا سلمان خان نمایندهٔ زابل را به عنوان مدیر بانک تازه تأسیس فلاحت منصوب کرد (کمام، ۲-۱۱۴/۲-۱-۲-۴۴-۹-۱۰۱۱). سپس در راستای حفظ کرسی ارزشمند مجلس دومین پسرش علی‌اکبر خان اسدی را به عنوان نمایندهٔ دورهٔ دهم (۱۳۱۴ش-۱۳۱۶ش / ۱۹۳۵م-۱۹۳۷م) سیستان منصوب کرد (کمام، ۲/۶-۱۲-۵۲-۵۹-۱۰-۱۰۲۱).

علی‌اکبر خان اسدی که تحصیل کردهٔ آمریکا و داماد نخست‌وزیر کشور بود درحالی به عنوان هفتمین دورهٔ متوالی نمایندگی خاندان اسدی، از سیستان به مجلس وارد شد که اعتراضات اهالی سیستان به این موضوع چندین برابر شده بود (کمام، ۶ و ۱/۷-۵۲-۲۸-۷-۱۰۲۱)؛ ولی قدرت و اعتبار این خاندان رسیدگی به این اعتراضات را غیرممکن کرده بود. اما ستارهٔ بخت و اقبال این خاندان ناگهان افول کرد و درحالی که علی‌اکبر خان تازه

۱. اراضی سیستان از دورهٔ ناصری خالصه اعلام شد و بانام مستأجر (خاص) دراختیار خوانین محلی قرار داده شد. این روند در دورهٔ رضاشاه به شکل سهام اجاره‌ای به عموم (مستأجر عام) واگذار شد (اویسی و علی‌صوفی، ۱۳۹۱، ص ۸۶).

وارد مجلس دهم شده بود، با بدبینی رضاشاه به محمدرضای خان اسدی او به عنوان مسبب اصلی غائله مسجد گوهرشاد دستگیر و در کمال ناباوری اعدام شد (وحیدنیا، ۱۳۷۸، ص ۶۲). با افول ستاره بخت محمدرضای خان، دو پسرش نیز که با استفاده از رانت پدر به مقام‌های سیاسی رسیده بودند به استعفاء مجبور (کمام، ۲ و ۳/۱-۳۳-۵۲-۵۹-۱۰-۱۰۲۱) و تبعید شدند. آنان هرچند بعد از سقوط رضاشاه و در دوره نخست‌وزیری فروغی، مجدداً وارد جریان‌های سیاسی کشور شدند، اما هیچ‌وقت شکوه و جلال دوره محمدرضای خان را زنده نکردند.

با استعفای اجباری علی‌اکبر خان اسدی، کرسی نمایندگی سیستان از طریق انتخابات میان‌دوره‌ای و در اوایل سال ۱۳۱۵ ش ۱۹۳۶ م نصیب عیسی مشار شد (کمام، ۴/۱-۳-۵۲-۵۹-۱۰-۱۰۲۱). او که از ملاکان خراسان و کارمند آستان قدس بود برای چهار دوره متوالی از مجلس دهم تا سیزدهم (۱۳۱۵ ش-۱۳۲۲ ش/۱۹۳۶ م-۱۹۴۳ م) نماینده مردم سیستان در مجلس شد. بر طبق اسناد، او «اصلاً زابلستان را در عمر خود ندیده [بود] و یک نفر زابلی هم او را نمی‌شناخت»؛ حتی ظاهراً شوکت‌الملک علم هم که تعیین‌کننده همه وکلای سیستان تا آن دوره بود نقشی در انتخاب او نداشت و او این چهار دوره نمایندگی را به دلیل ارتباط همسرش با خانواده رضاشاه به دست آورده بود (کمام، ۳/۱-۲-۳۶-۱۱۹-۱۳-۱۰۲۱).

اما مردم که از عملکرد مشار به عنوان نماینده سیستان ناراضی بودند، اعلام کردند در صورت کناره‌رفتن او از نمایندگی «حاضرند حقوق ماهیانه» او را از جیبشان پرداخت کنند تا شاید فرد دیگری را «که مختصر شباهت [ی] به نمایندگان سایر شهرستان‌های ایران» دارد وکیل سیستان کنند (کمام، ۳/۱-۲-۳۶-۱۱۹-۱۳-۱۰۲۱)؛ اما مشار که هم‌چنان شناخت زیادی از منطقه و مشکلات مردم نداشت و تعهدی هم در قبال آن‌جا احساس نمی‌کرد بدون توجه به این قبیل شکایات و ظاهراً فقط برای حضور و غیاب به مجلس می‌رفت. او با وجود اینکه در طی این چهار دوره در کمیسیون‌های مختلف مجلس مثل کمیسیون طرق (مشروح مذاکرات دوره ۱۱، نشست ۸-۱۳۱۶/۷/۲۰)، کمیسیون کشاورزی (مشروح مذاکرات دوره ۱۲، نشست ۸۹-۱۳۲۰/۱/۱۹) و کمیسیون پست و تلگراف (مشروح مذاکرات دوره ۱۳، نشست ۹۵-۱۳۲۱/۷/۱۹) حضور داشت، هیچ‌گاه از این ظرفیت‌ها در جهت منافع مردم سیستان استفاده نکرد.

۵. نمایندگان سیستان در دوره سوم مشروطه

با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ ش ۱۹۴۱ م و آغاز فضای باز سیاسی در کشور، مشروطه نیز وارد سومین دوره خود شد. در این مقطع بسیاری از مخالفان رضاشاه که سال‌ها در خفا



بودند قصد داشتند تا با ورود به مجلس بار دیگر وارد عرصه سیاسی کشور شوند (شجیعی، ۱۳۸۳، ج ۴، صص ۲۲۲-۲۲۴)؛ بنابراین انبوهی از درخواست‌ها و سفارش‌های سیاسیون به شوکت‌الملک رسید؛ چون او با پایان دوره نمایندگی مشار، بار دیگر می‌توانست برای انتخاب نماینده در مناطق تحت نفوذش یعنی زابل، بیرجند و بلوچستان تعیین‌کننده باشد (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، ص ۴۵۷). حتی عیسی مشار نیز که در طول چهار دوره گذشته به‌ندرت با شوکت‌الملک تماس داشت از او خواست تا «مساعدت فرماید که باز [او] از زابل انتخاب شود» (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، صص ۴۵۴-۴۵۵).

سلمان‌خان اسدی هم از طریق امان‌الله جهانبانی فرمانده لشکر شرق، برای ورود به انتخابات سیستان از شوکت‌الملک کمک و حمایت خواست (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، ص ۴۸۲). حتی خود نخست‌وزیر هم فردی را برای انتخابات سیستان به شوکت‌الملک معرفی کرد (فرخ، ۱۳۴۷، ص ۶۴۰). این درحالی بود که فضای سیاسی کشور بر سیستان هم تأثیر گذاشته بود و سیستانی‌ها که در طول ادوار گذشته به دلیل نداشتن نماینده بومی به شدت ناراضی بودند و تمام مشکلات خود را درگرو همین موضوع می‌دیدند ضمن نامه‌ای به شوکت‌الملک نوشتند: «فرض بفرمایید که ما سیستانی‌ها تاکنون صغیر بوده‌ایم و حضرت‌عالی هم قیّم ما بوده‌اید، اما حالا دیگر کبیر شده‌ایم و ضمن سپاس‌گزاری از خدمات شما از این‌به‌بعد می‌خواهیم کارهایمان را خودمان به‌دست گیریم و از آن جمله می‌خواهیم نماینده‌مان را برای مجلس شورای ملی خودمان و از خودمان انتخاب کنیم.» اما شوکت‌الملک که از مدتی قبل قول نمایندگی سیستان را به مهدی فرخ داده بود همه درخواست‌ها را رد کرد و به اهالی سیستان نیز وعده داد که در انتخابات بعدی می‌توانند نماینده بومی برای خود برگزینند (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۳۶۰).

فرخ در دوره چهارم مجلس هم از سیستان انتخاب شده بود؛ ولی چنانکه گذشت به دلیل دشمنی با قوام و حمایتش از پسیان، با رد اعتبارنامه‌اش در مجلس مواجه شد. او ولی در طول این دو دهه با پشتکار و جدیت فعالیتش را در عرصه سیاسی ایران ادامه داد و با جلب نظر رضاشاه موفق شد که پست‌های مهمی مثل چند دوره استانداری و چند مدیرکلی و معاونت وزارت‌خانه و در نهایت دو دوره وزارت در وزارت خواروبار و وزارت صناعت را به‌دست آورد و جزء رجال سرشناس کشور شود (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۰۸۳-۱۰۸۴)؛ اما با وجود این او مراودات مختلفش با شوکت‌الملک را حفظ کرد (ساکماق، ۱ و ۷۰۲۰۲/۲) و زمانی که بعد از سقوط رضاشاه زمینه را برای ورود به مجلس مناسب دید از شوکت‌الملک برای حضور در انتخابات سیستان اجازه گرفت و وارد مجلس چهاردهم (۱۳۲۲ش-۱۳۲۴ش / ۱۹۴۴م-۱۹۴۶م) شد (علی‌بابایی خامنه، ۱۳۸۱، صص ۴۴۹-۴۵۱).

فرخ در این دوره یکی از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین نمایندگان مجلس بود. او ضمن حضور در کمیسیون امور خارجه، ریاست فراکسیون دموکرات مجلس را هم برعهده داشت (شجعی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۸)؛ و با این وضعیت برای ریاست دوره‌ای مجلس وارد رقابت با سیدصادق طباطبایی شد که به ادعای خودش و طرفدارانش به دلیل اشتباه در خوانش رأی‌ها با اختلاف فقط یک رأی از ریاست بر مجلس بازماند (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۱۱۶-۱۳۲۴/۱۲/۱۴). نام او حتی در برهه‌ای از این مجلس به عنوان یکی از گزینه‌های جدی نخست‌وزیری مطرح شد که به گفته خودش به دلیل نداشتن وابستگی به سفارت‌خانه‌های خارجی متغی شد (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۶۳۱-۶۳۲ و ۶۶۷-۶۶۸). او هم‌چنین در این دوره با شکایت از سهیلی نخست‌وزیر سابق و وزیر کشورش تدین به دلیل سوءاستفاده از موقعیت شغلی برای تأثیر در انتخابات کشور، یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قضایی این دوره را آغاز کرد (نجفی، ۱۳۹۲، صص ۱۱۸-۱۱۹).

فرخ علاوه بر این ماجراجویی‌های سیاسی در اکثر جلسات مجلس نیز حضوری پررنگ داشت و کلکسیونی از فعالیت‌های مختلف از جمله پیشنهاد یا مخالفت با طرح‌ها و لوایح مختلف (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۲-۱۳۲۲/۱۲/۱۴)؛ سؤال از وزرا و نخست‌وزیر (کمام، ۴۲ و ۱۳۲۳/۴/۱۵)؛ و اخطار نظام‌نامه‌ای (مشروح مذاکرات دوره ۱۴، نشست ۵۴-۱۳۲۳/۵/۲۲) را در کارنامه داشت.

اما با وجود این حضور او در مجلس هیچ نفعی برای سیستم نداشت و انگار او نام سیستم را از یاد برده بود؛ چون در هیچ کدام از این نطق‌ها نامی از سیستم و مشکلات آن به میان نمی‌آورد. از طرف دیگر با وجود اینکه او قبل از نمایندگی مدتی در سیستم خدمت کرده بود، ولی سندی از حضور مجددش در بعد از انتخابات در سیستم، موجود نیست و این حضور نداشتنش در منطقه باعث شده بود که محمدرضاخان پردلی (از سران مخالف با خاندان علم) باتوجه به مرسوم بودن نام زنانه فرخ در سیستم، به طعنه بگوید: «ما نفهمیدیم که این فرخ مرد است یا زن؟!» (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰).

در این برهه مخالفان سیستمی سازمان‌یافته‌تر شدند و در مقابل طرفداران خاندان علم یا «علمیون»، به گروه «ضد علمیون» مشهور شدند (اویسی، ۱۳۹۹، ص ۷۱). آنان سعی می‌کردند که از طُرُق مختلف، خصوصاً ارسال شکوائیه به مرکز، مبارزاتشان را با خاندان علم ادامه دهند؛ بنابراین شکایات متعددی را علیه فرخ به تهران فرستادند و در آن‌ها ضمن گلایه‌مندی از اینکه اهالی سیستم در این دوره به اصطلاح آزاد انتخابات هم حق تعیین وکیل از میان خودشان را نداشته‌اند، فرخ را نماینده طبقه مرفه جامعه و حامی ثروتمندان و



متنفذان خواندند که «با اهالی فقیر و پریشان زایل» هیچ سختی ندارد و انتخابش برخلاف تمایل مردم سیستان بوده است (کمام، ۴ و ۱/۷-۳۶-۳-۱۴-۱۰۲۱).

آنان هم چنین خواهان تعیین وکیل محلی شدند و اعلام کردند: «سیستانی سوای سیستانی دیگری [را] به وکالت نخواهد شناخت» و هرکه خارج از سیستان نماینده شود، نماینده تحمیلی بر این منطقه است. از سایر خواسته‌های آنان رد اعتبارنامه مهدی فرخ و تعیین مأمور مخصوص برای انتخابات آزاد در سیستان بود (کمام، ۱۲ تا ۱/۱۵-۳۶-۳-۱۴-۱۰۲۱). با وجود تعدد این شکایات فرخ هم چنان در مجلس حضور داشت؛ تا اینکه در اواخر این دوره به عنوان استاندار فارس منصوب شد و نمایندگی سیستان را رها کرد. انتخابات دوره پانزدهم (۱۳۲۶ش-۱۳۲۸ش/۱۹۴۷م-۱۹۴۹م) بعد از دو سال فترت، در تیرماه ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م و در اشراف کامل دولت قوام السلطنه - که خواهان مجلسی هم سو با سیاست‌هایش بود- برگزار شد (مروارید، ۱۳۷۷، ج ۳، صص ۱۴۵-۱۴۶). فرخ که بعد از مدت کوتاهی توسط قوام از استانداری فارس عزل شده بود تصمیم داشت برای مقابله با قوام بار دیگر نماینده سیستان شود (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۹۵۵-۹۵۶). ولی این بار، مسیر رسیدنش به مجلس بسیار دشوار بود؛ زیرا بزرگ‌ترین دوست و حامی‌اش شوکت‌الملک در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م از دنیا رفته بود و از دیگر سو، حریف قدرتمند و کهنه کاری مثل قوام در مقابلش قرار داشت که حتی اجازه نداد نام او در فهرست انتخابات سیستان وارد شود (کمام، ۱/۴-۱-۳۵-۸۵-۱۵-۱۰۲۱).

قوام السلطنه با اسدالله علم -پسر و جانشین شوکت‌الملک- روابطی حسنه داشت و زمینه انتصاب او به فرمانداری کل سیستان و بلوچستان را فراهم آورده بود (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳). قوام السلطنه با هماهنگی اسدالله، برادر خود عبدالله وثوق (معتد السلطنه) را به عنوان نامزد اصلی سیستان مطرح کرد؛ در حالی که عبدالله وثوق هیچ گاه سیستان را ندیده بود و زمانی که مردم به این موضوع اعتراض کردند قوام با طعنه پاسخ داد: «وقتی ایشان انتخاب شد عکس ایشان را می فرستیم که شماها بشناسید» (فرخ، ۱۳۴۷، صص ۹۶۰-۹۶۱). این دخالت مستقیم نخست وزیر در انتخابات سیستان، امید مخالفان برای پیروزی در این دوره را از بین برد و شاید به همین دلیل بود که اعتراضات و شکایات آنان در این دوره بسیار کاهش یافت.

عبدالله وثوق که شناخت زیادی از سیستان و مشکلات آن نداشت، در مجلس هم برای موکلان ندیده نشناخته اش چندان تلاشی نکرد. او حتی در دوره خشک سالی شدید رودخانه هیرمند در آن برهه هم هیچ نظر و دفاعیه ای ارائه نداد؛ در حالی که عمق این فاجعه به قدری گسترده بود که بسیاری از روزنامه‌ها به آن پرداخته بودند و سایر نمایندگان

مجلس، از جمله نماینده خلخال هم در جلسه مربوط به این موضوع از مردم سیستان دفاع کرده بودند (مشروح مذاکرات دوره ۱۵، نشست ۱۹-۱۳۲۶۷/۲).

ظاهراً سکوت عبدالله وثوق و شرکت نکردنش در مباحث مجلس تاحدی چشمگیر شده بود که برخی از نمایندگان مجلس به آن اعتراض کردند (مشروح مذاکرات دوره ۱۵، نشست ۱۹۵-۱۳۲۸/۵/۱)؛ ولی با وجود این او و کالت مردم سیستان را تا پایان مجلس پانزدهم با همین شیوه ادامه داد.

با اینکه ضد علم‌یون سیستانی به دلیل دخالت نخست‌وزیر نتوانستند اقدامی مؤثر در این دوره انجام دهند، ولی در این سال‌ها تلاش کردند تا از همه ظرفیت‌های موجود برای تحقق اهداف خود استفاده کنند؛ از جمله برای جلب حمایت رهبران حزب توده، از آن‌ها برای تأسیس دفتر این حزب در زابل دعوت کردند. البته رهبران توده از مدت‌ها قبل به دلیل اینکه سیستان را «آبستن حوادث» سیاسی می‌دانستند، تبلیغات خود را آغاز کرده بودند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۶۲-۳۶۳)؛ اما بعد از این درخواست به‌طور رسمی شاخه‌ای از حزب توده را با عنوان «کمیته اتحاد دهقانان و کشاورزان سیستان» در زابل تأسیس کردند (اویسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱) و آن را به حزب توده بیرجند که هدفش مبارزه با خاندان علم بود متصل کردند (سیاسر، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷).

از سوی دیگر محمدرضاخان پردلی به‌عنوان لیدر اصلی ضد علم‌یون، برای نزدیکی به جریان حاکم در کشور از قوام السلطنه اجازه خواست تا شاخه‌ای از «حزب دموکرات» را در سیستان تأسیس کند (اویسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۵). ولی قوام که درخواست مشابهی از سوی علم‌یون سیستان دریافت کرده بود، ترجیح داد حزب دموکرات را با یکی از معتمدین بیرجندی حزب در سیستان افتتاح کند (ساکما، ۲-۲۳۰/۵-۲۹۰۰۰۰)؛ و بنابراین عملاً هیچ‌کدام از دو گروه رقیب در سیستان نتوانستند به‌صورت مستقل خود را مبلغ ایدئولوژی دموکرات‌ها در منطقه کنند. البته بسیاری از مردم سیستان به لحاظ ایدئولوژیک، وابستگی حزبی نداشتند و صرفاً برای موفقیت در برابر رقیب به‌سمت این احزاب کشیده می‌شدند (سیاسر، ۱۳۹۲، صص ۱۸۵-۱۸۶).

این فضای پرتنش سیاسی و رقابت شدید دو گروه باعث نگرانی شدید اسدالله علم شد و او سعی کرد با برخی از اقدامات اصلاحی مثل برکناری اسماعیل خزیمه -شوهر خواهرش- از فرمانداری زابل میزان حساسیت‌های مردم به این خاندان را کاهش دهد (طلوعی، ۱۳۸۳، ص ۶۵)؛ و از طرف دیگر برای تسخیر قلوب مردم سیستان، با نمایندگی سردار علی‌خان پردلی در مجلس شانزدهم (۱۳۲۸ش - ۱۳۳۰ش / ۱۹۵۰م - ۱۹۵۲م) به آرزوی دیرینه آنان برای داشتن نماینده بومی، جامعه عمل ببوشاند (کمام، ۱/۳-۱-۳۳-۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱؛ پیوست ۴).

البته علی‌خان باینکه برادر محمدرضاخان پردلی رهبر اصلی مخالفان خاندان علم بود، ولی از سالیان قبل همراه و حامی شوکت‌الملک در منطقه محسوب می‌شد و ظاهراً با درخواست او دست دوستی به اسدالله علم داده بود (رئیس‌الذاکرین دهبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷)؛ و با این دوستی، مهم‌ترین خاندان سیاسی زابل را به دو شاخه رقیب تبدیل کرده بود. ولی شرایط براساس برنامه اسدالله پیش نرفت و مرگ ناگهانی علی‌خان پردلی قبل از افتتاح مجلس شانزدهم، بار دیگر فضای سیستان را متشنج کرد و سیلی از تلگراف‌های مخالفان سیستانی را به سوی مقامات کشور روانه کرد که می‌گفتند: «باتوجه به اینکه تجربه نشان داده است وکلای غیرمحملی برای اصلاح امور و رفاه اهالی این سامان کوچک‌ترین قدمی برنداشته‌اند»، بهتر است در انتخابات میان‌دوره‌ای بار دیگر نماینده‌ای بومی برگزیده شود (کمام، ۱/۸-۱-۳۳-۱۶۷-۱۶-۱۰۲۱).

این درحالی بود که اسدالله علم بعد از مرگ علی‌خان پردلی -که خود را همیشه مطیع او می‌دانست- (ساکماق، ۷۰۲۱۱/۳) هیچ گزینه بومی مناسبی برای نمایندگی مجلس نداشت، بنابراین به سمت امیرحسین خزیمه علم، شوهرخواهرش رفت که از یکسو نوّه شریف‌خان نارویی و نتیجه وصلت‌های سیاسی خاندان علم با خوانین سیستان بود (مجید فیاض، ۱۳۸۱، ص ۳۷۴) و ازسوی دیگر در اوایل دهه ۲۰ شمسی سال‌ها به‌عنوان فرماندار کل سیستان و بلوچستان خدمت کرده بود و با مردم منطقه آشنایی نسبی داشت (مجتهدزاده، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴). هرچند که در آن دوره هم، شکایات متعددی از او خصوصاً برای تعدیاتش به زمین‌های کشاورزی دیگران به ثبت رسیده بود (ساکما، ۲۳۰-۰۶۳۲۳۶/۱۵) که با تهدید و سوءاستفاده از قدرت اداری‌اش قصد داشته بود آن‌ها را تصاحب کند (ساکما، ۲۳ و ۲۳۰-۰۶۳۲۳۶/۲۴).

با انتخاب امیرحسین خزیمه که سابقه خوبی در بین مردم نداشت شکایات علیه او افزایش یافت. محمدرضاخان پردلی (رقیب انتخاباتی او) بلافاصله بعد از انتخابات، با ذکر چندین ایراد قانونی لغو این انتخابات را خواستار شد (کمام، ۱۶ تا ۱/۲۰-۱-۳۳-۱۶۷-۱۰۲۱). هرچند این اعتراضات تصویب اعتبارنامه امیرحسین خان را چندین جلسه به تعویق انداخت، ولی درنهایت او به‌عنوان نماینده مردم سیستان در دوره شانزدهم مجلس منصوب شد (مشروح مذاکرات دوره ۱۶، نشست ۳۹-۱۳۲۹/۴/۱). حضور او در مجلس در این دو سال -مطابق انتظار مردم سیستان- برای منطقه دستاوردی نداشت و او این دوره را بدون ارائه نطق و یا پیشنهادی، با ثبت حدود سی جلسه غیبت و گرفتن چندین تذکر برای بی‌نظمی و ترک بی‌اجازه صحن مجلس (مشروح مذاکرات دوره ۱۶، نشست ۱۶۳-۱۳۳۰/۴/۱۱) با ثبت کارنامه‌ای ناموفق به پایان رساند.

۶. قیام ۱۹ بهمن

انتخابات دوره هفدهم سیستان به قیام ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ ش (۱۹۵۱م) - مهم ترین حادثه سیاسی این منطقه در دوره پهلوی - منجر شد. فضای سیاسی سیستان که بعد از مرگ سردار علی خان پردلی متشنج شده بود جامعه سیاسی و اجتماعی منطقه را مانند انبار باروت کرده بود که وقایع این دوره جرقه ای بر آن شد. انتخابات این دوره در کشور به شدت تحت تأثیر نخست وزیری مصدق و فرمان او مبنی بر آزادی انتخابات قرار گرفته بود (افشار سیستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). در سیستان نیز این فضا امید مخالفان برای پیروزی را چند برابر کرده بود. آنان که از مدت ها قبل بر انتخاب آیت الله ابراهیم شریفی روحانی سرشناس و محبوب سیستانی ائتلاف کرده بودند با ارسال تلگراف هایی متعدد به مصدق و کاشانی و تشریح وضعیت ادوار گذشته مجلس در زابل خواهان حمایت مصدق برای انتخاب وکیل حقیقی و بومی در سیستان شدند (کمام، ۱/۱۲-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱). آیت الله شریفی که در برخی اسناد به عضویت در گروه توده متهم بود، از اوایل دهه ۲۰ شمسی در مبارزات سیاسی همراه و حامی محمدرضا خان پردلی بود (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۶) که اکنون رهبری تبلیغاتی انتخابات را برعهده داشت. پردلی که در سیستان شخصیتی کاریزماتیک بود با انتخاب شعار تبلیغاتی «زابل برای زابلی ها» تمام مردم سیستان را با خود همراه کرد. او با اینکه هیچ رسانه تبلیغاتی ای نداشت، ولی حرف هایش در گوشه و کنار سیستان در حال زمزمه بود و مردم به تبعیت از او، علت اصلی بدبختی و پیشرفت نکردن سیستان را وجود نمایندگان غیربومی در ادوار گذشته می دانستند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۷۸-۳۷۹) و بنابراین اکنون پیروزی شریفی خواستی عمومی شده بود.

در جبهه مخالف ولی اسدالله علم با وجود آگاهی از اعتراضات مردم به نمایندگی امیرحسین خان خزیمه در دوره قبل، با انتخاب مجدد او اشتباهی سیاسی را مرتکب شد. البته او ظاهراً بعد از ورود به زابل و مشاهده وضعیت آشفته شهر پشیمان شد و حتی قبل از ترک سیستان امیرحسین خزیمه را از تقلب و سرسختی در انتخابات برحذر داشت (چاری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸)؛ ولی خزیمه که برای پیروزی در این انتخابات بر حمایت نیروهای دولتی و اداری سیستان تکیه کرده بود، این هشدار را نادیده گرفت. این درحالی بود که مصدق برای جلوگیری از دخالت نیروهای دولتی تدابیری از قبیل جابه جایی استانداران و فرمانداران را اجرا کرد و در بخشنامه ای بر انتخاب افراد بی طرف و خوش نام برای حضور در انجمن های نظارت بر انتخابات تأکید کرد (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۳۷۶).

اما با وجود همه تدابیر صورت گرفته، این موضوع در زابل، زمینه اولین اختلاف دو گروه شد؛ زیرا مخالفان معتقد بودند که امیرحسین خان با استفاده از نیروهای دولتی



طرفدار خاندان علم، دوسوم اعضای انجمن نظارت بر انتخابات را از میان طرفداران خودش انتخاب کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۷۹۷-۷۹۹)؛ و هم چنین برای پیروزی در انتخابات با علی نقی کوثر فرماندار جدید زابل رایزنی کرده است (کمام، ۱۰/۱-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱).

محمد رضاخان پردلی که با این شرایط خطر بروز تقلب را احساس کرده بود در تلگرافی به مصدق، ضمن شرح وقایع زابل، هشدار داد که ادامه این روند ممکن است باعث وقایع ناگوار در آینده و حتی تلف شدن عده‌ای از مردم شود (مکی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۲۱). ارسال این قبیل تلگراف‌ها در روزهای بعد به دلیل اینکه سیم تلگراف را گروه رقیب از چند محل قطع کرده بود از شهرهای اطراف ادامه پیدا کرد (کمام، ۱۰/۳-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱)؛ ولی چون هیچ نتیجه‌ای نداشت، مخالفان با تعطیلی بازار تحصنی بزرگ را در تلگراف خانه زابل شکل دادند و سپس هیئتی را برای دیدار حضوری با نخست‌وزیر به تهران فرستادند. بازگشت بدون نتیجه نماینده آن‌ها یک روز قبل از انتخابات، جمعیت متحصن را چندبرابر کرد و باعث ایجاد بی‌نظمی در شهر و درگیری بین طرفین شد؛ اما فرماندار جدید بی‌توجه به این شرایط با وارد کردن افراد مسلح ایل نارویی به شهر و تهدید و تحقیر مردم -با سردادن شعار «زنده باد خزیمه علم و مرده باد زابلی»- باعث تحریک مردم شد (کمام، ۱۲ تا ۱۰/۱۵-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱). در نتیجه این وضعیت جمعیت خشمگینی که تا ده‌هزار نفر برآورد می‌شد مثل سیل روان درحالی که «بیل و کلنگ و چهارشاخ» به دست داشتند از روستاها به شهر زابل سرازیر شدند تا به هر شکلی شده است حق خود را بگیرند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، صص ۳۸۰-۳۸۱).

جمعیت خشمگین در صبح روز ۱۹ بهمن هنگام خروج صندوق‌ها برای آغاز رأی‌گیری، در اطراف فرمانداری زابل حضور یافتند و چون احساس می‌کردند که صندوق‌ها از قبل بانام امیرحسین خزیمه پر شده است تلاش کردند تا آن‌ها را از مأموران بگیرند و بشکنند که این موضوع باعث درگیری و زخمی شدن یکی از معترضان شد. مردم که با این حادثه کنترل خود را از دست داده بودند به سمت مسئولان انتخابات حمله‌ور شدند و نظرخان نارویی رئیس انجمن نظارت بر انتخابات را به طرز فجیعی به قتل رساندند. آنان سپس با فریاد «یا علی و یا حیدر» به تجسس سایر مسئولان رفتند و با یافتن فرماندار جدید و بازرس انتخاباتی که مخفی شده بودند آنان را تکه‌تکه کردند (رئیس‌الذاکرین دهبانی، ۱۳۸۸، صص ۳۰۳-۳۰۴). معترضان در ادامه، خانه امیرحسین خزیمه را محاصره کردند؛ ولی به دلیل محافظان مسلح در پشت بام خانه، -که چندین تن از مردم معترض را کشتند- پراکنده شدند (حسین‌پور، ۱۳۷۳، ص ۵۹؛ کامم، ۱۰/۱۶-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱).

این درگیری که تا غروب ۱۹ بهمن ادامه یافت یازده کشته و چهل مجروح برجای گذاشت (مکی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۲۲)؛ هرچند که ظاهراً آمار بالاتر از این تعداد بوده است و برخی از خانواده‌ها از ترس مجازات حکومتی یا درگیری طایفه‌ای از ارائه واقعیت خودداری کرده‌اند (کمام، ۱/۱۶-۱-۳۶-۵۷-۱۷-۱۰۲۱).

بنابراین این انتخابات که نتیجه حسرت‌های تاریخی و خشم مردم از دیده‌نشدن بود، دستاورد مثبتی برای جامعه سیستان در پی نداشت؛ بجز اینکه مردم سیستان را از وجود نماینده در دوره هفدهم محروم کرد. از سوی دیگر عواقب سیاسی و اجتماعی این حادثه مثل درگیری‌های طایفه‌ای از جمله قتل برادر محمدرضاخان توسط پسر نظرخان نارویی تا مدت‌ها بر سیستان سایه افکند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، ص ۳۸۹). بدتر از همه اسارت و تبعید محمدرضاخان پردلی و آیت‌الله شریفی رهبران سیاسی سیستان بود که باعث شد جناح رقیب در ادوار بعدی بدون هیچ مزاحمت و مخالفتی بر امور منطقه مسلط شود.

انتخابات دوره هجدهم (۱۳۳۲ش-۱۳۳۵ش / ۱۹۵۴م-۱۹۵۶م) که بعد از کودتای ۱۳۳۲ش انجام شد برعکس دوره قبل که مصدق به دنبال انتخابات آزاد بود کاملاً فرمایشی و انتصابی بود و شاه در تلاش بود تا تمام نهادهای قدرت، از جمله مجلس را در اختیار بگیرد. اسدالله علم هم اگرچه بعد از حادثه ۱۹ بهمن و تبعید سران مخالف، تصمیم گیرنده اصلی انتخابات در سیستان بود، ولی به دلیل هراسی که از وقایع تلخ گذشته داشت، ابراز تمایل امیرحسین خزیمه برای حضور در انتخابات سیستان را نادیده گرفت و او را نماینده بیرجند کرد (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۵۳۴).

اسدالله علم سپس جهانگیرخان تفضلی را که قرار بود از طریق نمایندگی بیرجند، چشم و گوش شاه در مجلس شود نماینده سیستان کرد. البته او این موضوع را با احتیاط انجام داد؛ چون تفضلی «هرگز زابل را ندیده بود... و بعدها هم ندید» و این موضوع ممکن بود باعث خشم مردم شود؛ از این رو اسدالله علم با سناریویی هوشمندانه ابتدا در زابل کاندید شد و بعد از انتخاب به عنوان نفر اول، انصراف داد تا تفضلی به عنوان نفر دوم و بدون اعتراض «به مردم تحمیل شود» (تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۹۸).

تفضلی بعد از حضور در مجلس و عضویت در کمیسیون برنامه (مشروح مذاکرات دوره ۱۸ نشست ۵-۲/۱۳۳۳) «باینکه مثلاً نماینده مردم زابل در مجلس بود»، ولی فقط به دنبال تهیه گزارش برای شاه بود و به این منظور «هر هفته در روزهای ملاقات» به خدمت شاه شرفیاب می شد (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸). از طرف دیگر او که هم‌زمان با نمایندگی، به عنوان رئیس رادیو و تبلیغات نیز مشغول بود، فرصت حضور در همه جلسات مجلس را نداشت و حتی در بسیاری از رأی‌گیری‌های مجلس هم شرکت نمی کرد (مشروح



مذاکرات دوره ۱۸، نشست ۷۱-۱۱/۹/۱۳۳۳؛ دوره ۱۸، نشست ۲۱۴-۱۰/۱۲/۱۳۳۴). در چنین شرایطی طبیعی بود که تفضلی به شرایط سیستان که هرگز آن را ندیده بود، چندان اهمیتی ندهد و برنامه‌ای هم برای رفع مشکلات آن‌جا نداشته باشد. او معمولاً جلسات مجلس را بدون اظهارنظر و با سکوت به پایان می‌رساند و اگر به ندرت نطق یا نظری از او در مذاکرات این دوره ثبت شده است (مثل جلسه مربوط به پیمان بغداد) بیشتر در راستای رضایتمندی شاه و پیشبرد اهداف سلطنت بوده است (مشروح مذاکرات دوره ۱۸، نشست ۱۶۲-۷/۷/۱۳۳۴).

۷. نمایندگان بومی سیستان

دوره نوزدهم مجلس (۱۳۳۵ ش-۱۳۳۹ ش/۱۹۵۶م-۱۹۶۰م) فرصتی تاریخی برای سیستان شد؛ چون با وجود اینکه بزرگان علم از چندین دهه گذشته، اهالی سیستان را حتی شایسته مدیریت‌های محلی هم نمی‌دیدند (محمدی خمک، ۱۳۹۲، ص ۶۰۳)، بالاخره مجبور شدند از خود سیستانی‌ها برای نمایندگی مجلس استفاده کنند. در این دوره ابراهیم خان پردلی به عنوان نماینده دوره نوزدهم انتخاب شد. البته ابراهیم خان در یک دهه قبل از آن و بعد از مرگ پدرش سردار علی خان پردلی نماینده متوفای دوره شانزدهم، به همراه محمدحسین خان نارویی از حامیان خاندان علم در منطقه بود و در جریان‌های مختلف مثل ۱۹ بهمن وفاداری‌اش را به این خاندان اثبات کرده بود. با وجود این انتخاب او در سال ۱۳۳۵ ش از معدود انتخابات بدون شاکی در سیستان بود (کمام، ۵ و ۱/۷-۱-۳۲-۲۴-۱۹-۱۰۲۱). حضور ابراهیم خان در مجلس علاوه بر دوره نوزدهم -که برای اولین بار در تاریخ مجلس مدتش به چهار سال افزایش یافته بود- در سه دوره ۲۰، ۲۲ و ۲۴ هم ادامه پیدا کرد.

البته باید اذعان داشت که علاوه بر بومی بودن، عملکرد قابل قبول او در این ادوار هم، عامل مهمی در نبود شکایت علیه او بود. بررسی اسناد مجلس نشان می‌دهد که ابراهیم خان سطح نمایندگی این منطقه را ارتقاء داد و در اولین حضورش در مجلس با ارائه بیش از ده نطق پیش از دستور و حدود سی سؤال از وزرا درباره مسائل مختلف سیستان، از حیطه کشاورزی به عنوان قطب اصلی اقتصاد (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۹۱-۱۳۳۷/۳/۷) تا مسائل بهداشتی سیستان (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۱۱۳-۱۱/۳۰/۱۳۳۷) و همچنین مسائل عمرانی (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۴۰۱-۱۱/۲/۱۳۳۹) و زیرساخت‌های مختلف مثل خطوط مخابرات و پست و تلگراف (کمام، ۸/۱۵-۸۲-۲۲ق) به خوبی از فرصت مجلس برای بیان مشکلات سیستان استفاده کرد. در حالی که در طول هیجده دوره قبل به ندرت نطق یا سؤالی درباره مشکلات منطقه از سوی نمایندگان سیستان مطرح شده بود. او در ادوار بعدی

حضورش در مجلس نیز این روند را ادامه داد و مجموعاً با بیش از چهل نطق انتقادی و شصت سؤال یکی از فعال‌ترین نمایندگان مجلس بود.

البته این پیگیری‌ها و خصوصاً نطق‌های تند و انتقادی او علیه مسئولان کشور تبعات مختلفی از اختلاف و درگیری نمایندگان با او (مشروح مذاکرات دوره ۲۲، نشست ۲۱۸-۱۳۴۹/۱۰/۱؛ دوره ۲۲، نشست ۲۴۸-۱۳۵۰/۰۲/۲۶) تا پرونده‌سازی و دعوی قضایی با وزرا (ساکما، ۳۸ و ۴۰ و ۷۰ تا ۲۷۷/۷۴-۰۰۳۷۰؛ کما، ۲۵/۲-۳۱-۳-۲۲-۱۰۱۱) را برای او به همراه داشت. ولی او در مواردی که در مجلس به بن‌بست می‌خورد از طریق فرستادن نامه به شاه موضوع را پیگیری می‌کرد (ساکما، ۲۷۷/۶-۰۰۳۷۰؛ پیوست ۵).

تلاش‌های پردلی در این سال‌ها باعث آغاز پروژه‌های مختلفی در سیستان شد که از جمله می‌توان به آغاز پروژه اصلاح پل نهرآب (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۱۶۴-۱۳۳۶/۱۱/۱۵؛ کما، ۱۷۲-۱-۱-۸۲-۲۲ق)؛ پیگیری وام‌های کشاورزی (مشروح مذاکرات دوره ۲۲، نشست ۷۴-۱۳۴۷/۰۴/۳۰؛ ارتقا پست و تلگراف و سیم‌کشی خطوط بین شهری (کما، ۶ و ۱۵/۸-۸۲-۲۲ق)؛ احداث کارخانه لبنیات‌سازی در سیستان (کما، ۵/۴-۸۷-۰-۲۲ق)؛ آغاز قرارداد احداث کارخانه برق شهری زابل (ساکما، ۸ و ۱۰۹۹۲۱/۱-۳۷۰-۰۰)؛ احداث جاده بین شهری زابل به زاهدان (مشروح مذاکرات دوره ۲۴، نشست ۲۱-۱۳۵۴/۱۱/۱۴)؛ و چندین پروژه دیگر اشاره کرد.

هرچند به دلیل کمبود اسناد علت حذف ابراهیم خان پردلی از نمایندگی سیستان بعد از دو دوره حضور پیاپی او در مجلس مشخص نیست، ولی جانشین او محمدحسین خان نارویی در مجلس بیست و یکم (۱۳۴۲ش-۱۳۴۶ش/۱۹۶۳م-۱۹۶۷م) بالاخره با ورود به مجلس (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۲-۱۳۴۲/۰۷/۲۳) دستمزد سال‌ها خدمات و وفاداری‌اش به خاندان علم را دریافت کرد؛ زیرا نارویی که در جریان ۱۹ بهمن و همچنین انتخابات دوره هجدهم خدمات ویژه‌ای به اسدالله علم کرده بود در نامه‌هایش به اسدالله علم از او خواسته بود: «درقبال آن‌همه از خودگذشتگی و تحمل زحمات طاقت‌فرسای» سالیان دراز «لااقل اندکی از هزار را جبران نماید» (محمدی خمک، ۱۳۹۲، صص ۵۳۱-۵۳۳).

اما نارویی بعد از ورود به مجلس نشان داد که صرف بومی بودن، شاخصه لازم و کافی برای نمایندگی اصلح نیست؛ زیرا او نتوانست به درستی از حقوق مردم سیستان در مجلس دفاع کند و باینکه در مقطعی عضو کمیسیون آب و برق مجلس بود (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۶۰-۱۳۴۳/۰۱/۳۰)، حتی در جلساتی که مربوط به قوانین مرتبط با سیستان و کمیسیون تخصصی او بود، نیز سکوت کرد؛ درحالی‌که نمایندگان سایر شهرها



برای اینکه مردم سیستان «در آتیه بتوانند از آب لوله‌کشی استفاده نمایند» از حقوق آن‌ها دفاع کردند (مشروح مذاکرات دوره ۲۱، نشست ۱۰۳-۱۹/۰۷/۱۳۴۳).

اما نارویی ظاهراً در سیستان، چندان ساکت و آرام نبود و با سوءاستفاده از نفوذ و قدرت نمایندگی به دنبال منافع اقتصادی و زراعی خود بود و به همین دلیل چندین شکایت از او خصوصاً در اختلافات زراعی و سوءاستفاده از مقامش (ساکما، ۳۲۰-۰۳۱۹۰۳/۵) یا «تبانی با مأمورین ثبت» برای تصاحب زمین‌های دیگران، به ثبت رسیده است (کمام، ۱۵/۱۴-۱۵-۲۵-۲۱-۱۰۱۱).

در دوره بیست و سوم مجلس (۱۳۵۰ش-۱۳۵۴ش/۱۹۷۱م-۱۹۷۵) با وجود اینکه آرزوی ابراهیم‌خان پردلی برای داشتن دو نماینده از سیستان در مجلس محقق شد (مشروح مذاکرات دوره ۱۹، نشست ۳۹۹-۱/۰۲/۱۳۳۹)، ولی خودش از ورود به مجلس بازماند. کمبود اسناد بازهم دلیل حضورنداشتن او در این دوره را مبهم می‌گذارد؛ ولی شاید نطق‌های انتقادی او علیه دولت و وزرا عاملی مهم در حذف او از مجلس بوده است. در این دوره اسدالله علم بعد از چهار دوره حضور نماینده بومی تصمیم گرفت دو نماینده غیربومی را وارد مجلس کند. البته این دو نفر در دهه بیست شمسی از مدیران عالی‌رتبه زابل بودند و اندکی با شرایط و جو زابل آشنایی داشتند.

اسماعیل خزیمه علم ریشه‌ای سیستانی داشت؛ چون پدرش صمصام‌الدوله در راستای وصلت‌های سیاسی خاندان علم، با خواهر علی‌خان و محمدرضاخان پردلی ازدواج کرده بود و بنابراین او پسرعمه ابراهیم‌خان پردلی بود. اسماعیل خزیمه در اوایل دهه بیست فرماندار زابل بود؛ اما اعتراض مردم به عملکردش باعث شد تا اسدالله علم برای برگرداندن اعتبار خاندان علم او را از کار برکنار کند (طلوعی، ۱۳۸۳، ص ۶۵)؛ و اکنون بعد از سه دهه دوری از فضای سیستان به لطف اسدالله علم، نماینده سیستان شد. ولی در این دوره عملکردی بسیار ناامیدکننده داشت؛ خصوصاً که در این دوره از مجلس یکی از مهم‌ترین قراردادهای منطقه سیستان در زمینه آب سیستان، با افغانستان امضا شد و او می‌توانست با بیان مشکلات ناشی از کم‌آبی هیرمند بر اقتصاد منطقه، شرایط بهتری را برای تنظیم بندهای این قرارداد به نفع مردم سیستان فراهم آورد و نقشی تأثیرگذار در تاریخ این منطقه از خود بر جای بگذارد. ولی او در جلسه مربوط به این قرارداد با وجود اینکه نماینده سیستان بود هیچ نظر یا پیشنهادی ارائه نداد (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۱۱۳-۱۳۵۲/۰۳/۲۲) و قرارداد آب سیستان بدون نظر کارشناسی یا حتی نطق احساسی نماینده مردم سیستان، منعقد شد. البته ظاهراً این موضوع چندان اهمیتی برای اسماعیل خزیمه نداشت؛ زیرا او در زمانی که عضو یکی از مهم‌ترین کمیسیون‌های مجلس یعنی کمیسیون امور خارجه نیز بود (مشروح مذاکرات دوره

۲۳، نشست ۱۲۷-۱۲۸/۱۷/۱۳۵۲؛ دوره ۲۳، نشست ۱۸۹-۱۸۸/۰۷/۱۳۵۳) و حتی می توانست از نفوذ خود در این کمیسیون بر وزارت خارجه و یا تأثیر برای ایجاد متمم برای این قرارداد استفاده کند، باز هم همان سیاست سکوت در جلسات مجلس را ادامه داد؛ بنابراین معلوم می شود که او کلاً به مباحث مجلس علاقمند نبوده است؛ زیرا علاوه بر اینکه در اکثر جلسات مجلس ساکت بوده، با پنجاه نوبت غیبت، در بیش از یک پنجم از جلسات مجلس هم حضور پیدا نکرده است (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۱۱۵-۱۰۵/۰۴/۱۳۵۲).

دومین نماینده غیربومی این دوره محمدحسین رهبر بود که او نیز سه دهه قبل از آن از سیستان خارج شده بود و طبعاً اکنون به علت نداشتن شناخت کافی از مشکلات منطقه نمی توانست تأثیر مثبتی برای سیستان داشته باشد. رهبر در مجلس بیست و سوم بدون بیان مشکلات سیستان، به دنبال ارتقای شغلی و حقوقی خودش بود (ساکما، ۰۵۸۹۴۶۷-۲۳۰). او در دوره بیست و چهارم (۱۳۵۴ش-۱۳۵۷ش/۱۹۷۵م-۱۹۷۸م) هم به عنوان نماینده سیستان حضور داشت (مشروح مذاکرات دوره ۲۳، نشست ۲-۱۳۵۴/۰۶۲۵-۱۳۵۴) و در این دوره هم نطق یا پیشنهادی درباره سیستان مطرح نکرد. البته او به خوبی می دانست که این دو حضور پیاپی در مجلس را بیشتر از شایستگی هایش مدیون روابطش با اسدالله علم و خدماتش به اوست.

رهبر در سال ۱۳۲۳ش و با اکراه زیاد وارد اداره کشاورزی زابل شده بود و هرگز به این همه ارتقای شغلی بعدی فکر نمی کرد. او در آن زمان ضمن نامه ای به وزارت کشاورزی نوشته بود: «باتوجه به اینکه من «اصلاً نظر خاصی به زابل نداشته و زابلی هم نیستم که علاقه داشته باشم» در زابل خدمت کنم، تقاضا دارم به شهر دیگری منتقل شوم (ساکما، ۰۵۵۵۷۲/۴۸۲-۲۳۰؛ پیوست ۶). باوجود این او به زودی با پیوستن به جناح علمیان و انجام خدمات مختلف به آنان، خصوصاً در انتخابات شانزدهم و پیروزی امیرحسین خان خزیمه (کمام، ۱۰۲۱-۱۶-۱۶۷-۳۳-۱-۱۷/۱۳۵۴) به یکی از مهره های مورد وثوق اسدالله علم تبدیل شد. تاجایی که اسدالله علم در سال های بعد و در مناصب مختلف کشوری هم از او استفاده کرد و زمانی که به وزارت دربار رسید او را در سال ۱۳۴۵ به ریاست دبیرخانه امور اجتماعی دربار منصوب کرد؛ و سپس در سال ۱۳۵۰ تصمیم گرفت رهبر را به عنوان نماینده مردم سیستان وارد مجلس کند تا از طریق او اهداف سیاسی اش در مجلس را دنبال کند (نظری، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳).

۸. نتیجه

حاکمان علم که بعد از انقلاب مشروطه و با پیوستن به مشروطه خواهان، و سپس نزدیکی به رضاشاه، قدرت خود را در منطقه حفظ کرده بودند، در همه انتخابات های سیستان نقشی اصلی و تعیین کننده برای انتخاب نماینده بر عهده داشتند. آنان در ابتدای مشروطه که سیستان



به دلیل ضعف‌های فرهنگی و سیاسی فاقد سیاست‌مداری اصلح برای نمایندگی مجلس بود، برای انتخاب نماینده با سیاسیون مرکز نشین - که اکثراً افرادی تحصیل کرده و بانفوذ در کشور بودند- برای نمایندگی سیستان توافق می‌کردند. ولی اغلب این افراد هیچ وقت سیستان را ندیده بودند و حتی بعد از انتخاب هم، برای سرکشی به آن جا نمی‌رفتند و از مشکلات مردم آن منطقه اطلاع زیادی نداشتند و بنابراین برنامه و طرحی هم برای بهبود شرایط سیستان ارائه نمی‌دادند. از طرف دیگر آنان که به دلیل پیگیری منافع شخصی خاندان علم، از انتخاب خود در ادوار بعدی مجلس مطمئن بودند، چندان علاقه‌ای برای شرکت در جلسات مجلس از خود نشان نمی‌دادند و یا اینکه اگر حضور داشتند هیچ نطق و نظری از آنان در مجلس شنیده نمی‌شد و معمولاً جلسات مجلس را با سکوت به پایان می‌رساندند. این وضعیت باعث نارضایتی شدید مردم سیستان شد. آن‌ها با گذشت زمان از کارکرد مجلس اطلاعاتی به دست آورده بودند و تمایل داشتند تا با فرستادن نمایندگان بومی به مجلس شرایط را برای پیشرفت منطقه خود فراهم آورند؛ بنابراین در زمینه انتخاب نماینده رقابتی سیاسی بین مخالفان به رهبری خوانین سیستان علیه خاندان علم ایجاد شد. این رقابت در اواخر دهه ۲۰ شمسی و در انتخابات دوره هفدهم به اوج خود رسید و باعث درگیری شدید بین طرفداران دو گروه و قتل ده‌ها نفر در حادثه ۱۹ بهمن ۱۳۳۰ شد؛ تاجایی که دولت مجبور شد انتخابات این دوره را ابطال کند و سران مخالف سیستانی را تبعید کند.

بعد از این حادثه و با وجود اینکه همه چیز به نفع خاندان علم به پایان رسیده بود و اسدالله علم یک‌هفته تاز میدان سیاست سیستان بود، اما او از ترس تکرار حوادث مشابه بسیار با احتیاط عمل کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت که در انتخابات دوره نوزدهم و برای رضایت مردم از گزینه‌های بومی برای نمایندگی سیستان استفاده کند. هر چند که افراد بومی مدنظر او در طی سنوات قبل از حامیان و همراهان این خاندان در منطقه بودند و او می‌دانست که با وجود آن‌ها هم چنان می‌تواند سیاست‌های مدنظرش را در منطقه دنبال کند.

حضور نمایندگان بومی و علاقه‌مند به سیستان، باعث تلاش و پیگیری زیادی برای برطرف کردن مشکلات منطقه شد و میزان نطق‌ها و سؤالات مختلف درباره سیستان را به طور چشمگیری در مجلس افزایش داد و اثرات مطلوبی در مسائل عمرانی و زیرساختی سیستان گذاشت؛ اما این روند ادامه پیدا نکرد و اسدالله علم بی توجه به اثرات نامطلوب نمایندگان غیربومی و ناآشنا با مشکلات سیستان، بار دیگر و در دوره‌های آخر مجلس، از نیروهای غیربومی برای پیگیری سیاست‌هایش در مجلس استفاده کرد.

این موضوع همان آسیب جبران‌ناپذیری بود که به دلیل نفوذ خوانین محلی یا حضور خاندان‌های حکومتگر در نقاط مختلف، از مجلس اول تا پایان مشروطه گریبان گیر مناطق

- (دوره ۷، نشست ۶۰-۱۳۰/۸/۵/۳۱)؛ (دوره ۱۱، نشست ۸-۱۳۱۶۷/۲۰)؛ (دوره ۱۲، نشست ۸۹-۱۳۲۰/۱/۱۹)؛
- (دوره ۱۳، نشست ۹۵-۱۳۲۱/۷/۱۹)؛ (دوره ۱۴، نشست ۲-۱۳۲۲/۱۲/۱۴)؛ (دوره ۱۴، نشست ۴۳-۱۳۲۳/۴/۱۵)؛
- (دوره ۱۴، نشست ۵۴-۱۳۲۳/۵/۲۲)؛ (دوره ۱۴، نشست ۱۱۶-۱۳۲۴/۱۲/۱۴)؛ (دوره ۱۵، نشست ۱۹-۱۳۲۶/۷/۲)؛
- (دوره ۱۵، نشست ۱۹۵-۱۳۲۸/۵/۱)؛ (دوره ۱۶، نشست ۳۹-۱۳۲۹/۴/۱)؛ (دوره ۱۶، نشست ۱۶۳-۱۳۳۰/۴/۱۱)؛
- (دوره ۱۸، نشست ۵-۱۳۳۳/۲/۲)؛ (دوره ۱۸، نشست ۷۱-۱۳۳۳/۹/۱۱)؛ (دوره ۱۸، نشست ۱۶۲-۱۳۳۴/۷/۲۷)؛
- (دوره ۱۸، نشست ۲۱۴-۱۳۳۴/۱۲/۱۰)؛ (دوره ۱۹، نشست ۹۱-۱۳۳۶/۳/۷)؛ (دوره ۱۹، نشست ۱۱۳-۱۳۳۷/۰۴/۳۰)؛
- (دوره ۱۹، نشست ۱۶۴-۱۳۳۷/۱۱/۱۵)؛ (دوره ۱۹، نشست ۴۰۱-۱۳۳۹/۰۲/۱۱)؛ (دوره ۱۹، نشست ۳۹۹-۱۳۳۹/۰۲/۱)؛
- (دوره ۲۱، نشست ۲-۱۳۴۲/۰۷/۲۳)؛ (دوره ۲۱، نشست ۱۰۳-۱۳۴۳/۰۷/۱۹)؛ (دوره ۲۱، نشست ۶۰-۱۳۴۳/۰۱/۳۰)؛
- (دوره ۲۲، نشست ۷۴-۱۳۴۷/۰۴/۳۰)؛ (دوره ۲۲، نشست ۲۱۸-۱۳۴۹/۱۰/۱)؛ (دوره ۲۲، نشست ۲۴۸-۱۳۵۰/۰۲/۲۶)؛
- (دوره ۲۳، نشست ۱۱۳-۱۳۵۲/۰۳/۲۲)؛ (دوره ۲۳، نشست ۱۱۵-۱۳۵۲/۰۴/۰۵)؛ (دوره ۲۳، نشست ۱۲۷-۱۳۵۲/۰۷/۱۷)؛
- (دوره ۲۳، نشست ۱۸۹-۱۳۵۳/۰۷/۱۸)؛ (دوره ۲۳، نشست ۲-۱۳۵۴/۰۶/۲۵)؛ (دوره ۲۴، نشست ۲۱-۱۳۵۴/۱۱/۱۴)؛

کتاب

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۹). *سیستان: خاستگاه مدنیت و شهرنشینی در شرق ایران*. (چ ۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ابراهیمی، مریم. (۱۳۸۹). *تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان (۱۳۲۰-۱۳۳۲ شمسی)*. (چ ۲). تهران: بخارا.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۵). *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*. (چ ۱). تهران: تاریخ ایران.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۹۰). *خاندان علم و سیاست‌های استعماری در خاور ایران*. (چ ۲). زاهدان: تفتان.



- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). *سیستان نامه*. (ج ۲). تهران: مرغ آمین.
- تفضلی، جهانگیر. (۱۳۷۶). *خاطرات جهانگیر تفضلی*. (ج ۱). (یعقوب توکلی، کوشش گر). تهران: سوره مهر.
- چاری، ناصر. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی شهر زابل*. مشهد: تسنیم دانش.
- حسین پور، پرویز. (۱۳۷۳). *نظری و گذری بر تاریخ سیستان*. تهران: صفار.
- رئیس‌الذکرین دهبانی، غلام‌علی. (۱۳۸۸). *زادسروان سیستان: شرح منشور احوال طوایف سیستان*. (ج ۲). مشهد: فرهنگ سیستان.
- رئیس طوسی، رضا. (۱۳۸۵). *سرزمین سوخته: دیپلماسی بریتانیا در سیستان*. (ج ۱). تهران: گام نو.
- سیاسر، قاسم. (۱۴۰۰). *سیستان ویلوچستان از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ج ۱). تهران: خزه.
- سیاسر، قاسم. (۱۳۹۲). *سیستان ویلوچستان در روزگار پهلوی «مجموعه شانزده مقاله»*. (ج ۱). تهران: آبنوس.
- شجیعی، زهرا. (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ج ۳، ج ۴). (ج ۲). تهران: سخن.
- طلوعی، محمود. (۱۳۸۳). *چهره واقعی علم*. (ج ۲). تهران: نشر علم.
- عاقلی، باقر. (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*. (ج ۱، ج ۲). (ج ۱). تهران: علم، گفتار.
- عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۴). *بحران دموکراسی در ایران: ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲*. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، مترجمان). تهران: نشر البرز.
- فرخ، سیدمهدی. (معتمد السلطنه). (۱۳۴۷). *خاطرات سیاسی فرخ*. (ج ۱). (پرویز لوشانی، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. (ج ۱). (حمیدرضا ملک محمدی نوری، مترجم). تهران: شیرازه.
- مجید فیاض، عبدالمجید. (۱۳۸۱). *از باغ قصر تا قصر آرزوها: خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده و صاحب امتیاز روزنامه هیرمند خراسان*. (ج ۱). تهران: کویر.
- محمدی خَمک، جواد. (۱۳۹۲). *سیستان و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی*. (ج ۱). تهران: رشد فرهنگ.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷). *از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت*. (ج ۳). (ج ۱). تهران: اوحدی.
- مکی، حسین. (۱۳۷۰). *کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی*. (ج ۵). تهران: علمی.
- نظری، منوچهر. (۱۳۸۸). *رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- وحیدنیا، سیف‌الله. (۱۳۷۸). *در زیر تیغ (مجموعه‌ای از وقایع مهم تاریخی قرون مختلف)*. تهران: ۱۳۷۸.

مقاله

آل‌رضا امیری، کاظم. (۱۳۹۶). «اسنادی درباره اعتبارنامه میرزامصورخان معدل‌الدوله (شیبانی)». *پیام بهارستان*، ۲، س ۱۰، ش ۳۰، صص ۱۶۲-۱۶۹.

ابراهیمی، مریم. (۱۳۹۴). «قلعه سِکوهه [سه‌کوهه] سیستان و نقش تاریخی آن در وقایع شرق ایران در دوره قاجاریه». فصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱۰، ش ۳۹، صص ۱-۲۳.

اویسی، عباس. (۱۳۹۹). «مواجهه متنفذان محلی و حکومت پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش)». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال ۳۰، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۵۶-۸۲.

اویسی، عباس؛ علی‌صوفی، علی‌رضا. (۱۳۹۱). «تحولات زمین‌داری و مالکیت در سیستان دوره پهلوی اول». دوفصل‌نامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، دوره ۱، ش ۱، صص ۸۶-۱۰۵.

علی‌بابایی خامنه، فرزانه. (۱۳۸۱). «انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۱-۱۳۲۲ش)». فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، س ۶، ش ۲۱ و ۲۲، صص ۴۰۵-۴۹۱.

نائبیان، جلیل؛ شیخ‌نوری، محمدا میر؛ پیری، محمد. (۱۳۸۸). «حکام سیستان از تشکیل سلسله قاجار تا تسلیم علی‌خان سرابندی». فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، ش ۲، صص ۱۹-۳۴.

نجفی، فاطمه؛ نجفی، فرهاد. (۱۳۹۲). «پایگاه طبقاتی و عملکرد نمایندگان بندرعباس در مجلس چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی». اسناد بهارستان، دوره جدید، ش ۱، صص ۱۱۷-۱۴۷.

پایان‌نامه

اویسی، عباس. (۱۳۹۲). «زمین‌داری و تحولات مالکیت منطقه سیستان در دوره پهلوی». (رساله دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام). تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران، بخش علوم اجتماعی.

Translate sources

Archival Documents

Ketāb-xāneh, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

و (17/33-18-1-37-168-2); (2/114-1-2-44-9-1011); (42); (44/3-1-6-82-14-1011 و (14/15-1-15-25-21-1011); (2/25-1-3-31-22-1011); (45 و (5/24-1-3-8-4-1021); (4/3-); (52-28-7-1021); (6 و (7/1-52-28-7-1021); (6/2-1-52-59-10-1021); (2 و (3/3-1-52-59-10-1021); (7/1-36-3-14-1021 و (3/2-1-36-119-13-1021); (4/3-1-52-59-10-1021); (10-1021 to 15/1-36-3-14-1021); (4/1-1-35-85-15-1021); (3/1-1-33-167-16-1021); (8/1-1-33-167-16-1021); (17/1-1-33-167-16-1021); (16 to 20/1-1-33-167-1021);



(3/1-1-36-57-17-1021); (10/1-1-36-57-17-1021); (12/1-1-36-57-17-1021); (12 to 15/1-1-36-57-17-1021); (16/1-1-36-57-17-1021); (5 و 7/1-1-32-24-19-1021 و 8/15-0-82-22 و 6 و 22/1-9-26-3-1081)A); (72/1-1-2-82-22 ق4/5-0-87-22); (ق). [In Persian]

“Mašruh-e mozākerāt-e Majles” (Details of the parliamentary debates)

Term 2, Session 289-7/6/1290 (30/8/1911). Term 3, Session 60-18/5/1294 (10/8/1915). Term 7, Session 2-20/8/1307(11/11/1928). Term 7, Session 60-31/5/1308(22/8/1929). Term 12, Session 89-19/1/1320(8/4/1941). Term 11, Session 8-20/7/1316(12/10/1937). Term 13, Session 95-19/7/1321, (11/10/1942). Term 14, Session 116-14/12/1324, (5/3/1946). Term 14, Session 54-22/5/1323, (13/8/1944). Term 14, Session 43-15/4/1323, (6/7/1344). Term 14, Session 2-14/12/1322, (5/3/1944). Term 15, Session 19-2/7/1326, (25/9/1947). Term 15, Session 195-1/5/1328, (23/7/1949). term 16, Session 39-1/4/1329, (22/6/1950). Term 16, Session 163-11/4/1330, (3/7/1951). Term 18, Session 5-2/2/1333, (22/4/1954). [In Persian]

Term 18, Session 71-11/9/1333, (2/12/1954). Term 18, Session 214-10/12/1334, (1/3/1956). Term 18, Session 162-27/7/1334, (20/10/1955). Term 19, Session 91-7/3/1336, (29/9/1957). Term 19, Session 113-30/04/1336, (21/7/1957). Term 19, Session 401-11/02/1339, (1/5/1960). Term 22, Session 218-1/10/1349, (22/12/1970). Term 22, Session 248-26/02/1350, (16/5/1971). Term 19, Session 164-15/11/1336, (4/2/1958). [In Persian]

Term 22, session, 74-30/04/1347, (21/7/1968). Term 24, session, 21st session-14/11/1354, (3/2/1976). Term 21, session, 2-23/07/1342, (15/10/1963). 21st session, 60-30/01/1343, (19/4/1964). Term 19, session, 103-19/07/1343, (11/10/1964). Term 19, session, 399-1/02/1339, (21/4/1960). 23rd session, 127-17/07/1352, (9/10/1973). Term 23, session, 189-18/07/1353, (10/10/1974). Term 23, session, 113-22/03/1352, (12/6/1973). Term 23, session, 115-05/04/1352, (26/6/1973). Term 23, session, 2-25/06/1354, (16/9/1975). [In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Mellī-ye Irān (Sākmā) (National Library and Ar-



chives Organization of Iran):

(055572-230/482); (230-058946/7); (230-063236/15); (230-063236/23&24);
(290000230/2-5); (031903-320/5); (370-002777); (370-009921/8 10 9). [In Persian]

**Sāzmān-e Ketābxāne-hā, Muze-hā va Markaz-e Asnād-e Āstān-e Qods-e Razavi
(Sākmāq) (The organization of Libraries, Museums and Documents Center of
Aštane Qudse Razavi)**

(7777/1); (130167/5-1); (130256/170211/3); (2970202/1); (71985/1-4); (3971878/2); (29).
[In Persian]

Books

Afshar Sistani, Iraj. (1390/2011). *“Xāndān-e ‘Alam va siyāst-hā-ye este’māri dar
xāvar-e Irān”* (Alam family and colonial policies in eastern Iran). (2nd ed.).
Zāhedān: Taftān. [In Persian]

Afshar Sistani, Iraj. (1369/1980). *“Sistān-nāmeḥ”* (Sistan Nameh) (vol. 2). Tehran:
Morq-e Āmin. [In Persian]

Agheli, Bagher. (1380/2001). *“Šarḥ-e ḥāl-e rejāl-e siyāsi va nezāmi-ye mo’āser-e
Irān”* (Biographies of contemporary Iranian political and military figures) (1st
ed.). (vols. 1 & 2). Tehran: ‘Elm, Goftār. [In Persian]

Azimi, Fakhr al-Din. (1374/1995). *“Bohrān-e demokrāsi dar Irān: 1320 tā 1332”*
(The crisis of democracy in Iran: 1941 to 1953 AD). Translated by Abdolreza
Houshang Mahdavi & Bijan Nozari. Tehran: Našr-e Alborz. [In Persian]

Chari, Naser. (1390/2011). *“Moqaddame-ee bar joqrāfiyā-ye tārixi-e šahr-e Zābol.”*
(Introduction to the historical geography of Zabol city). Mašhad: Tasnim-e
Dāneš. [In Persian]

Ebrahimi, Maryam. (1389/2010). *“Tahvvolāt-e siyāsi va ejtemāee-ye Sistān va
Balučestān (1320-1332 SH)”* (Political and social developments of Sistan and
Baluchistan) (1940-1950) (2nd ed.). Tehran: Boxārā. [In Persian]

Ebrahimzadeh, Isa. (1389/2010). *“Sistān; Xāstgāh-e madaniyat va šaharnešini dar
šarq-e Irān”* (Sistan: The origin of civilization and urbanization in the east of
the country) (1st ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān



- (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [In Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh (1375/1996). *“Majles va entexābāt az mašruteh tā pāyān-e Qājāriyeh”* (Parliament and elections from the constitutional era to the end of Qajar) (1st ed.). Tehran: Tārix-e Irān. [In Persian]
- Hosseinpour, Parviz. (1373/1994). *“Nazari va gozari bar tārikh-e Sistān”* (A review and overview of the history of Sistan). Tehran: Saffār. [In Persian]
- Farrokh, Seyyed Mehdi (Mo'tasam Al-Saltaneh). (1347/1968). *“Xāterāt siyāsi-ye Far-rokh”* (Political memoirs of Farrokh) (1st ed.). Edited by Parviz Loshani. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Majid Fayyaz, Abdol Majid (1381/2002). *“Az Baq-e Qasr tā qasr-e ārezu-hā: Xāterāt-e siyāsi-ye yek ozv-e sābeq-e Hezb-e Tudeh va sāheb-emptiāz-e Ruznāme-ye Hir-mand-e Xorāsān”* (Political memoirs of a former member of the Tudeh Party and owner of the Hirmand Newspaper of Khorasan) (1st ed.). Tehran: Kavir. [In Persian]
- Makki, Hossein. (1370/1991). *“Ketāb-e siyāh: Sāl-hā-ye nehzat-e melli”* (Years of the national movement) (vol. 5). Tehran: 'Elmi. [In Persian]
- Mohammadi Khamak, Javad. (1392/2013). *“Sistān va ruydād-e nuzadeh Bahman 1330 Xoršidi”* (Sistan and the incident of 19th of Bahman, 1330 SH / 9TH OF February, 1952 AD) (1st ed.). Tehran: Rošd-e Farhang. [In Persian]
- Mojtahedzadeh, Pirouz. (1378/1999). *“Amirān-e marzdār va marz-hā-ye xāvari-ye Irān”* (The Amirs of borderlands and eastern Iranian borders) (1st ed.). Translated by Hamidreza Malek Mohammadi Nouri. Tehran: Širāzeh. [In Persian]
- Morvarid, Younes. (1377/1998). *“Az mošruteh tā jomhuri: Negāhi be advār-e majles-e qanun-gozāri dar dorān-e mašrutiyat.* (From the constitutional to the republic: A look at the periods of legislative assemblies during the constitutional era) (1st ed.) (vol. 3). Tehran: Owhadi. [In Persian]
- Nazari, Manouchehr. (1388/2009). *“Rejāl-e pārlemāni-ye Irān: Az mašruteh tā enqelāb-e eslāmi”* (Iranian parliamentarians, from the constitutional to the Islamic revolution). Tehran: Farhang-e Mo'āser. [In Persian]
- Raees-al-Zakerin Dehbani, Gholam Ali. (1388/2009). *“Zād-sarvān-e sistān: Šarh-e*



- mansur-e ahvāl-e tavāyef-e Sīstān*” (A prose description of the lives of the tribes of Sistan) (2nd ed.). Mašhad: Farhang-e Sīstān. [In Persian]
- Raees Tusi, Reza. (1385/2006). “*Sarzamin-e suxteh: Diplamāsi-ye Britāniyā dar Sīstān*.” (The scorched land: British diplomacy in Sistan) (1st ed.). Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- Shajiei, Zahra. (1383/2004). “*Noxbegān-e siyasi-e Irān az enqelāb-e mašruteh tā enqelāb-e eslāmi*.” (Iran’s political elites from the constitutional revolution to the Islamic revolution) (2nd ed.) (vols. 3 & 4). Tehran: Soxan. [In Persian]
- Siyasar, Qasem. (1400/2021). “*Sīstān va Balučeštan az mašruteh tā enqelāb-e eslāmi*” (Sistan and Baluchistan from the constitutional revolution to the Islamic revolution) (1st ed.). Tehran: Xazeh. [In Persian]
- Siyasar, Qasem. (1392/2013). “*Sīstān va balučeštan dar ruzgār-e Pahlavi*” (Sistan and Baluchistan in the Pahlavi era) (A Collection of Sixteen Articles) (1st ed.). Tehran: Ābnus. [In Persian]
- Tafazzoli, Jahangir. (1376/1997). “*Xāterāt-e Jahāngir-e Tafazzoli*” (Memoirs of Jahangir Tafazzoli) (1st ed.). Edited by Yaghoub Tavakkoli. Tehran: Sure-ye Mehr. [In Persian]
- Tolouei, Mahmoud. (1383/2004). “*Čehre-ye vāqe-ee-ye ‘Alam*” (The true face of Alam) (2nd ed.). Tehran: Našr-e ‘Elm. [In Persian]
- Vahidnia, Seifollah. (1378/1999). “*Dar zir-e tiq: Majmu’e-ee az vaqāye’-e mohem-e tārixī-ye qorun-e moxtalef*” (Under the blade: A collection of important historical events from different centuries). Tehran: 1378. [In Persian]

Articles

- Ali Babaei Khameneh, Farzaneh. (1381/2002). “Entexābāt-e dowre-ye čahārdahom-e Majles-e Šorā-ye Melli (1321-1322 SH)” (Elections of the fourteenth term of the National Consultative Assembly (1321-1322 SH / 1942-1943 AD)). *Tārix-e Mo’āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHS), 6(21 & 22), pp. 405-491. [In Persian]
- Ale-Reza Amiri, Kazem. (1396/2017). “Asnādi darbāre-ye e’tebār-nāme-ye



- Mirzā Mansur Xān Mo'addel-od-dowleh (Šībāni) (Documents about the credentials of Mirza Mansur Khan Moaddel al-Dowleh (Sheibani)). *Payām-e Bahārestān*, 10(112), pp.162-169. [In Persian]
- Ebrahimi, Maryam. (1394/2015). "Qal'e-ye Se-kuhe [Seh kuheh] Sistān va naqš-e tārixī-ye ān dar vaqāye'-e šarq-e Irān dar dore-ye Qājāriyeh" (Sekoohe Castle of Sistan and its historical role in the events of eastern Iran during the Qajar period). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-nāme-ye tārix* (Quarterly Journal of History Research), 10(39), pp.1-23. [In Persian]
- Naebian, Jalil; Sheikh Nouri, Mohammad Amir; & Piri, Mohammad. (1388/2009). "Hokkām-e Sistān az taškīl-e selsele-ye Qājār tā Taslim-e 'Ali Xān-e Sarābandi" (Sistan's governors from the establishment of the Qajar dynasty till the obedience of Alikhan Sarabandi from Iran's central government). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Historical Researches), New Volume, Issue 2, pp. 19-34. [In Persian]
- Najafi, Fatemeh; & Najafi, Farhad. (1392/2013). "Pāyghāh-e tabaqāti va 'amal-kard-e namāyandegān-e Bandr Abbās dar Majles-e Šorā-ye Melli" (Class base and performance of Bandar Abbas representatives in the 14th and 15th parliaments of the National Consultative Assembly). *Asnād-e Bahārestān*, New Volume, Issue 1, pp. 117-147. [In Persian]
- Oveisi, Abbas. (1399/2021). "Movājehe-ye motenaffezān-e mahalli va hokumat-e Pahlavi (1320-1332 SH)" (Sistan; The encountering field of local influencers and Pahlavi regime (1320-1332 SH / 1941-1953 AD). *Ganjine-e Asnād*, 30(4), pp. 56-82. [In Persian]
- Oveisi, Abbas; & Ali Soufi, Alireza. (1391/2012). "Tahavvolāt-e zamin-dāri va mālekiyat dar dore-ye Pahlavi" (Changes of land ownership in Sistan province during Pahlavi I). *Do-Fasl-nāme-ye Pažuheš-nāme-ye Tārix-hā-ye Mahalli-ye Irān* (Research Journal of Iran Local Histories), 1(1), pp. 86-105. [In Persian]

Thesis

- Ovesi, Abbas. (1392/2013). "*Zamin-dāri va tahavvolāt-e mālekiyat-e mantaqe-ye Sistān dar dore-ye Pahlavi*" (Land tenure and changes in ownership of the Sistan region during the Pahlavi period). Doctoral thesis on the history of Iran after Islam. Supplementary studies at Payam Noor University, Tehran. Social Sciences Department.



ردیف	نام نماینده	تاریخ تولد و وفات (شمسی)	دوره نماینده‌گی از سیستان	تعداد آراء	پایگاه اجتماعی	سایر مشاغل
۱	میرزا منصور خان شیبلی (معدل الدوله)	۱۲۴۷- نامعلوم	۲'	۴۷۵	کارمند	مأمور ممیزی خراسان؛ رئیس مالیه آذربایجان
۲	میرزا سعید خان کلشی	۱۲۴۳- نامعلوم	۳	۴۷۵	مستوفی	نمیشخص
۳	محمودلی خان اسدی (مصباح دیوان)	۱۲۵۷-۱۳۱۴	۴: ۵: ۶:	۱۸۳۰؛ ۳۵۵۸؛ ۳۷۶۵	کارمند	پیش کار شوکت الملک علم تولیت آستان قدس رضوی
۴	سلمان خان اسدی	۱۲۸۳-۱۳۴۵	۷: ۸: ۹:	۶۲۹۷؛ ۹۰۸۲؛ ۷۶۳۳	کارمند	نماینده دوره ۱۵ مشهد سناتور دوره چهارم مشهد
۵	علی اکبر اسدی	۱۲۸۴-۱۳۵۱	۱۰ (۷ ماه)	۸۹۵۹	کارمند	فرماندار بیرجند، مشهد، یزد
۶	عیسی مشار (قائم مقام رضوی)	۱۲۸۵- نامعلوم	۱۰: ۱۱: ۱۲: ۱۳:	۶۴۳۳؛ ۵۵۲۸؛ ۵۸۶۱؛ ؟	ملاک و کارمند	کارمند آستان قدس؛ نماینده دوره ۱۹ از مشهد

۱. در مجلس اول باتوجه به اینکه هنوز نظام نامه انتخابات درست شکل نگرفته بود و بیم مرگ شاه هم وجود داشت، مشروطه طلبان فقط به سرعت قصد داشتند مجلس را برپا کنند؛ از این رو عیوب ساختاری به آن وارد بود؛ از جمله اینکه تعداد نمایندگان به تناسب جمعیتی هم خوانی نداشت و از طرفی برای بسیاری از مناطق کشور از جمله جنوب شرق کشور سهمیه نمایندگی قرار داده نشده بود؛ مواردی که سعی شد در نظام نامه مجلس دوم اصلاح شود.

۲. علی اکبر اسدی بعد از هفت ماه حضور در مجلس دهم، به دلیل دستگیری پدرش در ماجرای گوهرشاد و بدبینی رضاشاه به کل این خانواده مجبور شد استعفا کند.

پیوست ۱

جدول مشخصات نمایندگان سیستان در
مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش)



ردیف	نام نماینده	تاریخ تولد و وفات (شمسی)	دوره نماینده از سیستان	تعداد آراء	پایگاه اجتماعی	سایر مشاغل
۷	مهدی فرخ (معتصم السلطنه)	۱۳۵۲-۱۲۶۵	۱۴	۱۰۰۸۰	ملک و کارمند	نماینده دوره سوم تربت حیدریه؛ وزیر صناعت و وزیر خواروبار؛ استاندار فارس، کرمان؛ سناتور دوره دوم مشهد و پنجم تهران
۸	عبدالله وثوق (معتمد السلطنه)	۱۳۳۱-۱۲۶۳	۱۵	۱۴۱۱۸	ملک و کارمند	کارمند وزارت مالیه؛ نماینده ادوار چهارم تا ششم درگز
۹	امیرحسین خزیمه علم	۱۳۸۱-۱۲۹۲	۱۶	۶۸۶۳	ملک و کارمند	کارمند وزارت کشاورزی؛ نماینده ادوار ۱۸ تا ۲۰ از بیرجند
۱۰	جهانگیر خان تفضلی	۱۳۶۹-۱۲۹۳	۱۸ ^۱	۵۰۵۱	کارمند	روزنامه نگار؛ مدیر دانشجویان خارج
۱۱	ابراهیم پردلی (نماینده بومی)	۱۳۸۷-۱۲۹۶	۱۹: ۲۰: ۲۲: ۲۴:	۸۷۹۱: ۹۶۴۰: ۱۳۴۱۶: ۱۶۷۱۳:	ملک	زمین دار
۱۲	محمد حسین نارویی (نماینده بومی)	۱۳۵۹-۱۳۰۲	۲۱	۱۵۰۸۵	ملک	زمین دار
۱۳	اسماعیل خزیمه	۱۳۹۲-نامعلوم	۲۳ ^۲	۲۵۲۸۲	کارمند	شهردار بیرجند؛ فرماندار زابل
۱۴	محمد حسین رهبر	۱۳۰۲-نامعلوم	۲۳: ۲۴:	۲۵۴۸۱: ۱۳۳۴۹:	کارمند	رئیس اداره کشاورزی زابل، بیرجند؛ رئیس دبیرخانه امور دربار

۱. به دلیل اعتراض شدید مردم به روند انتخابات دوره هفدهم سیستان و وقوع حادثه ۱۹ بهمن ۱۳۳۰، وزارت کشور انتخابات این دوره سیستان را باطل کرد و به این ترتیب سیستان در این دوره در مجلس شورای ملی نماینده نداشت.

۲. هم زمان با قانون افزایش تعداد نمایندگان در مجلس مصوب شد که نمایندگان سیستان در دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی از یک نفر به دو نفر افزایش پیدا کند.

ادامه پیوست ۱

جدول مشخصات نمایندگان سیستان در
مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش)



صورت مجلس انتخابات انجمن نظارت

انجمن نظارت انتخابات محوره در مرکب از اشخاص منصفه الاساسی آقایان ^{۱۳۴۲} که بموجب ماده دوم قانون انتخابات از طرف حکمران با (نایب الملک محمد) معین شده بودند در روز ^{۱۳۴۲} اعلان انتخابات و بطوریکه در قانون انتخابات مورخ شوال المکرّم ۱۲۲۹ و دستور العمل دولتی مطرح است منتشر نمود و بر حسب ضرورت و دقتا و شعبه از انجمن مرکب از آقایان بتصویب حکمران تشکیل دادند و تا دوز ^{۱۳۴۲} برای انجمن های شعب تعیین مهلت کردند و از روز تا روز موافق مدلول اعلان در ساعات ^{۱۳۴۲} در محل ^{۱۳۴۲} قریه انتخاب با شما میکه دارای شرایط انتخاب کردن بودند دادند و منتهی شما میکه قریه انتخاب گرفتن ^{۱۳۴۲} عمل بوده و از روز تا روز در محل ^{۱۳۴۲} برای اخذ رای انتخاب کس کان حاضر شدند عمل از اشخاص دارند قریه انتخاب امده برای انتخاب ^{۱۳۴۲} نفر نمایند انتخاب فردی (یا جمعی) درای خود را دادند اساسی شما میکه درباره ایشان رای داده شده بود با عمل او ^{۱۳۴۲} در باره ایشان داده شده از این قراوات

اساسی اشخاص	مداراه متعلق به کل	دو تاریخ صورت مجلس انتخابات شعبه	شعبه	رسم
۱	۳۷۵	نتیجه انتخابات اضافی از این قرار بود	عده رای	۳۷۵
۲	۷۴			
۳	۲۳			
۴	۲۳			
۵	۵			
۶	۱۲			
۷	۹۹			
۸	۲۵			
۹				

و چون تاکنون ^{۱۳۴۲} که موعده انتصابی مهلت شعبه بود صورت مجلس انتخابات شعبه مزبور رسید از انتخابات آن محل صرف نظر شد و نتیجه انتخابات شعبه با شعبه را با هم ترکیب کردیم آقای ^{۱۳۴۲} اکثریت نسبی با (نامده) ^{۱۳۴۲} دای از ^{۱۳۴۲} نفر رای دهندگان موافق قانون انتخابات نمایندگی ملت برای مجلس شورای ملی منتخب شد (یا اینکه) چون مابین آقایان بعد مساوی رای داده شده بود آقای ^{۱۳۴۲} به حکم قریه بنیاد کی ملت برای مجلس شورای ملی معین گردید (یا اینکه) چون آقای ^{۱۳۴۲} که بحکم اکثریت نسبت نمایندگی ملت را داده یا نه بود قبل از آنکه اعتبار نامه بگیرد از این سمت استعفا داد (یا نوت کرد) آقای ^{۱۳۴۲} که بعد از او را بعد از منتخبین حاضر اکثریت بود نمایندگی ملت برای مجلس شورای ملی معین گردید شکایات واصله نسبت به انتخابات مزبور فقرات بود و انجمن نظارت در روز به شکایات مزبور رسید کی کرده نظریات ایشان در این موضوع از این قراوات

(یا اینکه) شکایات نسبت به انتخابات مزبور با انجمن نظارت رسید (یا اینکه) شکایات نسبت به انتخابات مزبور با انجمن نظارت رسید چون بعد از موعده یک هفته رسید بود بر کت ارسال شد در تاریخ ^{۱۳۴۲} انجمن نظارت انتخابات پس از آنکه و طایف مرقومه را قانون ^{۱۳۴۲} شوال سنه ۱۳۳۲ با انجام رسانیدن محل گردید امضای انجمن امضای انجمن

پیوست ۲

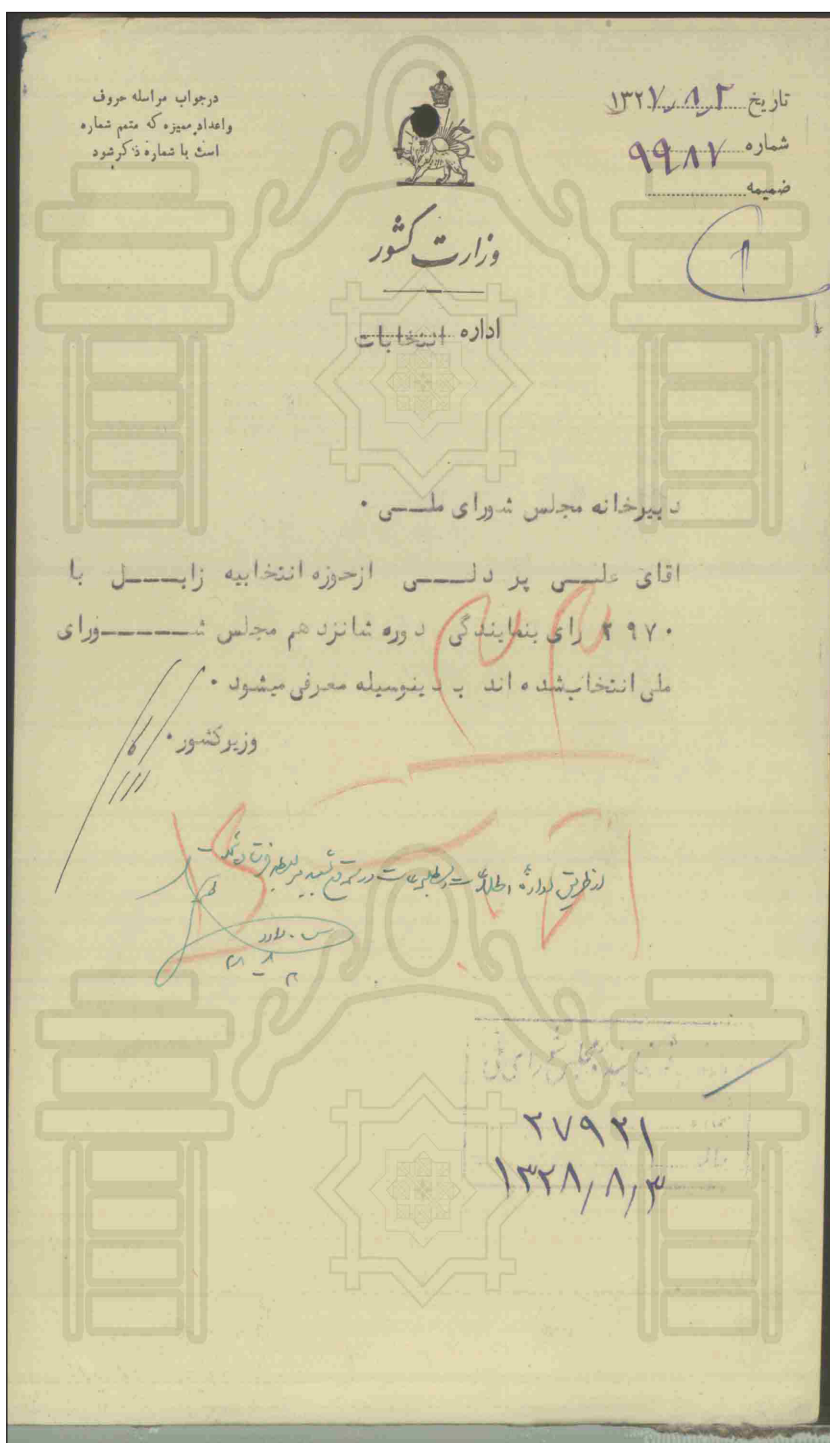
صورت جلسه انجمن انتخابات سیستان
مربوط به انتخابات دوره دوم مجلس
شورای ملی از اسناد آستان قدس
(ساقا) به شماره ۱۷۷۷

در روز دوشنبه ۱۲۰۳
مقام قتل در اسنودای علی شید الله اسکانه
که چه مادیای دولت متاخرین را در این عصر که عموم ملت ایران در دفا هیت و آسایش واقع شده
بآزادی زندگانی نمایند حقوق خود پی برده ایم ولی پیشنویس که اعلی حضرت اقدس
بجمع ملت ایران آزادی عطا فرموده اند خیلی باعث تعجب است که با وجود این حکم و آنچه
مکاتبات که با جرائد و غیره از غلیات آقای اسدی زاده نموده ایم بگوش آقایان ائمه
دولت نهم دره سر می نیند ماسند گویا تصدیق و میور کسی نیست که صدای ناله مان را
به پیشگاه اعلی حضرت عهده ندارد که اسدی زاده وکیل تجلی و ابد الیکنفیر سلطنتی
از ترقیب مایل و کالتش نیست و کاملاً بواسطه دقتارش منفرد هجوم واقع گشته
عامه و انبیا بخود متغیر کرده است شش هفتاد و بیست و نول و فشار مستاجر
بدست آورده اند اسدین حاضر برای چنان اقدامی نموده و نیست وکیل ما
مشت فکر نموده باید کسی باشد که از روز و زمان آگاه و بعد از آنجا به اشرافیت
و در صد و رفع آن بر آید آقای اسدی زاده که دارای صفت و قابل و کالت
نیست که میتواند توقع عامه را بخوبی و یکی از بلا یا نشان و الم کند و کسی
که خوش در چند و وزه اقامت خود اغلب و انتقیر ساخته مطابق عادت و سینه
استی تاحا مکان ازیت و ساند و از خود رمانده است کما ملا هیت و کالت هندان ملکی
را دارد آقای اسدی زاده اعتبار با چنین نظام نموده همه و وزه در انجمن حاضر
و مامورین دهات را مطابق میل خود تعیین نموده بدین قصد یق یا اجافه انجمن
و مانند دهات و قضا و میله و وسورات لا و نه و انقیض انتخابات واره و منقش
نکودر ایالتی و دو ماه و دو یکصد و منزل اسدی زاده متوقف مجلس باخویش
عازم سلستان و در اینجا عده را تحت قتم و صدمه قرار داده بالاخره قولی که واره
بدر انجام داده و نام یک ملتی را بدست گیرند و حاکم و خلاف قانون پس از این
مکن نیست که در و مطابق انجمن که چند نفر گشت که و گشته از اسدین هر یکی هندان
توفیر و کور و با وجود هیت مسکون عنده ماند و صورتی که خود گشت که

پیوست ۳

اعتراض اهالی سیستان به انتخاب
سلمان خان اسدی از اسناد کتابخانه و
موزه مجلس (کدام) به شماره یازدهم:
۱۰۲۱-۷-۲۸-۵۲-۱/۶

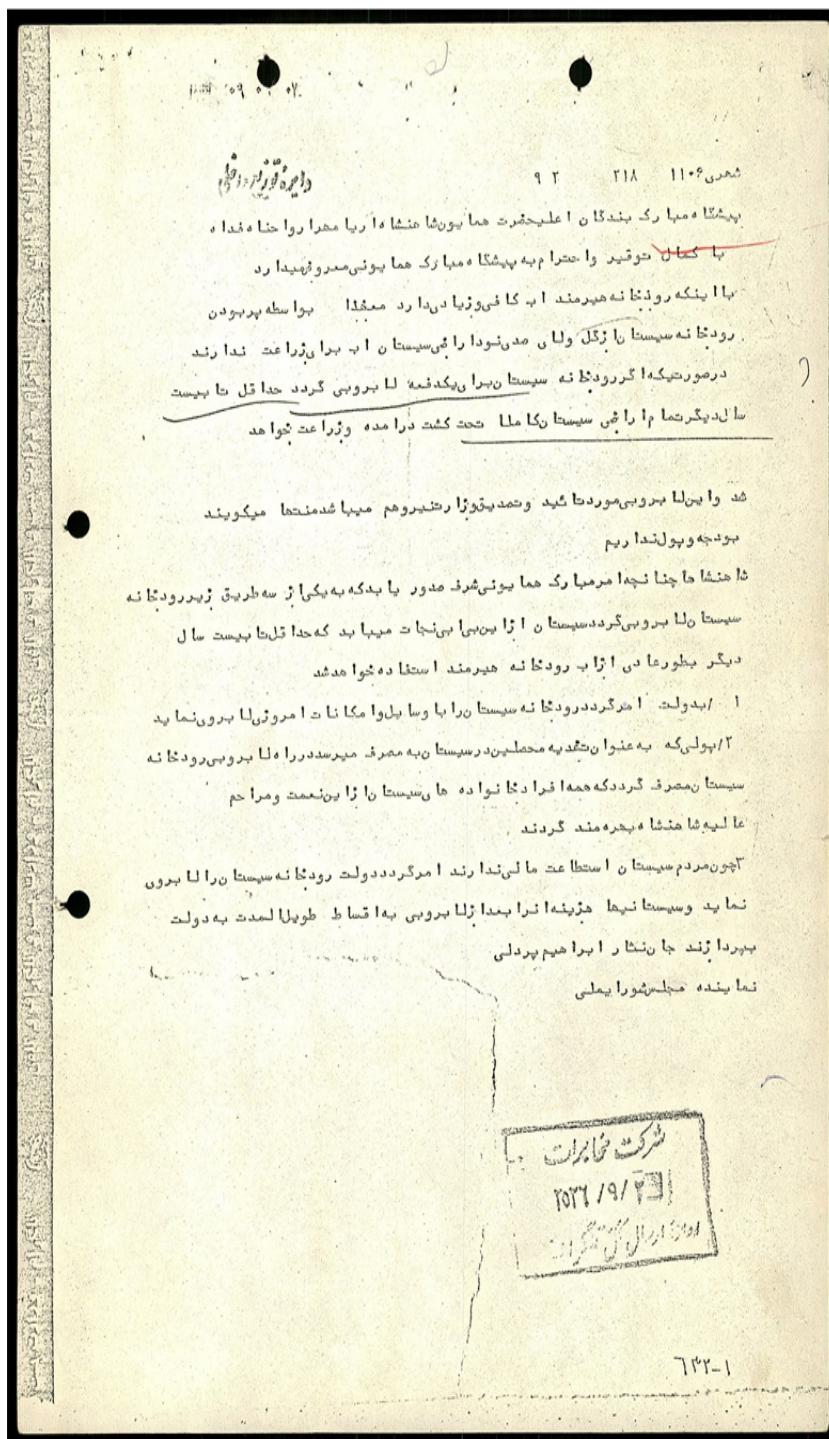




پیوست ۴

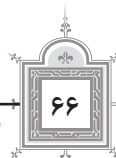
معرفی نامه علی خان پردلی اولین
نماینده بومی سیستان به مجلس شورای
ملی از اسناد کتابخانه و موزه مجلس
(کدام) به شماره بایزایی: ۱۰۳-۱-۳۳-
۱۰۳۱-۱۶-۱۶۷





پیوست ۵

نامه ابراهیم خان پردلی به محمد رضا شاه
برگرفته از اسناد کتابخانه ملی (ساکما):
۳۷۰۰۰۲۷۷/۶



۲۵۸۱
۲۲/۷/۵
وزارت محترم وری
مخبره عرض میدارد این جانب محمد حسن را بر مابغ التحصیل دانشگاه کت وری
چندی قبل تقاضای کار لزان وزارت خانه کردم بنده را راهنما کردند که در زایل
پست خالی است و باید تقاضا بعنوان پست زایل بنویسم در صورتیکه خودم
اصلد نظر خاصی به زایل نداشته و زایل می بنویسم که علقه داشته باشم
فقط حکم بنده را برای زایل صادر و فرج سوز و فوق العاده نمیدهند استند دارم
اگر در جای دیگری پست خالی موجود است بنده را به آنجا بفرستند زیرا با این
گزینی زندگی نمیتوانم خودم از عهده دادن خرج معوم برآیم

پیوست ۶

درخواست محمد حسین رهبر برای
انتقال از زایل
از اسناد کتابخانه ملی (ساکما):
۲۳۰۰۰۵۵۵۷۲/۴۸۲



Public-Municipality Confrontations over Authoritarian Street Construction in Shiraz during the Pahlavi I Era

Sahand Lotfi¹ | Sarah Ghamar²

Abstract

Purpose: This study investigates the process of street construction in Shiraz during the reign of Reza Shah (Pahlavi I), aiming to assess the effects of authoritarian modernization on the city's social, economic, and cultural structure.

Method and Research Design: Drawing on historical documents, official correspondence, and relevant events, the research analyzes the social consequences of street construction projects and the public's responses to them.

Findings: The street construction initiatives, carried out under the banner of urban modernization, resulted in the extensive demolition of residential, commercial, and religious structures. These actions provoked widespread dissatisfaction, especially among lower-income groups. The public protests were driven by concerns over violations of property rights, threats to the city's historical identity, and the erosion of urban cohesion. In some instances, these protests succeeded in limiting the extent of demolition or altering specific project plans.

Conclusion: The street construction projects in Shiraz served as a symbol of imposed modernization, producing not only physical changes but also a profound disconnect between development plans and the community's actual needs. This study highlights the dynamics of interaction and confrontation between municipal authorities and citizens, shedding light on the multifaceted nature of urban transformation and its impact on Shiraz's historical identity.

Keywords: Shiraz; street construction; authoritarian modernization; Pahlavi I; municipality (Baladiyeh).

Citation: Lotfi, S. and Ghamar, S. (2024). Public-Municipality Confrontations over Authoritarian Street Construction in Shiraz during the Pahlavi I Era. *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 68-101. doi: 10.30484/ganj.2024.3200

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, School of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran
slotfi@shirazu.ac.ir

2. MA of Urban Design, Faculty of Art, Terbiat Modares University, Tehran, Iran
sarah_ghamar@modares.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3200

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 68 -101 (34) | Received: 5, Oct. 2024 | Accepted: 15, Nov. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

رویاری مردم و بلدیه در خیابان‌کشی‌های اقتدارگرایانه در شیراز دوره پهلوی اول

سه‌ند لطفی^۱ | سارا قمر^۲

چکیده:

هدف: بررسی روند خیابان‌کشی‌های شیراز در دوران پهلوی اول و ارزیابی تأثیر مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه بر بافت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی این شهر.

روش/رویکرد پژوهش: مطالعه مبتنی بر بازخوانی اسناد تاریخی، مکاتبات رسمی و تحلیل رویدادهای مرتبط با اجرای طرح‌های خیابان‌کشی با هدف بررسی پیامدهای اجتماعی و واکنش‌های عمومی به این تغییرات.

یافته‌ها: اجرای طرح‌های خیابان‌کشی با هدف مدرن‌سازی، به تخریب گسترده منازل و اماکن کسب، و تهدید بناهای مذهبی منجر شد و نارضایتی عمومی را به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد برانگیخت. اعتراضات ناشی از نگرانی‌های مربوط به نقض حق مالکیت، تهدید هویت تاریخی، و از بین رفتن انسجام شهری بود. این اعتراضات توانست در مواردی باعث کاهش ابعاد تخریب و تعدیل برخی طرح‌ها شود.

نتیجه‌گیری: خیابان‌کشی‌های شیراز نمادی از مدرنیزاسیون تحمیلی بودند که علاوه بر تغییرات کالبدی، شکافی عمیق میان طرح‌های توسعه و نیازهای واقعی جامعه ایجاد کردند. پژوهش حاضر با تأکید بر تعامل و تقابل میان مقامات و مردم، ابعاد مختلف این تحولات و پیامدهای آن بر هویت شهری شیراز را روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خیابان‌کشی؛ شیراز؛ مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه؛ پهلوی اول؛ بلدیه؛ هویت تاریخی؛ اعتراضات مردمی.

استناد: لطفی، سه‌ند و قمر، سارا. (۱۴۰۳). رویاری مردم و بلدیه در خیابان‌کشی‌های اقتدارگرایانه شیراز دوره پهلوی اول. گنجینه اسناد، ۳۴(۴)، ۶۸-۱۰۱ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۰۰

۱. دانشیار طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

slotfi@shirazu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
sarah_ghamar@modares.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۰۰

نمایه در Google Scholar, SID, ISC, Researchgate | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۶۸-۱۰۱ (۳۴)

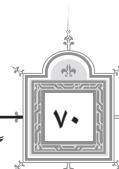
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۵

تحقیقات تاریخی

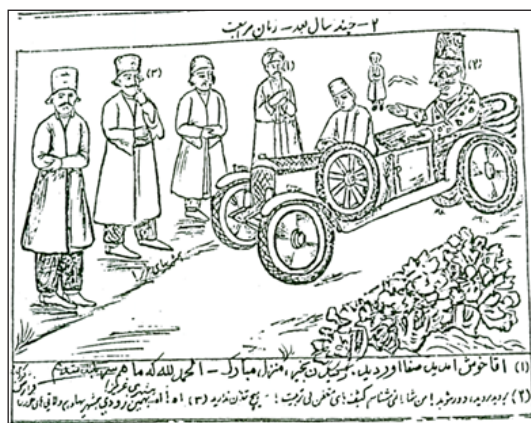
۱. مقدمه

اگر خیابان، مطابق با تعاریف متقدم مندرج در فرهنگ‌نامه‌های ایرانی، «[راه و] رسته‌ای [دانسته شود] که در باغ [بین باغ‌ها] می‌سازند برای عبور و مرور و کنارهای آن را گل‌کاری می‌کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۱۷۳)، نخستین اقدام در راستای احداث خیابان در شیراز از دوره صفوی و به تقلید از چهارباغ اصفهان در محور غربی، مجاور دروازه باغ شاه و دیگری در محور شمالی از دروازه اصفهان تا تنگه الله اکبر شکل گرفته است (آریان‌پور، ۱۳۶۵، ص ۲۶۶). در دوره زندیه، این دو محور به‌طور قابل توجهی تقویت شد. محور شمالی که در اطراف آن باغ‌های وسیع متعلق به دوران آل‌اینجو و آل‌مظفر قرار داشت، به خیابانی تبدیل شد که میانه آن مشجر بود و آب آن از قنات رکن‌آباد از طریق سازه‌های آبی ساخته شده توسط کریم‌خان تأمین می‌شد (شیبانی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۵). در دوران قاجار محور شمالی برای گشت‌وگذار شیرازی‌ها استفاده می‌شد (افسر، ۱۳۵۳، ص ۱۵۰). محور غربی نیز تا اواخر دوره قاجار فضای شهری مردمی شناخته نمی‌شد؛ زیرا پیرامون آن عمدتاً ساختمان‌هایی نظیر ارگ، کنسول‌گری و میدان توپخانه با کارکردهای غالباً حکومتی و دولتی واقع شده بودند (ندیم، ۱۳۹۴، صص ۴۰-۴۴). معابر درونی شهر اما، معابری کم‌عرض و فاقد کف‌سازی بودند. برای نخستین بار در سال ۱۲۹۸ ق/۱۲۶۰ ش به‌دستور صاحب‌دیوان معابر و کوچه‌های هر ده محله شیراز از گچ و سنگ فرش شد و به گفته فارس‌نامه ناصری، مردم را از «گل‌ولای زمستانه و خاک تابستانه» نجات داد (حسینی فسنائی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۶۵)؛ بنابراین، تا ابتدای دوره پهلوی اول، ساختار و عملکرد خیابان در شیراز به معنای آنچه بعدها تجربه شد، وجود نداشت.

در سال ۱۲۹۸ ش، «بلدیۀ قانونی» در شیراز تأسیس شد (ساکما، ۲۹۳/۳۸۸۷۷، برگ ۱۲ و ۱۳). از جمله وظایف بلدیۀ، توسعه راه‌ها، تأمین روشنایی، و حفظ پاکیزگی معابر و کوچه‌ها بود (فوق‌العاده گلستان، شماره ۳۵، ۴ مهر ۱۲۹۸ ش). عملکرد بلدیۀ شیراز در گام‌های نخست، ضعیف ارزیابی می‌شد و نقدهای طعنه‌آمیزی بر آن وارد می‌شد: «در تمام شهر یک چراغ از طرف بلدیۀ روشن نمی‌شود، و از اقدامات عالیۀ بلدیۀ قانونی! مخصوصاً در شب‌های تاریک و برف و بارانی زمستان با سابقۀ نظافت بلدی، کوچه‌های شیراز رشک پاریس می‌شود!» (فارس، شماره ۱۷، صفحه ۱۰، ۵ دی ماه ۱۲۹۸ ش). با وجود این در این دوره تسطیح معابر و سنگ‌فرش کوچه‌ها از جمله دستاوردهای مثبت بلدیۀ بوده است (وقایع، شماره ۱، صفحه ۴، ۱۸ آذر ماه ۱۳۰۴ ش). با این حال هم‌چنان در شیراز خیابانی به شمایل امروزی و با کارکرد اجتماعی شکل نگرفته بود و ورود خودرو که عمدتاً خودروهای ویژه مقامات فارس بود، به بافت شهری ممکن نبود. به عقیده تریپ برای



تغییر از درشکه به خودروهای موتوری، به چیزی شبیه به انقلابی در معابر و کاربران آن‌ها نیاز بود (Tripp, 1950, p297). این انقلاب در سال ۱۳۰۲ش در محله پشت ارگ با تخریب برخی از دکاکین، آغاز شد و مسیر را برای عبور اتومبیل فراهم کرد (خالصی، ۱۳۸۷، ص ۶۰). با وجود این هم‌چنان معابر و کوچه‌ها چه درون شهر قدیم شیراز و چه در خیابان‌های تازه تأسیس کیفیت مطلوبی نداشت.



تصویر ۱

ورود اتومبیل به شیراز در کاریکاتوری از
اواخر دوره قاجار در انتقاد به «همدن»
وارداتی (خورشید ایران، شماره ۱، صفحه
۲۷۵ بهمن ۱۳۰۲)

از سال ۱۳۰۵ش با روی کار آمدن رضاشاه تحولات چشم‌گیری در ساختار کالبدی شهر انجام شد. طرح‌های مدرنیزاسیون شهری از جمله خیابان‌کشی نقشی کلیدی در این تحولات داشت. خیابان برای رضاشاه نه تنها بهبود زیرساخت، بلکه نمادی برای تجدد و آغاز طرح‌های توسعه شهری بود (حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). توسعه شهر [شیراز] براساس این الگو در دستور کار قرار گرفت: سه یا چهار خیابان و میدانی در محل تقاطع این خیابان‌ها با ابعادی طبق استانداردها و مشخصات معین (اسماعیل دخت و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۰). با وجود اطلاع‌رسانی و تهیه نقشه خیابان‌کشی، این اقدام با نگرانی و مقاومت مردم شیراز همراه بود و تنش‌هایی را میان دولت و جامعه محلی شیراز به وجود آورد.

دگرگونی‌های اجتماعی برخاسته از خیابان‌کشی در شیراز روزگار پهلوی، کمتر کاویده شده و چگونگی اجرای این طرح‌ها، از نگاه پژوهش‌گران دور مانده است. نوشته‌ها و اسناد برجای مانده، بیش از آن‌که زرفای این دگرگونی‌ها را بکاوند، تنها به توصیف ظاهری و دگرسانی‌های کالبدی بسنده کرده‌اند. پژوهش حاضر ولی بر آن است تا با واکاوی اسناد، از رویارویی مردم با آن‌چه دولت برای شیراز در سر داشت و آن‌چه در بستر واقعی شهر رخ داد، پرده را کنار زند. بر این پایه، پژوهش پیش‌رو، نه تنها تصویری روشن از دگرگونی‌های

شیراز آن دوران به دست می‌دهد، بلکه فهمی ژرف‌تر از روند این دگردیسی و پیامدهای آن فراهم می‌آورد. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:
خیابان‌کشی در شیراز در دوران پهلوی اول چگونه اجرا شد و چه تأثیری بر ساختار کالبدی شهر گذاشت؟

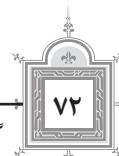
مردم شیراز چگونه به طرح‌های خیابان‌کشی واکنش نشان دادند و این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها چه تأثیری بر اجرای این طرح‌ها داشت؟

در پژوهش حاضر، برای درک روند احداث خیابان در شیراز در دوران پهلوی اول، از روش تاریخی-تحلیلی و سندپژوهی استفاده شده است. این روش به بررسی تحولات شهرسازی در بستر تاریخی مشخص می‌پردازد و با تحلیل اسناد و متون تاریخی، امکان درک روابط علی میان سیاست‌های شهری و ساختارهای کلان حکومتی را فراهم می‌کند (Gaddis, 2002). بررسی تاریخ شهرسازی نشان می‌دهد که تغییرات فضایی و کالبدی شهرها، نه تنها تحت تأثیر تصمیمات مدیریتی، بلکه در ارتباط با تحولات اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند (Gottodiener et al, 2015).

در پژوهش حاضر، اسناد تاریخی از جمله گزارش‌های رسمی، مصوبات دولتی، مطبوعات دوره پهلوی اول و تصاویر شهری بررسی شده‌اند. تحلیل این اسناد در چارچوب انگاره مرتبط با مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه، به فهم بهتر شیوه اجرای سیاست‌های شهرسازی در این دوره کمک کرده است. همان‌طور که فرکلاف^۱ (۲۰۰۳) اشاره می‌کند، مطالعه اسناد تاریخی تنها به ارائه اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه با تحلیل محتوای آن‌ها می‌توان روابط میان سیاست‌گذاری‌های دولتی و تحولات شهری را تفسیر کرد؛ این اسناد با هدف پژوهش و متأثر از فرایند آن تولید نشده‌اند و می‌توانند وجودی مستقل و فراتر از نویسنده و زمینه تولید آن داشته باشند (Bowen, 2009, p28; Ahmed, 2010, p2).

چون اسناد، داستان مدرنیزاسیون شیراز را روایت می‌کنند، در فهم روند خیابان‌کشی‌های شیراز، به اسناد توجه ویژه شده است. پس از بررسی آغازین اسناد، از میان قریب به ۳۶۰۰ برگ از اسناد بازبایی شده مرتبط با موضوع کلی توسعه و احداث معابر شهری شیراز طی دوره پهلوی اول، ابتدا حدود ۱۰۰ برگ سند بازخوانی و انتخاب شد و نهایتاً تعداد ۳۷ سند مرتبط با جزئیات موضوع پژوهش تحلیل محتوایی شد که ۲۶ سند از سال ۱۳۱۰ ش، ۷ سند از سال ۱۳۱۱ ش، ۳ سند از سال ۱۳۱۳ ش و یک سند مربوط به سال ۱۳۱۸ ش است. به طور کلی اسناد بررسی شده را می‌توان به دو بخش مکاتبات اهالی محله‌های شیراز خطاب به بلدی و وزارت داخله - ایالت فارس، و مکاتبات میان بلدی و وزارت داخله - ایالت فارس تقسیم کرد. این نامه‌ها کشمکش میان مردم و بلدی و اعتراض ساکنان شیراز به احداث خیابان‌ها در بین

1. Fairclough



سال‌های ۱۳۱۰ش و ۱۳۱۱ش را منعکس می‌کند. در میان اسناد ۳ سند نیز، صرفاً فهرستی از هویت ۱۰۳ نفر از معترضان به خیابان‌کشی است و ۳ سند هم که در سال ۱۳۱۳ش تهیه شده‌است، نقشه آتی شهر را توصیف می‌کند. از اسنادی دیگر از جمله از روزنامه/استخر (شماره ۳۵، ۱۸ دی ۱۳۰۳ش)، روزنامه گلستان (شماره ۷۴۵، ۶ شهریور ۱۳۱۰ش) و سند قانون توسعه معابر (۱۳۱۲ش) هم در تحلیل اسناد استفاده شده‌است.

در کنار اسناد تاریخی، از آرشیوهای معتبر عکس‌های شیراز -هرچند اندک‌شمار- به‌عنوان گواهانی بصری در بازشناسی دگرگونی‌های کالبدی شهر استفاده شده‌است. این تصاویر، هرچند روایتگر خیابان‌کشی در بافت کهن شهر نبودند، اما از چهره دیگر این دگرگونی پرده برمی‌داشتند: خیابان‌هایی که در پیرامون شهر سربرآوردند و گذرهایی که با تخریب عمارت‌های دیرپا، راه را برای طرح‌های جدید گشودند. با نگاهی سنجیده و برپایه معیارهایی چون وضوح، گستره مکانی و انطباق با منابع متنی، ۱۲ تصویر از آرشیو مرحوم منوچهر چهره‌نگار شیرازی برگزیده شد (صانع، ۱۳۶۹، صص ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۵۴-۱۶۹؛ صانع، ۱۳۸۰، صص ۱۱۶-۱۶۷؛ صانع، ۱۳۹۰، صص ۱۶-۲۲؛ صانع، ۱۳۹۶، صص ۸۸-۸۹) و در کنار اسناد هم‌دوره‌اش بازخوانی شد. ولی چون جان‌مایه پژوهش حاضر نه کالبد شهر، که کشاکش مردم و حاکمیت در این دگرگونی‌ها بود، تصاویر از متن مقاله کنار نهاده شدند؛ اما یافته‌های آن‌ها، در تفسیر اسناد و نمایاندن چگونگی دگرگونی شهر و پیامدهای آن، نقشی انکارناپذیر داشتند و در تاروپود این پژوهش تنیده شدند. از دیگر سو، باتوجه‌به اینکه فرایند مدرنیزاسیون دوره پهلوی اول در شهر شیراز با روندی تدریجی انجام شده‌است، برای بازخوانی نتایج عینی این تحول، از تصاویر مندرج در «گزارش عملیات شهرداری شیراز» در سال ۱۳۲۹-۱۳۳۰ بهره گرفته شده‌است (ساکما، ۱۳۵/۱۸۰۰۷/۲۹۳).

۲. پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه شکل‌گیری خیابان در دوران پهلوی در شیراز انجام شده‌است، می‌توان به کتاب ندیم (۱۳۹۴) تحت‌عنوان خیابان کریم‌خان زند شیراز اشاره کرد که شروع اصلی دگرگونی در شیراز را از دوره رضاشاه و متأثر از تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان معرفی می‌کند و به بحث احداث خیابان در بافت شهری می‌پردازد. ندیم (۱۳۹۴، ص ۸۳) اشاره می‌کند که با هدف ساخت خیابان در شیراز طاق‌واره‌ها و قطعاتی که در مسیر معابر پیشنهادی قرار داشتند، در سال ۱۳۰۵ش تخریب شدند.

اسماعیل دخت (۱۳۹۶، ص ۴۹) نیز در بررسی دیدگاه‌های حاکم بر زیبایی‌شناسی خیابان زند در سه دوره تاریخی اخیر، به تخریب بافت و احداث خیابانی از میانه بافت

شهر شیراز اشاره‌ای ندارد و صرفاً به بررسی تحولات کارکردی و عناصر جدید اضافه‌شده به خیابان زند می‌پردازد. اسماعیل‌دخت و همکاران (۱۴۰۰) هم در مقاله «بررسی انتقال منظر شهر سنتی به شهر معاصر شیراز» ضمن بررسی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه از دوره قاجار، و با بررسی اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) به توسعه خیابان‌هایی چون نادر، فردوسی، و خیابانی مستقیم از پادگان باغ تخت به خیابان زند می‌پردازند. آن‌ها در زمینه احداث خیابان در بافت قدیم نیز، مطابق سندی اشاره می‌کنند که «مردم مشتاق این تحولات و خواستار تجدّد هستند؛ چنانچه در نامه‌ای خطاب به اداره بلدیه درخواست ساخت خیابان‌هایی را در شهر داشته‌اند و شیراز را نسبت به دیگر شهرها از حیث عمران و خیابان‌سازی عقب‌مانده توصیف [می‌کرده‌اند]» (اسماعیل‌دخت و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۵۰-۵۳).

برخی از منابعی هم که شهرداری شیراز منتشر کرده‌است عملکرد و تاریخچه بلدیه شیراز را بررسی کرده‌اند (خالصی، ۱۳۸۷؛ رئیسی، ۱۳۸۸). خالصی (۱۳۸۷، ص ۴۸) با وجود بررسی دقیق خدمات شهرداری در این دوره، به تحولات پهلوی اول به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش اشاره‌ای نمی‌کند. خدای و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله «بررسی عملکرد بلدیه در دوره پهلوی اول» با بررسی اسناد منتشرنشده ساکما تنها به بررسی خدمات شهری این دوره اشاره کرده‌اند و به‌صورت ویژه به احداث خیابان در این دهه پرداخته‌اند. پژوهش حاضر ولی با تمرکز بر خیابان‌کشی و تبعات آن در دوران پهلوی اول، اعتراضات و مقاومت‌های مردمی در برابر تخریب بافت قدیم شهر را بررسی کرده‌است؛ موضوعی که در بسیاری از پژوهش‌ها کمتر به آن توجه شده‌است. هدف تحقیق حاضر آن است که ابعاد اجتماعی و فرهنگی این تحولات را بررسی کند و نشان دهد که تغییرات شهری نه تنها بر ساختار فیزیکی، بلکه بر هویت اجتماعی و فرهنگی شهروندان نیز تأثیرگذار بوده‌است. این رویکرد می‌تواند درک بهتری از واکنش‌های مردمی به مدرنیته و تغییرات شهری در آن دوره ارائه دهد.

۳. سودای مدرنیته و مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه شهری

ورود انگاره مدرنیته اروپایی و تطبیق آن با شرایط ایران را می‌توان به دوران جنبش مشروطیت نسبت داد. باین‌همه به عقیده آدمیت (۱۳۵۲، ص ۱۳) اصلاحات و دگرگونی در راه سودای تجدّد، در دوران قاجار، تا صدراعظمی میرزا عباس آقاسی، عمدتاً پیرامون تقویت صنایع نظامی کشور بوده‌است (اجلالی، ۱۳۷۳، صص ۶۰-۶۵) و کمتر به تغییر شکل، عناصر و ساختار اصلی شهرها پرداخته می‌شده‌است. در دوران ناصرالدین‌شاه



قاجار، مصلحان ترقی‌خواه مقوله تجدد را هم از جنبه وام‌گرفتن از مظاهر غرب و هم از جنبه آزادی‌خواهی، قانون‌مداری و تحقق مردم‌سالاری تفسیر می‌کردند؛ درحالی‌که تنها درکی که دیوان‌سالاران از تجدد داشتند، به جنبه‌های عینی و مادی آن محدود بود؛ یعنی به چیزی بیش از نوسازی تشکیلات اداری-نظامی قائل نبودند (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). تکمیل همایون به دگرگونی تدریجی فضاهای شهری دارالخلافه و پرکردن خندق‌ها برای احداث خیابان و معابر جدید براساس طرح الکساندر بولر^۱ [که به‌لغزش در پاره‌ای متون فارسی، بوهلر نوشته شده‌است] اشاره کرده‌است (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷).

جاذبه‌های تمدن غرب در این دوره به شکل‌گیری انگاره آغازین جریان‌های روشن‌فکری و مدرن و درنهایت وقوع انقلاب مشروطه منجر شد؛ عصری که عصر بیداری هم نام نهاده شده‌است (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). ملاقات مدرنیته با جامعه ایرانی، با مدرنیته در سیاست، در مقیاس شهر و در میانه مردم قابل مشاهده بود (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰). به‌گفته کاتوزیان^۲ (2004, p14)، جنبش مشروطه می‌توانست به تشکیل دولتی جدید با پایگاه اجتماعی عظیم منجر شود. پیامد آن‌چنان رویدادی ممکن بود به اصلاح و نوسازی تدریجی ساختار شهرها بینجامد؛ حال آن‌که، هرج‌ومرج ناشی از سقوط حکومت مستقر همانند همیشه قوی بود و شهر ایرانی با همان مختصات پیشین، تنها نماد «حوزه‌های جغرافیایی-فکری» مشروطه شد (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

درحالی‌که با انقلاب مشروطه در سال‌های ۱۲۸۵ش-۱۲۸۸ش، نظام مشروطه لیبرال جایگزین استبداد قاجاری شده بود، کودتای ۱۲۹۹ش در راستای ازبین‌بردن ساختارهای پارلمانی و ایجاد حکومت مطلقه پهلوی انجام شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹). رضاخان با ایجاد تشکیلات نظامی در سال ۱۳۰۰ش و تأسیس دانشکده افسری برنامه نوسازی خود را آغاز کرد؛ به‌گونه‌ای که تا پایان دوره پهلوی اول، بودجه وزارت جنگ بیش از یک‌سوم بودجه کل کشور بود (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، صص ۱۳۱-۱۳۸). رضاشاه از ارتش به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد هویت ملی، تسریع برنامه‌های نوسازی و تغییر ساختار دولت استفاده کرد. علاوه‌برآن او از اقتدار نظامی برای به‌دست‌آوردن سیطره همه‌جانبه بر حوزه‌های گسترده‌تر زندگی مدنی نیز بهره جست و نظامیان در اصلاحات لباس، لغو القاب، شهرسازی، و اصلاحات زبانی پیشرو بودند (Cronin, 2004, p131). نوسازی سازمان‌های اداری و مملکتی، وضع قانون مدنی، بنیان‌گذاری ثبت اسناد، رشد تجارت و صنایع داخلی، ساخت راه‌آهن، دانشگاه، مدارس جدید و ایجاد دادگستری و محدودکردن قدرت مذهب از جمله اقدامات رضاشاه تحت‌عنوان تجدد یا مدرنیزاسیون بود (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵؛ Cronin, 2004, p132). در تمامی این اقدامات، شاه به‌دنبال ادغام میراث

1. Général François Alexandre Buhler (1821-1884)

2. Katouzian



باشکوه ایرانی با دستاوردهای مدرن بود؛ اما به نظر می‌رسید که در مسیر مدرنیته ایران بدترین ویژگی‌های جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و سوسیالیستی را انتخاب کرده باشد؛ مردم هم به ظالمانه‌ترین حالت ممکن آن را تجربه می‌کردند (McDaniel, 1991, p79).

«دگرگونی شهر» دستور روز پس از کودتای ۱۲۹۹ش بود و قدرت نظامی، بزرگ‌ترین بازوی اجرایی مدرنیزاسیون شهری (حییبی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). در سال ۱۳۰۶ش، تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه به وزیرمختار بریتانیا اعتراف کرد: «سرزمین پارس، پس از بیست سال حکومت به اصطلاح مشروطه، پیشرفت چندانی نداشته‌است؛ [و] همه چیز باید از نو شروع شود ...» (British minister of the Foreign Office, 1997, p55). نخستین نماد این تصور از پیشرفت و مدرنیزاسیون، برداشتن بارو، خندق، و دروازه‌های تهران ناصری بود که تخریب آن از سال ۱۳۰۹ش آغاز شد. فضا، به معنای واقعی برای توسعه ساختاری پایتخت گشوده شد و نشانه‌های تاریخی شهر قاجاری ریشه‌کن شد (Safamanesh, 2009, pp 124-126). در ایران ترجمانی تحت‌اللفظی از نوسازیِ رادیکالِ شهری بر «لوح سپید»^۱ در حال نگارش بود. نزدیک به نیمی از کاخ‌های قاجاری محله ارگ - که روزگاری نماد قدرت و تاریخ بودند - در طوفان نوسازی فرو ریختند و جایشان را به سازه‌های سترگ وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دیوان‌سالارانه مدرن سپردند؛ دگرگونی‌هایی که یحیی ذکاء با حُجب و احتیاط آن را تغییر قیافه و شروع تاریخی جدید برای شهر نامیده‌است (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۳۸۳). در امتداد این دگرگونی‌های اقتدارگرایانه، گویی قلمی آهنین بر پیکره شهر کشیده شد؛ چنان‌که بخشی اعظم از گستره مرکزی آن، به خیابان‌های وسیع، میدان‌های باز، و باغ ملی بدل شد و سیمای کهن شهر، با طرحی نو از قدرت و نظم، از نو نگاشته شد (کریمان، ۱۳۵۵، صص ۲۹۷-۲۹۸، ۳۱۴-۳۱۹). مخبرالسلطنه (۱۳۷۵، ص ۴۱۰)، می‌نویسد: «در خرابی سیدنصرالدین استقامت [بر احداث] خیابان دلیل بود و آن دلیل علیل [علت] بر خرابی دروازه‌ها [بود]؛ برخی از اروپاییان افسوس خوردند [از این تخریب؛ چون] آثاری بود از طرز معماری و خوش تناسب افتاده بود».

نمادین‌ترین حذف تاریخ اما، تخریب تکیه دولت بود (قاسم‌خان، ۱۳۹۷، صص ۱۴۴-۱۴۵). به عقیده گریگور^۲ (p98, 2014) ناصرالدین‌شاه تکیه دولت را به عنوان سهم برجسته خود در مدرنیزاسیون ایران در قرن نوزدهم برپا کرده بود. تکیه‌ای برای برگزاری تعزیه؛ عملکردی که دولت پهلوی، آن را غیرمدرن و نامناسب برای سبک زندگی بورژوازی می‌دانست. سرعت تخریب در این دوره به گونه‌ای بود که یکی از گزارش‌های سفارت آمریکا بیان کرده‌است: «گویی در تهران زلزله آمده باشد، ۱۵٬۰۰۰ تا ۳۰٬۰۰۰ واحد مسکونی تخریب شده‌است و بی‌رحمی این مدرنیزاسیون برای مردمی که به آن عادت

1. Tabula rasa
2. Grigor

ندارند، غیر قابل درک است» (Engert, 1940, pp 163-164). رزیتا فوربز^۱، هم در سفرنامه سفر خود به ایران در اوایل دهه ۲۰ش، تهران را «کمی هالیوودی» توصیف کرده است؛ زیرا «خیابان‌های جدید کاملاً در جایگاه خود مستقر نشده [بودند]، و ردیف خانه‌های جدید، با عمق یک اتاق، به عنوان پوششی بر جداره خیابان، نمایان بودند» (Forbes, 1931, p105). با این اوصاف، مردم از آنچه بر شهرشان می‌گذشت منتقد بودند. سید حسن مدرّس در اعتراض به نوسازی شهری رضاشاه، در سخنرانی سال ۱۳۰۵ش خود در مجلس می‌گوید: «مدرنیزاسیون را باید از این گونه اعمال خلاف قانون علیه مردم و دارایی‌های آنان متمایز دانست» (Katouzian, 1981, p120). کاتوزیان (۱۹۸۱)، این دگرگونی‌های شهری را نمونه خوبی از اصلاح‌طلبی و نندالیزمی بدون برنامه توصیف کرده است؛ جایی که وندال‌ها به میل خود زندگی اجتماعی و میراث تاریخی را ویران کردند. هرتسفلد^۲، باستان‌شناس آلمانی -که از کابینه ایالتی برای دگرگونی شهری حمایت کرده بود و با بسیاری از اعضای آن همکاری کرده بود- به هارت اعتراف کرد: «این سیستمی است که هرآنچه را مربوط به گذشته است ویران می‌کند؛ بدون آن‌که هیچ‌چیزی جایگزین آن شود. هرچیزی که می‌بینیم تخریبی روش مند است ... که روزی عواقب آن نمایان خواهد شد» (Hart, 1932, pp 155-156). یکی از تفاوت‌های عمده مدرنیزاسیون دوره رضاشاهی نسبت به دوران قبل، قانون‌گرایی حکومتی بود. بخشی از سیاست‌های شهری در این دوره را وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها پیرامون تشکیلات بلديه، وظایف و اختیارات آن، شرایط احداث بنا و وظایف مالکان تشکیل می‌داد. قانون بلديه در سال ۱۳۰۹ش یکی از نخستین قوانین شهرسازی بود که قدرت بسیاری به شهرداری‌ها می‌داد. یکی از مهم‌ترین محورهای آن، قانون توسعه و احداث معابر بود که در آذرماه ۱۳۱۲ش در مجلس شورای ملی تصویب شد (ساکما، ۲۹۳/۶۰۹۰). مطابق با این قانون به اداره بلديه اختیار داده شد تا برای تسهیل عبور و مرور و زیباسازی شهر، معبر، خیابان و میدان احداث کند. این قانون مبنای سیاست نوسازی شهری و بسیاری از تخریب‌ها از سال ۱۳۰۵ش و در طول دهه ۲۰ خورشیدی شد (کیانی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۹-۲۰۲).

نظام شهرسازی در این دوره با تکیه بر همین قوانین، سیاست توسعه معابر را به گونه‌ای اجباری در دستور کار خود قرار داد. خیابان‌کشی در طرح‌های توسعه و نوسازی شهرها چنان واجد اهمیت بود که قانون وظایف بلديه‌ها را مراقبت در ساخت و توسعه ضروری معابر و خیابان‌ها به عنوان اقدامی تحول‌آفرین اعلان کرد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲). در قانون اولیه تنها به کلیدواژه‌های «توسعه» و «احداث» اشاره شده بود؛ اما در سال‌های بعد (و در قانون توسعه معابر در سال ۱۳۲۰ش) عنوان «اصلاح» نیز به آن دو افزوده شد.

1. Rosita Forbes (1890-1967)
2. Ernst Emil Herzfeld (1879-1948)



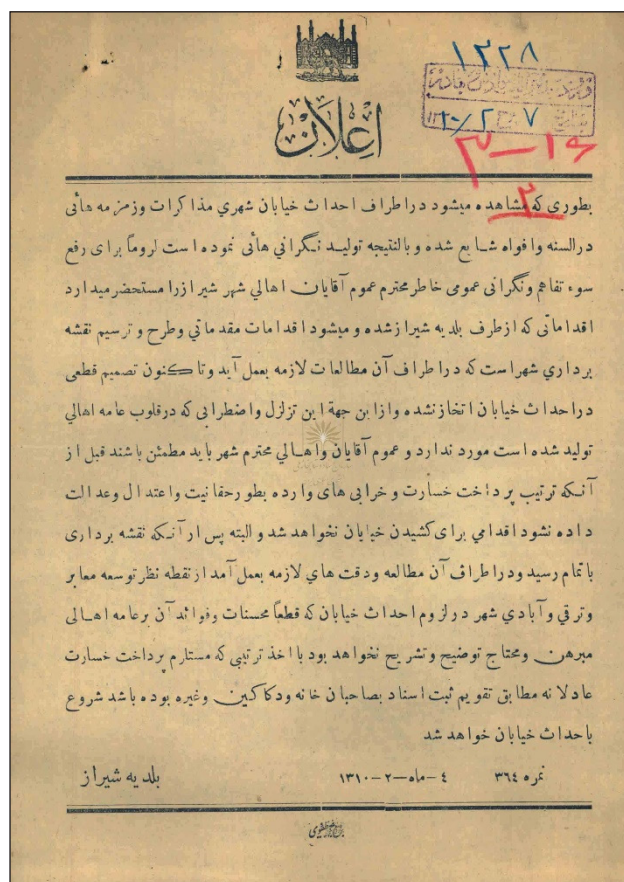
۴. روایت خیابان‌کشی در شیراز

به نظر می‌رسد نخستین بار در سال ۱۳۰۳ ش از لزوم احداث خیابان در شیراز سخن به میان رفته است. آن‌جا که روزنامه/ستخر با لحنی گزنده بلدیۀ شیراز را «دارالافتضاح» می‌خواند و با شماتت «اعصاب و رگ‌های ازکارافتاده شهر و زندگی شبیه به مرگ» مردم شیراز را نیازمند انقلابی می‌داند که شیرازی‌ها را از «دردها و فلاکت‌های موجوده و مخاطرات آینده» آگاه سازد (ستخر، شماره ۳۵، صفحه ۱، ۱۸ دی ۱۳۰۳ ش). اما اقدام به خیابان‌کشی هم‌زمان با سال‌های نخستین سلطنت رضاشاه رخ نمود. در این دوره اقدامات آمرانه شهری، مایۀ ناخشنودی مردمانی شد که در تداوم سننِ دیرین کوشا بودند. شیخ عبدالرسول نیر شیرازی از منتقدان دگرگونی‌های این دوره می‌نویسد: «خیابان برای ما زینت کردنِ مرده است و سرمه‌کشیدن به چشم کور؛ خضاب‌نمودن پیر و قهرمانی نمودن زمین‌گیر است» (نیر شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). مطابق اسناد بررسی‌شده، نخستین شکوائیه‌های مکتوب مردم، مربوط به سال ۱۳۱۰ ش است (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۷). در این دوره، مردم از تصمیمات بلدیۀ برای احداث خیابان مطلع شده بودند و از خسارت‌های احتمالی آن نگران بودند؛ بنابراین طومارهایی در اعتراض به احداث خیابان تدوین می‌کردند. معترضان خواستار تجدیدنظر در مسیر خیابان و فلکۀ پیشنهادی بودند تا بتوانند مانع تخریب دکاکین و ازمیان‌رفتن سرمایه‌هایشان شوند. آن‌ها بیان می‌کردند که باوجود آنکه بلدیۀ پرداخت بهای املاک را وعده داده است، اما تخریب اماکن کسب موجب ازمیان‌رفتن معیشت روزمره‌شان می‌شود:

«خدمت اعضاءِ کمیسیون [...] امضاکنندگان زیر معروض می‌داریم اینکه: هریک از ما با هزاران زحمت فوق‌العاده تدارک یکی و دوتا دکان نموده‌[ایم]؛ برای اینکه در مواقع پیری و ناتوانی وسیلۀ معاش خود و عیالمان باشد. خلاصه حاصل زحمات شصت [ساله] و هفتادساله ماها همین است؛ که این‌هم متأسفانه در مسیر خیابان و فلکۀ واقع می‌شود [...]» (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۷).

نخستین سند موجود از سال ۱۳۱۰ ش، ساکنان محلۀ سردزک را خطاب قرار می‌دهد و به آن‌ها اطمینان می‌دهد که خیابان‌کشی، خسارتی برای اهالی نخواهد داشت و اگر تصمیمی برای ساخت خیابان اتخاذ شود، این اقدام عادلانه و متضمن منافع جامعه خواهد بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۶). نگرانی اهالی شیراز و بیم از تخریب اموال منجر شد تا بلدیۀ در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۰ ش درزمینۀ اقدامات خود و اطمینان‌بخشیدن به اهالی برای پرداخت عادلانه خسارت‌های وارده، پیش از هر تغییری در خیابان‌های شیراز اعلانی منتشر کند (تصویر ۲).





تصویر ۲

اعلان بلدیۀ شیراز در اطمینان بخشی به
ساکنان شهر در زمینهٔ احداث خیابان جدید
(ساکما، ۱۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۵)

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت همان سال، اهالی شیراز، بار دیگر به فرمانده تیپ مستقل فارس نامه‌ای نوشتند و متذکر شدند که نقشهٔ خیابان‌های شیراز، خسارات بسیاری به شهر وارد می‌سازد؛ زیرا امتداد خیابان‌ها بر روی خانه‌های مردم کشیده شده‌است. در این نامه هم‌چنین تأکید شده‌است که ساختمان‌های شهر همه از سنگ، آجر و کاشی و مصالح گران‌قیمت ساخته شده‌است؛ بنابراین تخریب آن‌ها قابل جبران نخواهد بود:

«... راه در این نقشه همهٔ خانه‌های مردم است و شنیده شده که به سمع اولیای امور رسانیده‌اند که این خانه‌ها از خشت و گل است! این طور نیست. در شیراز خانهٔ خشت و گلی نیست، [و ساختن خانه با خشت و گل] فقط در ساختمان‌های جدیده معمول و مرسوم شده [است]؛ خانه‌های شهری همه از سنگ و آجر و کاشی و مصالح گران‌قیمت ساخته شده [است] و خسارات وارده غیر قابل جبران است...» (ساکما، ۱۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵).



در روند خیابان‌کشی شیراز، احداث چهار رشته خیابان مدنظر بوده است. طبق اشارات اسناد، مهم‌ترین این محورهای چهارگانه، خیابانی بوده است که به‌سوی بوستان‌های قصرالدشت امتداد می‌یافته است. امتداد مستقیم و مرکز‌گرایی خیابان‌ها از جمله ویژگی‌های منظور در نقشه‌کشی شهری این مقطع بوده است. تمامی تلاش مصروف در احداث این چهار خیابان پرهیز از «وضعیت خرابی در شهر و تضییع حقوق ضعیفا» عنوان شده است (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۵ و ۲۶). با این حال مردمی که خانه‌ها و دکانیشان در مسیر این خیابان‌ها بود، هم‌چنان عاجزانه از فرماندهان نظامی و نمایندگان بلدیة درخواست داشتند تا از مسیرهای پیشنهادی بازدید کنند؛ شدت خسارت را از نزدیک ببینند؛ و راه بهتری پیشنهاد بدهند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵).

در پی این اعتراضات، حسین سالار علی‌صفایی، تولیت خانقاه احمدی در محله سردزک، در نامه‌ای به ایالت فارس، به قیمت‌گذاری ناعادلانه املاک از سوی بلدیة، اعتراض می‌کند و به شعری از سعدی اشاره می‌کند:

«گر در همه شهر یک سر نیستی است
در پای کسی رود که درویش تر است»
صفایی اظهار می‌دارد بخشی از منزل او نیز در شرف تخریب قرار گرفته است و برای او با پانزده سر عائله، تنها دو اتاق و پستیوی کوچک باقی خواهد ماند. او تأکید می‌کند نخواهد توانست منزلی تازه خریداری کند و پیشنهاد می‌دهد معماری متدین چون حاجی محمدباقر برای تجدیدنظر در قیمت‌گذاری منازل تعیین بشود. او هشدار می‌دهد که کمتر از نیمی از خانقاه فقرای محله سردزک واقع در مسیر خیابان، تخریب خواهد شد. او در پایان از ایالت فارس استدعا می‌کند تا رأساً به این امور رسیدگی کنند تا خیابان‌کشی در نهایت عدالت و تساوی صورت گیرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۳). وزارت داخله - ایالت فارس هم در پاسخ تأکید می‌کند که به تمام جزئیات رسیدگی می‌شود و اطمینان می‌دهد که کم‌ترین خسارتی به خانقاه وارد نشود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۲).

به تاریخ ۲۰ و ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ ش، طی برگزاری جلسات رسمی با حضور هشت نفر از نمایندگان شهر، اداره بلدیة به اتفاق آراء مجاز می‌شود تا از ابتدای دروازه‌قرآن در امتداد خیابان حافظ به سمت کل^۱ شاهزاده قاسم (محور شمالی-جنوبی) و از کل مشیر به سمت شیخ ابوذرعه (محور غربی-شرقی) چهار خیابان به عرض تقریبی ۲۷ متر کشیده شود؛ به گونه‌ای که در محدوده بازار مسگرها تقاطعی تحت عنوان «میدان شاه» [بر جای تقریبی میدان فراموش شده شاه صفوی] احداث شود. در این فرایند حرم شاه‌چراغ در مجاور خیابان جدید تثبیت می‌شد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۹). با وجود این، مطابق یکی از

۱. کل: در شیراز قدیم «کل» نوعی از گشودگی در باروی شهر بوده که به‌مرور ایام شکل می‌گرفته است و به‌شکل دروازه‌ای غیررسمی، امکان ورود و خروج از شهر را در دوره قاجار فراهم می‌آورده است.



گزارش‌ها، نظمیه شیراز در ۲۵ خرداد ۱۳۱۰ش احداث خیابان را متوقف کرد و مسگرها و مغازه‌دارانی که پیش‌ازین محل کسبشان را تخلیه کرده بودند بار دیگر به مغازه‌های خود بازگشتند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱).

در ۲۵ تیرماه همان سال، بلدیۀ شیراز نقشه احداث چهار خیابان و میدان مرکزی راه، مطابق آنچه در سند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۹) توصیف شده‌است تصویب کرد و معاون بلدیۀ شیراز، نسخه‌ای از آن را به وزارت داخله ارسال کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۸). هم‌چنین، بلدیۀ برای احداث این دو رشته خیابان، از بانک ملی دویست‌هزار تومان وام درخواست کرد. وزارت داخله با این تقاضا مخالفت کرد و در نامه‌ای، به بلدیۀ شیراز پیشنهاد داد تا با اعتبار چهل و هشت هزار تومانی موجود مقدمات طرح را آغاز کند و هراندازه که میسر باشد احداث خیابان را پیش ببرد و در صورت نیاز، اگر بانک ملی بدون تعهد وزارت مالیه به پرداخت وام حاضر شد، مابقی خیابان را تکمیل کند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۱ و ۲۲).

هم‌زمان با این تحولات، ساکنان بار دیگر شکوائیه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی تنظیم کردند و متعاقباً وزارت داخله از ایالت فارس خواست تا به آن رسیدگی شود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۴). بلدیۀ نیز در واکنش به اعتراضات، مشکلات شهر را برجسته کرد و به دلیل کوچه‌های تنگ و پرپیچ‌وخم، طاق‌ها و بازارچه‌های کثیف و تاریک، شیراز را از جمله «دهات آباد» برشمرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۹).

نامه اضافه می‌کند که این دگرگونی، همانند قانون متحدالشکل کردن لباس، با مقاومت روبه‌روست؛ اما سرآخر «مردم بی‌سواد» از پیدایش خیابان خشنود خواهند بود.

بدین ترتیب، خیابان‌کشی به مثابه رفرم یا اصلاحی فرهنگی مورد تأکید جریان قاهر مدرنیزاسیون شهری بود و خیابان، مظهر و تبلور مدرنیته‌ای ناخوانده بود. در ادامه نامه، به ابنیه تاریخی و مهم شهر اشاره شده‌است که به دسترسی مناسب، روشنایی و آب‌وهوای خوب نیاز دارند. نامه در پایان به منتقدان احداث خیابان اشاره می‌کند و معتقد است که آن‌ها به نام بیچارگان به مجلس نامه نوشتند؛ در حالی که بلدیۀ بدون پرداخت غرامت خانه‌ها و مغازه‌ها، هیچ ملکی را تخریب نمی‌کند: «مگر محترمین و متمولین شهر در یک نقطه مخصوص منزل دارند و بیچارگان در نقطه دیگر؟! ... آیا خیابان چیزی است که بلدیۀ خواسته از جلو ابنیه بیچارگان عبور دهد؟!» (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۰). این اشاره البته گویای کیفیت امتزاج اجتماعی پیش‌از آغاز مدرنیزاسیون شهری است. دیری نپایید که متمکنین به محله‌های نوساز بیرون شهر تاریخی کوچیدند تا عمارات موسّعثان را در مجاورت خیابان‌های وسیع برپا دارند.

توجیهات مبسوط بلدیہ در قبال اعتراض مردم، وزارت داخلہ - ایالت فارس را مجاب ساخت. در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۱۰ ش دستور صادر شد: مادامی که تمامی نواحی مندرج در طرح دقیق بازرسی نشده است، هیچ اقدامی در زمینه خیابان‌کشی انجام نشود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۷). بلدیہ در تاریخ ۱۸ مرداد دستور توقف احداث خیابان‌های جدید را صادر کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۴).

سندی که از حدود یک سال بعد (۲۴ مهر ۱۳۱۱ ش) موجود است، ضمن اشاره به توقف احداث خیابان در شیراز، خیابان‌کشی را هدف افرادی عاری از انصاف می‌داند. این نامه که از سوی وزارت داخلہ - ایالت فارس به دربار ارسال شده است، از شاه استدعا می‌کند ابتدا یکی از بانک‌های داخلی را برای پرداخت خسارت خانه‌های مردم تعیین کنند، سپس خیابان‌ها را به گونه‌ای احداث کنند که آثار مهم تاریخی، بقاع متبرکه و مساجد صدمه‌ای نبیند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۵). کمتر از یک ماه بعد، نامه‌ای از وزارت داخلہ به ایالت فارس ارسال شد. در این نامه به نگرانی مردم از احداث خیابان در شهر قدیم شیراز اشاره شده بود و بر نحوه رسیدگی به شکایات و صیانت از حقوق افراد تأکید شده بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲).

در تاریخ ۴ دی ۱۳۱۱ ش، فهرستی شامل اسامی ۱۰۳ نفر از معترضان به احداث خیابان، به بلدیہ شیراز گزارش شد. در این سند، سه نفر به عنوان سردهسته مخالفان در محله‌های سردزک، میدان‌شاه و اردوبازار معرفی شدند. بلدیہ باور داشت که این افراد برخی از مردم را به امضای شکایت‌نامه^۱ وادار می‌کنند؛ مردمی که بسیاری شان خانه شخصی و محل کسبی واقع در امتداد طرح خیابان‌کشی ندارند و بعضاً از مفاد شکوائیه هم نامطلع هستند و به امضای نامه وادار شده‌اند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۰ و ۱۱).

در ادامه، دو سند پیوسته بدون تاریخ هم وجود دارد حاوی شکوائیه‌ای از اهالی شیراز با سربرگ وزارت داخلہ - ایالت فارس. با تحلیل محتوای این دو سند، به نظر می‌رسد تاریخ آن می‌باید همان سال ۱۳۱۱ ش باشد؛ زیرا به نگرانی ساکنان در زمینه احداث خیابان در شهر قدیم شیراز در سال پیش از آن اشاره می‌کند. مضمون کلی سند، انعکاس دیگر باره نگرانی اقشار بی‌بضاعت، خصوصاً زنان بی‌سرپرست و ایتم، و تخریب منازلی است که غالباً شامل یک اتاق خشتی کوچک بوده است. اینجا البته تناقضی با آنچه در سال ۱۳۱۰ ش درباره مصالح بادوام و ذی‌قیمت خانه‌ها بیان شده بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵)، وجود دارد. متن نامه در ادامه می‌افزاید که دولت مسکن مردم را بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال ارزش‌گذاری کرده است که با تخریب گسترده و مضیقه‌ای که در تأمین مسکن پدیدار خواهد شد، این مبالغ برای تهیه مسکن جدید کافی نخواهد بود و تنها یک سال اجاره منزل را تکافؤ [کفایت] خواهد کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۲ و ۱۳).

۱. احتمالاً به اسناد ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵ و ۳۶ اشاره دارد.



متعاقباً، در سندی مربوط به سال ۱۳۱۳ ش، انجمن بلديه، نقشه خیابان‌کشی پیشنهادی شیراز را تصویب می‌کند و ضمن توصیف معضلات شهر از جمله کوچه‌های باریک و معابر پیچیده و غیرقابل دسترس برای عبور وسایل نقلیه، روشنایی نامناسب معابر و وجود امراض بسیار، بر لزوم اتصال شهر جدید و قدیم شیراز تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد: «برای تسهیل عبور و مرور و اتصال این دو بخش، خیابان‌هایی در شهر کهنه احداث شود» (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگه‌های ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷). این سند و سندی دیگر پیرو همین نامه (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگه ۸۵، ۸۶)، نقشه خیابان‌کشی را میدانی در میانه شهر و چهار خیابان منشعب از آن توصیف می‌کند. میدان به طول ۱۳۰ متر و عرض ۹۰ متر و خیابان اول به طول ۹۴۵ متر و عرض ۲۲ متر و خیابان دوم که در امتداد خیابان پهلوی است دارای طول ۲۱۰ متر و عرض ۱۸ متر است. سه خیابان دیگر نیز در همین مرحله پیش‌بینی شده بودند؛ اما اجرای آن‌ها عجلتاً در دستور کار نبوده است و از موقعیت و ابعاد آن‌ها اطلاع بیشتری در دست نیست.

بین اسناد بازیابی شده مرتبط با خیابان‌کشی در شیراز، خلئی چندساله وجود دارد. حدود ۷ سال پس از واپسین مستندات مرتبط با احداث خیابان‌های جدید، سندی به تخریب یک کاروان‌سرا و ۶ باب مغازه در مسیر خیابانی از کل مشیر به دروازه کازرون [خیابان قآنی بعدی]، اشاره می‌کند. از این سند که تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۸ ش را بر خود دارد، استنباط می‌شود که خیابان‌کشی در شهر قدیم شیراز به انجام رسیده بوده است؛ ولی شکایات مردمی هم در دادگاه‌های صالحه هم‌چنان در حال دادرسی بوده است (ساکما، ۳۵۰/۵۵۹۴، برگ ۱).

۵. یافته‌ها

در جمع‌بست یافته‌های این پژوهش، نخست می‌باید اشاره کرد که توسعه خیابان‌های مدرن در شیراز باتوجه به اسناد بازخوانی شده، در دو بخش شهر قدیم یا کهنه [شهر تا دوره قاجار] و شهر جدید [توسعه‌های دوره پهلوی اول بعد از سال ۱۳۰۸ ش] تعریف شده است (ساکما، ۲۲۰/۱۸۲۵۷، برگ ۲۵). از آنجاکه این پژوهش بر خیابان‌کشی‌هایی متمرکز است که شهر قدیم را هدف قرار داده‌اند و به تخریب بخش‌هایی از آن انجامیده‌اند، آنچه در محدوده شهر جدید رخ داده، به دلیل آنکه احداث خیابان بدون تخریب بافت کالبدی پیشین انجام شده است، از مقوله خیابان‌کشی متمایز است و بیشتر در چارچوب خیابان‌سازی قابل بررسی است؛ هرچند در همین بخش نیز، احداث خیابان زند [که در اسناد سال ۱۳۰۸ ش، «زندیه» عنوان شده است]، دستمایه طرح شکایاتی مبنی بر انهدام

عمارات و دكاكين بډه‌است (ساكما، ۲۴۰/۳۶۹۷۱، برگ ۴). با تحليل عميق تر يافته‌هاى منتج از اين اسناد، مدرنيزاسيون شهرى شيراز در دوره پهلوى اول را مى‌توان در چهار بخش دسته‌بندي كرد. هريك از اين بخش‌ها نمايانگر بُعدى از تحولات مدنى، و تأثير آن بر جامعه، اقتصاد، و فرهنگ شهرى شيراز در آن برهه پراشهاب تاريخى است.

الف) اعتراض مردم شيراز به خيابان‌كشى

شكايت ساكنان و اعتراض به روند توسعه شهر و خيابان‌كشى در بطن شهر قديم، اصلى‌ترين محتوای اسناد بازخوانى شده است. اين اعتراضات را مى‌توان در سه حوزه مستقل بازشناسى كرد: نخست: نقض حقوق اقشار بي‌بضاعت، و تخریب محل زندگى و كسب معيشت آنان؛ دوم: احتمال آسیب به عناصر تاريخى شهر، از جمله بناهاى تاريخى آستان شاه‌چراغ، بقاع متبركه، مساجد و بناهاى واجد ارزش؛ و سوم: فروكاستن از منزلت اقتصادى و اجتماعى شهر قديم، و قيمت‌گذارى نامنصفانه بر منازل و دكاكين.

احداث خيابان در شيراز بر زيست ساكنان تأثير گذاشت و معيشت و كسب آنان را به‌مخاطره انداخت. بسيارى از مردمان شهر، نگران از تخریب محل سكونت و كسب، نه تنها با بحرانی اقتصادى-اجتماعى دست‌به‌گريبان شدند، بلكه بخشى از هویت‌مندى تاريخى شان نيز خدشه‌دار شد. در اين باره، شيخ عبدالرسول نير شيرازى به‌وضوح اظهار مى‌دارد: «ما كه نان نداريم سَدّ جوع كنيم، كجا شايسته خيابان يا بيابانيم؟! ما كه لباس نداريم بپوشيم، كجا بايسته تفريح و استنشاق هواى جديديم؟! مگر خيابان براى ما كشيده شد؟! مگر آسايش ما منظور بود؟!» شيخ نير شيرازى، اين نقد را با كنايه‌اى از ضرورت تعبيه زيرساخت‌هاى مناسب براى رفاه دولت‌مردان به‌ويژه تردّد بيگانگان تحت عنوان ميهمانان خارجى مطرح مى‌كند كه: «گفتند اگر يك نفر اروپايى بخواهد اينجا بيايد... اگر فردى از خارجه مهمان ما شود، راه موتورش پاك و باز باشد» (نير شيرازى و ديگران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). در داستان کوتاه «از روزگار رفته حكايه»^۱ به قلم ابراهيم گلستان، به شكلى ديگر به اين مطلب اشاره شده است كه خيابان تنها معبرى بود براى اتومبيل بزرگان و مقامات:

«دايى توقع داشت وقتى كه عيد مى‌آيد ما در عمارت نو باشيم؛ جايى كه درخور شخصيت نمايندگى باشد؛ اما در كوچه جلو خانه‌مان، جايى براى ايستادن اتومبيلش نبود؛ اصلاً راهى براى راندن آن‌هم نبود. او رفت در خانه يك دوست وارد شد كه در خيابان بود» (گلستان، ۱۳۴۸، ص ۳۲).

توجه آيينى به ميراث شهرى و دغدغه‌مندى تخریب آثار تاريخى-مذهبى شيراز سرفصلى ديگر از واخواهى مردمان شيراز در اين مقطع خطير بډه‌است. در زمينه مصالح

۱. از مجموعه داستان «مَد و مَه» كه در زمستان ۱۳۴۸ش به رشته تحرير درآمده است.

به‌کاررفته در ساخت ابنیه شیراز، بلديه معماری این بناها را فاقد ارزش، و جنس مصالح به‌کاررفته را خشت‌وگل عنوان کرده‌است؛ حال‌آنکه حسن حسینی فسایی صاحب *فارس‌نامه ناصری* (حسینی فسائی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۱۰) تصریح می‌کند که مصالح استفاده‌شده در ساختمان‌های شیراز عموماً آجر و چوب به‌گل‌آغشته است. این تضاد آراء مؤید ابرام بر مواضع مدرنیزاسیون اقتدارگرا ازسوی دولت محلی، و تحمیل آن بر ساکنان است. آسیب مالی ناشی از ارزیابی نامنصفانه بهای مساکن و دکاکین -که شاید تا همین روزگار نیز در طرح‌های توسعه شهری ایران رایج باشد- (کامروا، ۱۳۸۴، ص ۱۹۸)، بخش دیگری از اعتراض مردم به اقدامات بلديه بوده‌است. روند ناعادلانه تملک و سلب مالکیت، اصطکاک‌های انکارناپذیر را با منافع جامعه محلی و اهالی محله‌های تاریخی شهر رقم زد.

ب) اعلانات رسمی و نامه‌های دولتی به مردم

بخش دوم اسناد بازخوانی‌شده، نامه‌ها و اعلانات رسمی خطاب به مردم را شامل می‌شود. تنها یکی از این اعلانات به مردم اطمینان می‌دهد که خسارات ناشی از تخریب منازل و دکاکین به‌نحو عادلانه جبران و بازپرداخت خواهد شد. بلديه طی این اعلانات از جزئیات توسعه معابر سخنی به‌میان نمی‌آورد. این بدان معناست که نهاد حاکم، بیشتر مترصد آرام کردن اذهان عمومی بوده‌است تا چاره‌اندیشی برای نگرانی‌های جامعه شهری شیراز. در همین باره، شیخ عبدالرسول نیر شیرازی می‌نویسد: «اول خانه را قیمت می‌کردند، بعد خراب می‌نمودند که یک جو بی‌عدالتی در کار نیاید و کسی از حقش محروم نگردد... به‌همین حقه‌بازی‌ها برای آسایش مردم، خانه‌های خلق‌الله را خراب کردند و مردم را بی‌خانمان کردند» (نیر شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۱۵۸ و ۱۵۹).

علاوه‌بر نخستین اعلانات، به‌دلیل دامنه‌داربودن اعتراضات مردم، نامه‌هایی نیز در پاسخ به بازخواست‌های دولت مرکزی تنظیم شده‌است که معمولاً به توقف مقطعی روند خیابان‌کشی‌ها منجر شده‌است (ساکما، ۲۹۳/۳۸۸۳۰). این دست از نامه‌ها، به‌ویژه مواردی که مرجع صدورشان ایالت فارس است، فحوایی اطمینان‌بخش دارد و بر نظارت مستقیم دولت مرکزی بر توسعه‌های شهری تأکید می‌ورزد (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگ ۵۱). این دوگانگی در واکنش به اعتراض شهروندان، می‌تواند نمایانگر تنش موجود میان مقامات دولت مرکزی و محلی بین سال‌های ۱۳۱۰ش و ۱۳۱۱ش، و یا سیاست‌ورزی زیرکانه دولت مرکزی در تقسیم نقش‌ها و مواجهه دوگانه با نارضایتی فزاینده از مدرنیزاسیون شهری اقتدارگرایانه بوده باشد.

ج) مکاتبات مقامات و نهادهای دولتی

بخش سوم از اسناد به بررسی مکاتبات بین سازمانی مقامات دولتی اختصاص دارد. این نامه‌ها شامل اوامری از سوی ایالت فارس خطاب به بلدیۀ است که در آن بلدیۀ مکلف می‌شود به شکوائیه مردم رسیدگی کند (مانند ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۷). در مقابل، بلدیۀ نیز نامه‌هایی با هدف توجیه اقداماتش در زمینه احداث خیابان‌ها تنظیم و بر این نکته تأکید می‌کند که تمامی اقدامات عمرانی ملحوظ در طرح خیابان‌کشی، به نفع آیندۀ شهر و ساکنان آن است و هیچ‌گونه منفعت شخصی برای مقامات نخواهد داشت (مانند ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۹).

بلدیۀ در نامه‌ها به عوامل متعددی که موجب ضرورت این اقدامات شده‌اند اشاره می‌کند؛ از جمله: آلودگی‌های محیطی؛ فقدان فضای شهری در دسترس و مناسب؛ و ناآگاهی اهالی شیراز از درک مزایای «مدنیت». افزون‌براین، مقامات بلدیۀ باور داشتند که بسیاری از شکایات را افرادی که به دنبال منافع شخصی خودشان هستند، به نمایندگی از قاطبۀ آسیب‌دیدگان شهر، تنظیم می‌کنند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۰ و ۱۱). در میان محله‌هایی که در شکوائیه‌های ساکنان به آن اشاره شده‌است دو محله سردزک و میدان شاه، و اهالی اردوبازار به دلیل این که بیشتر در معرض تخریب بوده‌اند و در امتداد خیابان‌های پیشنهادی واقع بوده‌اند، در تهییج و همراه کردن اهالی سایر محله‌ها می‌کوشیده‌اند. این بخش از اسناد نمایانگر تنش موجود میان مقامات شهری و نیز تلاش برای تبیین و تثبیت مشروعیت نهاد اداره شهر است.

د) موقعیت مکانی و نقشه خیابان‌کشی‌های مدرن در شیراز

بخش دیگری از اسناد، موقعیت مکانی و فرم خیابان‌ها و میدان‌های پیشنهادی برای بهبود ساختاری شهر قدیم شیراز را بررسی کرده‌است. یکی از بارزهای طرح خیابان‌کشی منعکس در اسناد، تکوین ساختاری چلیپایی بوده‌است که در مرکز آن فضایی به نام «میدان شاه» قرار داشته باشد. موقعیت این میدان، طبق اسناد موجود، در نزدیکی بازار مسگرها توصیف شده‌است. این دو رشته خیابان چلیپایی شامل محورهای زیر بوده‌اند:

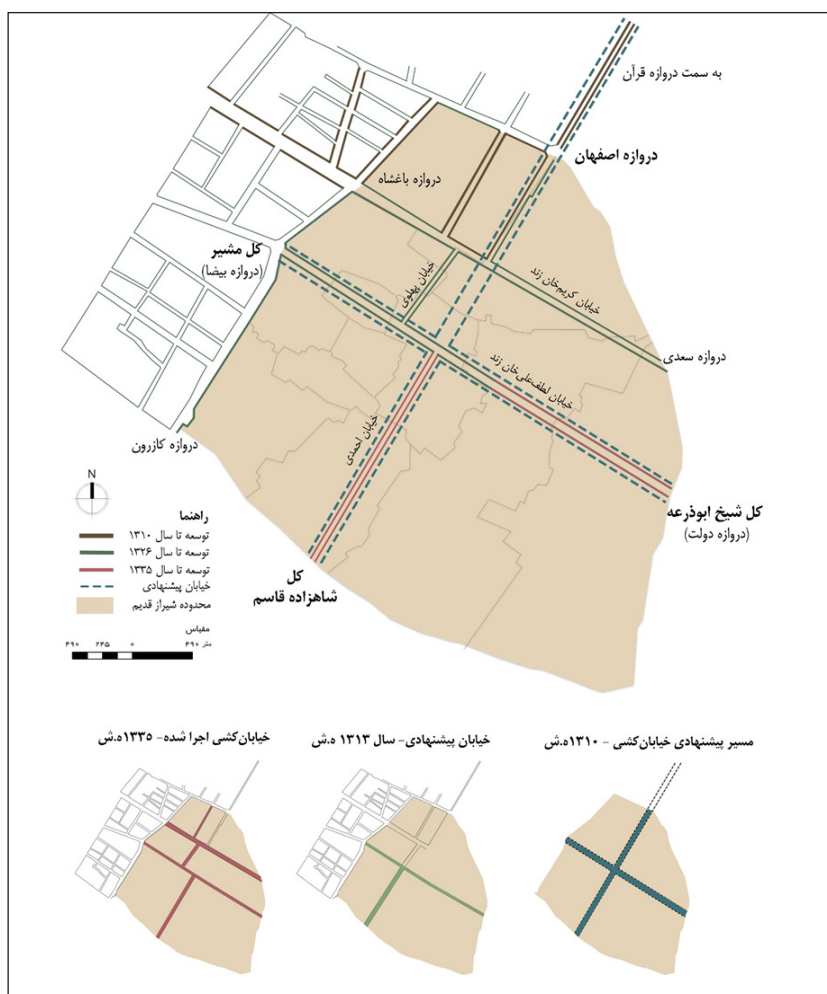
- محور شمالی-جنوبی: از سمت دروازه قرآن آغاز می‌شد و از دروازه اصفهان عبور می‌کرد و در نهایت از میانه بافت به کل شاهزاده قاسم منتهی می‌شد.
- محور شرقی-غربی: از کل شیخ ابوذرعه شروع می‌شد و به سمت کل مشیر ادامه می‌یافت و در نهایت به بوستان‌های قصرالدشت می‌رسید.

با بررسی نقشه سال‌های ۱۳۲۶ش و ۱۳۲۸ش شیراز، و همچنین عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش شیراز، می‌توان مشاهده کرد که در محور شرقی-غربی، تنها خیابان لطف‌علی‌خان زند، به عنوان خیابانی اصلی، مطابق با پیشنهادهای اولیه، اجرا شده‌است. در اسناد مورد مطالعه،



به امتداد محور کریم‌خان زند در محدوده بازار وکیل و بافت تاریخی اشاره‌ای نشده است. ولی مطابق نقشه‌ها، این خیابان تا پیش از سال ۱۳۲۶ ش از میان محله‌های درب‌شازده و موردستان احداث شده، و بخش ارزشمندی از بافت را تخریب کرده است.

روند خیابان‌کشی در شیراز، از تصوّر تا واقعیت، در نقشه‌ای استنباطی مبتنی بر داده‌های تحلیل شده از اسناد، ترسیم شده است (تصویر ۳). لایه نخست (خط‌کشی به رنگ قهوه‌ای)، احداث خیابان‌ها تا سال ۱۳۱۰ ش را نشان می‌دهد که عمدتاً خارج از محدوده شهر قدیم توسعه یافته است. لایه دوم (خط‌کشی به رنگ سبزآبی) تکوین خیابان‌های درون شهر قدیم تا سال ۱۳۲۶ ش را و لایه سوم (خط‌کشی به رنگ قرمز)، ادامه این روند تا سال ۱۳۳۵ ش را به نمایش می‌گذارد.

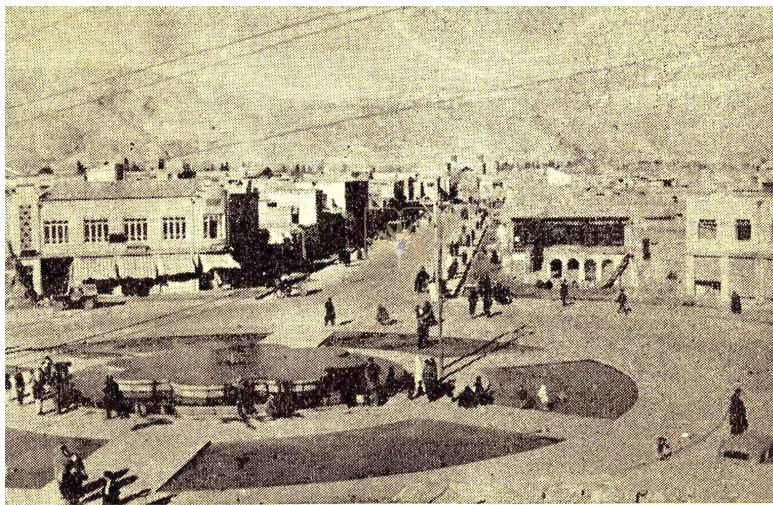


تصویر ۳

بازخوانی روند خیابان‌کشی‌های شیراز
در دوره مدنی‌زاسیون اقتدارگرا (مبتنی بر
اسناد) (نگارندگان)



تصویر ۳ نشان می‌دهد که اعتراضات مردم و توقف احداث خیابان در سال ۱۳۱۰ش، تأثیرات چشم‌گیری بر کندکردن روند توسعه خیابان‌های شیراز داشته‌است. این وقایع نه تنها موجب وقفه در اجرای پروژه‌های شهری شد، بلکه غیرمستقیم مانع از تخریب کامل بخش‌های مهمی از بافت تاریخی شهر شد. در طرح اولیه، خیابان شمالی-جنوبی پیشنهادی، شامل بخشی از بازار نو و بازار وکیل از دروازه‌اصفهان تا بازار مسگرها بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۲۹). ولی پس از حدود چهار سال، طرح جدیدی در اسناد توصیف شده‌است که محور شمالی را در امتداد خیابان پهلوی [خیابان طالقانی کنونی] تعریف می‌کند (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگ ۴۶، ۴۷، ۴۸). بدین ترتیب، احداث خیابانی به سمت جنوب از دروازه‌اصفهان متوقف شده‌است. در نهایت عکس شهری سال ۱۳۲۹ش نشان می‌دهد که محور شمالی-جنوبی در امتداد خیابان پهلوی نیز شکل نگرفته‌است و به جای آن، خیابان احمدی با تخریب محور تاریخی بازار مرغ و در مجاورت سه محله لب آب، سردزک و سر باغ، به ترتیبی اجرا شده‌است که بخش قابل توجهی از محله سردزک از تخریب نجات یافته‌است (تصویر ۴).



تصویر ۴

فلکه احمدی و امتداد خیابان به‌سوی شمال که از تخریب بازار مرغ به‌وجود آمد (سال ۱۳۲۹ش) (ساکما، ۳۵۰/۱۸۰۷/۳۵، برگ ۲۵)

۶. نتیجه

مدرنیزاسیون شهری در ایران دوره پهلوی اول، همواره تحت تأثیر نوعی مقاومت از سوی آحاد مردم و تقابل منافع مردمان کوچه‌بازار با برنامه‌های دستوری حکومت مرکزی بود. از آنجاکه امکان اندکی برای تغییر ناگهانی ضرب‌آهنگ زیست تاریخی-سنتی در شهرها وجود داشت، برنامه‌هایی نظیر خیابان‌کشی و ساخت میدان‌های رسمی، و تصویب قوانینی با هدف نوسازی شهری، از جمله قانون توسعه معابر، در دستور کار قرار گرفت.



باوجوداین، تلاش‌های حکومت برای مدرنیزاسیون یکپارچه در شهرهای ایران بیشتر به اعمال سیاست‌های ترقی‌گرایانه‌ای محدود شد که بستر اجتماعی و فرهنگی متناسبی برایش وجود نداشت. بیشتر دگرگونی‌ها، وام‌دار مسندنشینی نظامیان در کسوت رؤسای بلديه‌ها (بعدتر درمقام شهرداران) انجام شد و به ظهور نوعی مدیریت پادگانی در شهرها انجامید. همین شیوه از تصدی‌گری بود که می‌توانست متضمن اجرای منویات مدرنیزاسیون، سلب مالکیت از ساکنان، و ساخت پروژه‌های شهری نوین باشد.

در شیراز نیز خیابان‌کشی، همانند سایر شهرهای مهم آن دوره، به‌بهانه مدرنیزاسیون و ایجاد معبرهای عریض و هم‌چنین تسهیل حمل‌ونقل سواره -که امری نسبتاً نوظهور بود- انجام شد. مختصات این سیاست چنان بود که بیش‌از آنچه به توسعه بماند، مایه تظلم‌خواهی ساکنانی بود که محل سکونت، کسب و معیشت، و بیش‌از هر چیز بخشی از هویت تاریخی‌شان را در معرض تهدید و تخریب می‌دیدند. بلديه به‌مثابه مجری روند مدرنیزاسیون شهر، درصدد بود تمامی خسارات مادی مرتبط با اجرای طرح خیابان‌کشی را با پرداخت غرامت به شهروندان پوشش دهد. چنین تمهیدی، درنظر داشت قاطبه مردم را متقاعد سازد که مدرنیزاسیون دفعی امری است اجتناب‌ناپذیر. روندی که افزون‌بر مزایای بلندمدت، منفعتی را نیز در کوتاه‌مدت متوجه اهالی خواهد کرد و آنان را در آستانه فرصت‌هایی جدید برای کوچیدن به بخش‌هایی تازه از شهر در حال شکوفایی قرار خواهد داد. ساده‌انگاشتن تبعات اجتماعی-فرهنگی مدرنیزاسیون شهری اقتدارگرایانه، به‌گواه اسناد و مدارک تاریخی بر جای مانده، دامنه‌ای از ناخشنودی‌ها و اعتراض مردمی را موجب شد که باوجود به‌ثمر رسیدن تدریجی و توأم با وقفه طرح‌ها، فاصله‌ای معنادار میان سودای بلندپروازانه مدرنیزاسیون و واقعیت ابتر شکل‌گرفته در گستره شهرهای تاریخی را سبب شد.

از سال‌های ۱۳۱۰ش به‌بعد، کشمکش میان چشم‌انداز رسمی مدرنیزاسیون و ضرب‌آهنگ زیست مردمان، به شکایت و اعتراض اهالی شیراز قدیم انجامید و احداث دو رشته خیابان چلیپایی متکی بر اسلوب هندسه راست‌گوشه مدرنیستی را با وقفه‌هایی مواجه ساخت. با تغییری که بعدها در مسیر احداث محورهای این طرح به‌وقوع پیوست، تخریب بخش‌هایی از بافت تاریخی به‌تعمیق افتاد. این وقفه‌ها، به‌همراه تغییر در سیاست‌های کلان ملی، و تحولات سیاسی و نامالیماتی که به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۲۰ش تا اواخر همان دهه بر روند مدیریت شهری سایه افکند، موجب شد تا خیابان‌کشی‌های جدید، هرگز به‌شکلی کامل و منطبق با کیفیت مشابه آنچه در سرزمین‌های مبدأ، از جمله فرانسه در دوران صدارت بارون هوسمان تجربه شده بود، به سرانجام نرسد. بدین ترتیب، به‌نظر می‌آید شیراز و احتمالاً بسیاری دیگر از شهرهای

ایران که محمل مدرنیزاسیون شهری دوره پهلوی اول بوده‌اند، هیچ‌گاه فرصتی برای درک مختصات واقعی مدرنیته نیافته‌اند و همواره در نوعی بی‌ثباتی قرار داشته‌اند. آنچه در آیینۀ اسناد مربوط به مدرنیزاسیون شهری شیراز دوره پهلوی اول قابل‌بازایی است، روندی را به‌تصویر می‌کشد که طی آن محوریت منافع منتج از خیابان‌کشی‌ها، موجب افزایش مرغوبیت و بهای املاک ثروتمندان شهر، و ایجاد چرخه‌ای از اعیان‌سازی منطبق با خط‌مشی طبقه حاکم و صاحب‌قدرت می‌شد. ماهیت اقتدارگرایانه و قدرت‌ورز مدیریت شهری این دوره، مردم را به‌سوی دریافت تصویری مخدوش از نوسازی شهری سوق داد. در این حالت، هرگونه برنامه توسعه‌ای، متضاد با منافع مردم، و به‌مثابه تهدیدی برای تداوم زیست و کسب روزی اهالی به‌چشم می‌آمد. بدین ترتیب، شاید دور از واقعیت نباشد که حتی تا روزگار کنونی هم، هنوز طرح‌های توسعه شهری، کمتر توفیق و مجالی برای تحقق فراگیر و تأثیر بنیادی بر زیست مطلوب شهری شهروندان داشته‌اند و ماهیت امر توسعه در حافظه جمعی دست‌کم چهار نسل از مردمان، با زوال تدریجی هسته‌های شهری، و تحلیل بُن‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی مترادف بوده‌است.

منبع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)

۳۵۰/۳۴۷/۵۱؛ ۲۹۳/۳۸۸۷۷؛ ۲۹۳/۳۸۸۳۰؛ ۲۹۳/۱۸۰۰۷/۳۵؛ ۲۹۳/۶۰۹۰؛ ۲۴۰/۳۶۹۷۱/۴؛ ۲۲۰/۱۸۲۵۷/۲۵؛
۳۵۰/۵۵۹۴/۱؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۷؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۶؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۵؛ ۳۵۰/۳۴۷/۸۶؛ ۳۵۰/۳۴۷/۸۵؛
۳۵۰/۷۴۱۴/۱۱؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۰؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۴؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱؛
۳۵۰/۷۴۱۴/۲۰؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۹؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۷؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۳؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۲؛
۳۵۰/۷۴۱۴/۲۸؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۶؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۴؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۱؛
۳۵۰/۷۴۱۴/۳۷؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۶؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۳؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۹

عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ش شیراز. تهران: سازمان نقشه‌برداری کشوری.

قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها. (مصوب ۲۲ آبان ۱۳۱۲ ش). تهران: مطبعه نوین.

نقشه شهر شیراز. (۱۳۰۲). فیروز میرزا نصرت‌الدوله به مواظبت میرزا ابوالحسن خان مهندس.

نقشه شیراز. (۱۳۲۶). ترسیم‌شده توسط سرهنگ قوانلو و شبانی.

نقشه شیراز. (۱۳۲۸). ترسیم‌شده توسط علی‌رضا فداکار.



کتاب

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نی.
- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۲). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*. تهران: خوارزمی.
- آریان‌پور، علی‌رضا. (۱۳۶۵). *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز*. تهران: فرهنگ‌سرا (پساوولی).
- اجلایی، فرزام. (۱۳۷۳). *بنیان حکومت قاجار: نظام سیاسی ایلی و دیوان‌سالاری مدرن*. تهران: نی.
- افسر، کرامت‌الله. (۱۳۵۳). *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: انجمن آثار ملی.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*. (ج ۲). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۵). *درک شهری از مشروطه: مقایسه حوزه مشروطه‌خواهی اصفهان و تبریز*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۸). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۴). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی فسائی، حاج‌میرزا حسن. (۱۳۷۸). *فارس‌نامه ناصری*. (ج ۱، ج ۲). (منصور رستگار فسایی، مصحح و حاشیه‌نویس). تهران: امیرکبیر.
- خالصی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *از بلديه تا شهرداری: تاریخ صدساله شهرداری شیراز*. شیراز: شهرداری شیراز.
- خلیلی‌خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. (ج ۷). (چاپ دوم از دوره جدید). تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- رئیس، اکبر. (۱۳۸۸). *گذری بر روند تحولات و تشکیلات شهرداری شیراز از احتسابیه تاکنون*. شیراز: شهرداری شیراز.
- صانع، منصور. (۱۳۶۹). *پیدایش عکاسی در شیراز*. تهران: سروش.
- صانع، منصور. (۱۳۸۰). *به یاد شیراز: عکس‌های شیراز قدیم*. تهران: منصور صانع.
- صانع، منصور. (۱۳۹۰). *شیراز کودکی ما: عکس‌های شیراز قدیم*. شیراز: منصور صانع.
- صانع، منصور. (۱۳۹۶). *شیراز روزگار جوانی: عکس‌های شیراز قدیم*. تهران: منصور صانع.
- قاسم‌خان، علی‌رضا. (۱۳۹۷). *تکیه دولت: از بودن و نبودن*. تهران: علمی و فرهنگی.



کامروا، محمدعلی. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

کریمان، حسین. (۱۳۵۵). *تهران در گذشته و حال*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

گلستان، ابراهیم. (۱۳۴۸). *مَد و مَه: سه داستان*. تهران: روزن.

مخبر السلطنه هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه، و گوشه‌ای از دوره زندگی من*. (چ ۲). تهران: کتاب‌فروشی زوار.

میرسپاسی، علی. (۱۳۸۴). *تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمان‌های روشن‌فکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*. (جلال توکلیان، مترجم). تهران: طرح نو.

ندیم، مصطفی. (۱۳۹۴). *خیابان کریم‌خان زند شیراز (همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محلّه پشت استاندارد)*. شیراز: امید دانا.

نیر شیرازی، عبدالرسول؛ نیری، محمدیوسف؛ نیازکار، فرح. (۱۳۸۷). *روزگار پهلوی اول: نقد و تحلیل رخدادهای مهم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در روزگار رضاشاه همراه با نکته‌ها و سرگذشت‌های عبرت‌آموز*. شیراز: دریای نور.

مقاله

اسماعیل دخت، مریم. (۱۳۹۶). «مداخلات دیدگاه حاکم بر زیبایی‌شناسی خیابان زند شیراز در سه دوره تاریخی». *هنر و تمدن شرق*، ۵(۱۸)، صص ۴۳-۵۴.

اسماعیل دخت، مریم؛ منصوری، سیدامیر؛ شیبانی، مهدی. (۱۴۰۰). «قیاس تطبیقی خوانش ساکنین از شهر (منظر شهری) با طرح‌های توسعه شهری بررسی انتقال منظر شهر سنتی به شهر معاصر شیراز». *باغ نظر*، ۱۸(۹۶)، صص ۴۵-۵۸.

حبیبی، محسن. (۱۳۷۵). «تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه». چاپ‌شده در کتاب: *تهران پایتخت دویست ساله* (مجموعه مقالات). (شهریار عدل و همکاران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، کوشش گران). صص ۲۲۱-۲۲۹. تهران: ایران‌شناسی.

خدای، مهدی؛ نورائی، مرتضی؛ فروغی ابری، اصغر. (۱۳۹۷). «بررسی عملکرد بلدیّه در دوره پهلوی اول؛ نمونه پژوهی: شیراز». *پژوهش‌های تاریخی*، ۱۰(۳۹)، صص ۱-۲۳.

شیبانی، مهدی؛ پروین، حسین؛ فرنوش، فهیمه. (۱۳۹۶). «شهرباغ، ساختار شهری شیراز قدیم». *هنر و تمدن شرق*، ۵(۱۶)، صص ۳۳-۴۰.

نشریه

روزنامه/استخر، شماره ۳۵، ۱۸ دی ۱۳۰۳ ش.



روزنامه خورشید/ایران، شماره ۱، ۲۷ بهمن ۱۳۰۲.

روزنامه فارس، شماره ۱۷، ۵ دی ۱۲۹۸ ش.

روزنامه گلستان (فوق العاده)، شماره ۳۵، ۴ مهر ۱۲۹۸ ش.

روزنامه گلستان، شماره ۶، ۷۴۵ شهریور ۱۳۱۰ ش.

روزنامه وقایع، شماره ۱، ۱۸ آذر ۱۳۰۴ ش.

Latin Resources

Book

British minister of the Foreign Office 371, 12293/E3909, Robert Clive reporting on court minister 'Abd al-Hoseyn Teymurtash, 26 August 1927, Tehran, *Iran; see: Iran Political Diaries 1881–1965*. (Robert M. Burrell, ed.) [Oxford]: Archive Editions, 1997, vol. 8: 1927–1930, p55.

Fairclough, Norman. (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. Routledge.

Forbes, Rosita. (1931). *Conflict: Angora to Afghanistan (with a foreword by Brigadier-General Sir Percy Sykes)*. London: Cassell.

Gaddis, John Lewis. (2002). *The Landscape of History: How Historians Map the Past*. Oxford University Press.

Gottdiener, M; Budd, L; Lehtovuori, P. (2015). *Key Concepts in Urban Studies*. SAGE Publications.

Katouzian, Homa. (1981). *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926–1979*. University Press.

McDaniel, Tim. (1991). *Autocracy, Modernization, and Revolution in Russia and Iran*. Princeton University Press.

Tripp, Herbert Alker. (1950). *Road Traffic and its Control*. (2nd edn). London: Edward Arnold.

Article

Ahmed, Jashim Uddin. (2010). "Documentary research method: New dimensions". *Indus Journal of Management & Social Science (IJMSS)*, 4(1), pp 1-14.



Bowen, Glenn A. (2009). "Document analysis as a qualitative research method". *Qualitative research journal*, 9(2).

Collection of articles

Cronin, Stephanie. (2004). "The Army, Civil Society and the State in Iran: 1921-1926".

In: *Men of Order: Authoritarian Modernization under Atatürk and Reza Shah, 130-63. and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Engert, H. (1940). "Change in the city of Tehran". US State Department Archives, Engert Dispatch 1830, 891.101/3, 10 May 1940, Tehran, Iran. In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Grigor, Talinn. (2014). "The king's white walls Modernism and bourgeois architecture" In: *Culture and cultural politics under Reza Shah: The Pahlavi state, new bourgeoisie and the creation of a modern society in Iran*. (Devos, Bianca; Werner, Christoph, Editors). Routledge.

Hart, L. (1932). "US State Department Archives". Dispatch 1393, 891.00/1562, 25 March 1932, 155-56; In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Katouzian, Homa. (2004). "State and Society under Reza Shah" In: *Men of order: authoritarian modernization under Atatürk and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Safamanesh, Kamran. (2009). "Architectural Historiography 1921-1942". In: *Iran in the 20th century: Historiography and political culture*. (Touraj Atabaki, Editor). London: I. B. Tauris.

English Translation of References

Archival Documents

"*Aks-e havāyi-ye sāl-e 1335 SH Širāz*" (Aerial photo of Shiraz in 1956). Tehran: Sāzmān-e Naqše-bardāri-ye Kešvari (Iran National Cartographic Center). [In Persian]

“*Naqše-ye Šahr-e Širāz*” (Map of the city of Shiraz). (1302/1923). Firouz Mirza Nosrat al-Dowleh supervised by Mirza Abolhasan Khan Mohandes. [In Persian]

“*Naqše-ye Širāz*” (Map of Shiraz). (1326/1947). Drawn by Sarhang Ghavanlou & Sheibani. [In Persian]

“*Naqše-ye Širāz*” (Map of Shiraz). (1328/1949). Drawn by Alireza Fadakar. [In Persian]

“*Qānun-e rāje’ be ehdās va towse’e-ye ma’āber va xiyābān-hā*” (Law on the construction and development of streets and passages). (Passed on 22 Ābān 1312 SH / 13 November 1933 AD). Tehran: Matba’e-ye Novin. [In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

220/18257/25; 240/36971/4; 293/6090; 293/18007/35; 293/38830; 293/38877; 350/347/51; 350/347/85; 350/347/86; 350/347/105; 350/347/106; 350/347/107; 350/5594/1; 350/7414/1; 350/7414/2; 350/7414/4; 350/7414/5; 350/7414/10; 350/7414/11; 350/7414/12; 350/7414/13; 350/7414/15; 350/7414/17; 350/7414/19; 350/7414/20; 350/7414/21; 350/7414/22; 350/7414/24; 350/7414/25; 350/7414/26; 350/7414/28; 350/7414/29; 350/7414/32; 350/7414/33; 350/7414/35; 350/7414/36; 350/7414/37. [In Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1377/1998). “*Irān bein-e do enqelāb*” (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [In Persian]

Adamiat, Fereidoun. (1352/1973). “*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e ‘asr-e sepah-sālār*” (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xārazmi. [In Persian]

Afsar, Karamatollah. (1353/1974). “*Tārix-e bāft-e qadimi-ye Širāz*” (History of the old texture of Shiraz). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [In Persian]

Ajoudani, Mashallah. (1382/2003). “*Mašrute-ye Irāni*” (The Iranian Constitution). Tehran: Axtarān. [In Persian]



- Aryanpour, Alireza. (1365/1986). *“Pažuheši dar šenāxt-e bāq-hā-ye Irān va bāq-hā-ye tārixī-ye Šīrāz”* (A general survey of Persian gardens and an investigation of the historical gardens of Shiraz). Tehran: Farhangsarā (Yasāvoli). [In Persian]
- British minister of the Foreign Office 371, 12293/E3909, Robert Clive reporting on court minister ‘Abd al-Hoseyn Teymurtash, 26 August 1927, Tehran, *Iran*; see: *Iran Political Diaries 1881–1965*. (Robert M. Burrell, ed.) [Oxford]: Archive Editions, 1997, vol. 8: 1927–1930, p55.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1377/1998). *“Loqat-nāme”* (Dehkhoda lexicon) (vol. 7). Tehran: Mo’assese-ye Loqat-nāme-ye Dehxodā (Dehkhoda Dictionary Institute). [In Persian]
- Ejlali, Farzam. (1373/1994). *“Bonyān-e hokumat-e Qājār: Nezām-e siāsi-ye ili va divan-sālāri-ye modern”* (The foundation of the Qajar government: Tribal political system and modern bureaucracy). Tehran: Našr-e Ney. [In Persian]
- Fairclough, Norman. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. Routledge.
- Forbes, Rosita. (1931). *Conflict: Angora to Afghanistan (with a foreword by Brigadier-General Sir Percy Sykes)*. London: Cassell.
- Gaddis, John Lewis. (2002). *The Landscape of History: How Historians Map the Past*. Oxford University Press.
- Ghasem Khan, Alireza. (1397/2018). *“Tekye-ye dowlat: Az budan va nabudan”* (The reliance of the state: On being and not being). Tehran: ‘Elmi Farhangi. [In Persian]
- Golestan, Ebrahim. (1348/1969). *“Madd-o meh: Se dāstān”* (Tide and mist). Tehran: Rowzan. [In Persian]
- Gottdiener, M; & Budd, L; Lehtovuori, P. (2015). *Key Concepts in Urban Studies*. SAGE Publications.
- Habibi, Seyyed Mohsen. (1378/1999). *“Az šār tā šahr”* (From the stream to the city). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Habibi, Seyyed Mohsen. (1384/2005). *“Az šār tā šahr”* (From the stream to the city). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Hosseini Fasaei, Haj Mirza Hasan. (1378/1999). *“Fārs-nāme-ye Nāseri”* (Naseri’s book

- on Fars) (vols. 1 & 2). Edited and annotated by Mansour Rastegar Fasaei. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Jafarian, Rasoul. (1385/2006). *“Dark-e šahri az mašruteh: Moqāyese-ye hoze-ye mašrute-xāhi-ye Esfahān va Tabriz”* (Urban understanding of the constitutionalism: A comparison of the constitutionalist spheres of Isfahan and Tabriz). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHHS). [In Persian]
- Kamrava, Mohammad Ali. (1384/2005). *“Moqaddame-ee bar šahrsāzi-ye mo’āser-e Irān”* (An introduction to contemporary urbanism in Iran). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Kariman, Hossein. (1355/1976). *“Tehrān dar gozašte va hāl”* (Tehran in the past and present). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Melli-ye Irān. [In Persian]
- Katouzian, Homa. (1981). *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926–1979*. University Press.
- Kiani, Mostafa. (1383/2004). *“Me’māri-ye dowre-ye Pahlavi-ye avval”* (Architecture of the first Pahlavi period). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHHS). [In Persian]
- Ketābxāneh, Muzeh, va Markaz-e Asnād-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of parliament). [In Persian]
- Khalesi, Mohammadreza. (1387/2008). *“Az baladiye tā šahrdāri: Tārix-e sad-sāle-ye šahrdāri-ye Širāz”* (From the city council to the municipality: A hundred-year history of Shiraz). Širāz: Šahrdāri-ye Širāz (Shiraz Municipality). [In Persian]
- Khalilikhou, Mohammadreza. (1373/1994). *“Towse’e va nosāzi-ye Irān dar dore-ye Rezā Šāh”* (Development and modernization of Iran during the reign of Reza Shah). Tehran: Jahād-e Dānešgāhi-ye Vāhed-e Šahid Behešti (Academic Development of the Shahid Beheshti University). [In Persian]
- McDaniel, Tim. (1991). *Autocracy, modernization, and revolution in Russia and Iran*. Princeton University Press.
- Mirsepasi, Ali. (1384/2005). *“Ta’ammoli dar modernite-ye Irāni: Bahsi darbāre-ye goftemān-hā-ye rowšan-fekri va siyāsāt-e modernizāsiyun dar Irān”* (Negotiat-

- ing modernity in Iran: Intellectual discourse and the politics of modernization).
Translated by Jalal Tavakkolian. Tehran: Tarh-e no. [In Persian]
- Mokhber Al-Saltaneh Hedayat, Mahdi Gholi. (1344/1965). *“Xāterāt va xatarāt: Tuš-
ee az tārix-e šēš pādešāh, va guše-ee az dowre-ye zendegi-ye man”* (Memories
and Dangers) (2nd ed.). Tehran: Ketābforuši-ye Zovvār. [In Persian]
- Nadim, Mostafa. (1394/2015). *“Xiyābān-e Karim Xān-e Zand-e Širāz (Hamrāh bā
barresi-ye tārixī, ejtemā’ee-ye mahalle-ye pošt-e oštāndāri)”* (Karim Khan
Zand Street, Shiraz (with a historical and social survey of the neighborhood be-
hind the governorate)). Širāz: Omid-e Dānā. [In Persian]
- Nayyer Shirazi, Abd al-Rasoul; Nayyeri, Mohammad Yousef; & Niazkar, Farah.
(1387/2008). *“Ruzgār-e Pahlavi-ye avval: Naqd va tahlil-e roxdād-hā-ye mo-
hem-me siyāsi, farhangī va ejtemā’ee rad ruzgār-e Rezā Šāh hamrāh bā nokte-
hā va sargozašt-hā-ye ‘ebrat-āmuz”* (The First Pahlavi Era: Criticism and analy-
sis of important political, cultural, and social events in the era of Reza Shah). Širāz:
Daryā-ye Nur. [In Persian]
- Raeesi, Akbar. (1388/2009). *“Gozari bar ravand-e tahavvolāt va taškīlāt-e šahrdāri-
ye Širāz az ehtesābieh tākonun”* (A review of the developments and organization
of Shiraz Municipality from its establishment to the present). Širāz: Šahrdāri-ye
Širāz (Shiraz Municipality). [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1369/1990). *“Peydāyēš-e ‘akkāsi dar Širāz”* (The emergence of pho-
tography in Shiraz). Tehran: Soruš. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1380/2001). *“Be yād-e Širāz: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”* (In memory
of Shiraz: Photos of old Shiraz). Tehran: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1390/2011). *“Širāz-e kudaki-ye mā: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”* (Our
childhood Shiraz: Photographs of old Shiraz). Širāz: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1396/2017). *“Širāz-e ruzgār-e javāni: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”*
(Shiraz: the days of youth). Tehran: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Takmil Homayoun, Naser. (1378/1999). *“Tārix-e ejtemā’ee va farhangī-ye Tehrān”*
(Social and cultural history of Tehran) (vol. 2). Tehran: Dafter-e Pažuheš-hā-ye
Farhangī. [In Persian]

- Tripp, Herbert Alker. (1950). Road traffic and its control. (2nd ed.). London: Edward Arnold.
- Zoka, Yahya. (1349/1970). "*Tārixçe-ye sāxtemān-hā-ye arg-e saltanati-ye Tehrān va rāhnamā-ye Kāx-e Goleštān*" (History of the buildings of the Royal Citadel of Tehran and a guide to the Golestan Palace). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [In Persian]

Articles

- Ahmed, Jashim Uddin. (2010). "Documentary research method: New dimensions". *Indus Journal of Management & Social Science (IJMSS)*, 4(1), pp 1-14.
- Bowen, Glenn A. (2009). "Document analysis as a qualitative research method". *Qualitative research journal*, 9(2).
- Esmaeeldokht, Maryam. (1396/2017). "Qiyās-e tatbiqi-ye xāneš-e sākenin az šahr (manzar-e šahri) bā tarh-hā-ye towse'e-ye šahri-ye barresi-ye enteqāl-e manzar-e šahr-e sonnati be šahr-e mo'āser-e Širāz" (The study of the dominant interventions (beliefs) on the aesthetics of Zand Street in Shiraz in three periods of history). *Bāq-e Nazar* (Bagh-e Nazar), 18(96), pp. 45-58. [In Persian]
- Esmaeeldokht, Maryam; Mansouri, Seyyed Amir; & Sheibani, Mehdi. (1400/2021). "Modāxelāt-e didgāh-e hākem bar zibāyi-šenāsi-ye xiyābān-e Zand-e Širāz dar se dowre-ye tārixi" (A comparative study of citizens' interpretations of the city (urban landscape) and urban development plans a transition from a traditional landscape to a modern one in Shiraz). *Honar va Tamaddon-e Šarq* (Journal of Art and Civilization of the Orient) (JACO), 5(18), pp. 43-54. [In Persian]
- Khoddami, Mehdi; Nouraei, Morteza; & Foroughi Abri, Asghar. (1397/2018). "Barresi-ye 'amalkard-e baladiyeh dar dowre-ye Pahlavi-ye avval; Nemune-pažuhi: Širāz" (An analytical study on the performance of small Baladias during Reza Shah's era; Case study of Fars). *Pažuheš-hā-ye Tārixi* (Research Journal of Iran Local Histories), 10(39), pp. 1-23. [In Persian]
- Sheibani, Mehdi; Parvin, Hossein; & Farnoush, Fahimeh. (1396/2017). "Šahr-bāq, sāxtvr-e šahri-ye Širāz-e qadim" (Garden City, an examination of the old urban



structure of Shiraz). *Honar va Tamaddon-e Šarq* (Journal of Art and Civilization of the Orient) (JACO), 5(16), pp. 33-40. [In Persian]

Collection of articles

Cronin, Stephanie. (2004). "The Army, Civil Society and the State in Iran: 1921-1926".

In: *Men of Order: Authoritarian Modernization under Atatürk and Reza Shah, 130-63. and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Engert, H. (1940). "Change in the city of Tehran". US State Department Archives, Engert Dispatch 1830, 891.101/3, 10 May 1940, Tehran, Iran. In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Grigor, Talinn. (2014). "The king's white walls Modernism and bourgeois architecture" In: *Culture and cultural politics under Reza Shah: The Pahlavi state, new bourgeoisie and the creation of a modern society in Iran*. (Devos, Bianca; Werner, Christoph, Editors). Routledge.

Habibi, Mohsen. (1375/1996). "Tahavvol va Gostareš-e Tehrān dar zaman-e Rezāšāh" (The evolution and expansion of Tehran during the time of Reza Shah). In Shahriar Adl et al., Sāzmān-e Mošāver-e Fanni va Mohandesi-ye šahr-e Tehrān (Emco Iran Consulting Engineers), Anjoman-e Irān-šenāsi-ye Farānseh dar Irān (Institut Français de Recherche en Iran) (Eds.), "*Tehrān pāytaxt-e devīšt-sāleh (Majmu'e- maqālāt)*" (Tehran, the Two-hundred-year capital (Collection of articles)) (pp. 221-229). Tehran: Irān-šenāsi (Encyclopedia of Iranian Studies). [In Persian]

Hart, L. (1932). "US State Department Archives". Dispatch 1393, 891.00/1562, 25 March 1932, 155-56; In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Katouzian, Homa. (2004). "State and Society under Reza Shah" In: *Men of order: authoritarian modernization under Atatürk and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.



Safamanesh, Kamran. (2009). "Architectural Historiography 1921–1942". In: *Iran in the 20th century: Historiography and political culture*. (Touraj Atabaki, Editor). London: I. B. Tauris.

Press

Ruznāme-ye *Estakhr* (Estakhr newspaper), issue 35, 18 Dey 1303 SH / 8 January 1925 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Fārs* (Fars newspaper), issue 17, 5 Dey 1298 SH / 27 December 1919 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Golestān* (Golestan newspaper) (Special issue) (), issue 35, 4 Mehr 1298 SH / 27 September 1919 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Golestān* (Golestan newspaper), issue 745, 6 Šahrivar 1310 SH / 29 August 1931 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Vaqāye'* (Vaqa'ye-e Ettefaqiye), issue 1, 18 Āzar 1304 SH / 9 December 1925 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Xoršid-e Irān* (Khorshid-e Iran newspaper), issue 1, 27 Bahman 1302 SH / 17 February 1924 AD. [In Persian]



The Role of the Law on the Completion and Renting of Residential Units in Managing the Housing Market in the Second Pahlavi Era¹

Mohsen Parvish²

Abstract

Purpose: To examine the Completion and Rental Law of Residential Units in the Pahlavi era as a successful measure for housing market management and resolving the housing crisis and to identify the reasons for its failure.

Method and Research Design: This study employs a descriptive-analytical approach in investigating the impact of the Completion and Rental Law of Residential Units on the housing market and tenancy conditions and the challenges associated with them. A documentary analysis method has been employed where documents and texts relating to the law and its impacts on the housing market and tenancy conditions have been examined and analyzed.

Findings and Conclusion: The result of the study indicates that the law failed to bring an end to the housing crisis and rentals. The contributing factors were the lack of funds, population growth, and infrastructural shortages, which all led to the failure of the success of the law's objectives. Urban conditions and the rentals remained strained, and the law failed to live up to people's expectations. The results also point out that the absence of master planning, coordination failure between the public and private institutions, public needs' negligence, and a lack of sufficient incentives for the investors were among the key factors behind the collapse of the law.

Keywords: Completion and Rental Law of Residential Units; Housing Market; Renting; Financial Constraints.

Citation: Parvish, M. (2024). The Role of the Law on the Completion and Renting of Residential Units in Managing the Housing Market in the Second Pahlavi Era. *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 102-123 | doi: 10.30484/ganj.2024.3196

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. This work was supported by the Iran National Science Foundation (INSF) and is grounded on research project No. 4027087.

2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Mohsen.parvish@uma.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3196

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 102 -123 (22) | Received: 26, Oct. 2024 | Accepted: 28, Nov. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

نقش قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در سامان‌دهی بازار مسکن در دوره پهلوی دوم^۱

محسن پرویش^۲

چکیده:

هدف: بررسی قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در دوره پهلوی دوم به عنوان اقدامی مهم برای سامان‌دهی بازار مسکن و پاسخ به بحران مسکن؛ و تحلیل دلایل ناکامی این قانون.

روش/ رویکرد پژوهش: این مطالعه با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی تأثیرات قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی بر بازار مسکن و شرایط اجاره‌نشینی را بررسی کرده و چالش‌های موجود را شناسایی کرده است. برای این منظور، از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. در این روش، متون و مستندات مرتبط با قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی و تأثیرات آن بر بازار مسکن و شرایط اجاره‌نشینی بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد که قانون مذکور نتوانست به طور مؤثری به حل بحران مسکن و مشکلات اجاره‌نشینی کمک کند. یافته‌ها حاکی از آن است که چالش‌هایی نظیر کمبود منابع مالی، افزایش جمعیت، و نقص در زیرساخت‌ها مانع از تحقق اهداف این قانون شدند. هم‌چنین، شرایط زندگی شهری و بازار اجاره هم‌چنان تحت فشار باقی ماند و این قانون نتوانست انتظارات جامعه را برآورده کند.

نتایج: فقدان برنامه‌ریزی جامع، ناهماهنگی میان نهادهای دولتی و خصوصی، بی‌توجهی به نیازهای واقعی مردم و نبود مشوق‌های کافی برای سرمایه‌گذاران، از عوامل شکست قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی بودند.

واژگان کلیدی: قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی؛ بازار مسکن؛ اجاره‌نشینی؛ کمبود منابع مالی؛ دوره پهلوی.

استناد: پرویش، محسن. (۱۴۰۳). نقش قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در سامان‌دهی بازار مسکن در دوره پهلوی دوم. *گنجینه اسناد*، ۳۴(۴)، ۱۲۳-۱۰۲. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۶

۱. این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSE) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۲۷۰۸۷» انجام شده است.

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. mohsen.parvish@uma.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۱۰۲-۱۲۳ (۲۲)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۸

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

در دهه ۵۰ خورشیدی، ایران با بحران جدی مسکن مواجه شد که ناشی از افزایش جمعیت، مهاجرت به شهرها، و نبود تناسب میان عرضه و تقاضای مسکن بود. این وضعیت نه تنها کیفیت زندگی شهری را تحت تأثیر قرار داد، بلکه به بروز تنش‌های اجتماعی و اقتصادی نیز منجر شد. در این راستا، قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی به عنوان اقدامی کلیدی از سوی دولت پهلوی مطرح شد. هدف این قانون سامان‌دهی بازار مسکن، افزایش عرضه واحدهای مسکونی، و بهبود شرایط اجاره‌نشینی بود. قانون مذکور تلاش داشت تا با ایجاد چارچوب‌های قانونی، حقوق مستأجران و مالکان را تأمین کند و از بروز تنش در بازار اجاره جلوگیری کند.

در دهه ۱۳۵۰، نوسانات اقتصادی به شدت بر زندگی روزمره مردم ایران تأثیر گذاشت و رشد اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت و برنامه‌های توسعه‌ای، باعث بی‌ثباتی در بازار مسکن شد. افزایش ناگهانی قیمت مسکن قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داد (اطلاعات، ش ۱۴۷۶۴، ۳۰ تیر ۱۳۵۴، ص ۱۵) و بسیاری از خانواده‌ها قادر نبودند مسکن مناسب تأمین کنند. در این شرایط، بازار اجاره نیز تحت فشار قرار گرفت و قیمت‌های اجاره به طرز چشمگیری افزایش یافت؛ به طوری که بسیاری از افراد و خانواده‌ها مجبور شدند در شرایط نامناسب زندگی کنند. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی دولت در تأمین مسکن و ایجاد تسهیلات مالی به طور کامل موفق نبود. با وجود تلاش برای دادن وام مسکن و برنامه‌های حمایتی، بسیاری از مردم به دلیل دسترسی نداشتن به منابع مالی کافی، از خرید یا اجاره مسکن مناسب بازماندند (ساکما، ۱۵۸۷۳۵/۲۹۳). علاوه بر این وجود قوانین ناکارآمد در حوزه اجاره‌داری و مالکیت به مشکلات اساسی در بازار مسکن در دوره پهلوی منجر شد. قوانین تصویب شده، از جمله قانون تعدیل و تثبیت اجاره‌بها، هرچند در ظاهر به حمایت از مستأجران و کنترل قیمت‌ها پرداخته بودند، ولی در عمل به دلیل تطابق نداشتن با شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان، کارایی لازم را نداشتند. بوروکراسی پیچیده و فرایندهای قانونی نیز باعث می‌شد که مستأجران و مالکان نتوانند به راحتی حقوق خود را پیگیری کنند. این ناکارآمدی‌ها، به ویژه در دوران بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، موجب افزایش نارضایتی عمومی و تنش‌های اجتماعی شد و در نهایت به بی‌اعتمادی به سیستم حقوقی و قانونی کشور دامن زد (تهران اکونومیست، ۲۹ مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۶).

مقاله حاضر درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در دوره پهلوی چه اهدافی را دنبال

می‌کرد؟



۲- اجرای این قانون چه تأثیری بر شرایط اجاره‌نشینی و کیفیت زندگی مستأجران داشت؟

۲. پیشینه پژوهش

مقالات گوناگونی ابعاد مختلف مسکن در حکومت پهلوی را بررسی کرده‌اند. یکی از این مقالات «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر قیمت مسکن در ایران (۱۳۵۰-۱۳۹۱)» نوشته جعفر قادری و بهنام ایزدی است. این پژوهش به تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی نظیر میزان شهرنشینی، اجاره‌بها، درآمد سرانه، اعتبارات بانک مسکن، مالیات بر مسکن، بیکاری، تولید ناخالص ملی و سایر عوامل تأثیرگذار بر قیمت مسکن می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از روش برآورد معمولی حداقل مربعات، تغییرات قیمت مسکن در بازه زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۱ را بررسی کرده‌است. سارا غلامی و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر گونه‌های مسکن طبقه متوسط (در دوره میانی و پایانی پهلوی دوم بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)» تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی دوم را بررسی کرده‌اند. این تحقیق عوامل مؤثر بر ظهور طبقه متوسط جدید و ویژگی‌های مسکن آن، و همچنین چگونگی تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری و توسعه مسکن طبقه متوسط را بررسی می‌کند. ازسوی دیگر، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مسکن طبقه متوسط دوره پهلوی دوم براساس دستور زبان شکل (مطالعه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان تهران)» به قلم سارا غلامی و همکاران، قوانین حاکم بر کالبد و گونه‌های مسکن طبقه متوسط جدید در دوره پهلوی دوم را شناسایی می‌کند. این تحقیق از روش‌شناسی خاصی به نام «دستور زبان شکل» استفاده می‌کند که ویژگی‌های ظاهری و ساختاری مسکن طبقه متوسط و ارتباط میان فرم و مفهوم در طراحی آن را عمیق‌تر بررسی می‌کند.

باوجود این تحقیقات، ولی در زمینه وضعیت مسکن در دهه آخر حکومت پهلوی، به‌ویژه در ارتباط با نقش قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در سامان‌دهی بازار مسکن در دوره پهلوی تحقیقات مستقلی وجود ندارد. این خلأ تحقیقاتی نیاز به بررسی‌های بیشتر را نمایان می‌کند و می‌تواند به درک بهتر چالش‌های موجود در بازار مسکن در این دوره کمک کند.

۳. قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی

۳.۱. تاریخچه و زمینه‌ها

مهاجرت‌های گسترده از نواحی روستایی به شهرهای بزرگ ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به بروز مشکلات جدی در زمینه توسعه شهری منجر شده‌است. این پدیده به دلیل افزایش

جمعیت در کانون‌های اصلی شهری، نظیر تهران، فشاری مضاعف بر زیرساخت‌های شهری وارد می‌کند. رشد جمعیت شهری به دلیل افزایش طبیعی و هم‌چنین مهاجرت توسعه مسکن، بهداشت و خدمات عمومی را ضروری می‌کند و نبود توازن میان افزایش جمعیت و توسعه زیرساخت‌ها، موجب بروز مشکلاتی چون کمبود مسکن و افزایش قیمت‌ها می‌شود که در نهایت کیفیت زندگی مستأجران را کاهش می‌دهد (اهرایان صدر، ۱۳۹۶، ص ۸۷)؛ تهران از دیرباز با مشکل مذکور مواجه بوده است. تهران که در سال ۱۲۸۴ شمسی شهری محصور با ۱۹ کیلومتر مربع وسعت و حدود ۱۶۰'۰۰۰ نفر جمعیت بود، تا دهه ۱۳۱۰ شمسی چنان رشد کرد که بیش از ۳۰۰ هزار نفر را در خود جای داد. علاوه بر این، بخشی از جمعیت تهران در محله‌هایی خارج از محدوده شهری ساکن شده بودند. در سال ۱۳۰۹، سرانجام دیوار تهران برداشته شد و خیابان‌های مدرن به شکل راست و عمود بر هم شکل گرفتند. این امر نشان‌دهنده مرحله جدیدی در ساختار شهرنشینی بود. از دهه ۱۳۲۰، با شروع به کار برنامه‌ریزی شهری، نظام محله‌ای سابق جایش را به الگوی طراحی شده منطقه‌ای داد که عمدتاً بر نوعی جداسازی طبقاتی متکی بود. گروه‌های کم‌درآمد همواره در طرح‌های جامع شهری نادیده گرفته می‌شدند (بیات، ۱۳۹۹، ص ۵۷). از دهه ۱۳۳۰ به بعد صدها هزار خانواده تهی‌دست بخشی از جریان مهاجرت طولانی و پیوسته از روستاها و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها بودند که به دلایل مختلفی انجام می‌شد. برخی از مهاجران به دنبال بهبود وضعیت زندگی خود بودند؛ در حالی که دیگران تنها به دنبال تضمین بقا و زنده ماندن در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی بودند. بسیاری از این افراد، چه به طور فردی و چه با همراهی خویشاوندانشان، در زمین‌های بلااستفاده یا قطعه‌های ارزان‌قیمتی که در حواشی شهرها خریداری می‌کردند ساکن می‌شدند. این خانواده‌ها که معمولاً از لحاظ مالی در مضیقه بودند، برای اجتناب از پرداخت اجاره‌های خارج از توان و هم‌چنین فرار از ازدحام جمعیت در مرکز شهر، سرپناه‌هایشان را به دست خودشان و یا کمک خویشاوندانشان در نقاط غیرقانونی بنا می‌کردند. سپس، برای تحکیم موقعیت زیستگاه غیرقانونی‌شان، به رشوه‌دهی به دیوان‌سالاران روی می‌آوردند و سعی می‌کردند از خدمات شهری بهره ببرند (بیات، ۱۳۹۹، ص ۱۲).

افزایش سریع جمعیت و مهاجرت روستائیان به شهرها در دهه ۱۳۵۰، نیازمندی‌های شهری به ویژه نیاز به مسکن را شدیداً افزایش داد. هدف اساسی این برنامه در بخش مسکن افزایش تعداد واحدهای سکونت برای گروه‌های مختلف به ویژه طبقات کم‌درآمد و در نتیجه کاهش تراکم افراد در واحدهای مسکونی بود. در چارچوب این هدف، برنامه تأمین مسکن در مناطق شهری شامل ایجاد ۷۴۰ هزار واحد مسکونی جدید بود. از این تعداد ۵۷۵ هزار واحد را بخش خصوصی و ۱۶۵ هزار واحد را بخش عمومی احداث می‌کرد. طبق برنامه

عمرانی پنجم قرار بود برای هر خانوار جدیدی که در طول برنامه به جمعیت شهرنشین کشور اضافه می‌شد، واحد مسکونی جدیدی تأمین شود. به این ترتیب در پایان برنامه پنجم تعداد واحدهای مسکونی موجود برای هر هزار نفر جمعیت شهری از ۱۱۷ واحد به ۱۳۱ واحد افزایش می‌یافت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۲، ص ۶۴۴). در این بین، قوانین مختلفی برای حمایت از مستأجران و مالکان تدوین شد که هدف آن‌ها ایجاد تعادل و عدالت در روابط اجاره‌ای و تأمین حقوق هر دو طرف بود. اولین قانون منسجم در زمینه تنظیم اجاره‌بها و احداث خانه‌های ارزان، احتمالاً لایحه قانونی تعدیل اجاره‌بها و احداث خانه‌های ارزان در دهه ۱۳۳۰ بوده است. این لایحه برای پاسخ به نیازهای مسکن در آن زمان و کنترل قیمت‌های اجاره‌ای به تصویب رسید و تلاش کرد تا شرایط بهتری را برای مستأجران فراهم آورد (ساکما، ۱۳۵۳/۳۰۷۴۳). هم‌چنین، قانون تعدیل و تثبیت اجاره‌بها مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ نیز اقدامی مهم در زمینه تنظیم بازار اجاره مسکن در ایران شناخته می‌شد. این قانون برای کنترل و تثبیت قیمت‌های اجاره و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن‌ها تصویب شد (ساکما، ۱۳۵۳/۱۲۱۸۹۱). این در حالی است که سوءمدیریت و سیاست‌های نادرست در حوزه مسکن، به‌ویژه در زمینه قوانین مربوط به مالک و مستأجر، از عوامل اصلی بروز بحران مسکن به‌شمار می‌رفت. دولت به جای اصلاح قوانین ناکافی، تنها به تغییرات جزئی بسنده کرد و این امر به تداوم مشکلات در این حوزه منجر شد. اصلاحات ناقص در قانون مالک و مستأجر - که نتوانسته بود شرایط سرمایه‌گذاری را بهبود ببخشد - باعث محدودیت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاران شده بود. هم‌چنین، قوانین مربوط به اجاره دادن خانه‌های خالی و کنترل نرخ‌ها به عنوان موانع جدی در برابر سرمایه‌گذاری در بخش مسکن عمل کردند. یکی از عوامل مؤثر در بروز بحران مسکن در ایران، قانون تثبیت نسبی زمین بود که در مجلس سنا بررسی شد. این قانون به دولت اجازه می‌داد تا در آغاز هر سال، بهای عادلانه زمین را تعیین کند و حد افزایش قیمت را به میزان تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی محدود کند. هدف از این اقدام، کنترل افزایش غیرمنطقی قیمت زمین بود؛ زیرا قیمت زمین به‌طور مداوم در حال افزایش بود و این موضوع به یکی از مسائل مهم تبدیل شده بود. هم‌چنین، این قانون شامل مجازات‌هایی بود که به هیئت وزیران اجازه می‌داد معاملات را ابطال کند و وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری‌ها زمین را به قیمت عادلانه خریداری کنند (ساکما، ۱۳۵۳/۳۷۴۸۳). با این حال، اجرای این قانون با چالش‌هایی مواجه بود که مانع از تحقق کامل اهداف آن شد. محدودیت‌های قیمتی ممکن بود به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران برای ساخت و ساز منجر شود و در نتیجه، کمبود عرضه مسکن را تشدید کند. هم‌چنین، اعمال مجازات‌ها و ابطال معاملات می‌توانست به بی‌اعتمادی در بازار زمین و مسکن منجر شود و بر وضعیت مسکن تأثیر معکوس بگذارد.

در نهایت، قانون تثبیت نسبی زمین نتوانست به طور مؤثری از بروز بحران‌های بیشتر در بازار مسکن جلوگیری کند.

۳.۲. مفاد قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی

قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی در پاسخ به نیازهای روزافزون جامعه به مسکن و مشکلات ناشی از کمبود واحدهای مسکونی تصویب شد. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، با افزایش جمعیت و مهاجرت‌های گسترده به شهرها، فشار بر بازار مسکن به شدت افزایش یافت. این وضعیت به بروز بحران مسکن و افزایش قیمت‌ها منجر شد که طبقات متوسط و پایین جامعه را تحت تأثیر قرار داد؛ بنابراین دولت تصمیم گرفت این قانون را تصویب کند تا از یک سو، فرایند تکمیل واحدهای مسکونی نیمه‌کاره را تسهیل کند و از سوی دیگر، شرایط اجاره‌نشینی را بهبود ببخشد. این قانون شامل تسهیلاتی برای سازندگان و مالکان بود تا با تشویقشان به تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی، به کاهش نقص عرضه مسکن، و بهبود شرایط زندگی مردم کمک کند (ساکما، ۱۳۴۰/۵۷۰).

قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی بندهای مختلفی برای سامان‌دهی بازار مسکن و حل مشکلات واحدهای ناتمام داشت:

ماده ۱ این قانون شهرداری‌ها را موظف می‌کرد که ظرف دو ماه از تاریخ اجرای قانون، فهرستی از ساختمان‌های ناتمام را تهیه و تنظیم کنند.

ماده ۲ تعیین می‌کرد که شهرداری باید طرحی زمان‌بندی شده برای تکمیل این ساختمان‌ها تهیه کند و در صورت موافقت نکردن مالکان، خود ملزم باشد طرح را در همان مدت اجرا کند. در ماده ۴، مالکان واحدهای مسکونی که عملیات ساختمانی آن‌ها تمام شده بود، موظف بودند وضعیت ساختمان و نظر خود را به شهرداری اعلام کنند. اگر مالکان ظرف سه ماه این اقدام را انجام نمی‌دادند، شهرداری می‌توانست واحدها را اجاره دهد و هزینه‌ها را از مال‌الاجاره برداشت کند.

ماده ۸ نیز به نحوه رسیدگی به اختلافات بین شهرداری و مالکان اشاره داشت و کمیسیون‌هایی را برای بررسی این اختلافات تشکیل می‌داد (ساکما، ۱۳۴۳/۲۲۹۷۱).

۴. الزامات قانونی برای اجاره خانه‌های خالی: چارچوب‌ها و شرایط اجرایی

۴.۱. ثبت اطلاعات مالکیت

در راستای سامان‌دهی بازار مسکن و کاهش معضلات ناشی از خانه‌های خالی، ثبت اطلاعات مالکیت به عنوان یکی از الزامات قانونی مطرح شد. این اقدام برای ایجاد شفافیت



در بازار مسکن و شناسایی مالکان خانه‌های خالی ضروری بود. با ثبت دقیق اطلاعات، دولت می‌توانست به راحتی بر وضعیت ملک‌ها نظارت کند و از احتکار و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری کند. مالکان موظف بودند اطلاعاتی همچون مشخصات کامل ملک، آدرس، شماره تماس و وضعیت اجاره‌داری را در فرم‌های مربوطه ثبت کنند. این اطلاعات به شهرداری‌ها و نهادهای مربوطه کمک می‌کرد تا به‌طور مؤثری بر روند اجاره‌داری نظارت کنند. ثبت نکردن اطلاعات می‌توانست به جریمه‌های مالی برای مالکان منجر شود. این موضوع به‌عنوان روشی تشویقی برای ثبت اطلاعات بود؛ ولی مسئله به این آسانی‌ها هم نبود. آئین‌نامه‌هایی که برای شناسایی وضعیت خانه‌های خالی تدوین شده بودند مالکان را ملزم می‌کردند تا پرسش‌نامه‌هایی را پر کنند؛ ولی بسیاری از مالکان با استفاده از روش‌هایی مانند آویزان کردن پرده‌های کرکره‌ای یا تغییرات ظاهری در ملک، از شناسایی واقعی وضعیت املاک خود جلوگیری کردند و این امر به نارضایتی‌های عمومی منجر شد. نظارت و کنترل بر تخلفات نیز به یکی از مسائل اصلی تبدیل شده بود. نهادهای مسئول، به‌ویژه شهرداری‌ها، برای ورود به خانه‌ها و بررسی وضعیت آن‌ها با چالش‌های زیادی مواجه بودند. در بسیاری از موارد، مالکان به بهانه‌های مختلف از ورود مأموران جلوگیری می‌کردند؛ که این موضوع باعث ایجاد شکاف‌های قانونی و نظارتی می‌شد. در این شرایط، اجاره‌های صوری و انتقال ملک به افراد دیگر به‌شدت افزایش یافت؛ به‌طوری‌که مالکان خانه‌های خود را به‌صورت صوری به اعضای خانواده یا دوستان اجاره می‌دادند و از این طریق از زیر شناسایی آن‌ها به‌عنوان خانه‌های خالی فرار می‌کردند (اطلاعات، ش ۱۵۴۲۴، چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۵۶، ص ۵).

۴.۲. مدت زمان خالی ماندن

یکی دیگر از الزامات قانونی برای اجاره خانه‌های خالی، تعیین مدت زمانی بود که ملک باید خالی می‌ماند تا مشمول قانون اجاره خانه‌های خالی شود. این مدت زمان برای جلوگیری از احتکار و افزایش قیمت‌ها تعیین می‌شد. درواقع، هدف اصلی از تعیین این مدت زمان، تشویق مالکان به اجاره دادن ملک‌های خود و جلوگیری از نگهداری غیرضروری آن‌ها بود. قانون‌گذاران به این نتیجه رسیده بودند که اگر مالکان مجبور شوند ملک‌های خود را اجاره دهند، این امر می‌تواند به افزایش عرضه مسکن و کاهش قیمت‌ها منجر شود. بدین ترتیب مالکان موظف شدند تا در صورتی که ملک‌های خود را برای مدت معینی خالی نگه دارند، به ثبت آن اقدام کنند؛ در غیر این صورت مالکان مشمول جریمه‌های مالی می‌شدند.

۴.۳. تعیین قیمت عادلانه

تعیین قیمت عادلانه برای اجاره خانه‌ها یکی از مهم‌ترین الزامات قانونی در راستای اجاره خانه‌های خالی بود. قیمت اجاره باید براساس معیارهای مشخص تعیین می‌شد تا از استثمار مستأجران جلوگیری شود و دسترسی به مسکن مناسب برای اقشار آسیب‌پذیر تأمین شود. برای تعیین قیمت عادلانه، معیارهای مختلفی از جمله موقعیت جغرافیایی، امکانات موجود در ملک، وضعیت بازار و قیمت‌های مشابه در منطقه بررسی می‌شد. این معیارها به شهرداری‌ها و نهادهای مربوطه کمک می‌کرد تا قیمت‌های منطقی و عادلانه‌ای را برای اجاره تعیین کنند. شهرداری تهران برای سامان‌دهی این وضعیت و تعیین اجاره‌بهای مناسب برای این واحدها، بخش‌نامه‌ای را به نواحی دوازده‌گانه ابلاغ کرده بود. در این بخش‌نامه میزان کرایه سالانه آپارتمان‌ها و خانه‌ها براساس قیمت کل آن‌ها و جداول مشخص تعیین می‌شد.

قیمت کل آپارتمان (ریال)	میزان کرایه سالانه (درصد)
کمتر از ۵ میلیون	بین ۱۰ تا ۱۲ درصد
بین ۵ تا ۱۵ میلیون	بین ۹ تا ۱۰ درصد
بیشتر از ۱۵ میلیون	بین ۸ تا ۹ درصد

جدول ۱

میزان کرایه سالانه نسبت به قیمت کل
آپارتمان در بخش‌نامه شهرداری تهران

در اجرای قوانین مربوط به ارزیابی املاک و تعیین اجاره‌بها، شهرداری‌ها با چالش‌های متعددی مواجه بودند. یکی از مشکلات اصلی، نبود معیارهای شفاف و مشخص برای ارزیابی ملک بود. این موضوع می‌توانست به نارضایتی مالکان و مستأجران منجر شود؛ زیرا مالکان ممکن بود ادعا کنند که ارزش واقعی املاکشان به درستی تعیین نشده است و یا از طرف دیگر، مستأجران نیز با افزایش ناگهانی اجاره‌بها روبه‌رو شوند. به همین دلیل، نیاز به کارشناسان و افراد مطلع در این زمینه احساس می‌شد تا بتوانند قوانین را به درستی و با صداقت اجرا کنند. علاوه بر این، تأثیرات اقتصادی این قوانین بر بازار مسکن و اجاره نیز قابل توجه بود. اگر ارزیابی مال‌الاجاره براساس معیارهای منطقه‌ای انجام می‌شد، احتمالاً مالکان اعتراض می‌کردند زیرا آن‌ها معتقد بودند که سرمایه‌گذاری در بانک‌ها سود بیشتری نسبت به مال‌الاجاره به همراه دارد. از سوی دیگر، اگر ارزیابی‌ها براساس قیمت‌های روز صورت می‌گرفت، این موضوع می‌توانست به افزایش نرخ‌ها و ایجاد تورم منجر شود، که فشار بیشتری به مستأجران وارد کرده و ناپایداری در بازار مسکن ایجاد کند؛ بنابراین، نیاز به رویکردی متوازن برای تعیین مال‌الاجاره وجود داشت که منافع هر دو طرف را در نظر بگیرد.



در آئین نامه مشخص شده بود که معادل ۱۲ تا ۱۵ درصد بهای ملک، مبنای مال الاجاره سالانه آن خواهد بود. برای نمونه، در خانه کوچک ۳۰۰ متری در منطقه شمیران به دلیل قیمت زمین در کوچه‌های دزاشیب که حداقل دو هزار تومان بود، بهای زمین به ۶۰۰ هزار تومان می‌رسید. همچنین، اگر ۱۵۰ متر از ساختمان را با حداقل متری دو هزار تومان محاسبه کنیم، بهای اسمی ملک به ۹۰۰ هزار تومان می‌رسید. با احتساب حداقل معیار ارزیابی، اجاره ماهانه این ملک باید بیش از ده هزار تومان می‌شد، در حالی که در پاییز سال ۱۳۵۶ این خانه‌ها بین ۵ تا ۷ هزار تومان اجاره داده می‌شدند. (اطلاعات، ش ۱۵۴۲۴، چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۵۶، ص ۵).

در این راستا، شهرداری به مالکان خانه‌های خالی فرصت داده بود که تا پایان روز پنجم اسفند ۱۳۵۶ به اجاره‌های تعیین شده از سوی کارشناسان شهرداری اعتراض کنند. همچنین مالکان می‌توانستند با متقاضیان بر سر اجاره توافق کنند و در این صورت واحدهای خود را از فهرست خانه‌های خالی خارج کنند. این فرایند به مالکان امکان می‌داد که با توجه به شرایط بازار و نیاز مستأجران، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. تعیین اجاره‌بها در تهران براساس قیمت منطقه‌ای، هزینه‌های صرف شده برای ساختمان، و وضعیت مالی صاحب خانه انجام می‌شد. کمیسیون‌های مختلف نیز مسئول رسیدگی به اعتراضات و شکایات مالکان بودند (اطلاعات، ش ۱۵۵۳۶، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۶، ص ۲۸).

۴.۴. نظارت شهرداری

نظارت شهرداری بر روند اجاره‌داری یکی دیگر از الزامات قانونی‌ای بود که برای حفظ حقوق مستأجران و مالکان ایجاد شده بود. در فاصله سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۶ یکی از چالش‌های اساسی در حوزه مسکن، وجود تعداد زیادی منزل نیمه‌تمام بود که به دلایل مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی و کمبود منابع به اتمام نرسیده بودند. این وضعیت نه تنها بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذاشت، بلکه به بروز معضلات اجتماعی و اقتصادی نیز دامن می‌زد. به همین دلیل، شهرداری پایتخت تصمیم گرفت ماده ۱۰۰ را اجرا کند که هدف آن تسریع در تکمیل این واحدهای مسکونی و رفع مشکلات موجود بود. براساس این قانون، شهرداری از مالکان خواسته بود که وضعیت خانه‌های نیمه‌تمام خود را حداکثر تا پایان اسفندماه ۱۳۵۶ به اطلاع شهرداری‌های مناطق دوازده گانه برسانند. مقام‌های شهرداری با تأکید بر این نکته که منازل نیمه‌تمام به ساختمان‌هایی اطلاق می‌شود که حداقل ۴۰ درصد از کار آن‌ها به پایان رسیده‌است، از مالکان خواسته بودند که درباره شرایط تکمیل واحدهای مسکونی خود با شهرداری مشورت کنند. این اقدام برای شناسایی دقیق وضعیت ساختمان‌ها و برنامه‌ریزی برای تکمیل آن‌ها انجام می‌شد. شهرداری اعلام



کرده بود که در صورت پاسخ ندادن مالکان، پس از بیستم اسفندماه خودسرانه خانه‌های نیمه‌ساز را تکمیل خواهد کرد. براساس آمار، تعداد خانه‌های مشمول ماده ۱۰۰ بالغ بر سه هزار واحد ساختمانی بود که پس از تکمیل و رفع موانع قانونی، برای مردم قابل استفاده می‌شد (اطلاعات، ش ۱۵۵۲۹، پنج‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳).

دولت برای تأمین بخشی از نیاز مسکن در تهران، پرسش‌نامه‌هایی را در زمینه اجاره خانه‌های خالی توزیع کرد. این اقدام باعث شد تا اجاره‌نشین‌ها هر روز صف‌هایی طولانی در مقابل نواحی شهرداری تشکیل دهند؛ ولی این طرح نتوانست مشکلات حوزه مسکن را به طور مؤثر حل کند. دولت اعلام کرد که متقاضیان خانه‌های اجاره‌ای می‌توانند در شناسایی خانه‌های خالی به مأموران شهرداری کمک کنند. این همکاری می‌توانست به شناسایی بهتر خانه‌های خالی و در نتیجه کاهش فشار بر بازار اجاره کمک کند. با این حال، باید توجه داشت که خانه‌های خالی به خودی خود در تغییر در بازار مسکن نقش انفرادی نداشتند. این خانه‌ها بستری برای فعالیت عوامل دیگری مانند دلالان مسکن و سازندگان شده بودند که سبب افزایش قیمت‌ها می‌شدند. مقامات مسئول وظیفه داشتند تا خانه‌های نیمه‌تمام را شناسایی کنند و قیمت عادلانه‌ای برای آپارتمان‌های استیجاری تعیین کنند. با این حال، فقدان آمار دقیق و نبود ضابطه‌ای مشخص، شناسایی و ارزیابی وضعیت بازار مسکن را به شدت دشوار کرده بود. برای حل این مشکلات، ابتدا باید میزان واقعی احتیاج به مسکن، مقدار قطعی عرضه مسکن، کل تعداد واحدهای مسکونی تهران، و هم‌چنین تعداد ساختمان‌های در حال سکونت مشخص می‌شد. جدول ۲ اقدامات شهرداری‌های مشمول در زمینه اجاره واحدهای مسکونی را نشان می‌دهد:

ردیف	شرح عملیات اجرایی	مدت زمانی قانونی انجام کار		شرح عملیات انجام شده	توضیحاتی که شهرداری‌ها لازم می‌دانند.
		پایان	شروع		
۱	آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی با هدف اعلام به مالکان واحدهای مسکونی خالی برای تکمیل فرم‌های ارسالی و تسلیم به شهرداری در مقابل دریافت رسید باتوجه به ماده ۵ آیین‌نامه و اجرای ماده ۲ قانون				
۲	تهیه فرم‌های درخواست اجاره و عرضه آن به متقاضیان باتوجه به ماده ۲۲ آیین‌نامه				

جدول ۲

اقدامات شهرداری‌ها در زمینه اجاره واحدهای مسکونی موضوع قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی (ساکما، ۲۹۳/۱۳۲۶۱۸)



ردیف	شرح عملیات اجرایی	مدت زمانی قانونی انجام کار		شرح عملیات شهرداری ها لازم می دانند.
		پایان	شروع	
۳	ثبت درخواست متقاضیان اجاره به ترتیب تقدم و اولویت باتوجه به ماده ۲۲ آیین نامه			
۴	ابلاغ قانونی نظر شهرداری به مالکانی که خانه های آنها خالی تشخیص داده شده اند باتوجه به ماده ۷ آیین نامه			
۵	تشکیل کمیسیون ماده ۸ در رسیدگی به اعتراضات واصله به استناد ماده ۸ قانون و ۸ آیین نامه			
۶	اقدام به اجاره خانه های خالی پس از انجام اقدامات و تشریفات ردیف های ۱ تا ۵			

ادامه جدول ۲

اقدامات شهرداری ها در زمینه اجاره
واحدهای مسکونی موضوع قانون تکمیل
و اجاره واحدهای مسکونی (ساکما،
۲۹۳/۱۳۳۶۱۸)

براساس ماده ۶ قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی، در صورتی که تکمیل واحدهای مسکونی که طرح زمان بندی آنها تهیه شده بود، ظرف مدت های معین از طرف مالک به مرحله اجرا نمی رسید، شهرداری به قائم مقامی مالک و به حساب او، به وسیله پیمانکاران مجاز و طبق مقررات و ضوابط شهرداری، عملیات ساختمانی را انجام می داد. این اقدام از طریق اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری با تضمین دولت انجام می شد و پس از اتمام عملیات، واحدهای مسکونی اجاره داده می شدند؛ بنابراین شهرداری های مشمول این قانون موظف بودند که زمان بندی تکمیل هریک از واحدهای مسکونی ناتمام را که مالک آن حاضر نبود تکمیلش کند، به وزارت کشور ارسال کنند. این طرح زمان بندی باید به گونه ای تنظیم می شد که تمام جزئیات مربوط به مراحل تکمیل واحدها و زمان لازم برای هر مرحله به وضوح مشخص باشد (ساکما، ۲۹۳/۱۳۳۶۱۸). وزارت کشور هم براساس طرح زمان بندی مذکور و باتوجه به دوره زمانی ای که برای اجرای طرح تکمیل واحدهای مسکونی ناتمام در نظر گرفته بود، میزان اعتبار مورد نیاز برای تکمیل این واحدها را در تمام شهرهای مشمول به تفکیک تعیین کرد و پیشنهاد خود را به هیئت وزیران ارائه داد. هیئت وزیران پس از بررسی دقیق این پیشنهاد، میزان وام سالیانه برای هر شهرداری را تصویب کرد و مراتب را برای تأمین اعتبار و تضمین به سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد. بانک مرکزی ایران برای پرداخت وام به شهرداری ها، شعب یک یا چند بانک را برای هر شهر تعیین کرد. این شعب تعیین شده موظف بودند تا در قبال تضمین بانک مرکزی اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح زمان بندی شده را به



شهرداری‌ها پرداخت کنند. این اقدام به شهرداری‌ها امکان می‌داد که با بهره‌گیری از منابع مالی لازم، روند تکمیل واحدهای مسکونی ناتمام را تسریع کنند. شهرداری بازپرداخت اقساط وام هریک از واحدهای مسکونی را هم‌زمان با بهره‌برداری، و از محل اجاره‌بهای آن آغاز می‌کرد. این روش به شهرداری‌ها کمک می‌کرد تا واحدها را تکمیل کنند و به بازار اجاره عرضه کنند. هم‌چنین مدت استهلاك وام از تاریخ دریافت اولین قسط وام نباید از ده سال تجاوز می‌کرد؛ که این امر به شهرداری‌ها اجازه می‌داد تا با برنامه‌ریزی مناسب، بازپرداخت وام‌ها را مدیریت کنند.

۴.۵. جریمه برای تخلف

تعیین جریمه‌های مالی برای مالکانی که از اجاره‌دادن ملک‌های خالی خودداری می‌کردند، یکی از ابزارهای قانونی برای تشویق مالکان به اجاره‌دادن ملک‌های خود بود. این جریمه‌ها به‌عنوان انگیزه‌ای برای مالکان عمل می‌کرد و می‌توانست به کاهش تعداد خانه‌های خالی در بازار مسکن کمک کند. در صورتی که مالکان از اجاره‌دادن ملک‌های خود خودداری می‌کردند و یا اطلاعات ملک را ثبت نمی‌کردند، مشمول جریمه‌های مالی می‌شدند. این جریمه‌ها می‌توانستند به‌صورت نقدی یا به‌شکل محدودیت‌های قانونی برای مالکان اعمال شوند.

۴.۶. طرح‌های اجرایی برای تکمیل ساختمان‌های ناتمام

به‌موجب دستور تسریع در تکمیل ساختمان‌های ناتمام، دولت موظف بود در شهرها طرحی زمان‌بندی‌شده تهیه کند و به بازرسی شاهنشاهی ارسال کند. این طرح باید شامل جزئیات مربوط به زمان‌بندی، منابع مالی و نیروی انسانی موردنیاز می‌بود. هدف این طرح، تسریع در روند تکمیل ساختمان‌های ناتمام و تأمین مسکن بود. شهرداری‌ها باید علاوه‌بر تکمیل ساختمان‌های ناتمام، واحدهای مسکونی آماده‌ای را هم که مدت‌زمان آماده‌سازی آن‌ها گذشته بود و بدون عذر موجه فروش یا اجاره نرفته بودند، به‌قیمت مناسب اجاره می‌دادند. با توجه به اینکه بسیاری از واحدهای مسکونی به‌دلیل مشکلات اقتصادی و کمبود منابع نیمه‌تمام مانده بودند، این اقدام به‌عنوان راهکاری عملی برای تأمین مسکن و کاهش تعداد خانه‌های خالی مطرح شد. فرم زیر مربوط به خانه‌های خالی و ناتمام است؛ بازرسی شهرداری باید این فرم را تکمیل می‌کرد (ساکما، ۱۳۶۳/۲۹۳/۹۱).



استان	شهرستان	شهر
الف - مشخصات مدایحه کننده ساختمان		
نام و نام خانوادگی		
سمت		
تاریخ بازرسی		
ب - مشخصات مالک یا مالکین		
۱ - نام و نام خانوادگی	شغل	محل اقامت شهر
۲ -		خیابان
۳ -		کوچه
۴ -		پلاک
ج - مشخصات ملک (خانه)		
محل وقوع ملک: شهر		
نوع: خانه [] آپارتمان [] تاریخ اتمام بنا		
مساحت کل (مترمربع)		
مساحت زیربنا		
تعداد طبقات		
تعداد اتاق		
آشپزخانه		
حمام		
توالیت		
پارکینگ		
انبار		
تجهیزات		
آب لوله کشی [] برق [] تلفن [] گاز [] موتور [] سایر []		
نوع مصالح: آجر و آهک [] بتن و آرمه [] گشت و چوب [] سایر []		
علت خالی بودن خانه؟		

تصویر ۱

فرم مشخصات خانه‌های خالی و نامهم
(ساکه، ۱۳۳۶/۱۲۹۳)

۵. علل ناکامی قانون خانه‌های خالی در حل بحران مسکن

۵.۱. تضاد اهداف دولت و شهرداری در مدیریت شهری

یکی از نکات قابل توجه در این دوره، ورود زمین به بورس و تبدیل آن به کالایی با ارزش بود. زمین به عنوان نوعی دارایی ثابت و خراب نشدنی، به گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌گذاران تبدیل شده بود و باعث شده بود که افراد بیشتری به خرید و نگهداری زمین روی آورند. شاخص قیمت زمین در مناطق شهری کشور طی ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ گویای درستی این مطلب است (تهران/اکنون میست، ۶ آذر ۱۳۵۵، ص ۴۵).



شاخص قیمت زمین در مناطق شهری کشور طی دوره‌های سه ماهه، (۱۰۰=۲۰۲۳)							
دوره‌های سه ماهه	کل نقاط شهری	تهران	شهرهای بزرگ	سایر مناطق شهری	شاخص	درصد تغییر	به دوره قبل
سه ماهه اول ۲۵۳۳	۸۹۰۸	۸۷۰۹	۹۱۰۱	۹۰۵۰	۶۰۹	۹۶۰۷	۹۰۵۰
سه ماهه دوم ۲۵۳۳	۹۵۰۸	۹۵۰۳	۹۶۰۴	۹۵۰۸	۹۰۷	۱۰۶۰۱	۹۵۰۸
سه ماهه سوم ۲۵۳۳	۱۰۶۰۶	۱۰۸۰۵	۱۰۵۰۰	۱۰۶۰۱	۹۰۷	۱۰۶۰۱	۱۰۶۰۱
سه ماهه چهارم ۲۵۳۳	۱۰۷۰۸	۱۰۹۰۳	۱۰۷۰۲	۱۰۶۰۷	۰۶	۱۰۶۰۷	۱۰۶۰۷
سه ماهه اول ۲۵۳۴	۱۱۸۰۸	۱۲۴۰۸	۱۴۰۲	۱۱۵۰۰	۷۰۸	۱۱۵۰۰	۱۱۵۰۰
سه ماهه دوم ۲۵۳۴	۱۲۰۰۶	۱۲۴۰۱	۱۲۰۰۶	۱۱۵۰۰	۴۰۳	۱۱۵۰۰	۱۱۵۰۰
سه ماهه سوم ۲۵۳۴	۱۲۲۰۳	۱۲۱۰۹	۱۲۲۰۳	۱۱۵۰۰	۴۰۳	۱۱۵۰۰	۱۱۵۰۰
سه ماهه چهارم ۲۵۳۴	۱۳۸۰۳	۱۴۸۰۶	۱۳۸۰۳	۱۳۳۰۱	۷۰۳	۱۳۳۰۱	۱۳۳۰۱
سه ماهه اول ۲۵۳۵	۱۶۵۰۷	۱۷۹۰۴	۲۰۰۰۷	۱۵۲۰۱	۱۵۰۰	۱۵۲۰۱	۱۵۲۰۱
سه ماهه دوم ۲۵۳۵	۲۰۳۰۸	۲۱۲۰۰	۱۸۰۰۲	۱۹۶۰۲	۲۵۰	۱۹۶۰۲	۱۹۶۰۲

تصویر ۲

شاخص قیمت زمین در مناطق شهری کشور طی دوره‌های سه ماهه (۲۵۳۳- نیمه ۲۵۳۵) (تهران اکونومیست، آذر ۱۳۵۵، ص ۴۵).

دولت برای کنترل بازار مسکن اقداماتی انجام می‌داد؛ ولی این مداخلات معمولاً با واکنش‌های منفی مردم و سرمایه‌گذاران مواجه می‌شد. یکی از دلایل اصلی ناکامی طرح اجاره‌خانه‌های خالی، موانع قانونی و همکاری نکردن مالکان بود. ترس از مداخلات بیشتر و تأثیرات قوانین مالک و مستأجر، باعث شد که برخی از مالکان از اجاره‌دادن املاک خود پرهیز کنند و در نتیجه، بازار اجاره با کمبود عرضه مواجه شود. بسیاری از مالکان به دلیل ترس از کاهش ارزش ملک و اطمینان نداشتن از شرایط بازار، به اجاره‌دادن خانه‌های خالی خود تمایلی نداشتند. قوانین و مقررات هم به گونه‌ای نبودند که مالکان را به همکاری تشویق کنند و این امر به تضعیف طرح منجر شد. طرح کردن لایحه مورد بحث در مجلس شورای ملی و آغاز تلاش‌های تازه مأموران شهرداری، نمایانگر این حقیقت بود که متأسفانه آمار درست و دقیقی از وضع مسکن در دست نبود. تا چندی قبل از آن، سخن از این بود که تنها در تهران نزدیک به شصت هزار خانه خالی از سکنه است. مؤجران برای آنکه اجاره‌بهای بیشتری بگیرند، از اجاره‌خانه‌های خود سر باز می‌زدند. در پاره‌ای از موارد نیز افرادی که باید به عنوان مرجع معتبر شناخته می‌شدند، اعلام داشتند که تعداد خانه‌های خالی تهران از چهل هزار دستگاه بیشتر نیست. با وجود اینکه مشکل کمبود مسکن از سال‌ها پیش گریبانگیر تهران‌نشینان بود و تأثیر آن به بسیاری از شهرهای بزرگ دیگر نیز کشیده شده بود، ولی هرگز از آماری قابل استناد در این باره سخنی به میان نیامده بود (اطلاعات، ش ۱۵۳۷۶، یکشنبه ۹ مرداد ۱۳۵۶، ص ۶).

در قانون و آئین‌نامه اجرایی، موضوع «خالی» بودن خانه به روشنی مشخص نشده بود و این ابهام به چالش‌های بسیاری برای تشخیص و نظارت بر خانه‌های خالی منجر شد. بسیاری از مالکان با استفاده از پرده‌های کرکره‌ای سعی می‌کردند تا خالی بودن خانه‌هایشان از بیرون مشخص نشود. مأموران شهرداری نیز به دلیل نداشتن اجازه ورود به خانه‌ها،



در شناسایی این موارد با مشکل مواجه بودند. برخی مالکان ممکن بود تنها یک یا دو اتاق از خانه‌های خالی خود را به بستگان اجاره دهند، درحالی‌که خود در مکان دیگری زندگی می‌کردند. بنابراین، تشخیص خانه خالی و ضوابط مربوط به آن به روشنی مشخص نبود. برای نمونه اگر مالک ادعا می‌کرد که خانه‌اش برای فروش ارائه شده و ماه‌ها خالی مانده است، شهرداری باید باتوجه به مستندات و ادعاهای مالک، اقداماتی انجام می‌داد، اما وظایف دقیق آن به روشنی مشخص نبود. یکی از مواد آئین‌نامه اجرایی بیان می‌کرد که متقاضیان خانه‌های خالی باید پرسش‌نامه‌هایی را تکمیل و به شهرداری ارسال کنند، ولی در صورت گم‌شدن این پرسش‌نامه‌ها، مسئولیت آن مشخص نبود. علاوه بر این، در صورت تخلفات در واگذاری خانه‌ها برای اجاره، نظارت و کنترل بر این موارد به عهده کدام نهاد بود؟ اگر مأموران شهرداری تخلفاتی را مرتکب می‌شدند و خانه‌ها را به دوستان و آشنایان خود اجاره می‌دادند، شکایت باید به کجا ارسال می‌شد و کدام نهاد مسئول رسیدگی به این نوع تخلفات بود؟ (اطلاعات، ش ۱۵۴۲۲، دوشنبه ۴ مهر ۱۳۵۶، ص ۵).

در سال ۱۳۵۵، حجم کلی بودجه مسکن ۶۷'۰۰۰ میلیون ریال بود؛ ولی این بودجه در سال ۱۳۵۶ به ۴۸'۰۰۰ میلیون ریال کاهش یافت. این تغییرات در بودجه مسکن نشان‌دهنده تغییر جهت سیاست‌های دولتی در تخصیص منابع به بخش‌های مختلف مسکن است. کاهش کلی بودجه مسکن از ۶۷'۰۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۵۵ به ۴۸'۰۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶، بیانگر کاهش توجه دولت به این بخش حیاتی است. این کاهش بودجه بر برنامه‌های ساخت مسکن ارزان‌قیمت و بهبود وضعیت مسکن برای اقشار کم‌درآمد تأثیرات منفی داشت. از سوی دیگر، افزایش چشمگیر بودجه خانه‌های سازمانی کارگران بخش دولتی از ۹'۱۵۰ میلیون ریال به ۲۳'۳۴۸ میلیون ریال، نشان‌دهنده اولویت‌دهی دولت به کارمندان و کارگران بخش دولتی است. درحالی‌که به‌جا بود این بودجه به هر دو بخش عمومی و خصوصی تعلق می‌گرفت؛ ولی به بخش خصوصی اختصاصی اعتنایی نشد. این درحالی است که بودجه احداث خانه‌های ارزان‌قیمت تنها کاهش جزئی از ۹'۱۵۰ به ۹'۰۶۰ میلیون ریال داشته است. این نبود توازن در تخصیص بودجه به افزایش نابرابری در دسترسی به مسکن مناسب بین بخش‌های مختلف جامعه منجر شد؛ بنابراین بسیاری بر این باور بودند که مشکل مسکن باید پیش از هرچیز از طریق سالم‌سازی محیط سرمایه‌گذاری در این حوزه حل شود. برای این منظور، به اصلاحات متعددی در سیاست تثبیت قیمت‌ها، تولید مصالح ساختمانی و هم‌چنین مدیریت مهاجرت و شهرنشینی نیاز بود (تهران/اکنون میست، ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، ص ۴۱).

۵.۲. ضعف نظارت و اجرای نادرست

ضعف نظارت و اجرای نادرست از دیگر دلایل ناکامی این طرح بود. دولت نتوانست به‌طور مؤثر بر اجرای این طرح نظارت کند و این موضوع باعث شد بسیاری از خانه‌های خالی هم‌چنان بدون استفاده بمانند. نبود نهادهای نظارتی قوی و کارآمد، مشکلاتی را در زمینه شفافیت و پاسخگویی در اجرای طرح ایجاد کرد. اگر شهرداری با صداقت و دقت این قانون را پیاده می‌کرد، می‌توانست به نتایج ارزنده‌ای دست یابد؛ ولی پرسش این بود که چه کسانی مأموریت اجرای این مقررات را برعهده داشتند؟ آیا این افراد مطلع و آگاه و صاحب‌نظر بودند؟ مسئله تنها شهرداری تهران نبود؛ این قانون باید در سراسر کشور اجرا می‌شد؛ بنابراین، شهردار شهری کوچک که تسهیلات و اطلاعات کافی نداشت یا در سازمان اداری خود افراد مطلع و پرسنل کافی نداشت، چگونه می‌توانست این وظیفه حساس اجتماعی و این مقررات دست‌وپاگیر را اجرا کند؟ (اطلاعات، ش ۱۵۴۲۴، چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۵۶، ص ۴). علاوه‌براین، ماده ۱۸ قانون مربوط به اجاره واحدهای مسکونی، به شهرداری‌ها اختیار می‌داد که هنگام اجاره‌دادن، تجانس و شخصیت ساکنان و مستأجران را رعایت کنند. این ماده با هدف ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و جلوگیری از بروز تنش‌های اجتماعی بین ساکنان طراحی شده بود (ساکما، ۱۰۲۲۱۹/۲۹۳). ولی عبارت رعایت تجانس و شخصیت، اصطلاحی مبهم بود که تفسیرهای مختلفی را به‌همراه داشت. این ابهام به‌راحتی می‌توانست بهانه‌ای برای نادیده‌گرفتن مسئولیت‌ها یا توجیه رفتارهای غیرقانونی مأموران شهرداری شود؛ به‌عبارت دیگر، مأموران با استناد به این ماده، از اعمال نظارت و کنترل لازم بر فرایند اجاره و انتخاب مستأجران خودداری می‌کردند و این موضوع می‌توانست به بروز مشکلاتی در سطح محله‌ها منجر شود. (ساکما، ۱۱۹۰۸۷/۲۹۳). این ماده به مالکان اجازه می‌داد که با استفاده از حق قانونی خود، به‌سادگی از زیر بار مسئولیت‌های ناشی از اجاره‌دادن ملک خود فرار کنند. برای نمونه، در شرایطی که مأموران شهرداری برای امضای قرارداد اجاره مراجعه می‌کردند، مالک می‌توانست با جابه‌جایی چند وسیله اضافی مانند فرش و اثاثیه خانگی به خانه خالی خود، ادعا کند که قصد دارد در آن سکونت کند. این ادعا درحالی مطرح می‌شد که احتمالاً هیچ‌گاه سکونت واقعی در آن ملک انجام نمی‌شد و این وضعیت می‌توانست به نفع مالک و به‌ضرر مستأجران واقعی تمام شود. این وضعیت نه تنها حقوق مستأجران را نقض می‌کرد، بلکه می‌توانست به بروز نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود. درواقع، این قوانین و مواد قانونی، اگرچه با هدف سامان‌دهی و بهبود وضعیت مسکن طراحی شده بودند، ولی درعمل می‌توانستند به ابزاری برای سوءاستفاده تبدیل شوند. به‌همین دلیل، ضرورت داشت که



نظارت‌های بیشتری بر روی این فرایندها اعمال شود تا از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری شود و حقوق مستأجران و ساکنان واقعی حفظ شود. هم‌چنین، نیاز به بازنگری در این قوانین و تدوین آئین‌نامه‌های دقیق‌تر و شفاف‌تر احساس می‌شد تا از تفسیرهای نادرست و سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود.

علاوه‌براین، تضادها و اشتباهات ناشی از اصلاح‌نشدن زیرساخت‌ها و نادیده‌گرفتن بنیان‌های اقتصادی، مشکلات را تشدید کرده بود. به‌جای اینکه به توسعه روستاها و مشوق‌هایی برای زندگی در آن‌ها توجه شود، تمام منابع به‌سمت شهرها و شهرنشینی سرازیر می‌شد. این روند نه‌تنها به افزایش مهاجرت به شهرها منجر شده بود، بلکه باعث ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی هم می‌شد؛ چنانکه در اوایل اسفند ۱۳۵۶، کمیته‌ای در سطح وزراء برای جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهر تهران تشکیل شد. این کمیته به‌عنوان پاسخی به چالش‌های فزاینده ناشی از رشد سریع جمعیت و نیازهای شهری شکل گرفت. در آن زمان، سازمان نظارت بر گسترش شهر تهران که چند سالی از تأسیسش می‌گذشت، با تشکیلات وسیع و متنوعی فعالیت می‌کرد و تحت سرپرستی چند نفر از وزراء قرار داشت. این سازمان وظیفه داشت تا به‌طور مستمر بر روند گسترش شهر نظارت کند و به دولت در اتخاذ تصمیمات کلیدی کمک کند (تهران اکونومیست، ۶ اسفند ۱۳۵۶، ص ۳۷).

اما نکته‌ای که در این میان توجه را جلب می‌کرد، تضاد بین اهداف دولت و اقدامات شهرداری بود. دولت به‌وضوح مایل بود که جلوی گسترش شهر را بگیرد و از هجوم بی‌رویه مردم به تهران جلوگیری کند (ساکما، ۲۴۰/۱۳۳۲۳۷) و در این راستا، برای تقویت شهرستان‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق دیگر، تلاش‌هایی را هم انجام می‌داد. باین‌حال، شهرداری به‌طور مداوم نقشه جامع شهر تهران را زیر پا می‌گذاشت و نواحی جدیدی را خارج از محدوده برای شهرسازی آزاد می‌کرد (ساکما، ۳۴۰/۲۱۶). این تضاد در سیاست‌ها به‌وضوح قابل مشاهده بود و به‌نوعی نشان‌دهنده ناهماهنگی بین دو نهاد اصلی در مدیریت شهری بود. دولت در تلاش بود با سپردن اختیارات به شهرستان‌ها، از هجوم مردم به تهران جلوگیری کند؛ ولی در عمل، بخش اعظم امکانات خانه‌سازی و شهرسازی به تهران اختصاص می‌یافت (ساکما: ۳۴۰/۱۷۳؛ ۳۴۰/۲۲۴؛ ۳۴۰/۷۴۸). این وضعیت باعث می‌شد که در هر گوشه‌ای از شهر، تضاد در امور به‌ویژه در زمینه شهرسازی و خانه‌سازی مشهود باشد. درحالی‌که دولت به‌دنبال توسعه متوازن مناطق مختلف بود (ساکما، ۳۴۰/۳۲۷)، واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی به‌گونه‌ای دیگر پیش می‌رفت. تمام تلاش‌ها در جهت آبادی و پیشرفت شهر تهران و چند شهر بزرگ دیگر در حرکت بود و مردم هم‌چنان به‌سمت شهرها هجوم می‌آوردند. این هجوم به‌ویژه در شرایطی که

فرصت‌های شغلی و درآمد در شهرها بیشتر از روستاها بود، به‌وضوح قابل مشاهده بود. تحقیقی در سال ۱۳۵۰ در برخی از حاشیه‌نشین‌های تهران نشان داد که بیش از ۸۰ درصد ساکنان این مناطق در مشاغل غیرتخصصی و نیمه‌تخصصی به کار مشغول بوده‌اند. این مشاغل شامل کارهای ساختمانی، دست‌فروشی خیابانی، و کارهای دولتی با دستمزد کم بودند. ساکنان این مناطق به‌طور متوسط بین سه تا پنج ماه در سال بیکار می‌ماندند و درآمد ماهیانه هر خانواده - که به‌طور متوسط شامل ۴/۶ نفر بود - تنها به ۴'۶۰ ریال می‌رسید. این درآمد بسیار پایین و در نتیجه شرایط سخت اقتصادی حاکم بر این افراد بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت. بیکاری مداوم و ناپایداری شغلی، احساس ناامیدی و ناامنی را در میان ساکنان این مناطق افزایش داده بود. بسیاری از این افراد به دلیل دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار، به مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد روی می‌آوردند. این وضعیت نه تنها مشکلات اقتصادی را تشدید می‌کرد، بلکه به بروز مسائل اجتماعی نیز منجر می‌شد (بیات، ۱۳۹۹، ص ۶۷).

۵.۳. تأثیرات اقتصادی و تورمی

تحولات اقتصادی و اجتماعی دوران پهلوی، به‌ویژه در زمینه بازار مسکن و زمین، تأثیرات عمیقی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور گذاشت. این تحولات به نوسانات قیمت و تغییر در الگوی تقاضا و عرضه مسکن منجر شد. در این دوره، قیمت زمین و مسکن به‌طور قابل توجهی افزایش یافت و باعث شکل‌گیری نگرشی جدید به زمین به عنوان کالایی سرمایه‌ای شد. زمین‌های بایر شهرها سرمایه‌گذاری مطمئنی شناخته می‌شدند و این طرز تفکر در بین اقشار مختلف جامعه رواج پیدا کرده بود و بسیاری از افراد، از جمله استادان دانشگاه و سرمایه‌گذاران، به خرید زمین و مسکن روی آورده بودند. این وضعیت به تدریج به سوءاستفاده در کار ساخت و ساز منجر شد و بساز و بفروش‌ها به‌طور فزاینده‌ای در این عرصه فعال شدند. رضوی‌نژاد، نماینده صومعه‌سرا، درباره این وضعیت در جلسه‌ای در مجلس درباره لایحه‌ای صحبت کرد و به‌وضوح به سوءاستفاده‌های انجام‌شده توسط بساز و بفروش‌ها اشاره کرد. او بیان داشت که این سوءاستفاده‌ها بر احادی پوشیده نیست و کار به جایی رسیده است که طالبان ثروت به بساز و بفروشی روی آورده‌اند. این وضعیت نه تنها به افزایش نارضایتی‌های اجتماعی انجامیده است، بلکه پایه‌های معنوی جامعه را نیز تهدید می‌کند. او تأکید کرد که این روند نمی‌تواند ادامه یابد و نیاز به اصلاحات جدی در این حوزه احساس می‌شود. این تحولات و چالش‌ها به‌خوبی در نشریات آن زمان منعکس می‌شد و به عنوان موضوعاتی مهم در بحث‌های اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شد (اطلاعات، ش ۱۵۳۷، سه‌شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۶، ص ۴).



یکی از مشکلات حوزه مسکن، کمبود مصالح ساختمانی و نیروی انسانی بود که به دلیل نوسانات اقتصادی و تغییر در سیاست‌های کلان اقتصادی به وجود آمده بود. این کمبودها، روند ساخت و ساز را کند کرد و باعث افزایش قیمت مسکن و اجاره‌ها شد. در شماره شهریور ۱۳۵۶ نشریه تهران/اکنونمیست، گزارشی جامع از آمار صدور پروانه‌های ساختمانی در شهرداری‌های مناطق مختلف کشور براساس داده‌های بانک مرکزی ارائه شده است. براساس این گزارش آمار صدور پروانه‌های ساختمانی در شهرداری‌های کشور به طور قابل توجهی کاهش یافته است. در تیرماه ۱۳۵۶، شهرداری‌ها برای ۷۵۸۶ ساختمان جدید پروانه صادر کرده‌اند که این رقم نسبت به تیرماه سال ۱۳۵۵، ۳۵/۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. هم‌چنین، سطح کل زیربنای طبقات این ساختمان‌ها به ۱'۷۳۶/۸ هزار مترمربع رسیده بود که در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، ۴۲/۳ درصد کاهش دارد. این کاهش ناشی از عوامل اقتصادی، محدودیت‌های مالی و تغییرات بازار مسکن بود که به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و سازندگان منجر شده بود. وضعیت تهران نیز به همین منوال بود جایی که شهرداری‌ها در تیرماه ۱۳۵۶ برای ۸۶۸ ساختمان جدید پروانه صادر کردند و این آمار نشان‌دهنده کاهش ۳۹/۷ درصد در تعداد پروانه‌ها و ۵۸ درصد در سطح کل زیربنا نسبت به سال قبل است. متوسط سطح کل زیربنای این ساختمان‌ها ۵۰۵ مترمربع بوده که ۳۰/۳ درصد کمتر از تیر سال قبل است (تهران/اکنونمیست، ۲۶ شهریور ۱۳۵۶، ص ۴۵). این روند نگران‌کننده در صنعت ساخت و ساز، زنگ خطری را برای آینده بازار مسکن و نیاز به توجه فوری سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری عصر پهلوی به صدا درآورد که متأسفانه چاره‌ای برای آن اندیشیده نشد و چالش‌های فراوانی به خصوص برای اقشار پایین جامعه به وجود آورد.

۶. نتیجه‌گیری

قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی به عنوان تلاشی مهم برای سامان‌دهی بازار مسکن و پاسخ به بحران مسکن در دوره پهلوی مطرح شد. این قانون با هدف افزایش عرضه مسکن و بهبود شرایط اجاره‌نشینی طراحی شد؛ ولی در عمل نتوانست به اهداف خود دست یابد. چالش‌های متعددی از جمله کمبود منابع مالی، نوسانات اقتصادی، و وجود قوانین ناکارآمد در حوزه اجاره‌داری و مالکیت مانع از تحقق اهداف این قانون شدند. هم‌چنین، تضاد بین اهداف دولت و شهرداری‌ها، ضعف نظارت و اجرای نادرست، و همکاری نکردن مالکان نیز به ناکامی این قانون دامن زد. با وجود تلاش‌ها برای بهبود شرایط بازار مسکن، تعداد خانه‌های خالی افزایش یافت و بسیاری از خانوارها همچنان



با مشکلات جدی در تأمین مسکن مواجه بودند. این وضعیت نه تنها بر کیفیت زندگی شهری تأثیر منفی گذاشت، بلکه به بروز نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز منجر شد.

منبع

اسناد

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۴۰/۳۰۷۴۳؛ ۲۴۰/۱۲۱۸۹۱؛ ۲۴۰/۱۳۳۲۳۷؛ ۲۴۰/۱۷۳؛ ۲۴۰/۲۱۶؛ ۲۴۰/۲۲۴؛ ۲۴۰/۳۲۷؛ ۲۴۰/۵۷۰؛ ۲۴۰/۷۴۸؛ ۲۴۰/۲۲۹۷۱؛ ۲۴۰/۳۷۴۸۳؛ ۲۴۰/۱۰۲۲۱۹؛ ۲۴۰/۱۹۰۸۷؛ ۲۴۰/۱۳۲۶۱۸؛ ۲۴۰/۱۵۸۱۳۵؛ ۲۴۰/۳۰۶۶؛ ۲۴۰/۲۹۳.

کتاب

بیات، آصف. (۱۳۹۹). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران*. (سیداسدالله نبوی چاشمی، مترجم). تهران: شیرازه.
سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۲). *برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۲-۱۳۵۸*. پیش‌نویس محرمانه.

مقاله

اهرابیان صدر، میثم. (۱۳۹۶). «بررسی انتقادی رویکردهای نظری در تحلیل نابرابری فضایی (با تأکید بر نابرابری فضایی در تهران معاصر)». فصل‌نامه *علوم اجتماعی*، ش ۷۶، صص ۷۵-۱۱۰.

نشریه

روزنامه *اطلاعات*: (ش ۱۴۷۶۴، ۳۰ تیر ۱۳۵۴، ص ۱۵)؛ (ش ۱۵۳۷۶، یکشنبه ۹ مرداد ۱۳۵۶، ص ۶)؛ (ش ۱۵۳۷۷، سه‌شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۶، ص ۴)؛ (ش ۱۵۴۲۲، دوشنبه ۴ مهر ۱۳۵۶، ص ۵)؛ (ش ۱۵۴۲۴، چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۵۶، ص ۵)؛ (ش ۱۵۵۲۹، پنج‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳)؛ (ش ۱۵۵۳۶، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۶، ص ۲۸).
روزنامه *تهران اکونومیست*: (۶ آذر ۱۳۵۵، ص ۳)؛ (۲۹ مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۶)؛ (۲۶ شهریور ۱۳۵۶، ص ۴۵)؛ (۲۹ بهمن ۱۳۵۶، ص ۴۱)؛ (۶ اسفند ۱۳۵۶، ص ۳۷).

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Mellī-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):



240/30743; 240/121891; 240/133237; 240/173; 240/216; 340/224; 340/327; 340/570; 340/748;
293/22971; 293/37483; 293/102219; 293/119087; 293/132618; 293/158735; 91/293/3066.
[In Persian]

Books

Bayat, Asef. (1399/2020). "*Siyāsāt-hā-ye xiyābāni: Jonbeš-e tohi-dastān dar Irān*" (Street politics: Poor people's movement in Iran). Translated by Seyyed Asadollah Nabavi Chashmi. Tehran: Širāzeh. [In Persian]

Sāzmān-e Barnāme va Budje. (1352/1973). "*Barnāme-ye 'omrāni-ye panjom-e Kešvar 1352-1358*" (A collection of National Assembly deliberations). Confidential draft. [In Persian]

Articles

Ahrabian Sadr, Meysam. (1396/2017). "Barresi-ye enteqādi-ye ruykard-hā-ye nazari dar tahlil-e nābarābari-ye fazāyi (bā ta'kid bar nābarābari-ye fazāyi dar Tehrān-e mo'āser)" (A critical study of theoretical approaches to analysis of spatial inequality (With emphasis on spatial inequality in contemporary Tehran). *Fasl-nāme-ye 'Olum-e Ejtemā'ee* (Social Sciences), 76, pp. 75 – 110. [In Persian]

Press

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettela'at Newspaper): (issue 14764, 30 Tir 1354 SH / 21 July 1975 AD, p. 15); (issue 15376, Sunday 9 Mordad 1356 SH / 31 July 1977 AD, p. 6); (issue 15377, Tuesday 11 Mordad 1356 SH / 2 August 1977 AD, p. 4); (issue 15422, Wednesday 6 Mehr 1356 SH / 28 September 1977 AD, p. 5); (issue 15529, Thursday 13 Bahman 1356 SH / 2 February 1978 AD, p. 3); (issue 15536, Sunday 23 Bahman 1356 / 12 February 1978, p. 28). [In Persian]

Ruznāme-ye *Tehrān Ekonomist* (Tehran Economist Newspaper): (6 Azar 1355 SH / 27 November 1976 AD, p. 3); (29 Mordad 1356 SH / 20 August 1977 AD, p. 46); (26 Shahrivar 1356 SH / 17 September 1977 AD, p. 45), (29 Bahman 1356 SH / 18 February 1978 AD, p. 41); (6 Esfand 1356 SH / 25 February 1978 AD, p. 37). [In Persian]



The Representation of the Concept of Resistance in the Postage Stamps of the Sacred Defense Preserved in the National Museum of Malek from the Perspective of Michel Foucault

Zahra Khosh Naghsh¹ | Shokofahe Satyarvand²

Abstract

Purpose: Stamps are a fixed media and a source of information reflecting hidden symbols in the form of new concepts and meanings, whose imagery represents the culture of each country. The present study has opened a new window in the form of visual language by examining the manifestation of resistance in the images of postage stamps from the Sacred Defense era. In this regard, the main questions of the article are: 1- According to Michel Foucault's perspective, what are the visual and meaningful commonalities of the concept of power and resistance in the images of the postage stamps of the Sacred Defense and what is the basis for these similarities? 2- How is Foucault's discourse theory on power and resistance reflected in the images of the Sacred Defense postage stamps, and how does it contribute to shaping public behavior in a society undergoing resistance? Therefore, the purpose of this article is to examine how the concept of resistance is reflected in the images of the postage stamps of the Sacred Defense available in the Malek National Museum.

Method and Research Design: The research is fundamental-theoretical in terms of its purpose and is organized in a descriptive (analytical) and historical manner. The information was collected using a combined library and field method.

Findings and Conclusion: According to Michel Foucault, power is dispersed at all levels of society, and wherever there is power, resistance is also present simultaneously. Therefore, the only way to confront power is to form resistance. This issue is reflected in the images of the selected stamps of the Sacred Defense in this study in different ways, so that each image represents a type of resistance against power and social inequalities.

Keywords: Resistance; Postage stamp; Sacred Defense; Malek National Museum; Michel Foucault.

Citation: Khosh naghsh, Z. and Satyarvand, S. (2024). The representation of the concept of resistance in the postage stamps of the Sacred Defense preserved in the National Museum of Malek from the perspective of Michel Foucault. *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 124-155 | doi: 10.30484/ganj.2024.3197

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Master of Arts Research, Art Research Department, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
mkhwshnqsh@gmail.com

2. Master of Arts Research, Art Research Department, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran, Iran
satyar2596@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3197

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 124 -155 (32) | Received: 23, Oct. 2024 | Accepted:7, Dec. 2024

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

انعکاس مفهوم مقاومت در تمبرهای پستی دفاع مقدس محفوظ در موزه ملی ملک از نظر میشل فوکو

زهره خوش نقش^۱ | شکوفه ساتیاروند^۲

چکیده:

تمبر رسانه‌ای ثابت و منبعی اطلاعاتی با بازتاب نمادهای پنهان در قالب مفاهیم و معانی جدید است که تصویرسازی آن، معرف فرهنگ هر کشور است. پژوهش حاضر از تجلی مقاومت در تصاویر تمبرهای پستی دوران دفاع مقدس در پیچه‌ای نو در قالب زبان تصویری گشوده است.

در این راستا پرسش‌های اصلی مقاله عبارت‌اند از:

۱- براساس دیدگاه میشل فوکو چه اشتراکات تصویری و معناداری از مفهوم قدرت و پایداری در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس وجود دارد و این شباهت‌ها بر چه مبنایی استوار است؟

۲- بازتاب نظریه گفتمان فوکو در زمینه قدرت و مقاومت در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس و شکل‌بندی رفتار عمومی جامعه در حال مقاومت چگونه است؟

هدف: بررسی چگونگی انعکاس مفهوم مقاومت در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس موجود در موزه ملی ملک. **روش/رویکرد:** تحقیق از نظر هدف بنیادی-نظری است و به گونه توصیفی (تحلیلی) و تاریخی تنظیم شده است. اطلاعات به روش ترکیبی کتاب‌خانه‌ای و میدانی گردآوری شده است.

یافته‌ها: براساس دیدگاه میشل فوکو، قدرت در تمام سطوح جامعه پراکنده است و هرکجا که قدرت هست، مقاومت نیز به‌طور هم‌زمان حضور دارد؛ بنابراین، تنها راه مقابله با قدرت، شکل‌گیری مقاومت است. این موضوع در تصاویر تمبرهای منتخب دفاع مقدس در این پژوهش به شیوه‌های مختلفی بازتاب یافته است؛ به‌طوری‌که هر تصویر نمایانگر نوعی از مقاومت در برابر قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: مقاومت؛ تمبر پستی؛ دفاع مقدس؛ موزه ملی ملک؛ میشل فوکو.

استناد: خوش نقش، زهره و ساتیاروند، شکوفه. (۱۴۰۳). انعکاس مفهوم مقاومت در تمبرهای پستی دفاع مقدس محفوظ در موزه ملی ملک از نظر میشل فوکو. *گنجینه اسناد*، ۳۴(۴)، ۱۵۵-۱۲۴/۱۳۹۷. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۷

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mkhwshnqsh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

satyar2596@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۹۷

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۱۵۵-۱۲۴ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۷

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

باتوجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ داده در سال‌های اخیر و ظهور هنرها پس از آن، آثار هنری تولیدشده در حوزه‌های مختلف پاسخ اجتماعی هنرمندان به موضوعات جامعه است. آثار هنرمندان در حوزه اجتماعی اساساً منعکس‌کننده مصادیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نمادین جامعه و نمایانگر کنش اجتماعی جوامع است. مفهوم قدرت، مقاومت، جنگ، دفاع مقدس، دفاع از سرزمین تا پای جان، و هویت ملی از ثبت واقعه تا بازتاب به صورت اثر هنری بازخوردهایی بر مخاطبان داشته است. تمبر رسانه‌ای ثابت و منبعی اطلاعاتی است که موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و خدماتی جامعه را به زبانی تصویری نشان می‌دهد. در این راستا، می‌توان به هم‌سوایی اندیشه میشل فوکو^۱ (اندیشه قدرت و مقاومت ذکر شده او) با قالب‌های اندیشه مقاومت رزمندگان ایرانی که در تمبرهای دفاع مقدس مذکور بازتاب یافته است اشاره کرد. هدف پژوهش حاضر این است که چگونگی انعکاس مفهوم مقاومت در تصاویر تمبرهای مربوط به دفاع مقدس موجود در موزه ملی ملک را از طریق تحلیل موضوع و محتوا، براساس دیدگاه میشل فوکو در زمینه مفهوم قدرت بررسی کند. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی این نگرش در جامعه می‌پردازد که میشل فوکو هرگاه از قدرت سخن گفته است همواره به مقوله مقاومت نیز اشاره کرده است. براساس دیدگاه فوکو، آنچه وجود دارد تاریخ‌هایی است که به شکل طبیعی درآمده است و ما می‌توانیم در برابر نظام‌هایی که اجازه تغییر نمی‌دهند مقاومت کنیم.

در این راستا پرسش‌های اصلی مقاله عبارت‌اند از:

۱. براساس دیدگاه میشل فوکو چه اشتراکات تصویری و معناداری از مفهوم قدرت و پایداری در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس وجود دارد و این شباهت‌ها بر چه مبنایی استوار است؟

۲. بازتاب نظریه گفتمان فوکو در زمینه قدرت و مقاومت در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس و شکل‌بندی رفتار عمومی جامعه در حال مقاومت چگونه است؟

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که تصاویر تمبرهای پستی دوره جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه مجموعه تمبرهای دفاع مقدس موجود در موزه و کتابخانه ملی ملک که نمونه‌ای از هنر متعهد دینی و پر از مفاهیم مقاومت و پایداری هستند، تاکنون از دیدگاه نظریه قدرت و مقاومت میشل فوکو و نماد دفاع مقدس که بازتاب مفاهیم والاست بررسی نشده است؛ بنابراین این مهم، ضرورت انجام پژوهش را پررنگ می‌نماید و از حیث عملی نیز برای هنرمندان و فعالان این عرصه راه‌گشا خواهد بود.

۱. Michel Foucault: متفکر معاصر
فرانسوی در حوزه‌های مختلف فلسفه و
علوم اجتماعی

پیشینه تحقیق

اگرچه در حوزه هنر مقاومت و دفاع مقدس پژوهش‌های متعددی انجام شده است، ولی در بررسی پیشینه‌ها، پژوهشی متمرکز بر موضوع مقاله حاضر مشاهده نشده است. از میان پیشینه‌های مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان براساس اولویت سال انتشار به موارد زیر اشاره کرد:

زاهدی تیر و امین ناجی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن» به این هدف رسیده‌اند که توسعه معنایی و تفسیری «مقاومت» و آشکارسازی ظرفیت اسلام در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و مقابله با تفکر غرب در تحقق و تقویت نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بسیار مؤثر است. یوزباشی و رجبی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی موضوع، مضمون و ترکیب‌بندی تمبرهای دوره جمهوری اسلامی از مجموعه اهدایی محمود کاظمی محفوظ در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک» به نتایج زیر دست یافته‌اند: تمبرهای دوره جمهوری اسلامی بر مباحث فکری خاصی توجه دارند و بیشتر براساس مناسبت‌های انقلابی و رویدادهای سیاسی چاپ شده‌اند. در تمبرهای جمهوری اسلامی موضوع سیاسی با ترکیب‌بندی مثلی بیشتر استفاده شده است؛ زیرا مثلث رمز مراتب سه‌گانه معارف روحانی است؛ مراتبی که اسلام برپایه آن‌ها مستقر است. سرحدی قهری و نجف‌زاده (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی تمبرهای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۹)؛ گذار از نشانه‌های سیاسی به نشانه‌های اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند: فرایند تغییر نمادهای گنجانده‌شده بر روی تمبرهای بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۹ از آن حکایت دارد که نشان‌های مشروعیتی جمهوری اسلامی ایران بر روی تمبرها، از حکمرانان به جامعه و از سیاسی به اجتماعی گذر کرده‌اند. رهیده و رجبی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیرات فرهنگی انقلاب بر طراحی تمبرهای سه دهه نخست انقلاب اسلامی در ایران» به تعریفی از تمبر و خصوصیات تصاویر تمبرهای بعد از انقلاب پرداخته‌اند. در این پژوهش، پس از اشاره به تاریخچه پیدایش تمبر و چگونگی ورود آن به کشور ایران، سعی شده است تا موضوعات و نقوش تمبرهای ایرانی، با تأکید بر تمبرهای سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران بررسی شود.

با بررسی پیشینه‌های مرتبط با پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که تصاویر تمبرهای پستی دوره جمهوری اسلامی ایران و مجموعه تمبرهای دفاع مقدس موجود در موزه و کتاب‌خانه ملی ملک، تاکنون از دیدگاه میشل فوکو در زمینه مفهوم قدرت و مقاومت مطالعه و بررسی نشده است.



روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی-نظری است که به گونه توصیفی (تحلیلی) و تاریخی تنظیم شده است و با تکیه بر پژوهش های کتابخانه ای و میدانی (به صورت ترکیبی) و با ابزارهای گردآوری اطلاعات از جمله، متن خوانی و فیش برداری، سندخوانی، و تصویرخوانی (به صورت ترکیبی) انجام شده است. تجزیه و تحلیل یافته ها در این پژوهش، به روش کیفی است. جامعه پژوهش مشتمل بر ۳۲۲۳ تمبر موجود در موزه ملک است. حجم نمونه ۳۹ تمبر از مجموعه کلی تمبرهای محفوظ در کتابخانه و موزه ملی ملک است که به موضوع دفاع مقدس پرداخته اند. در این راستا به مناسبت سالگرد دفاع مقدس و مقاومت، ۱۵ تمبر برای هریک از دوره های ۸ ساله جنگ تحمیلی تصویرسازی شده اند. این تمبرها برای بررسی تصویری چگونگی مقاومت و دفاع مقدس، به شیوه هدفمند انتخاب شده اند.

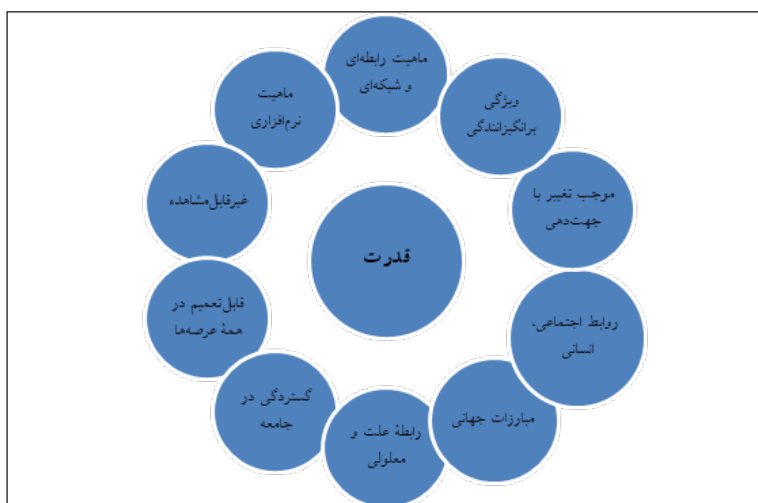
۲. مبانی نظری

الف. فوکو: قدرت و مقاومت

میشل فوکو، متفکر معاصر فرانسوی، شخصیتی شناخته شده و برجسته در حوزه های مختلف فلسفه و علوم اجتماعی است. یکی از حوزه های اساسی اندیشه فوکو - حتی به گفته برخی از مفسران، مهم ترین دستاورد نظری او - تحلیل مفهوم قدرت با رویکردی منحصر به فرد و در چارچوب نوعی معرفت شناسی تاریخی است. طبق نظریه فرهنگی فوکو رابطه فرد با جامعه، در قدرت و گفتمان مطرح می شود (اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸). در نظر فوکو قدرت همه چیز است و همه چیز را خلق می کند. واقعیت، قلمرو و حدود موضوع، نحوه کاربرد مفهوم صدق یا حقیقت، حتی خود حقیقت نیز بدون تردید یکی از صور قدرت است (آقاگل زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵). نگرش به مقوله قدرت در منظر مدرن، از دریچه بحث های حاکمیتی انجام می شود. نگاه مدرن به قدرت به معنای نادیده گرفتن ساختارهای مدنی و نحوه استفاده از قدرت در نهادها و گفتمانها در سراسر حوزه اجتماعی است. ولی از نظر فوکو، چنین نیست که قدرت در دست حاکمان و در تملک شخصی آنان باشد؛ بلکه حالت رابطه ای و شبکه ای دارد. از نظر او قدرت ماهیت نرم افزاری با ابزار دارد و مشاهده شدنی نیست. به باور فوکو قدرت لزوماً خشونت آمیز اعمال نمی شود؛ بلکه سخنرانی، نوار کاست، کتاب، اندیشه و نظایر آن هم می توانند منابع قدرت باشند (قادرزاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷). فوکو از قدرت به صورت جمع سخن می گوید و آن را در عرصه های مختلف جوامع بشری قابل بحث می داند. قدرت در همه جا حضور دارد؛ ولی نه به این معنا که همه چیز را دربر بگیرد. درواقع فوکو استدلال می کند، که قدرت



مجموعه روابطی است که در سرتاسر جامعه گسترده است؛ نه اینکه صرفاً در نهادی خاص جای گرفته باشد (میلز، ۱۳۹۲، ص ۶۲). در نظر فوکو توجه به میدان مقاومت در برابر قدرت به درک بهتر روابط قدرت کمک می‌کند. در این راستا مقاومت و به دنبالش قدرت به دلیل ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله ساحت‌های عبادی و اعتقادی مهم نظام جمهوری اسلامی است. همان‌طور که رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر مقوله جبهه مقاومت تأکید دارند: «امروز نخبگان و بسیاری از توده‌های مردم در کشورهای اسلامی به ثروت عظیم معرفتی و معنوی خود توجه یافته و به اهمیت و ارزش آن پی برده‌اند... این خودآگاهی اسلامی، پدیده‌ای شگرف و معجزه‌آسا در قلب دنیای اسلام آفریده است که قدرت‌های استکباری در برابر آن به شدت دچار مشکل هستند. نام این پدیده «مقاومت» و حقیقت آن، بروز قدرت ایمان و جهاد و توکل است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹). از نظر فوکو «هیچ قدرت یا اقتداری را نمی‌توان یافت که در برابر خود مقاومت ایجاد نکند» و در برابر هر میزانی از قدرت می‌توان میدان کاملی از «پاسخ‌ها، واکنش‌ها و اقدامات احتمالی» را مشاهده کرد؛ بنابراین «چگونگی اعمال قدرت، از شناخت ماهیت مقاومتی که در برابر آن ایجاد می‌شود امکان‌پذیر است» (دریفوس و رابینو، ۱۳۹۱، ص ۲۴). فوکو معتقد است که آشکال مبارزه در طول زمان تغییر کرده است و او دیگر مانند گذشته در تلاش برای زیرسؤال بردن نهاد قدرت (در قالب پادشاه) نیست؛ بلکه در این مبارزات هدف زیرسؤال بردن رابطه قدرت و دانش یا به عبارتی آشکال قدرت و فنون آن است. روابط قدرت بدون «مقاومت» ممکن نیست؛ زیرا هر جا قدرت باشد، مقاومت هم هست. مقاومت برای حمله و تعدیل قدرت، از راهبردهای حساب‌شده استفاده می‌کند (کاظم‌زاده و صالحی، ۱۴۰۱). در تحلیل میشل فوکو، قدرت به معنای عملی است که رفتار دیگران را تغییر می‌دهد یا به سمت خاصی هدایت می‌کند. از این دیدگاه، قدرت ساختار کلی اعمالی است که بر سایر کنش‌ها تأثیر می‌گذارد. قدرت می‌تواند افراد را تحریک و اغوا کند؛ انجام عمل را آسان یا دشوار سازد و محدودیت‌هایی ایجاد یا حتی به طور کامل آن‌ها را منع کند. با این حال، قدرت همیشه به عنوان راهی برای انجام عمل بر موضوع فعل عمل می‌کند؛ زیرا فاعل فعل، می‌تواند عمل کند یا قادر به انجام آن است (دریفوس و رابینو، ۱۳۹۱، ص ۳۵۸). در این راستا روشن است که از نظر فوکو قدرت، از مفاهیم کلیدی فلسفه اجتماعی است. از آنجاکه هر معیاری برای ارزیابی نهادها و روابط اجتماعی به تعبیری از قدرت نیاز دارد، بدون فهم قدرت، فهم جامعه نیز ناممکن است (نمودار ۱).



مودار ۱

مؤلفه‌های قدرت از دیدگاه فوکو (مأخذ: نگارندگان)

ب. تمبر پستی

تمبر^۱ مدرکی چاپی و قطعه کاغذی کوچک و چهارگوش است که چهار طرف آن دندان‌دار دارد. تمبر، سندی کوچک، نشان‌دهنده پیش‌پرداخت هزینه خدمات پستی است. ارزش اسمی تمبر، که نشان‌دهنده بهای آن است، معمولاً روی آن چاپ می‌شود. تمبرها در شکل‌ها، اندازه‌ها و رنگ‌های متنوعی تولید می‌شوند و به مناسبت‌های گوناگون با تعداد معین منتشر می‌شوند. این قطعات کوچک علاوه بر کاربرد پستی، به دلیل جنبه‌های تاریخی، هنری و فرهنگی نیز مورد توجه مجموعه‌داران قرار می‌گیرند (گلرنگ، ۱۳۸۹، ص ۸؛ هاجری، ۱۳۷۵، ص ۳۷۴). واژه تمبر معانی مختلفی دارد؛ از جمله: زنگ کوچک فلزی، اوج صدا، آواز، طنین، تمغا، منگوله یا نشانی در بالای کلاه و کلاه‌خود؛ ولی این واژه در مفهوم ابزار پستی از سال ۱۸۴۸ میلادی رواج یافته است (هاجری، ۱۳۷۵، ص ۱۸). برخی مورخان معتقدند تمبر از کلمه مغولی تمغا گرفته شده است؛ به معنای مهری که به نامه زده می‌شده است. احتمالاً این لغت مغولی را بازرگانان به اروپا وارد کرده‌اند (عادل، ۱۳۸۷، ص ۱۴). تمبر، رسانه‌ای است با کاربردی بسیار زیاد که قدرت پیام‌رسانی آن به مرزهای کشور خودش محدود نمی‌شود؛ زیرا وقتی تمبری بر پاکتی چسبانده و به نقطه‌ای دیگر از این جهان پهناور ارسال می‌شود، پیام‌های نهفته خود را، بی‌هیچ مانعی به گیرنده پاکت منتقل می‌کند (شیردل، ۱۳۸۱، ص ۱۸). از طریق تمبر به راحتی می‌توان به فرهنگ، زبان، تاریخ، سنن و اعتقادات ملت‌های مختلف دسترسی یافت. تمبرها ابزاری فرهنگی هستند و چون به صورت بصری و تجسمی منعکس‌کننده تحولات سیاسی و اجتماعی دوره خود هستند، در پژوهش حاضر بازتاب دفاع مقدس در تمبرهای منتخب تحلیل و بررسی شده است.

1. Stamp



ج. دفاع مقدس

جهاد در اسلام به معنای «تلاش در راه خدا» است و دارای اقسامی مانند جهاد دفاعی، جهاد ابتدایی، و جهاد اکبر (مبارزه با نفس) است. جهاد به طور خاص به «دفاع مشروع از حریم اسلام و مسلمانان» اشاره دارد. مقاومت نیز به عنوان شکلی از جهاد دفاعی، به معنای پایداری در برابر تجاوز و ظلم، برای حفظ ارزش‌های اسلامی است. مقاومت زیرمجموعه جهاد دفاعی محسوب می‌شود و هر دو در راستای حفظ کیان اسلام و حقوق مسلمانان تعریف می‌شوند. سیاست دفاعی امام خمینی در مدیریت هشت سال دفاع مقدس و نتایج آن با تأکید بر بیداری اسلامی بود. سیاست دفاعی امام خمینی توحیدمحور، تکلیف‌گرا و مبتنی بر اصول و مبانی فقهی و اعتقادی اسلام بود که امام این دفاع را دفاع مقدس نامیدند و فرمودند: ««مسأله»، مسأله معنوی است؛ مسأله، مسأله‌ای نیست که ما می‌خواهیم فقط جنگ بکنیم، یا می‌خواهیم دفاع بکنیم؛ ما دفاع مقدس می‌کنیم. یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۲، ص ۴۵۷). حضرت امام، هدف دفاع مقدس را دفاع از شرافت اسلامی دانستند و فرمودند: «ما می‌خواهیم شرافت خودمان را حفظ کنیم و ما می‌خواهیم اسلام عزیز را که همه چیز درش هست، استقلال درش هست، آزادی درش هست، شرافت درش هست، می‌خواهیم این را حفظش کنیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۳۰۸). دفاع از حقوق مسلمین و مستضعفین از دیگر اهداف امام بود که در این رابطه فرمودند: «انگیزه ملت و قوای مسلح اسلامی ایران، دفاع از اسلام و قرآن کریم، به نفع ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان است» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص ۲۳۹). از دیگر اهداف راهبردی و مهم در کلام امام، اقامه عدل الهی و برپایی دین خدا بود. ایشان در این رابطه فرمودند: «خداوند تو خود می‌دانی که ما برای برپایی دین تو قیام کرده‌ایم؛ و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو، در مقابل شرق و غرب ایستاده‌ایم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۳۴۶). امام خمینی با اتخاذ این سیاست دفاعی موفق شدند، جنگ تحمیلی را به فرصتی برای تثبیت و صدور انقلاب اسلامی تبدیل کنند و در طولانی مدت، موجبات بیداری اسلامی ملت‌های مسلمان را فراهم کنند.

دوگانه شدن موضوعاتی چون «حق و باطل»، «ضعیف و مستکبر» و «کربلا و صدام حسین» از نشانه‌های تبیین ادبیات سیاسی و راهبردی ایران در دوران دفاع مقدس بوده است. هریک از مفاهیم یادشده بر پایه باورهای دینی بازتولید شده بود و پشتوانه حرکت جامعه در دوران دفاع مقدس محسوب می‌شد (پوستین چی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). فرهنگ و هنر مقاومت مردم ایران در عرصه دفاع مقدس بر نشانه‌های پایداری، مقاومت^۱ و مقابله با تهدیدات مبتنی بود و بسیج



گروه‌های اجتماعی برای مقابله با تهدیدات را در پی داشت؛ تهدیداتی که در تصاویر تمبرها نیز منعکس شده است. این هم‌گرایی و آرمان‌گرایی آیدئولوژیک اهمیتی ویژه یافت و تحولاتی در محتوا و سبک باز‌نمایی و باز تولید موضوعات رخ داد. آثار خلق شده در قالب‌های مختلف هنری این دوره از نظر شیوه اجرا و درک مفهوم زیبایی‌شناسی، موجودیتی نوین به هنر بخشید؛ چنان‌که حضور اندیشه‌های هنرمندان اجتماعی و قابل فهم برای اقشار مختلف به مفهوم می‌که در دوره پس از انقلاب مطرح است - به این مفهوم اعتبار می‌بخشد. در پژوهش حاضر هدف هنرمندان خالق تمبرها بازتاب جامعه‌ای قدرتمند در تصاویر است. هنرمندان برای این امر از مؤلفه‌های قدرت و روابط قدرت بر پایه مبارزات در «گفتمان هنر»^۱ استفاده می‌کنند. هریک از عناصر انسانی و نشانه‌های به کار رفته در طراحی تمبرها نمادی از قدرت و اقتدار همراه با تصویری آرمانی و قدرتمند ارائه می‌دهد. برای این امر هنرمندان از کیفیاتی همچون تمرکز بر عناصر انسانی و نمادین بهره گرفته‌اند. نکته دیگر اینکه در دیدگاه فوکو مقوله قدرت^۲ با اعمال غیر مستقیم قدرت از طریق فرهنگ شکل می‌پذیرد. در این تصاویر نیز هنرمندان به اعمال قدرت از طریق رسانه‌ای فرهنگی عمل کرده‌اند. قدرت انعکاس یافته در طراحی تمبرها با بهره‌گیری از کیفیتی نمادین نوعی ضد قدرت است. این انعکاس برای حکومت و متولیان سیاسی و حامیان فرهنگی پوشیده نیست و آن‌ها با همین نگاه به شکل بخشی به نوعی خاص از هنر همت گماردند و زمینه نزدیکی سیاست و هنر و بهره‌برداری ابزاری از هنر را قدرتمندانه پی گرفتند. ره‌آورد این عمل شکل‌گیری و زمینه‌سازی نظم اجتماعی به وسیله مداخله فرهنگی غیر مستقیم است. دیدگاه کنترل اجتماعی مستقیم و اجباری در درجه پایین تری قرار می‌گیرد.

در ادامه قدرت و مقاومت از دیدگاه فوکو در تصویر برخی از تمبرهای منتخب دفاع مقدس تحلیل شده است.

۳. یافته‌ها

تحلیل شماره ۱

در تصویرسازی تمبر شماره (۱)، بیننده در نگاه اول به رنگ پرچم جمهوری اسلامی ایران جذب می‌شود که به ترتیب رنگ در گل‌های لاله‌عباسی مشاهده می‌شود. لاله در فرهنگ ایرانی نمادی از عشق و فداکاری است و لاله‌های قرمز نمایانگر خون شهدا هستند. هم‌چنین، گل هشت‌پر که به رنگ پرچم ایران طراحی شده است، نماد هویت ملی و دینی و اتحاد مردم در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی است. به‌طور کلی، لاله و گل هشت‌پر نمادهایی مهم در حفظ یاد شهدای گرانقدر و تقویت روحیه ملی هستند. پرچم، نماد همبستگی، میهن‌پرستی، و استقلال ملت‌ها در رسیدن به کمال است. نشانه

1. Discourse of art

2. power



جامعه کمال‌گرا تلاش برای حل نواقص است و کمال‌گرایان کسانی هستند که می‌خواهند همه ابعاد زندگی افراد جامعه کامل باشد. از خصوصیت‌های این افراد تلاش فراينده برای رسیدن به کمال همراه با تمایل به انتقاد شدید از رفتار خود و تعیین استانداردهای دائمی معین برای جامعه است. عنصر «گل لاله‌عباسی» استفاده‌شده در تمبر مدنظر نماد شهادت و ایثار است و از عناصر اعتقادی و باورهای ملی و فضای اجتماعی تأثیر پذیرفته است. به تعبیری دیگر گل لاله‌عباسی به کاررفته در تصویر، نشانی از حضرت ابوالفضل العباس (ع) فرزند حضرت علی (ع) است که در کربلا شهید شد و چون گل لاله را نماد شهادت می‌دانند و نیز شباهت زیاد گل عباسی به لاله، هنرمندان ایرانی به یاد حضرت عباس (ع) نام این گل ختایی را لاله‌عباسی نهاده‌اند (اسکندرپور خرمی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۰). گل‌های لاله‌عباسی تکرار شده به دور نام الله در تمبر مذکور با بن‌مایه‌های مثبت معنوی و ارزش‌های انسانی‌اش به نوعی یادآور شهادت در راه حق و مظهری از تجلی خداوند است. طرح کلی تمبر براساس فرمی بسته و منسجم شکل گرفته است که در آن نمادها به صورت یکپارچه درون یک قاب قرار دارند. ساختار مرکزی دایره‌ای که گل‌ها درون آن چیده شده‌اند، نشان‌دهنده اتحاد، انسجام و یکپارچگی است. دایره در هنر نماد کمال و تمامیت است. قاب کلی تصویر دارای فرم انتزاعی ترکیبی است که از دو عنصر اصلی تشکیل شده است: مشتی گره‌کرده در بالا و شکلی شبیه سر قلم در پایین. این دو نماد به هم متصل شده‌اند و ساختاری واحد را تشکیل می‌دهند که مفهوم مقاومت توأم با آگاهی را تداعی می‌کند. مشت گره‌کرده در بالای طراحی، در هنر انقلابی نماد قدرت، پایداری، مقاومت و مبارزه است. طراحی مشت از خطوط منحنی و زاویه‌دار ساخته شده است که نوعی حرکت و استحکام را نشان می‌دهد. این مشت، درعین حال که نماد مبارزه است، با نمادهای گل هم ترکیب شده است که می‌تواند نشان‌دهنده جنبه‌ای از ایثار، شهادت و زیبایی نهفته در مقاومت باشد و همچنین به عنوان نمادی از تمایل به مبارزه و حریف‌طلبی در نظر گرفته می‌شود و این به معنای آمادگی مردم عادی برای شرکت در مبارزات است. شکل پایینی طراحی، شبیه سر قلم ریز است که نشان‌دهنده اهمیت دانش، فرهنگ و انتقال پیام‌های مقاومت است. ترکیب مشت و قلم در قابی واحد، نشان‌دهنده این پیام است که مقاومت تنها با قدرت نظامی نیست، بلکه آگاهی، روایت و فرهنگ نیز نقش مهمی در دفاع از ارزش‌ها دارند. در این تمبر، مفاهیم قدرت و مقاومت به صورت نمادین و ریتمیک به تصویر کشیده شده‌اند. این تصاویر نشان‌دهنده پیوستگی ولایت امام‌خمینی (ره) با تبعیت از حضرت علی (ع) و بندگی خداوند هستند. این تمبر به خوبی وحدت، دفاع و مقاومت را نمایش می‌دهد و ترکیبی واضح از پیروزی اسلام و انقلاب اسلامی را به تصویر می‌کشد.





تمبر ۱

هفته دفاع مقدس، ۱۳۷۰، موزه ملک

تحلیل شماره ۲

وضعیت کلی جنگ در سال‌های سوم و چهارم نشان می‌دهد که باوجود تلاش نیروهای خودی برای انجام عملیاتی سرنوشت‌ساز جنگ کماکان حالت فرسایشی خود را حفظ کرده‌است. عراق در سال پنجم جنگ ضمن حفظ مواضع دفاعی خود تلاش می‌کرد تا از طرق بین‌المللی به ایران فشار آورد تا بتواند شرایط خود را به ایران تحمیل کند و برای متقاعد کردن جامعه بین‌المللی برای تحمیل فشار سیاسی و اقتصادی به ایران به دنبال گسترش دامنه جنگ بود و به همین دلیل جنگ نفت‌کش‌ها را در خلیج فارس راه انداخت و به بمباران و موشک‌باران شهرها پرداخت (گروه اساتید، ۱۳۸۸، ص ۴۰). در تمبر شماره (۲) در نگاه اول شاهد عروج روح انسانی هستیم که به مقام شهادت نائل شده‌است؛ مقاومتی که به شهادت در راه حق ختم شده‌است و باعث تقویت بُعد روحانی وجود انسان می‌شود. هر جا که عنصر شهادت به چشم می‌خورد به نوعی عناصر دیگر را هم در کنار آن می‌بینیم. از آن‌جا که پایداری و مقاومت در ادبیات مقوله‌ای محتوایی به شمار می‌رود، اجزای آن اغلب جنبه موضوعی و محتوایی دارند که عبارت‌اند از: تأکید بر آزادی و برابری انسان‌ها؛ حفظ ارزش‌های مشترک انسانی و رعایت حقوق و تعهدات بین‌المللی. باین حال، هریک از انواع متعدد ادبیات مقاومت، بسته به موقعیتی که باعث ایجاد آن شده‌است یا جامعه و کشوری که در آن شکل گرفته‌است، می‌تواند عناصر دیگری نیز داشته باشد. در پایین تمبر درختان نخل به صورت دسته‌جمعی مشاهده می‌شوند که سرهایشان قطع شده‌است؛ ولی هنوز سرپا ایستاده‌اند. این تصویر می‌تواند نمادی از مقاومت و اتحاد مردم باشد. این درختان نخل، به عنوان نمادی از استقامت و پایداری، نشانه ایستادگی و اتحاد حتی در شرایط دشوار و پس از آسیب دیدن هستند. این ارتباط می‌تواند به مبارزات اجتماعی و سیاسی مردم نیز مرتبط باشد؛ جایی که



باوجود چالش‌ها و مشکلات، افراد هم‌چنان به یکدیگر تکیه می‌کنند و در کنار هم برای دستیابی به اهداف مشترک تلاش می‌کنند؛ بنابراین، تصویر درختان نخل با سرهای قطع‌شده، نمادی از قدرت جمعی و اراده قوی مردم برای ادامه مسیر خود، حتی در مواجهه با سختی‌ها و فشارهاست. از آنجاکه موضوع پژوهش حاضر تجلی مفهوم مقاومت در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس براساس دیدگاه میشل فوکو است و سوژه‌زدایی یا نفی سوژه، کانون گفتمان مقاومت در اندیشه فوکو است، مقاومت همچون سوژه بر محورهای سه‌گانه حقیقت، قدرت و اخلاق دوران دارد و هم‌چنین روابط قدرت بدون «مقاومت» امکان‌پذیر نیست؛ زیرا هر جا قدرت هست، مقاومت هم هست.



تمبر ۲

پنجمین سالگرد دفاع مقدس، ۱۳۶۴،
موزه ملک

تحلیل شماره ۳

در تمبر شماره (۳) از نماد مذهبی گنبد مطهر مرقد حضرت حسین علیه‌السلام (امام سوم شیعیان) که یادآور مقاومت کربلاست در کنار واژه عاشورا به صورت تایپوگرافی با خط شکسته نستعلیق که نماد خط ایرانی و هیجان و سرزندگی است و به‌نوعی خود تمثیلی از مقاومت عاشوراگونه ایرانیان در دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس است استفاده شده‌است. در سال خلق تمبر (۱۳۶۴ هجری شمسی)، دو عملیات بزرگ با نام‌های «کربلا» و «عاشورا» انجام شد که هریک از آن‌ها اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. این عملیات‌ها بخشی از استراتژی کلی ایران برای کسب برتری نظامی و دفاع از سرزمین خود در برابر تجاوزات عراق بودند. جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های معاصر بود و این عملیات‌ها در تغییر موازنه قدرت در جنگ نقش مهمی ایفا کردند. در دوران مقدس از ویژگی مقاومت و استقامت امام حسین (ع) و یاران پاکش، الهام گرفته شد. این تمبر دراصل بیانگر اتصال راه و سبک دوران دفاع مقدس (انقلاب اسلامی) به راه و سبک مقاومت امام حسین (ع) است. رزمندگان اسلام به عشق امام حسین (ع) تا پای

جان مقاومت می کردند و به امید دیدار محبوب و حضور در جمع اهل بیت در پیشگاه خداوند متعال در بهشت جاودان کشته می شدند. بین جبهه و کربلا (واقعه عاشورا) پیوندی مستحکم برقرار بود. یکی از شاخص های فرهنگی - ایدئولوژیک کنش جامعه ایران در دوران دفاع مقدس را می توان استفاده از نیروهای دانشست که مفاهیم عقیدتی - ارزشی را با اشکال سازمانی پیوند می دادند. این نیروها با اقدامات نظامی در دفاع از سرزمین، عقیده و... توانستند نشانه هایی از «مقاومت نامتقارن» در برابر نیروهای تهدیدکننده منطقه ای و بین المللی را نشان دهند (پوستینچی، ۱۳۸۹). انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس، در اهداف، انگیزه ها، شیوه مبارزه، روش های دفاع، روحیه مردم، شهادت طلبی و صبر، از عاشورالهام گرفته است و تاکنون نیز به این فرهنگ که از ایستادگی و مقاومت سرچشمه می گیرد وفادار مانده است. واژه عاشورا در تمبر شماره (۳) تجلی مقاومت بی قیدوبند ایرانیان به ویژه جوانان در پاسداشت خون شهیدانی است که در راه دفاع مقدس جان به جان آفرین تسلیم کردند. در نهایت این مقاومت همان طور که در مؤلفه های فوکو اشاره شده است در هر مکان، و هر زمان به عرصه های گوناگون به ویژه مقابله با دشمنان درونی و بیرونی معاصر قابل تعمیم است.



تمبر ۳

پنجمین سالگرد دفاع مقدس، ۱۳۶۴، موزه
ملک

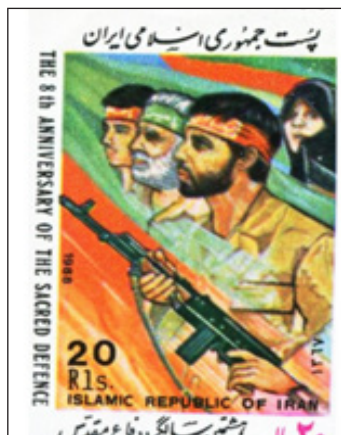
تحلیل شماره ۴

در تمبر شماره (۴) تصویر سه مرد و یک زن مشاهده می شود که حالت چهره و نوع نگاهشان حرکت روبه جلو را بازنمایی می کند. این امر بیشتر نشان دهنده حالت معنویت و روحانیت انسان است. طراح اثر افراد را به صورت گروهی نشان داده است که بیان کننده وحدت، بسیج و هماهنگی عمومی است. به دلیل فرسایش نیروهای ایران در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، ایران در سال های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ با کمبود نیرو در جبهه ها مواجه شده بود. برای جبران این کمبود، بسیج عمومی جوانان و اعزام دسته جمعی آنها انجام



شد. هم‌چنین برای افزایش روحیه نیروها برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برگزار شد. این تلاش‌ها تاحدی وضعیت جبهه‌ها را بهبود بخشید. آدم‌های تصویر شده در تمبر مذکور عموماً مردان هستند که لباس نظامی به تن دارند و سن غالب آن‌ها جوان است. طراح، آن‌ها را به شکل ایستاده بازنمایی کرده است که نشانی از ایستادگی و مقاومت است. تصور هنرمند از حضور این انسان‌ها در جبهه‌های نبرد آن است که اولاً این انسان‌ها برای دفاع از دین اسلام و پاسداری از حق و حقیقت به جبهه‌ها رهسپار شده‌اند و دوم برای دفاع از انقلاب اسلامی و پاسداری از خاک و حفظ تمامیت ارضی قد علم کرده‌اند. تفنگ به دست گرفته‌اند و جهاد کرده‌اند. یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های این اثر نسبت به آثار مربوط به دیگر جنگ‌های جهان تفاوت دیدگاه خالق اثر است. تصویری که از جهاد برطبق آموزه‌های دینی، در ذهن هنرمند وجود دارد با تصور ساکنان جهان مدرن از جنگ بسیار متفاوت است. خداوند متعال در قرآن کریم، جهاد را بر هر مسلمانی واجب کرده و برای انجام آن بزرگ‌ترین تشویق‌ها را کرده است و ثواب مجاهدان و شهدا را از ثواب سایر عبادت‌کنندگان بالاتر قرار داده است. حتی امیرالمؤمنین (ع) در باب اهمیت جهاد می‌فرمایند: «جهاد دری است از درهای بهشت که خدا به روی گزیده دوستان خود گشوده است؛ و جامه تقوی است که بر تن آنان پوشیده است» (لطیف‌پور، ۱۳۷۹، ص ۸۵). بدین ترتیب می‌توان گفت که هیچ نظام مبتنی بر اندیشه و اعتقادی به اندازه اسلام و به‌ویژه به اندازه تشیع پیروان خود را به جهاد، ایستادگی و مقاومت، و مبارزه مستمر در مسیر اهداف متعالی خود دعوت نکرده و از عواقب سوء و اجتناب‌ناپذیر ترک و سست‌شمردن جهاد برحذر نداشته است. از این رو تاریخ پرفرازونشیب شیعه با جهاد و دسترسی به این مبارزه در راه حق و عدالت عجین شده است و مملو از نمونه‌های عالی مقاومت و فداکاری در راه از میان‌بردن ظلم و بی‌عدالتی است. همین زمینه هویتی و اعتقادی و ایمانی، بستری مناسب برای تقویت روح مبارزه و انقلابی‌گری در میان شیعه، به‌ویژه در دوران معاصر، فراهم ساخته است (لطیف‌پور، ۱۳۷۹، ص ۸۶). در واژه «دفاع»، تقدسی نهفته است و رزمندگان راه دفاع نیز به نوعی مکمل این تقدس به‌شمار می‌روند. تقدس موجود در دفاع - که در تمبرهای مدنظر تصویر شده است - در واقع نمایانگر ابعاد دفاع، مبارزه، مقاومت و وحدت جمعی است. در این جا این پرسش به ذهن می‌رسد که معنای قدرت و مقاومت براساس دیدگاه میشل فوکو در تصاویر تمبرهای پستی دفاع مقدس مانند تصویر زیر چگونه معنا می‌شود؟ درواقع جهاد، قدرت و مقاومت با همه ابعاد و شرایطش از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ و هویت سیاسی شیعه به‌شمار می‌رود. از دیگر المان‌های سمبلیک که در تمبرهای جنگ و دفاع مقدس در ایران بسیار استفاده شده است ادوات و ابزارهای نظامی است.

تمبرهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تمبرهای مشابه خارجی متفاوت هستند. تمبرها و تصاویر جنگ‌های جهانی جنبهٔ خشونت‌آمیز دارند؛ ولی در تمبرهای ایرانی دفاع مقدس جنبهٔ روحانیِ شهادت، دفاع، مقاومت، معنویت همراه با سخنانی از بزرگان مذهبی عموماً مفاهیمی چون پیروی از راه امام حسین و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های ایشان به بیننده القا می‌شود که در اندیشهٔ فوکو نیز مفهوم قدرت از این جهت وجود دارد.



تمبر ۴

هشتمین سالگرد دفاع مقدس، ۱۳۶۷،
موزهٔ ملک

تحلیل شمارهٔ ۵

درخت به مثابهٔ نمادی اسطوره‌ای، از جنبه‌های فراوان مورد توجه انسان بوده است. عمر چندصدساله و حتی چندهزارساله درخت آن را به نماد نامیرایی و درعین حال خردمندی تبدیل می‌کند. یکی از مقدس‌ترین درختان که در برخی از مناطق ایران به عمل می‌آید، نخل است. نخل خرما با نام لاتین *Dactylifera Phoenix* از خانوادهٔ نخل هاست و سابقهٔ کشت آن به پیش از دورهٔ هخامنشی بازمی‌گردد (سایبانی، ۱۳۸۲، ص ۷۷). به عقیدهٔ الیاده (۱۳۸۹) درخت یا درحقیقت بعضی از درختان مانند نخل در ادراک یا تجربهٔ مذهبی کهن، نمودگار قدرتی هستند. ولی باید بر این گفته افزود که این قدرت، هم فی نفسه رهین خود درخت است و هم مدیون استلزامات یا تَضَمُّنات و اثرات کیهان‌شناختی درخت؛ چون در ذهنیت کهن‌وش، طبیعت و رمز، هماهنگی و همزیستی دارند. درخت نخل به واسطهٔ قدرتش و آنچه در وجودش متجلی می‌شود، به موضوعی مذهبی تبدیل می‌شود. این درخت سرشار از قدرت‌های قدسی است؛ زیرا به صورت عمودی رشد می‌کند و برگ‌هایش در دوره‌هایی خشک می‌شوند و سپس دوباره جوانه می‌زنند. این فرایند تکراری و بی‌شمار، اعتباربخشی‌های عرفانی را در مشاهدهٔ درخت به تصویر می‌کشد که به عنوان نمادی از زیست و حیات شناخته می‌شود. نخل به دلیل قدرت و خاصیت تجدید حیاتش، تجسمی است از آنچه در تجربهٔ کهن به عنوان



کیهان شناخته می‌شود. از این رو، برای ادیان مذهبی باستان، نخل نماد عالم است. این درخت به واسطه تکرار و تلخیص ویژگی‌های عالم، آن را به صورت نمادین تمثیل می‌کند. در تمبر شماره (۵)، کادر به دو قسمت پس زمینه و پیش زمینه تقسیم شده است. پس زمینه (پلان دوم) کادر شامل درختان نخل همچون لشکری منسجم و مقاوم با اتحاد کامل در کنار هم همچون سدی محکم است. در پیش زمینه (پلان اول) کادر، تک درختی استوار و پایدار در میان آسمانی به رنگ تیره تصویر شده است که نشان دهنده گرد غم و اندوه هم‌میهنان ما برای شهادت عزیزانشان و حمله دشمن متخاصم است. درواقع، درخت نخل نمادی از مقاومت و زندگی جاویدان شهادت؛ زندگی‌ای که هرگز نمی‌میرد. در این تمبر، درخت نخل نمایانگر استقامت، و سلاح به عنوان تنه اصلی آن نماد قدرت و پایداری است. تصویر تمبر مدنظر، ترکیبی است از فضایی بیشتر با رنگ‌های سرد و قهوه‌ای به رنگ خاک میهن، انبوهی از درختان سبزرنگ نخل در فاصله‌ای دور و سلاحی در مرکز تصویر که به صورت عمودی به وسیله چند سنگ روی زمین قرار گرفته است و از لوله انتهایی آن یک درخت نخل رنگی بیرون زده است که نماد سنگر رزمندگان همیشه استوار و مقاوم در مقابل دشمن و حاکی از آمادگی همیشگی رزمندگان برای رزم در میدان جنگ و خط مقدم است. درواقع، درخت نخل نمادی از مقاومت و زندگی جاویدان شهادت. در تمبر مدنظر، درخت نخل نمایانگر استقامت، و سلاح نظامی که به عنوان تنه اصلی درخت تصویر شده است نماد قدرت و پایداری رزمندگان است.



تمبر ۵

پنجمین سالگرد دفاع مقدس، ۱۳۶۴،
موزه ملک



توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی بر انگیز زندگی	موجب تغییر یا جهت دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده در جامعه	قابلیت تصمیم در همه عرصه ها	غیر قابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابطهای و شبکه ای	مبارزات جهانی	
موضوع: نقش رزمنده، رودخانه و نخل. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۷۱ ش. رنگ: آبی و نارنجی. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر): عرض (۳۱ میلی متر). واقف: محمدصادق ثابتی. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/artifact/1371,10,02222	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: هفته دفاع مقدس	۱
موضوع: نقش رزمنده. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۷۱ ش. رنگ: آبی و قرمز. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر): عرض (۳۱ میلی متر). واقف: محمدصادق ثابتی. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/artifact/1371,10,02222	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: هفته دفاع مقدس	۲

جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو

توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی برانگیزاندگی	موجب تغییر یا جهت دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه ها	غیرقابل مشاهده	ماهیت نیم افزاری	ماهیت رابطه ای و شبکه ای	مبارزات جهانی	
موضوع: مشیت، لاله، نشانه الله و رنگ پرچم جمهوری اسلامی ایران: نماد دفاع و مقاومت و پیروزی. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۷۰ ش. رنگ: سفید. تصویرساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۳۱ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/۱۳۷۰،۱۰،۰۲۱۶۲/artifact	✓	✓	✓	-	-	-	✓	✓	✓	✓	۳
موضوع: نقش لاله و مشیت و درخت. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۹ ش. رنگ: نارنجی. تصویرساز: بهرامی. ابعاد: طول (۴۶ میلی متر)، عرض (۳۳ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/۱۳۶۹،۱۰،۰۲۱۰/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۴



عنوان تمبر: هفته دفاع مقدس



عنوان تمبر: هفته دفاع مقدس، جشن پیروزی

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو



توضیحات	مفاهیم قدرت بر اساس دیدگاه فوکو										تصاویر	ردیف
	ویژگی برانگیزاندگی	موجب تغییر یا جهت دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسرنژدی در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه ها	غیرقابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابطه ای و شبکه ای	مبازات جهانی		
موضوع: تصویر گنبد و عبارت خوش نویسی «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَاءٌ وَ كُلُّ شَهْرٍ مُحَرَّمٌ». سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۴ ش. رنگ: رنگارنگ. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۳۱ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1364,10,1846/artifact	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	 عنوان قمبر: پنجمین سالگرد دفاع مقدس	۵
موضوع: تصویر شهید و نخل های بی سر. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۴ ش. رنگ: رنگارنگ. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۳۱ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1364,10,1845/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	 عنوان قمبر: پنجمین سالگرد دفاع مقدس	۶

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در قمبرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو

توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی پراگندگی	موجب تغییر یا جهت دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه ها	غیرقابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابطه ای و شبکه ای	مبارزات جهانی	
موضوع: تصویر نخل و اسلحه و آرم بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۴ ش. رنگ: رنگارنگ. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۳۱ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1364,10,0184/artifact	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: پنجمین سالگرد دفاع مقدس	۷
موضوع: تصویر گرافیکی همب، پرنده و نقشه ایران و آرم بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۴ ش. رنگ: رنگارنگ. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۳۱ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1364,10,0184/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: پنجمین سالگرد دفاع مقدس	۸

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو



توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی برانگیختندگی	موجب تغییر یا جهت‌دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده‌گی در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه‌ها	غیر قابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابط‌های و شبکه‌ای	مبارزات جهانی	
موضوع: حماسه ناوچه پیکان. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ ش. رنگ: سیاه. تصویر ساز: صمدیان. ابعاد: طول (۴۷ میلی‌متر)، عرض (۳۹ میلی‌متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/13651001900/artifact	✓	✓		✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	۹
										 عنوان نمبر: ششمین سالگرد دفاع مقدس	
موضوع: حماسه هویره. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ ش. رنگ: سیاه. تصویر ساز: صمدیان. ابعاد: طول (۴۷ میلی‌متر)، عرض (۳۹ میلی‌متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/13651001899/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	۱۰
										 عنوان نمبر: ششمین سالگرد دفاع مقدس	

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو



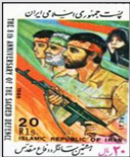
توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی پراگندگی	موجب تغییر یا جهت‌دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده‌گی در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه‌ها	غیرقابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابط‌های و شبکه‌ای	مبارزات جهانی	
موضوع: حماسه خرم‌شهر. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ ش. رنگ: سیاه. تصویرساز: صمدیان. ابعاد: طول (۴۷ میلی‌متر)، عرض (۳۹ میلی‌متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/۱۳۶۵،۱۰،۱۹۰۲/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	۱۱
موضوع: نقش چند نفر با اسلحه. رنگ: سفید. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ ش. تصویرساز: نامشخص. ابعاد: طول (۳۲ میلی‌متر)، عرض (۲۵ میلی‌متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/۱۳۶۶،۱۰،۱۹۵۱/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	✓	۱۲



ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تهرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو



توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو									تصاویر	ردیف
	ویژگی برانگیزاندگی	موجب تغییر یا جهت دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه ها	غیر قابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابطه ای و شبکه ای	مبارزات جهانی	
موضوع: نقش چند نفر با اسلحه. رنگ: رنگارنگ. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۷ ش. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی متر)، عرض (۲۷ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1367,10,02027/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: هشتمین سالگرد دفاع مقدس	۱۳
موضوع: قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل. رنگ: رنگارنگ. سال خلق: ۳۱ شهریور ۱۳۶۸ ش. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۶ میلی متر)، عرض (۲۳ میلی متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1368,10,02074/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓	 عنوان تمبر: نهمین سالگرد دفاع مقدس	۱۴

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو



توضیحات	مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو										تصاویر	ردیف
	ویژگی بزرگ‌اندکی	موجب تغییر یا جهت‌دهی	روابط اجتماعی، انسانی	رابطه علت و معلولی	گسترده‌گی در جامعه	قابل تعمیم در همه عرصه‌ها	غیرقابل مشاهده	ماهیت نرم افزاری	ماهیت رابط‌ای و شبکه‌ای	مبارزات جهانی		
موضوع: نقشه ایران، لاله، مشّت، و پرچمی با عبارت عربی دور لاله، رنگ: سفید. سال خلق: ۱۳۶۴ اسفند ۱۳۶۴ ش. تصویر ساز: نامشخص. ابعاد: طول (۴۱ میلی‌متر)، عرض (۳۱ میلی‌متر). واقف: حاج حسین آقا ملک. محل نگهداری: موزه ملک. مأخذ: http://malekmuseum.org/1364,10,01845/artifact	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		۱۵
عنوان تمبر: ۲۰۰۰ روز دفاع مقدس												

ادامه جدول ۱

مفاهیم قدرت و مقاومت در تمبرهای
پستی دفاع مقدس از دیدگاه فوکو

برای روشن‌تر ساختن ارتباط میان مفاهیم قدرت در نظر فوکو و دفاع مقدس در تمبرهای پستی تحلیل‌شده مذکور در جدول ۱ می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

میشل فوکو قدرت را رابطه‌ای اجتماعی می‌بیند که در آن افراد و نهادها با یکدیگر تعامل دارند. او بر این باور است که قدرت نه تنها از بالا به پایین اعمال می‌شود، بلکه در همه سطوح جامعه وجود دارد و از طریق زبان، نمادها و نشانه‌ها منتقل می‌شود. تمبرهای پستی می‌توانند نمایانگر ایدئولوژی، تاریخ و هویت ملی کشورها باشند. تمبرهایی که در دوران دفاع مقدس منتشر شدند، اغلب حاوی پیام‌های سیاسی و اجتماعی بودند که نشان‌دهنده قدرت نظامی، فرهنگی و اجتماعی کشور است. برخی تمبرها ممکن است به‌طور خاص به وقایع یا شخصیت‌های مهم دفاع مقدس اشاره کنند و پیام‌های قوی‌تری را درباره هویت ملی و مقاومت منتقل کنند. این تمبرها چون افکار عمومی را شکل می‌دهند و احساسات

ملی‌گرایی را تقویت می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان ابزارهای قدرت عمل کنند. درحالی‌که برخی تمبرها به‌وضوح با مفاهیم مقاومت و دفاع مقدس مرتبط هستند، دیگر تمبرها ممکن است بیشتر بر جنبه‌های عمومی‌تر زندگی اجتماعی تمرکز کنند و نتوانند همان بار معنایی را منتقل کنند. برای نمونه، تمبری که به پیروزی‌ای نظامی اشاره دارد، می‌تواند نمایانگر قدرت و وحدت ملی باشد؛ درحالی‌که تمبری که به رویدادی غیرنظامی اشاره دارد، ممکن است این بار معنایی را نداشته باشد. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که تمبرهای پستی نه تنها ابزاری برای ارسال نامه‌ها هستند، بلکه حامل پیام‌های عمیق‌تری هم هستند و می‌توانند بر درک ما از قدرت و مقاومت در دوران دفاع مقدس، تأثیر بگذارند.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش نظریات فوکو در زمینه قدرت و گفتمان قدرت واکاوی شد. فوکو معتقد است که قدرت عمدتاً به رابطه فرد و نهادها و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد و در این صورت است که عملکرد قدرت به‌روشنی مشخص می‌شود. از آن‌جا که مفاهیم قراردادی قدرت و مقاومت همواره با یکدیگر پیوندی دارند و به‌دنبال هم هستند، در تصاویر تمبرهای پستی منتخب نیز بررسی شده‌اند. در این راستا می‌توان نتیجه گرفت که براساس دیدگاه فوکو قدرت در تمام سطوح جامعه پراکنده است و هر کجا که قدرت هست، مقاومت نیز به‌طور هم‌زمان حضور دارد؛ بنابراین، تنها راه مقابله با قدرت، شکل‌گیری مقاومت است. این موضوع در تصاویر تمبرهای منتخب دفاع مقدس در پژوهش حاضر به شیوه‌های مختلفی بازتاب یافته است، به‌طوری‌که هر تصویر نمایانگر نوعی از مقاومت در برابر قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است. از تصاویر تمبرها به‌عنوان ابزاری سیاسی برای قدرت، مقاومت و ایستادگی رزمندگان تا پای جان استفاده شده است. در تمبرهای منتخب دفاع مقدس در این پژوهش، تصاویر صرفاً جنبه تزئینی ندارند؛ بلکه به‌عنوان ابزاری رسانه‌ای و گروهی برای مشروعیت‌بخشیدن به بازتاب قدرت و مقاومت و ایستادگی نیروهای مخلص بسیجی تا پای جان، استفاده شده‌اند. تحلیل تمبرهای منتشر شده در دوران جنگ تحمیلی و پس‌از آن، نشان‌دهنده پیام‌ها و نمادهایی است که نمایانگر دیدگاه و رویکرد جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ و مقاومت است. تمبرهایی که به نمادهای ایستادگی، دفاع از سرزمین و فداکاری شهدا اشاره دارند، بیشتر بر روی جنبه‌های دفاعی و مقاومت ملی تأکید دارند. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که ایران در این دوره بیشتر بر روی حفظ تمامیت ارضی و دفاع از کشور تمرکز داشته و به‌دنبال قدرت‌طلبی یا توسعه‌طلبی ارضی نبوده است. درواقع، این رویکرد می‌تواند پاسخی به تجاوزگری‌ها و تهدیدات خارجی،



به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، تعبیر شود. ازسوی دیگر، درمقابل، کشور عراق تحت رهبری صدام حسین به‌دنبال توسعه‌طلبی و گسترش مرزهای خود بود که این خود یکی از دلایل اصلی آغاز جنگ بود؛ بنابراین، می‌توان گفت که تمبرها و نمادهای ایرانی بیشتر بر روی مفهوم مقاومت و دفاع از میهن و مرزبوم تأکید دارند؛ درحالی‌که در طرف مقابل (عراق)، تمایلات توسعه‌طلبانه و قدرت‌طلبانه مشهودتر است. تبیین ویژگی‌های نمایش قدرت و مقاومت در تصاویر تمبرها - به‌عنوان یکی از خاستگاه‌های تحول قدرت و استقامت - از دستاوردهای این پژوهش است که با تأکید بر وجهه آرمانی و استعاری رزمندگان و استفاده از مؤلفه و مفاهیم قدرت ایرانی - اسلامی بر این امر تأکید می‌شود. بدین‌ترتیب می‌توان گفت قدرت در تصاویر تمبرهای پستی منتخب به‌صورت گفتمان استفاده شده و این ویژگی قدرت مطرح شده‌است.

در تاریخ نگارش این مقاله ۳۰۲۲۳ تمبر در موزه ملک موجود بود که حدود ۳۹ تمبر به موضوع دفاع مقدس تعلق داشت. هدف نویسندگان این پژوهش انتخاب تمبرهایی بوده که به‌مناسبت سالگرد دفاع مقدس تصویرسازی شده‌اند و در این راستا ۱۵ عدد تمبر برای شناسایی مفاهیم قدرت براساس دیدگاه فوکو بررسی شده‌اند. این ۱۵ تمبر از بین تصاویر تمبرهای منتخب همانند: مبارزات جهانی، ماهیت رابطه‌ای و شبکه‌ای، ماهیت نرم‌افزاری، غیرقابل مشاهده‌بودن، قابل‌تعمیم در همه عرصه‌ها، گستردگی در جامعه، رابطه علت و معلولی، روابط اجتماعی و انسانی، ویژگی برانگیزانندگی و موجب تغییرات یا جهت‌دهی انتخاب شده‌است. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که طبق دیدگاه فوکو، قدرت در تمام سطوح جامعه پراکنده است؛ در تصاویر تمبرهای مدنظر نیز همین امر بازتاب یافته‌است و نشانه پیوستگی، گستردگی قدرت و مقاومت و اشاره به رابطه علت و معلولی آن‌ها در همه عصرها است. همچنین روابط اجتماعی و انسانی، و ویژگی برانگیزانندگی قدرت در اکثر تمبرهای بررسی شده نقطه عطف پژوهش حاضر است. توجه به مطالعات تطبیقی بین آثار هنرمندانی که در راستای دفاع مقدس، و هنر متعهد در سطح بین‌المللی آثاری را براساس گفتمان قدرت فوکو خلق کرده‌اند، می‌تواند در پژوهش‌های آتی موردتوجه پژوهش‌گران قرار گیرد.

منبع

اسناد

«تمبر دوره جمهوری اسلامی مجموعه اهدایی، موسسه و کتابخانه موزه ملی ملک». تاریخ بازدید:

۱۳۹۵/۴/۲۳



<http://malekmuseum.org/artifact/search?txt=دفاع+مقدس>

کتاب

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اسکندرپور خرمی، پرویز. (۱۳۹۲). *اسلیمی و نشان‌ها: قالی، کاشی، تذهیب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسمیت، فیلیپ دانیل. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. (حسن پویان، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. (جلال ستاری، مترجم). تهران: سروش.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*. (ج ۲۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دریغوس، هیوبرت؛ رابینو، پل. (۱۳۹۱). *میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنیوتیک*. (حسین بشیری، مترجم). تهران: نی.
- سایبانی، احمد. (۱۳۸۲). *فین بندرعباس*. تهران: همسایه.
- گروه اساتید. (۱۳۸۸). *معارف جنگ*. (ج ۲). به سفارش هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی. تهران: دانشکده افسری امام علی.
- میلز، سارا. (۱۳۹۲). *میشل فوکو*. (مرتضی نوری، مترجم). تهران: مرکز.
- هاجری، ضیاءالدین. (۱۳۷۵). *تمیز: جام جهان‌نما*. (چ ۱). تهران: آوای نور.
- هنری لطیف‌پور، یدالله. (۱۳۷۹). *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مقاله

- پوستین جی، زهره. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی فرهنگ سیاسی مقاومت در دفاع مقدس». نگین ایران، شماره ۳۴، صص ۳۹-۶۰.
- رهیده، محمدرضا؛ رجبی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیرات فرهنگی انقلاب بر طراحی تمبرهای سه دهه نخست انقلاب اسلامی در ایران». *نقش‌مایه*، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۵۵-۶۲.
- زاهدی تیر، اصغر؛ امین ناجی، محمدهادی. (۱۳۹۸). «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن». *مطالعات تفسیری*، شماره ۳۸، صص ۲۲۱-۲۳۶.
- سرحدی قهری، رضا؛ نجف‌زاده، مهدی. (۱۳۹۷). «تحلیل نشانه‌شناختی تمبرهای جمهوری اسلامی ایران

- (۱۳۵۷-۱۳۸۹)؛ گذار از نشانه‌های سیاسی به نشانه‌های اجتماعی». *تحقیقات فرهنگی ایران*، سال ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۴۴)، صص ۱۷۴-۱۴۱.
- شیردل، حسین. (۱۳۸۱). «تمبر، رسانه‌های بدون مرز». *رشد آموزش هنر*، ش ۱، صص ۱۷-۱۸.
- قادرزاده، هیرش؛ نوری، هادی؛ نعیمی، عباس. (۱۳۹۱). «بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه فوکو». *غرب‌شناسی بنیادی*، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۰۷.
- کاظم‌زاده، نسرین؛ صالحی، پیمان. (۱۴۰۱). «واکاوی مقاومت زنانه در رمان «تاء الخجل» اثر فضیله الفاروق (براساس مفهوم قدرت میشل فوکو)». *پژوهش‌نامه ادبیات داستانی*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۲۳-۴۶.
- یوزباشی، عطیه؛ رجبی، وحید. (۱۳۹۷). «بررسی موضوع، مضمون و ترکیب‌بندی تمبرهای دوره جمهوری اسلامی از مجموعه اهدایی محمود کاظمی محفوظ در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک». *گنجینه اسناد*، سال ۲۸، شماره ۲، صص ۱۰۶-۱۳۱.

پایان‌نامه

- عادل، فاطمه. (۱۳۸۷). «بررسی مضمون و محتوا در تصویرسازی تمبرهای ایران با شروع انقلاب اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.
- گلرنگ، امیرکسری. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی تمبرهای بلوک یادگاری در ایران و انگلستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.

منابع اینترنتی

- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. «پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۴۰۱/۴/۱۷». تاریخ بازدید: ۱۴۰۳/۳/۳.
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=50597>

English Translation of References

Documents

- "Tambr-e dowre-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye majmu'e-ye ehdāyi, Mo'asseseh va Ketābxāne-ye Muze-ye Melli-ye Malek"* (Islamic Republic stamps in the do-



nated collection, Malek National Library & Museum). Retrieved on 1395/4/23 SH / 13 July 2016 AD from <http://malekmuseum.org/artifact/search?txt=دفاع+مقدس>. [Persian]

Books

- Aghagolzadeh, Ferdows. (1385/2006). *“Tahlil-e goftemān-e enteqādi: Takvin-e tahl-il-e goftemān dar zabān-šenāsi”* (Critical discourse analysis). Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]
- A group of professors. (1388/2009). *“Ma’āref-e jang”* (War education) (2nd ed.). Commissioned by “Hey’at-e Ma’āref-e Jang-e Šahid Sayyād-e Širāzi (War Education Board of Martyr Sayyad Shirazi). Tehran: Dāneškade-ye Afsari-ye Emām ‘Alī” (Imam Ali Officers’ Academy). [Persian]
- Dreyfus, Hubert; & Rabinow, Paul. (1391/2012). *“Mišel Foko: Farāsu-ye sāxtgarāyi va hermenotik”* (Michel Foucault, beyond structuralism and hermeneutics). Translated by Hossein Bashiriyeh. Tehran: Ney. [Persian]
- Eliade, Mircea. (1389/2010). *“Resāleh dar tārix-e adyān”* (Patterns in comparative religion). Translated by Jalal Sattari. Tehran: Soruš. [Persian]
- Eskanandarpour Khorrami, Parviz. (1392/2013). *“Eslimi-hā va nešān-hā: Qālī, kāši, tazhib”* (Eslimi and medallions: Carpet, tile, ornament). Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [In Persian]
- Hajari, Zia Al-Din. (1375/1996). *“Tambr: Jām-e jahān-namā”* (History of stamps) (1st ed.). Tehran: Āvā-ye Nur. [Persian]
- Honari Latifpour, Yadollah. (1379/2000). *“Farhang-e siyāsi-ye šī’eh va enqelāb-e eslāmi (1342 – 1357)”* (Shiite political culture and the islamic revolution (1342 – 1357 SH / 1963 – 1984 AD)). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [In Persian]
- Khomeini, Seyyed Rouhollah. (1378/1999). *“Sahife-ye Emām: Majmu’e-āsār-e emām Xomeini (s)”* (Sahifeh-ye Imam: An anthology of Imam Khomeini’s speeches, messages, interviews, decrees, religious permissions, and letters) (vols. 22). Teh-



- ran: Mo'assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works). [In Persian]
- Mills, Sara. (1392/2013). "Mišel Foko" (Michel Foucault). Translated by Morteza Nouri. Tehran: Markaz. [Persian]
- Saybani, Ahmad. (1382/2003). "*Fin-e Bandar-e 'Abbās*" (Fin of Bandar Abbas). Tehran: Hamsāyeh. [Persian]
- Smith, Philip Daniel. (1387/2008). "*Darāmadi bar nazariye-ye farhangi*" (Cultural theory: An introduction). Translated by Hasan Pouyan. Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (www.iranculturalstudies.com). [Persian]

Articles

- Kazemzadeh, Nasrin; & Salehi, Peyman. (1401/2022). "Vākāvi-ye moqāvemāt-e zanāneh dar roman-e "Tā al-xejel" asar-e Fazilat al-Fāruq (Bar asās-e mafhum-e qodrat-e Mišel Foko" (An analysis of women's resistance in the novel "Ta Al-khejel" by Fazileh al-Farooq (Based on Michel Foucault's theory of power)). *Pažuheš-nāme-ye Adabiyāt-e Dāstāni* (Research in Narrative Literature), *11*(2), pp. 23 – 46. [Persian]
- Poustinchi, Zohreh. (1389/2010). "Nešāne-šenāsi-ye farhang-e siyāsi-ye moqāvemāt dar defā'-e moqaddas" (Symbolism of resistance political culture during the sacred defense). *Negin-e Irān*, *34*, pp. 39 – 60. [Persian]
- Qaderzadeh, Hersh; Noori, Hadi; & Naeimi, Abbas. (1391/2012). "Bāz-šenāsi-ye mafhum-e qodrat dar andiše-ye Foko" (Recognition of Foucault's concept of power). *Qarb-šenāsi-ye Bonyādi* (Occidental Studies), *3*(2), pp. 107 – 127. [Persian]
- Rahideh, Mohammadreza; & Rajabi, Mohammad Ali. (1392/2013). "Barresi-ye taširāt-e farhangi-ye enqelāb bar tarrāhi-ye tambr-hā-ye se dahe-ye noxost-e enqelāb-e eslāmi-ye Irān" (The study of cultural effects on the designs of stamps used in the first three decades of Islamic revolution in Iran). *Naqš-Māyeh* (Naghsh Maye), *5*(15), pp. 55 – 62. [Persian]
- Sarhaddi Ghahri, Reza; & Najafzadeh, Mehdi. (1397/2018). "Tahlil-e nešāne-šenāxti-ye tambr-hā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (1357 – 1389); Gozār az nešāne-hā-ye siyāsi be nešāne-hā-ye ejtemāee" (Semiotic analysis of stamps of the Islamic Re-

- public of Iran (1979-2001); Transition from political to social signs). *Tehqiqāt-e Farhangi-ye Irān* (Journal of Iranian Cultural Research) (JICR), *11*(4), series no. 44, pp. 141 – 174. [Persian]
- Shirdel, Hossein. (1381/2002). “Tambr, resāne-hā-ye bedune marz” (Stamps, media without borders). *Rošd-e Āmuzeš-e Honar*, *1*, pp. 17 – 18. [Persian]
- Youzbashi, Atiyeh; & Rajabi, Vahid. (1397/2018). “Barresi-ye mowzu‘ mazmun va tarkib-bandi-ye tambr-hā-ye dowre-ye Jomhuri-ye Eslāmi az majmu‘e-ye ehdāyi-ye Mahmud Kāzemi mahfuz dar Ketābxāneh va Muze-ye Melli-ye Malek” (Mahmoud Kazemi’s collection of stamps at Malek Museum: Subjects, themes, and design). *Ganjine-ye Asnād*, *28*(2), pp. 106-131. [Persian]
- Zahedi Tir, Asghar; & Amin Naji, Mohammad Hadi. (1398/2019). “Barresi-ye mafhum-e moqāvemāt bā ruykard-e ejtemāee dar āyāt-e Qor’ān” (A study of the meaning of “resistance” with a social approach in the Quranic verses). *Motāle’āt-e Tafsiri* (Journal of the Holy Quran and Islamic Texts), *38*, pp. 221 – 236. [Persian] Dissertations
- Adel, Fatemeh. (1387/2008). “*Barresi-ye mazmun va mohtavā dar tasvīr-sāzi-ye tambr-hā-ye Irān bā šoru’-e enqelāb-e eslāmi*” (A study of theme and content in the illustration of Iranian stamps with the beginning of the Islamic Revolution). [Masters’ thesis in Illustration]. Dānešgāh-e Šahed (Shahed University), Dāneškade-ye Honar (Faculty of Art). [Persian]
- Golrang, Amir Kasra. (1389/2010). “*Motāle’e-ye tatbiqi-ye tambr-hā-ye boluk-e yādegāri dar Irān va Engeleštān*” (A comparative study of commemorative block stamps in Iran and England). [Masters’ thesis in Illustration]. Dānešgāh-e Šahed (Shahed University), Dāneškade-ye Honar (Faculty of Art). [Persian]
- Online sources**
- Khamenei, Seyyed Ali. (1389/2010). Dafter-e Hefz va Našr-e Āsār-e Hazrat-e Āyatollāh-ol-‘Ozmā Seyyed ‘Ali-ye Xāmenēee (The Office for the Preservation and Publication of the Works of the Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei). “Payām be hojjā’-e Beitol-lāhel-Harām 1401/4/17 SH” (Current situation is readier than ever

for Muslims to attain elixirs of “unity” & “spirituality”, on July 8th, 2022). Retrieved on 1403/3/3 SH / 23 May 2024, from <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=50597>. [Persian]

Designing a Balanced Strategic Management Model in the National Archives of Iran

Anahita Nazari¹ | Seyed Reza Salehi Amiri²
Mohsen Ghadami³ | Fatemeh Azizabadi Farahani⁴

Abstract

Purpose: The aim of this research is designing a strategic management model based on organizational balance for the National Archives of Iran.

Method and Research Design: The research is applied in purpose, exploratory in nature, and employs a mixed-method (qualitative-quantitative) design. In data gathering, it is descriptive-correlational in design. The qualitative sample consisted of 15 academic and professional managerial experts, selected according to theoretical saturation. In the quantitative phase, a sample of 320 experts of the National Library and Archives of Iran was selected using stratified random cluster sampling. Thematic analysis was used to extract and classify the model in terms of basic, organizing, and global themes derived from interviews and literature, coded using MAXQDA 2018 software in the qualitative stage. Quantitative data were analyzed using one-sample t-tests, confirmatory factor analysis (CFA), and structural equation modeling (SEM) with the assistance of SPSS v21, Smart PLS v2, and LISREL v8 software.

Findings and Conclusion: Qualitative analysis identified 68 indicators, 18 components, and 5 large dimensions of balanced strategic management: Innovation, Interactive Culture, Business System Re-creation, Knowledge Management, and Leadership. The model developed demonstrates an interactive cycle with Innovation at the hub and as a priority. Among the 18 components, "Processes," "Knowledge Dissemination," "Economic and Profitability Understanding," "Two-Way Learning," and "Entrepreneurial Processes" were priorities within their respective dimensions. The proposed model is a balanced, circular strategic management pattern in the National Archives of Iran, with an innovation priority and interdependence of the principal organizational dimensions.

Keywords: Balanced Strategic Management; Innovation; Interactive Culture; Business System Re-creation.

Citation: Nazari, A. , Salehi Amiri, R. , Ghadami, M. and Azizabadi Farahani, F. (2024). Designing a Balanced Strategic Management Model in the National Archives of Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 156-190| doi: 10.30484/ganj.2024.3198

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student in Cultural management and planning, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
nazari.anahita@gmail.com
 2. Associate Professor, Department of Cultural Management and Media Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
salehiamiri@gmail.com
 3. Professor, Department of Cultural Management and Media Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
ghadami@srbiau.ac
 4. Associate Professor, Department of Cultural Management and Media Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
azizabadifarahani1348@gmail.com
- Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3198

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 156 -190 (35) | Received: 7, Jun. 2023 | Accepted: 19, Nov. 2024

Archival research



طراحی مدل «مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی» در آرشیو ملی ایران

آناهیتا نظری^۱ | سیدرضا صالحی امیری^۲
محسن قدمی^۳ | فاطمه عزیزآبادی فراهانی^۴

چکیده:

هدف: ارائه مدلی برای مدیریت راهبردی در آرشیو ملی ایران با رویکرد تعادل سازمانی است.

روش‌شناسی: روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی است و برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی است و برحسب روش گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری در بخش کیفی شامل ۱۵ نفر از نخبگان علمی و تجربی حوزه مدیریت است که با در نظر گرفتن قانون اشباع، انتخاب شده‌اند. در بخش کمی نیز براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه ۳۲۰ نفر از متخصصان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انتخاب شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی بر مبنای تحلیل مضمون و کدگذاری نظری است. در ابتدا با استفاده از ادبیات، پیشینه و متون مصاحبه، شبکه مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، استخراج و مقوله‌بندی شد و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی ای ۲۰۱۸ (MAXQDA ۲۰۱۸) کدگذاری شد. در ادامه برای تأیید شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد و اولویت‌بندی آن‌ها و سپس ارائه مدل و اعتبارسنجی مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو ملی ایران، از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، تحلیل عاملی تأییدی و t تک‌نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (Lisre) و اسمارت پی. ال. اس (Smart PLS) استفاده شد.

یافته‌ها: از نتایج به دست آمده از تحلیل کیفی داده‌ها، ۶۸ شاخص و ۱۸ مؤلفه ذیل ۵ بعد اصلی با نام‌های «نوآوری»، «فرهنگ تعاملی»، «بازآفرینی نظام کسب و کار»، «مدیریت دانایی» و «رهبری» برای مدل مدیریت راهبردی متعادل شناسایی شده‌اند. مدل راهبردی ارائه شده برای آرشیو ملی ایران چرخه‌ای تعاملی دارد و از بین ابعاد آن، بعد نوآوری در اولویت اول و رأس چرخه قرار گرفته است. از بین ۱۸ مؤلفه نیز «فرایندها»، «انتشار دانایی»، «درک اقتصادی و سودآوری»، «یادگیری دوسویه» و «فرایندهای کارآفرینی» هر کدام در بعد خود دارای اولویت اول هستند.

واژگان کلیدی: مدیریت راهبردی متعادل؛ نوآوری؛ فرهنگ تعاملی؛ بازآفرینی نظام کسب و کار؛ مدیریت دانایی؛ رهبری؛ آرشیو ملی ایران.

استناد: نظری، آناهیتا، صالحی امیری، سیدرضا، قدمی، محسن و عزیزآبادی فراهانی، فاطمه. (۱۴۰۳). طراحی مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو ملی ایران. گنجینه اسناد، ۳۴(۴)، ۱۵۶-۱۹۰ | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۹۸ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۹۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی
فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران

nazari.anahita@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مدیریت فرهنگی و مدیریت
رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

salehiamiri@gmail.com

۳. استاد، گروه مدیریت فرهنگی و مدیریت
رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران

gadami@srbiau.ac

۴. دانشیار، گروه مدیریت فرهنگی و مدیریت
رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران

azizabadifarahani1348@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۹۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۱۵۶-۱۹۰ (۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۹

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

امروزه تحولات عصر اقتصاد نوآوری موجب تغییرات چشم‌گیری در چشم‌انداز جهانی، پیشرفت‌های فناورانه و افزایش پیچیدگی محیط شده‌است. این تغییرات بر رویکردها و شیوه‌های مدیریت راهبردی سازمان‌ها تأثیرگذار بوده‌است. استپتو وارن^۱، هوات و هیوم (۲۰۱۱) نگرانی‌های دائمی مدیران ارشد سازمان‌ها در مواجهه با کاربرد الزامات مدیریت راهبردی را رویارویی با محیط‌های پویا و متغیر، و تشخیص تغییر، دنبال کردن آن و قابل‌پیش‌بینی نبودن پیامدهای تغییر دانسته‌اند. در عصر صنعتی (۱۹۵۰-۲۰۰۰) تمرکز رویکردهای سنتی مدیریت راهبردی بر مزیت رقابتی استوار بود و با تکیه بر منطق و دوره‌های پایداری و ترکیبی از تحلیل، تجربه و بینش به پیش‌بینی صحیح آینده و محیط و در نهایت تجویز راهبردها پرداخته می‌شد. در نتیجه سازمان‌ها اغلب به نتایجی بیش از پیشرفت حاصل از تقلید و نوآوری در محیطی منظم و پایدار نمی‌رسیدند و از اصل نوآوری و «نابودی خلاق»^۲ بازمی‌ماندند. پرواضح است که داشتن نگرش سنتی در عصر نوآوری و پویای نوین، نتیجه‌ای جز فاجعه‌ای تدریجی برای سازمان‌ها به‌همراه نخواهد داشت (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۱۳۰). پس از ورود به عصر فراصنعتی و اقتصاد نوآوری در قرن ۲۱ چالش حیاتی مدیریت راهبردی این شد که سازمان‌ها چگونه می‌توانند در بازار غیرقابل‌پیش‌بینی رقابت جهانی خود را تغییر و تطبیق دهند و خلاق و نوآور شوند (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۲۸)؛ بنابراین تغییر نگرشی با تمرکز بر تعادل سازمانی و الزاماتی مبتنی بر نوآوری و تأثیر آن بر خلق، جذب و استمرار ارزش، پیش‌بینی محیط بازار جهانی، بازآفرینی نظام کسب‌وکار، مدیریت دانایی از طریق شبکه‌سازی هوشمند و یادگیری دوسویه در سازمان‌ها به‌وجود آمد. این رویکرد نوین بانام مدیریت راهبردی متعادل^۳ و کاربرد هم‌زمان چندین مدل کسب‌وکار مطرح شد (تاشمن^۴، ۱۹۹۶، ص ۲۹). حال با توجه به اهمیت کاربرد رویکرد نوین مدیریت راهبردی در سازمان‌ها، اگر بخواهیم ابعاد حاکم بر سازمان‌هایی هم‌چون آرشیوها را براساس برنامه‌های راهبردی آن‌ها در قرن ۲۱، بررسی کنیم خواهیم دید که اکثر این نهادها برای تطابق با تغییرات محیط جهانی، بر مقوله‌هایی چون توانمندسازی، خودسازمان‌دهی، توسعه روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، همکاری در شبکه‌های کاری گروهی، نوآوری، و ارزش‌آفرینی برای ذی‌نفعان تمرکز داشته‌اند. از مصادیق آن در برنامه راهبردی شورای بین‌المللی آرشیو (ایکا، ۲۰۲۱-۲۰۲۴)^۵ و نگرش حسن همکاری، مسئولیت‌پذیری، شفاف‌سازی و فرهنگ بین آرشیوها، آرشیوداران و متخصصان آرشیوی مطرح است. بازآفرینی زنجیره ارزش اطلاعات از خلق تا دسترسی، پاسخگویی و شفافیت، ایجاد پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری

1. Steptoe-Warren

۲. نظریه شومپتر (۱۹۷۴) با عنوان تخریب خلاق، نوعی دگرگونی یا تحول درونزا است که برای حفظ پویایی و افزایش بهره‌وری، و از طریق از بین بردن رویه‌ها و رفتارهای قدیمی و ایجاد رویه‌های جدید در دوران افول چرخه عمر محصول، بنگاه یا صنعت رخ می‌دهد (Legrand & Hagemann, ۲۰۱۷، نقل در نظری و همکاران، ۱۴۰۰).

2. Balanced strategic Management

3. Trushman

4. "EMPOWERING ARCHIVES AND THE PROFESSION 2021-2024"

اطلاعات و سازوکارهای تعاملی شبکه‌ای و مشارکتی، بهره‌گیری از ظرفیت همکاری داوطلبانه در سطح جهان از نمونه‌محورهای راهبردی این نهاد بین‌المللی است. تغییر جهت‌گیری‌های کتاب‌خانه و آرشیو ملی کانادا (۲۰۰۶)^۱ بر نقش پیش‌گامی رهبری مدیریت اطلاعات و دانش، تمرکز بارز بر مشتری‌مداری، جامعه‌محوری دسترسی به منابع، ایجاد سامانه یکپارچه هوشمند، انعطاف‌پذیری، پویایی، تشکیل کارگروه‌های چندرشته‌ای، شناخته‌شدن و ویژگی‌ها، مدیریت ریسک، ادراکات محیطی، تحلیل ذی‌نفعان، یکپارچه‌سازی کارکردها، ترویج فرهنگ باز و یادگیری، مدیریت دانش و همکاری شبکه‌ای با سایر نهادها تأکید دارد. ابعاد برنامه‌های راهبردی آرشیو ملی استرالیا (۲۰۲۲)^۳ نیز بر ارزش‌های رهبری، نوآوری، برتری خدمات، تعهد و همکاری استوار است و چشم‌اندازی مبتنی بر پیش‌گامی جهانی در عصر رقمی با چند نمونه راهبرد در راستای برتری خدمات موردنیاز مشتریان، شرکا و مردم، رهبری خط‌مشی مدیریت اطلاعات در سطح ملی، تحول رقمی، تعامل خلاق عمومی در سطح ملی و بین‌المللی از مشخصه‌های آن است. آرشیو ملی آمریکا (۲۰۱۸)^۴ اساس برنامه راهبردی خود را بر سه ارزش همکاری، نوآوری و یادگیری قرار داده است و مقوله‌هایی مانند دسترسی باز به اطلاعات دولتی، محتوای مشتری‌مدار، حداکثرسازی ارزش ملی، و مشارکت عمومی مردم در ساخت آینده را مدنظر دارد.

آرشیو ملی ایران (سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران) نیز به‌عنوان نهادی دانش‌بنیان با جایگاه مرجعیت میراث مکتوب و مستند بین سازمان‌های همپای خود در ایران، از ظرفیت زیادی برای نقش راهبری در سطح ملی و فراملی برخوردار است. آشکال مستند ۳ برنامه راهبردی سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ تدوین شده است بر مدل‌های برنامه‌ریزی قرن ۲۰ استوار است که لزوم همگامی جهانی با تحولات حوزه آرشیوها، اهمیت و ضرورت سوق ابعاد و مؤلفه‌های حاصل از مدیریت راهبردی سنتی به مدیریت راهبردی متعادل را دوچندان می‌سازد. از این مسیر می‌توان به‌طور مستمر این سازمان را با قابلیت‌های عصر نوآوری و محیط پویای امروزی تطبیق داد و موفقیت آن را تضمین کرد؛ بنابراین هدف آرمانی پژوهش حاضر تغییر جهت‌گیری مدیریت راهبردی از تفکر سنتی به رویکرد متعادل‌سازی برای حفظ پویایی و افزایش انرژی سازمانی، استفاده همه‌جانبه از ظرفیت‌های نوآوری و توانمندسازی منابع سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران در محیطی متغیر است. اهداف کلی و فرعی پژوهش حاضر تطبیق و بررسی مبانی مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی و طراحی مدل مدیریت راهبردی در آرشیو ملی ایران از طریق شناسایی و تعیین ضریب اولویت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های موردنیاز در آرشیو ملی است. در این راستا پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

https://www.ica.org/sites/default/files/ga_2020-7a_strategic_review_.pdf

1. "LAC; Directions for Change". <http://www.collectionscanada.gc.ca/obj/12016/f2/12016-1000-e.pdf>

2. Brand
3. National Archives of Australia. (2022). "Strategy 2030: a transformed and trusted National Archives". <https://www.naa.gov.au/about-us/who-we-are/accountability-and-reporting/strategy-2030-transformed-and-trusted-national-archives#our-values>

4. "NATIONAL ARCHIVES and RECORDS ADMINISTRATION. (2018). "2018-2022 Strategic Plan". <https://www.archives.gov/files/about/plans-reports/strategic-plan/2018-strategic-plan-2018-2022.pdf>



پرسش اصلی: طراحی مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران چگونه است؟

پرسش‌های فرعی: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران کدام‌اند؟

ضریب اولویت ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران چگونه است؟

مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران چگونه است؟

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی)

آرشیو ملی ایران: در مفهوم به سازمان اسناد ملی ایران اشاره دارد؛ ولی در این پژوهش منظور سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمانی واحد و یکپارچه با جایگاه مرجعیت آرشیو میراث مستند و مکتوب کشور است.

مدیریت راهبردی: مدیریت راهبردی، جریانی از رهنمودها و جهت‌گیری‌ها برای تصمیم‌گیری با نگاهی توسعه‌ای به برنامه‌های مؤثر بلندمدت و کوتاه‌مدت سازمان است (Hiriyappa, 2018). در این پژوهش منظور از مدیریت راهبردی، اصول و الزاماتی است که پیش از تصمیمات مربوط به فرایند برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و با رویکرد تعادل سازمانی در نظر گرفته می‌شود.

مدیریت راهبردی متعادل: در مفهوم به کاربرد چندین مدل کسب‌وکار برای نوآوری ارزش گسسته و پیوسته در شبکه‌های کسب‌وکار جمعی و گروهی گفته می‌شود که میزان سوددهی سنتی را برای بقا و موفقیت سازمان افزایش می‌دهد (داونپورت، لیلد و ولپل، ۲۰۰۶، ص ۱۷۴). در این پژوهش منظور، مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی است که براساس نظریه داونپورت، لیلد و ولپل (۲۰۰۶) و در ۵ بُعد «رهبری»، «بازآفرینی نظام کسب‌وکار»، «مدیریت دانایی»، «نوآوری»، و «فرهنگ تعاملی (باز)» در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد.

رهبری: مفهوم رهبری به هدایت افراد به مؤثرترین و کارآمدترین شیوه برای استفاده از توانایی‌ها و مهارت‌هایشان در جهت دستیابی به اهداف سازمان اشاره دارد (هانگر و ویلن، ۱۴۰۰، ص ۳۰۵). در این پژوهش مفهوم رهبری به ویژگی‌های شخصیتی، مهارتی و دانشی سطوح مختلف مدیران سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدیریت راهبردی متعادل معطوف است.



فرهنگ تعاملی: در مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی، به جای سعی بر ایجاد فرهنگ سازمانی مشترک بین کارکنان بر ایجاد ارزش و بینش مشترک بین کارکنان سعی می شود که از تعامل پنج بُعد «زیرساخت های نظام اطلاعاتی»، «مالکیت معنوی»، «یادگیری فردی و سازمانی»، «دانایی»، و «نوآوری» حاصل می شود (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۷۸). در این پژوهش منظور از فرهنگ تعاملی فرهنگی است که بین کارکنان سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با هدف تغییر نگرش رقابتی به سوی بینش ارزش آفرینی برای ذی نفعان و براساس پذیرش تغییر و ترویج نوآوری و انتشار دانایی ایجاد می شود.

نوآوری: نوآوری در مفهوم، خلق و پیاده سازی ایده ها و ساختارهای جدید مرتبط با بازاریابی، محصول، خدمات، فرایند، و حتی نوآوری سازمانی برای ایجاد ارزش برای مشتری و کارکنان است (کوستا و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۲۱). در این پژوهش منظور از نوآوری، بازتعاملی برای ایجاد خلاقیت در خدمات و محصولات، فناوری و ساختار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است.

بازآفرینی نظام کسب و کار: مفهوم نظام کسب و کار کاربرد راهبردهای گوناگونی است که یک سازمان به عنوان یک کل یکپارچه دنبال می کند تا به مزیت رقابتی دست یابد. بازآفرینی کسب و کار به فرایند سازمان دهی مجدد و بیرون آمدن از واحدهای کسب و کار و صنایع فعلی با هدف تمرکز دوباره بر کسب و کار اصلی سازمان و بازسازی شایستگی های متمایز آن گفته می شود (هیل و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۳۰). در این پژوهش منظور از نظام کسب و کار، بازآفرینی زنجیره ارزش، درک اقتصادی، و منافع ذی نفعان با تکیه بر فناوری های هوشمند در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است.

مدیریت دانایی: دستیابی، اشتراک، و گسترش دانش مربوط به ذی نفعان است که براساس تعامل ذی نفعان با سازمان و یادگیری تیمی و گروه های تخصصی شکل می گیرد (لیبولد، پروبت، گیرت، ۱۳۹۱، ص ۳۱۴). مدیریت دانایی در این پژوهش با رویکرد ایجاد ارزش برای ذی نفعان عبارت است از روان سازی جریان اطلاعات، ایجاد شبکه های پویا و زنده، و یادگیری دوسویه بین کارکنان به عنوان ذی نفعان داخلی که در تعامل با ذی نفعان خارجی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران محقق می شود.

۲. چارچوب نظری پژوهش

مدیریت راهبردی متعادل

رویکرد نوین مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی، بر دامنه مهارت های گوناگون، ظرفیت های دوگانه، توانمندی در نوگستگی (انرژی زایی مثبت)، و هم چنین ایجاد تغییرات



پویا تأکید دارد. مدیریت راهبردی متعادل، هم در بخش مغزافزایی آن در قالب تفکر راهبردی یعنی خلق مدل‌های ذهنی جدید، رسیدن به موضوعات راهبردی و شکل‌دهی به آن‌ها و هم در بخش سخت‌افزاری و عملیاتی‌سازی راهبردها یعنی تعیین فرایندهای انجام کار و فعالیت‌ها و ابزارهای مناسب معنا پیدا کرده‌است (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۱۷). تفاوت بین رویکردهای نوین مدیریت راهبردی با سنتی در این است که در نظریه‌های نوین به‌جای پرداختن به فرایندها و روش‌شناسی، به آماده‌سازی ذهن راهبردی انسان‌ها توجه می‌شود. برنامه‌ریزی سازمان‌ها از برنامه‌ریزی خطی به برنامه‌ریزی غیرخطی و پیچیده مبتنی بر خلق ارزش در مرز سازمان تبدیل شده‌است (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۱۳۸). در این رویکردها ابزاری خاص برای برنامه‌ریزی راهبردی ارائه نمی‌شود؛ بلکه هدف ایجاد دیدگاهی مؤثر بین مدیران و زمینه‌سازی برای خلق راهبردهای اثربخش است. جدول ۱ تفاوت نگرش تفکرات راهبردی سنتی و نوین را نشان می‌دهد.

عناصر اصلی	نگرش نوآوری مبتنی بر ارزش/ خدمات	تفکرات سنتی مبتنی بر تولید کالا
پیش شرط‌های صنعت	شرایط خودجوش صنعت	شرایط از قبل تعیین شده صنعت
کالاها	تعامل کارکنان برای تولید ارزش/ خدمات (آثار خودجوش فکری)	تعامل کارکنان برای تولید کالا (آثار منابع فیزیکی)
مشتری	تولید مشترک ارزش، خدمات عملکرد فردی و نیازهای مشتری	تبادل متقابل کالا، بخش‌بندی‌های بازار
ارزش	منابع فکری، تعاملی با مشتری	منابع فیزیکی، توسط تولیدکننده
قابلیت‌ها	هم‌افزایی قابلیت‌های جاری و بالقوه سازمانی	افزایش قابلیت‌های جاری سازمان
رقابت	بازآفرینی ارزش به جای رقابت	بهره‌وری بیشتر/ پیروزی در رقابت
محدوده و مرزهای سازمانی	سازمان منعطف، پویا، ارتباطات متقابل بین بازار و شبکه، نظام‌های بازتعاملی	سازمان ثابت و متکی بر داده‌های آماری با نظام‌های بسته
نوآوری	افزایشی (تولید، فرایند)	ناپوستگی (ارزش، مدل‌های کسب و کار، فرایندها)
نظام‌ها و وظایف	بازتعاملی با تمرکز بر نظام‌های ارزشی داخلی و خارجی	بسته و کنترلی با تمرکز بر زنجیره ارزش داخلی

جدول ۱

مقایسه نگرشی و تفکرات راهبردی سنتی و نوین (داونپورت، لیبلد، ولپل، ۲۰۰۶، ص ۱۳۰)



الزامات و ابعاد مدیریت راهبردی متعادل

داونپورت، لیلد و ولپل (۲۰۰۶) معتقدند که سازمان‌ها برای حفظ بقای خود در عصر پویا و متغیر امروزی به استفاده هم‌زمان از راهبرد نوآوری پیوسته یا افزایشی و گسسته یا ناگهانی نیازمندند. دانش و نوآوری خلق ارزش جدید، از همکاری گروهی شبکه‌های کسب‌وکار ناشی می‌شود؛ بنابراین رمز موفقیت سازمان‌ها، هم‌افزایی هوشمند شبکه‌های کاری در نوآوری ارزش و انجام وظایف درون‌سازمانی است. از الزامات و مؤلفه‌های عملیاتی سازی مدیریت راهبردی می‌توان به ادراکات محیط زیست، بازآفرینی نظام کسب‌وکار، شبکه دانایی بیرون و داخل، هم‌افزایی نوآوری‌های پیوسته و گسسته، و فرایندهای نوآوری باز اشاره کرد. جدول ۲ تطبیق رویکردهای قرن ۲۰ و قرن ۲۱ در الزامات عملیاتی سازی مدیریت راهبردی را نشان داده‌است.

گستره دوره	نظریه‌پردازان	حوزه اصلی تمرکز	ملاحظات اصلی	مفاهیم و ابزار اصلی	مبانی سازمانی و عملیاتی سازی
دهه ۵۰ و ۶۰	دراکر (۱۹۵۴)؛ چنرلر (۱۹۶۲)؛ اندروز (۱۹۶۵)	برنامه‌ریزی؛ سازمانی و بودجه‌ای (مالی)	رشد برنامه‌ریزی؛ بودجه‌بندی سرمایه‌ای و اجرایی؛ کنترل مالی	برنامه‌ریزی؛ سرمایه‌گذاری؛ بودجه‌بندی اقتصادی؛ بودجه‌بندی مالی؛ برنامه‌ریزی خطی	ساختارها و دستورالعمل‌های رسمی؛ تفوق مدیریت مالی
دهه ۷۰	میتزبرگ (۱۹۶۷)؛ نیمن و لوگان (۱۹۷۱)؛ شندر و هافر (۱۹۷۹)	متعادل سازی؛ بهینه‌سازی مجموعه‌های سازمانی و وظایف آن‌ها	متعادل سازی عملکرد مالی واحدهای خودگردان، سازمان‌ها و محصولات؛ هم‌افزایی منابع و وظایف	ماتریس‌های برنامه‌ریزی عملکرد مالی و سرمایه‌ای؛ استفاده از روش SWOT	ساختارهای چندبخشی؛ مدیریت تنوع و تحول؛ تلاش برای رشد سهم بازار
دهه ۸۰	پورتر (۱۹۸۰)؛ دیوید (۱۹۸۰)؛ جونز و دیگران (۱۹۸۱)	موقعیت‌یابی؛ انطباق و متناسب سازی صنایع بازار و سازمان‌ها	انتخاب صنایع و بازارها و جابجایی خود در درون آن‌ها؛ انطباق و متناسب کردن خود با محیط	تجزیه و تحلیل صنعت (مدل ۵ قوه‌ای)؛ پورتر: «خریدار»، «تأمین کننده»، «رقبای بالقوه»، «تولید جایگزین»؛ تجزیه و تحلیل رقیب؛ تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش؛ تجزیه و تحلیل صنعت ناشی از توجه به استراتژی بازار	ساختاردهی مجدد صنعت؛ نحوه شکل‌دهی زنجیره ارزش؛ ارزش‌یابی و سنجش موقعیتیابی

جدول ۲

تطبیق الزامات مدیریت راهبردی سنتی و نوین



گستره دوره	نظریه پردازان	حوزه اصلی تمرکز	ملاحظات اصلی	مفاهیم و ابزار اصلی	مبانی سازمانی و عملیاتی سازی
دهه ۹۰	آنسوف (۱۹۹۰)؛ آرمسترانگ (۱۹۹۲)؛ هامل (۱۹۹۸)؛ مینتزبرگ (۱۹۹۴)	منابع و قابلیت ها: دیدگاه مبتنی بر مدیریت منابع برای نیل به برتری رقابتی	جست و جوی منابع؛ نیل به برتری رقابتی در درون سازمان؛ بازتاب به موقع به ماورای محدوده رقابت فعلی	تجزیه و تحلیل منابع؛ تجزیه و تحلیل توانمندی های اصلی؛ تجزیه و تحلیل قابلیت ها؛ مهندسی مجدد فرایندهای سازمانی؛ نظام ارزیابی متعادل سازمانی؛ مدیریت کیفیت جامع	ساختاردهی مجدد توانمندی های منابع کلیدی؛ تمرکز بر ایجاد توانمندی های اساسی؛ برون سپاری؛ اتحادهای سازمانی و تخصصی
آغاز هزاره سوم	داوونپورت، ولپل، لیبیل، (۲۰۰۶)؛ چسبرو (۲۰۰۶)	تبادل سازمانی: نوآوری ارزش ها در قالب مدل های متعدد کسب و کار	نوآوری جدید ارزشی فی مابین شبکه های مشارکتی سازمان؛ مقایسه عملکرد سنتی و نوین؛ جوان سازی و نوسازی	ادراکات محیط زیست سازمانی؛ بازآفرینی نظام کسب و کار؛ شبکه دانایی بیرون و داخل؛ هم افزایی نوآوری های پیوسته و گسسته؛ فرایندهای نوآوری باز؛ جامع نگری و کل نگری؛ ابزار ادراکات سازمانی	توانمندسازی شبکه کسب و کار؛ انگیزه های خود سازمان دهی؛ توانمندسازی برای ایجاد همبستگی؛ قابلیت های ادراکی؛ ساختار درونی و بیرونی

ادامه جدول ۲

تطبیق الزامات مدیریت راهبردی سنتی و نوین

همان طور که در جدول ۲ مشخص است براساس نظر داوونپورت، ولپل، لیبیل (۲۰۰۶)، ولپل^۱، لیبیل و دیگران (۲۰۰۵) و چسبرو (۲۰۰۶)، تمرکز اصلی مدیریت راهبردی دهه سوم قرن ۲۱ بر تعادل سازمانی است. براین اساس و در بررسی سایر نظریه ها ۵ بعد ۱. بازآفرینی نظام کسب و کار؛ ۲. نوآوری؛ ۳. مدیریت دانایی؛ ۴. رهبری؛ و ۵. فرهنگ تعاملی؛ مبنای مدل مدیریت راهبردی متعادل در نظر گرفته شده اند.

۳. پیشینه پژوهش

در بررسی موضوع پژوهش حاضر مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به آن ها پرداخته می شود.

1. Voelpel



که زادی طه‌نه و دیگران (۱۴۰۲) در پژوهشی «اعتبارسنجی الگوی مؤلفه‌های مدیریت راهبردی کتابخانه‌های عمومی ایران» را به‌روش دلفی انجام داده‌اند. جامعه آماری پژوهش را ۲۰ نفر از خبرگان گروه مدیریت راهبردی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی تشکیل داده‌اند و نمونه پژوهش به‌روش هدفمند انتخاب شده‌است. نتایج حاصل از اعتباریابی الگوی راهبردی حاصل از معادلات ساختاری نشان داد که در تدوین راهبردها، «نوع خدمات و منابع؛ ابعاد سیاسی، قانونی و دولت؛ هم‌سویی فرهنگ سازمانی با راهبردهای تدوین‌شده؛ و حمایت راهبردها از محصولات فرهنگی خاص جامعه» بیشترین بار عاملی را دارند و از اهمیت زیادی برخوردارند. هم‌چنین برای شاخص اجرای راهبرد، گویۀ تبلیغات محصولات/خدمات کتابخانه برای جذب کاربران جدید، و برای شاخص مسائل مدیریت، گویۀ پاداش‌ها و افزایش حقوق با توجه به عملکرد کارکنان کتابخانه بیشترین بار عاملی را دارند. در مؤلفه‌های کنترل و ارزیابی برنامه‌های راهبردی نیز هماهنگی برنامه‌های راهبردی تعیین‌شده و اجراشده با محیط عملیاتی کتابخانه بیشترین بار عاملی را دارد و در بالاترین سطح تأثیر از سایر مؤلفه‌هاست. این موارد در مدیریت راهبردی کتابخانه‌ها در مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی راهبرد اهمیت زیادی دارند.

برادران، فراحی، و آبادی‌خواه (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل مدیریت استراتژیک در دانشگاه فردوسی مشهد با استفاده از تئوری داده بنیاد» برای پیاده‌سازی مدیریت راهبردی در نظام آموزشی دانشگاه الگویی ارائه داده‌اند. جامعه مورد مطالعه، اعضای هیئت علمی متخصص در بحث مدیریت راهبردی و هم‌چنین مدیران باتجربه دانشگاه فردوسی است که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (گلولۀ برفی) انتخاب شده‌اند. در این پژوهش نتیجه یافته‌های کیفی با کدگذاری داده‌های گردآوری‌شده به شیوه‌های مختلف مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و با نرم‌افزار Maxqda تحلیل شد و ۱۶۸ مفهوم و ۱۳ مقوله، در قالب مدل پارادایمی مدیریت راهبردی شناسایی شدند؛ که عبارت‌اند از: عوامل درون‌دانشگاهی و عوامل برون‌دانشگاهی به‌عنوان شرایط علی؛ راهبردهای فرایندی و ساختاری؛ توسعه مدیریت و منابع انسانی؛ رهبری و سبک مدیریت؛ سیستم‌های کنترل؛ نظام مدیریت دانش و اطلاعات؛ رویکرد نوآوری محوری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ عامل محیطی دولت و دسترسی منابع به‌عنوان عوامل زمینه‌ای؛ و پیامد اقتصادی، پیامد اجتماعی و پیامد فرهنگی برای ارتقاء جایگاه دانشگاه به‌عنوان پیامدهای نظام مدیریت راهبردی شناسایی شده‌اند.

خسروی، حسینی، و مهاجراندر پژوهشی با عنوان «تدوین مدل راهبردی مدیریت آموزش عالی با تأکید بر حکم‌رانی» در قالب ۲۵ مقولۀ اصلی و ۸۲ متغیر شامل جذب و به‌کارگیری دانش‌آموختگان به‌عنوان هسته یا مقولۀ اصلی مدل؛ متغیرهای علی (عوامل

سازمانی، عوامل فراسازمانی، آمادگی برای جذب و به کارگیری کارکنانی با شایستگی های درون فردی، شایستگی های شخصی، و شایستگی های کارآفرینی؛ متغیرهای زمینه ای (زمینه کاری، اسناد بالادستی)؛ شرایط مداخله گر (فرهنگ اشتغال زایی، پایداری سیستم های موجود کشف استعدادها، مسئولیت پذیری)؛ مقولات راهبردی (نهادینه سازی سیستم مدیریت استعداد کارآفرینانه، طراحی فرایند مدیریت استعداد کارآفرینانه چندگانه و طراحی نظام تخصیص منابع)؛ و نهایتاً مقولات پیامدی (اشتغال زایی، ارزش آفرینی، و مزیت رقابتی چندگانه، ایجاد تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی) را بررسی کرده اند.

رهگذار، قدمی، و صالحی امیری (۱۳۹۷) در پژوهشی «روش شناسی میزان ارتباط بین مدیریت استراتژیک فرهنگی با مؤلفه های هفت گانه سرمایه گذاری و اقتصاد نوآوری براساس نظریه داونپورت» را بررسی کرده اند. حداکثر برون سپاری، ارائه خدمات جایگزین براساس نیاز مشتری، سازمان دهی براساس محتوا، ساختارهای بدون مرز و فرایند، زیربنای بازار، انتخاب های زیاد، ایجاد تفاوت بین محتوا، اجرا و ارزش افزوده نظام ارزشی، سینرژی فزاینده، تمرکز بر منابع ناملموس فکری، معنوی، انسانی و فناوری، و بازگشت فزاینده، به عنوان مؤلفه های نوآوری در نظر گرفته شده اند و میزان همبستگی آنها با مدیریت استراتژیک فرهنگی سنجیده شده است.

سوجیونو و هپسری (۲۰۱۶) در پژوهش «مدل جدید مدیریت راهبردی در عصر اقتصاد دانش و نوآوری شبکه ای»، فرایند مدیریت راهبردی را از طریق مطالعه پیشینه و ادبیات و با در نظر گرفتن الزامات ۸ عامل بررسی کرده اند که عبارت اند از: زیرساخت های جهانی جدید برای خلق ثروت؛ منبع جدید ارزش؛ مالکیت جدید ثروت؛ مدل ها و مؤسسات آموزشی جدید؛ مدل های کسب و کار جدید؛ مشتریان توانمند؛ بهره برداری از زنجیره های عرضه و تقاضای جهانی؛ و ساختارهای حکومتی جدید. نتایج این پژوهش نشان می دهد که براساس مدل مدیریت راهبردی داونپورت و همکارانش (۲۰۰۶) توسعه دانش، نوآوری، و یادگیری اهمیت ویژه ای دارد.

خلفان زهران الهیجی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مدل مدیریت راهبردی برای کتابخانه های دانشگاهی» با هدف طراحی مدل، از روش کیفی شامل تحلیل محتوا و مصاحبه استفاده کرده است. در پی بررسی مدل های مدیریت راهبردی نشان داده شد که این مدل ها فاقد عناصر مهم و مورد نیاز کتابخانه های دانشگاهی برای پیوند راهبردهای خود به چشم اندازها و اهداف کلی مؤسسات مادر هستند؛ بنابراین در مدل پژوهش از سه مرحله اصلی پیش برنامه ریزی؛ برنامه ریزی؛ و پس از برنامه ریزی استفاده شده است. مرحله اول با ارائه مهارت ها و دانش مدیریت راهبردی به گروه یا کمیته برنامه ریزی آغاز می شود.

مرحله دوم از طریق تحقق دو جزء یعنی تدوین و اجرای راهبرد حاصل شده است و مرحله آخر مربوط به فرایند ارزیابی راهبردی است تا اطمینان حاصل شود که کیفیت خدمات ارائه شده و عملکرد تمام واحدها و کارکنان کتابخانه با چشم انداز و اهداف کتابخانه سازگار است و با اهداف کلی مادر هم سو است.

چین-چیه و جانسن^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «الزامات مدیریت راهبردی و طراحی مدل کسب و کار در ادارات دولتی و عمومی» موفقیت راهبردهای عمومی را تحت تأثیر ایجاد روابط علت و معلولی بین اهداف راهبردی، برنامه های عملیاتی عملکرد، و همچنین ایجاد نظام های خدماتی کارآمد و مؤثر، مدل های کسب و کار، و فرایندهای عملیاتی بیان کرده اند. آن ها همچنین وظیفه راهبردی مرکزی، طراحی مدل کسب و کار با هدف به تصویر کشیدن روابط ساختاری و تعاملات میان سازه های کسب و کارها مانند ارزش ها، سهامداران، خدمات، فرایندها، منابع، فعالیت ها و سازوکارهایی برای اطمینان از اثربخشی و عملکرد راهبردی دولت و مدیریت دولتی برای ارائه موفقیت آمیز خدمات دولت الکترونیک، دولت موبایلی و دولت متصل را از الزامات مدل راهبردی معرفی کرده اند.

تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات بررسی شده، بهره گیری از ادبیات نوین مدیریت راهبردی به جای ادبیات سنتی قرن ۲۰ است تا از برآیند مقایسه تطبیقی ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی براساس نظریه داونپورت و همکارانش (۲۰۰۶)، ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو ملی را ارائه دهد.

۴. روش شناسی پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی-توسعه ای؛ برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی- کمی) از نوع اکتشافی؛ و برحسب روش گردآوری داده ها یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-همبستگی است. برای بررسی و شناخت ابعاد و مؤلفه های مدیریت راهبردی متعادل و همچنین شاخص های تشکیل دهنده مؤلفه های آن، ابتدا ادبیات و پیشینه های مرتبط با موضوع مطالعه شد؛ سپس از مصاحبه و تحلیل محتوا به مثابه تکنیک پژوهشی استفاده شد و بر آن اساس پرسش نامه تدوین شد و در نهایت از رویکردهای کمی برای تأیید نتایج کیفی و آزمون مدل استفاده شد. روش تحلیل داده ها در بخش کیفی بر مبنای تحلیل مضمون و کدگذاری نظری است. مراحل کدگذاری مورد استفاده در این پژوهش شامل کدگذاری باز، محوری، و انتخابی است؛ در بخش کمی نیز از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش کیفی شامل ۱۵ نفر از نخبگان علمی و تجربی حوزه مدیریت راهبردی است که با روش

1. Chien-Chih & Janssen



نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع، انتخاب شده‌اند و با آن‌ها مصاحبه شده‌است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی هم، شامل متخصصان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با مدرک دکتری تخصصی یا کارشناسی ارشد، و هم‌چنین مدیران دارای تجربه کاری بیشتر از ۱۰ سال است. برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۲۰ نفر در نظر گرفته شد که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. هم‌چنین برای تعمیم‌پذیری بیشتر و جلوگیری از ریزش حجم نمونه ۳۳۰ پرسش‌نامه توزیع شد. ابزار گردآوری داده‌ها، در بخش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه‌شوندگان، برای بررسی مقدماتی از یازده پرسش استفاده شد. برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی (پرسش‌های مصاحبه)، علاوه بر استادان راهنما و مشاور، از دیدگاه‌های استادان دانشگاهی فعال در حوزه مدیریت، و صاحب‌نظران استفاده شد. هم‌چنین برای محاسبه پایایی از روش پایایی بازآزمون^۱ (روش توافق درون‌موضوعی) استفاده شد؛ که پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دوکدگذار ۷۵/۳ درصد و پایایی بین کدگذاری‌های انجام‌شده در دو فاصله زمانی ۷۱/۸ درصد به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب است. برای تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این طرح مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده، از طریق کدگذاری باز^۲ و کدگذاری محوری^۳ انجام شده‌است. برای گردآوری داده‌ها در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق‌ساخته برگرفته از کدهای حاصل از مصاحبه استفاده شد که با نظرسنجی از خبرگان تکمیل شد. روایی پرسش‌نامه از نظر صوری و محتوایی از طریق چند نفر از خبرگان تأیید شد و روایی همگرا از طریق محاسبه میانگین واریانس استخراج شد و روایی واگرا از طریق محاسبه جذر میانگین واریانس به تأیید رسید. پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ^۴ به تأیید رسید؛ زیرا این شاخص‌ها برای همه مؤلفه‌ها بیش از ۰/۷ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، تحلیل عاملی تأییدی و t تک‌نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل و اسمارت. پی. ال. اس استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

پاسخ به پرسش اول: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران کدام‌اند؟

با هدف پاسخ به پرسش فوق برای شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران، از مرور سیستماتیک پیشینه،

1. Retest
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Cronbach Alpha Method

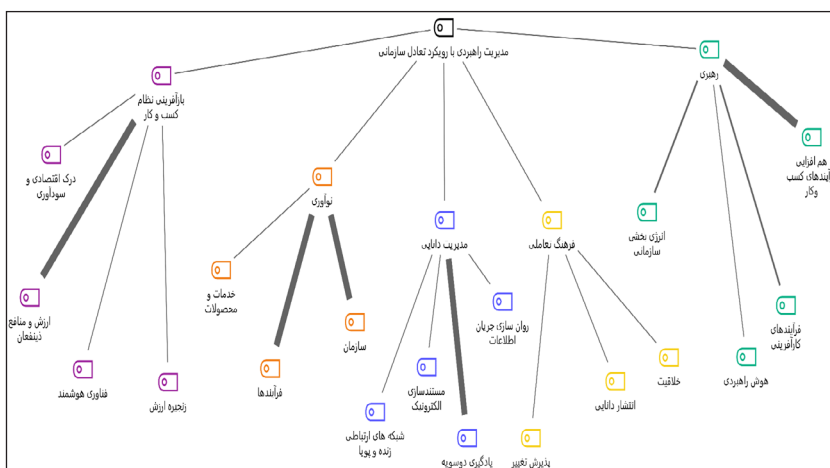


ادبیات، و متون مصاحبه، درمجموع ۹۴ مضمون پایه استخراج شد که پس از تلفیق مضامین مشترک درنهایت ۶۸ مضمون پایه شناسایی شد. در ادامه در شکل ۱ داده‌های حاصل از مضامین پایه نهایی مستخرج از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات، و متون مصاحبه آمده‌است.



ابرداده‌های حاصل از مضامین پایه نهایی
مستخرج از مرور سیستماتیک پیشنهادی،
ادبیات، و متون مصاحبه

در شکل ۲ شبکه مضامین حاصل از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات، و مصاحبه، ارتباط بین مضامین را به صورت گرافیکی نشان می‌دهد.



شبکه مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر برای شناسایی مؤلفه ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشو ملی ایران

و در نهایت پس از مرتب‌سازی نهایی و خوشه‌بندی، برچسب‌های متعلق به هر مضمون سازمان‌دهنده در جدول ۳ آورده شد. از دسته‌بندی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده به دست آمد و در نهایت پس از دسته‌بندی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر احصا و نام‌گذاری شد. تعداد ۶۸ مضمون پایه، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده، و ۵ مضمون فراگیر مرتب‌شده براساس کدها به همراه منبع مصاحبه یا پیشینه و ادبیات مرتبط، در جدول ۳ آمده است.

مضامین فراگیر (بعد)	مضمین سازمان‌دهنده (مؤلفه)	مضامین پایه (شاخص)	منبع	کد
درک اقتصادی و سودآوری		بهره‌مندی از تجربه و تخصص کارآفرینان بازار نشر و تولید محتوای الکترونیک	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ مصاحبه ^۱	A
		صرفه اقتصادی حاصل از کسب‌وکار شبکه‌ای میان صنعت نشر، کتاب‌خانه‌ها، آرشیوها و دولت	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ چرنو (۱۴۰۰)؛ مک‌کویی (۲۰۰۱)؛ نقل در رضایی‌زاده، (۱۳۹۹)؛ آیرلند و همکاران (۱۳۹۴)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	A
		بازگشت سرمایه و درآمدزایی حاصل از کارگزاری ملی نشر و توزیع الکترونیک آثار مکتوب و مستند	مصاحبه	A
بازآفرینی نظام کسب‌وکار		تحلیل و بازتعریف گروه‌های ذی‌نفع و نیازهایشان	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	B
		جذب و ترغیب مخاطبان بالقوه و بالفعل از طریق تسهیم و شراکت در فرایند چرخه تولید تا دسترسی به محتوای مواد آرشیوی و کتاب‌خانه‌ای	آیرلند و همکاران (۱۳۹۴)	B
		شفافیت و پاسخگویی به‌هنگام و در لحظه خدمات دسترسی به مواد آرشیوی و کتاب‌خانه‌ای	هیل و همکاران (۱۳۹۹)	B
	ارزش و منافع ذی‌نفعان	احترام به حقوق ذی‌نفعان از طریق تأمین نیازهای مطالعاتی و پژوهشی سطوح مختلف محلی، ملی، و جهانی	مصاحبه؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ فقهی فرهمند (۱۳۸۹)؛ پیرس و رابینسون (۱۳۹۲)	B
		خدمات‌رسانی در قالب تولید محتوای سفارشی مواد آرشیوی و کتاب‌خانه‌ای	هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ پیرس و رابینسون (۱۳۹۲)	B
		توجه به کام‌یابی ذی‌نفعان به‌واسطه گسترش شبکه همکاری	آیرلند و همکاران (۱۳۹۴)؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ کابلان و نورتون (۱۴۰۰)	B

۱. منبع استخراج مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده، و فراگیر پیشینه، ادبیات، و مصاحبه با خبرگان است.
۲. در کل متن منظور از مصاحبه، مصاحبه با خبرگان موضوع حاضر است.

جدول ۳

دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) استخراج‌شده از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با خبرگان برای شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران



کد	منبع ^۱	مضامین پایه (شاخص)	مضمین سازمان‌دهنده (مؤلفه)	مضامین فراگیر (بعد)
C	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	بازطراحی زنجیره ارزش کسب‌وکار در سازمان اسناد و کتابخانه ملی	زنجیره ارزش	بازآفرینی نظام کسب‌وکار
C	مصاحبه؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	بازتعریف نقش و جایگاه ملی سازمان در زنجیره ارزش		
C	مصاحبه؛ چسبرو (۲۰۰۶)؛ فریدمن (۲۰۰۵)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	بازآفرینی زنجیره تأمین اطلاعات و دانش محتوای میراث مکتوب و مستند از خلق تا دسترسی		
D	مصاحبه؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ ولز (۱۳۹۹)	روزآمدسازی زیرساخت‌های فناوری متناسب با مدل‌های کسب‌وکار و استانداردهای جهانی	فناوری‌هوشمند	
D	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	طراحی شبکه مجازی خودسازمان‌دهی اطلاعات و دانش ذی‌نفعان		
D	مصاحبه؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ کاپلان و نورتون (۱۴۰۰)؛ براینسن (۱۳۹۹)	شبکه‌سازی و یکپارچه‌سازی سامانه‌های مبتنی بر فرایندها و فعالیت‌های میان کتابخانه‌ها و آرشیوها در دو بُعد رقابت مثبت و همکاری		
E	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	ایجاد پویایی چرخه تولیدات و خدمات در بستر فضای مجازی	خدمات و محصولات	
E	مصاحبه	تولید محتوای مواد کتابخانه‌ای و اسنادی در قالب محصولات چندصنعتی و خدمات چندرسانه‌ای		
E	مصاحبه	هوشمندسازی چرخه تولید تا عرضه محتوای الکترونیک		
E	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ پیرس و رابینسون (۱۳۹۲)	همگامی جهانی و بومی‌سازی رویکردهای جامعه‌محوری خدمات		
F	آبرات و بندیکسن (۱۴۰۰)؛ چرنو (۱۴۰۰)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	کاربرد سازوکارهای نوآورانه برای حضور و شناخت جایگاه سازمان در سطح ملی و فراملی	فرایندها	نوآوری
F	چرنو (۱۴۰۰)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)	ویژندسازی سازمان در قالب چتر حمایتی سازمان‌ها و اشخاص		
F	مصاحبه	همکاری با نوآوران بازار نشر و فناوری با هدف خلق ایده‌های جدید		
F	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ چسبرو (۲۰۰۶)	ایجاد انعطاف‌پذیری و تغییر سنجه‌های مشتری‌مداری از طریق بازخورد و آزمون مستمر		
F	مصاحبه	تصمیم‌گیری بر مبنای نظر خبرگان، خرد جمعی و شواهد علمی		

ادامه جدول ۳

دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) استخراج‌شده از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با خبرگان برای شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران



مضمین سازمان دهنده (مؤلفه)	مضامین فراگیر (بعد)	مضامین پایه (شاخص)	منبع	کد
سازمان	نواوری	ایجاد سامانه تعاملی ایده پردازی درون سازمانی و برون سازمانی	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ چسپرو (۲۰۰۶)	G
		ایجاد بستر تبادل نظر آزادانه در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی	چسپرو (۲۰۰۶)	G
		ایجاد ساختار و طبقه بندی مشاغل سازمانی منعطف متناسب با تغییرات محیطی	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ گرنث (۲۰۱۶)؛ فقهی فرهمند (۱۳۸۹)؛ صفایی (۱۴۰۰)	G
		ترسیم نقشه استخدامی و انتصاب مدیران براساس تخصص و تجربه	مصاحبه	G
		جذب و پرورش نیروی متخصص علوم آرشویی و کتابخانه ای در سطح بین الملل	مصاحبه؛ پیرس و رابینسون (۱۳۹۲)	G
شبکه های ارتباطی زنده و پویا		ایجاد اتاق های فکر و شوراهای اندیشه ورز	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	H
		گسترش نظام های شبکه ای تصمیم گیری درون سازمانی و برون سازمانی	میناردس، فریرا، راپوسو (۲۰۱۴)؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ کوستا و همکاران (۲۰۲۳)	H
		استقرار شبکه های ارتباطی و چندپوندی تعاملی باز درون سازمانی با برون سازمانی	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ چسپرو (۲۰۰۶)	H
مستندسازی الکترونیک	مدیریت دانایی	ایجاد بانک اطلاعاتی و آرشیو مستندات دانش ضمنی و عینی کارکنان	لشکرلوکی (۱۳۹۴)	I
		مستندسازی اطلاعات شخصی کارکنان متخصص، پژوهشی و آموزشی در تحت وب	مصاحبه	I
		ترویج خودمستندسازی و آرشیو الکترونیک صاحبان آثار مکتوب و مستند اعم از اشخاص، خانواده ها، سازمان های دولتی و مؤسسات آرشویی	مصاحبه	I
یادگیری دوسویه		ترویج خودآموزی به همراه دانش افزایی کارکنان از طریق همکاری آموزشی در سطح بین الملل	مصاحبه	J
		تشکیل گروه های چندرشته ای رسمی و غیررسمی درون سازمانی و برون سازمانی	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	J
		ایجاد بستر تعامل بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی با همتایان خود در جهان	مصاحبه؛ داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	J
		ایجاد فضای گفتن برخط ذی نفعان با متخصصان درون سازمانی	مصاحبه	J

ادامه جدول ۳

دسته بندی و نام گذاری مضامین (پایه، سازمان دهنده و فراگیر) استخراج شده از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با خبرگان برای شناسایی شاخص ها، مؤلفه ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران



مضامین فراگیر (بعد)	مضمین سازمان‌دهنده (مؤلفه)	مضامین پایه (شاخص)	منبع	کد
مدیریت دانایی	روان‌سازی جریان اطلاعات	طراحی پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری اطلاعات و دانش برای ذی‌نفعان	مصاحبه؛ داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	K
		ایجاد مراکز رشد فناوری برای عرضه محتوا و خدمات الکترونیک	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	K
		ایفای نقش راهبری شبکه ملی میراث مستند و مکتوب	مصاحبه	K
فرهنگ تعاملی	پذیرش تغییر	ایجاد و تقویت ذهنیت تغییر بین کارکنان	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ ویاردوت (۱۳۹۹)؛ وست‌آور (۱۳۹۹)	L
		ترویج روحیه ریسک‌پذیری با استفاده از مدل‌های مرجع	مصاحبه؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ ولز (۱۳۹۹)؛ درخشنده (۱۴۰۰)	L
		تغییر رویکرد از فرهنگ رقابت به‌سوی ارزش‌آفرینی و جامعه‌محوری	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ وست‌آور (۱۳۹۹)	L
	انتشار دانایی	تقویت تفکر راهبردی دانایی‌محور	آلبرت (۲۰۰۳)؛ (ویتز، ۲۰۰۶، نقل در رضایی‌زاده، ۱۳۹۹)؛ فقهی‌فرهمند (۱۳۸۹)	M
		تقویت روحیه خودتکاملی و خوددانشگری	هانگر و ولین (۱۴۰۰)؛ داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ درخشنده (۱۴۰۰)؛ ولز (۱۳۹۹)	M
		تقویت روحیه خلق و اشتراک‌گذاری دانش	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ گرنٹ (۲۰۱۶)؛ (متاکسیوتس و پارس ۲۰۰۶، نقل در خزانلی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ وینگر و استایدر (۲۰۰۰)	M
	ترویج نوآوری	ایجاد چالش و تنش فرهنگی پیوسته برای رسیدن به بینش نوآفرینی	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ گیودایس و همکاران (۱۳۹۲)؛ وست‌آور (۱۳۹۹)	N
		تغییر نگرش بسته‌تولیدمدار به فرهنگ باز‌مشتري‌محور	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ وست‌آور (۱۴۰۰)؛ صفایی (۱۴۰۰)	N
		ترویج تفکر نابودی خلاق بین کارکنان	داوینپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ پاساریو و همکاران (۲۰۲۱)؛ ولز (۱۳۹۹)	N

ادامه جدول ۳

دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین (پایه)، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج‌شده از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با خبرگان برای شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیم ملی ایران



مضامین فراگیر (بعد)	مضامین سازمان دهنده (مؤلفه)	مضامین پایه (شاخص)	منبع	کد
هوش راهبردی	توانایی ترویج تفکر راهبردی و آرمان گرایی در ترسیم چشم انداز ملی و جهانی	توانایی تغییر و همسویی جهت گیری ها در پاسخ به تغییرات محیطی	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ مک کویی (۲۰۰۱)، نقل در رضایی زاده، (۱۳۹۹)؛ آبرات و بندیکسن (۱۴۰۰)؛ ولز (۱۳۹۹)	O
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ (مک کویی، ۲۰۰۱، نقل در رضایی زاده، ۱۳۹۹)	O
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ ولز (۱۳۹۹)	O
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	P
انرژی بخشی سازمانی	شفاف سازی قلمروی کاری (آینده شفاف و آینده جایگزین)	ایجاد انگیزه و پویایی بین کارکنان	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ (مک کویی، ۲۰۰۱، نقل در رضایی زاده، ۱۳۹۹)؛ هانگر و ویلن (۱۴۰۰)؛ هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ ویاردوت (۱۳۹۹)	P
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هانگر و ویلن (۱۴۰۰)	P
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هانگر و ویلن (۱۴۰۰)	P
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ هانگر و ویلن (۱۴۰۰)؛ پاساریو و همکاران (۲۰۱۶)؛ ولز (۲۰۲۱)؛ (۱۳۹۹)	P
رهبری	توانایی جست و جوی مستمر فرصت ها در جهت اقتناع و اقبال قوانین	توانمندسازی حاصل از ایفای نقش پیش گامی در چرخه تولید تا دسترسی به میراث مستند و مکتوب	داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ مصاحبه	Q
			مصاحبه؛ گیودایس و همکاران (۱۳۹۲)	Q
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	Q
			مصاحبه	Q
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)	Q
			کاپلان و نورتن (۱۴۰۰)	Q
			مصاحبه	R
			داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶)؛ جانسون نقل در شمالی (۱۳۹۹)	R
فرایند کارآفرینی	توانایی ایجاد ظرفیت پشتیبانی و هدایت کارآفرینان درون سازمانی با تکیه بر قابلیت های موجود	ظرفیت سازی برای مشارکت صنفی با شرکت های بزرگ و کوچک	هیل و همکاران (۱۳۹۹)؛ آیرلند و همکاران (۱۳۹۴)؛ جانسون نقل در شمالی (۱۳۹۹)؛ (مک کویی، ۲۰۰۱، نقل در رضایی زاده، ۱۳۹۹)؛	R
			مصاحبه	R
			مصاحبه	R

ادامه جدول ۳

دسته بندی و نام گذاری مضامین (پایه، سازمان دهنده و فراگیر) استخراج شده از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با خبرگان برای شناسایی شاخص ها، مؤلفه ها و ابعاد مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشو ملی ایران



در شکل ۳ قالب فراوانی مضامین کدهای مستخرج به صورت درختی و سلسله مراتبی در چهار و یا پنج سطح نمایش داده شده است.

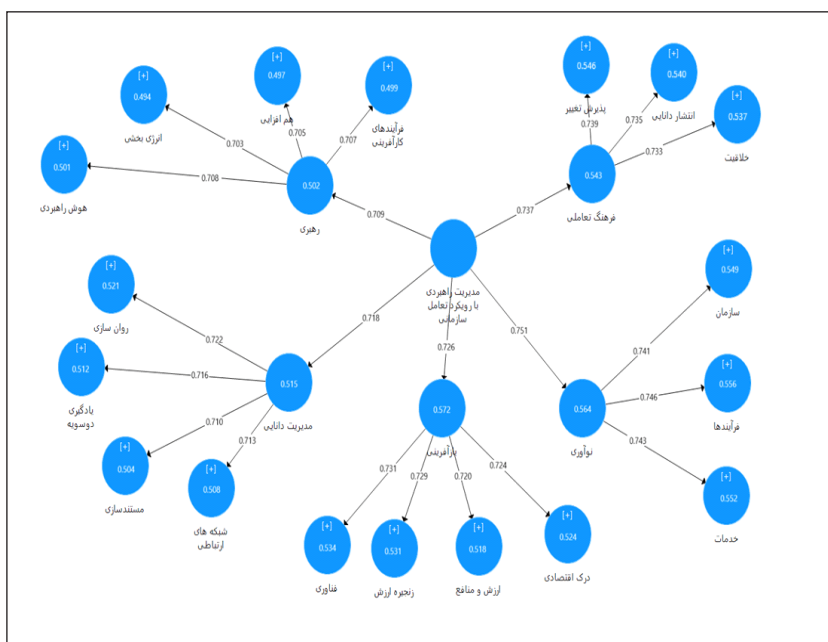
Code System	68
مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی	0
رهبری	0
فرآیندهای کارآفرینی	4
هم افزایی فرآیندهای کسب و کار	6
انرژی بخشی سازمانی	4
هوش راهبردی	3
فرهنگ تعاملی	0
خلاقیت	3
انتشار دانایی	3
پذیرش تغییر	3
مدیریت دانایی	0
روان سازی جریان اطلاعات	3
یادگیری دوسویه	4
مستند سازی الکترونیک	3
شبکه های ارتباطی زنده و پویا	3
نوآوری	0
سازمان	5
فرآیندها	5
خدمات و محصولات	4
بازآفرینی نظام کسب و کار	0
فناوری هوشمند	3
زنجیره ارزش	3
ارزش و منافع ذینفعان	6
درک اقتصادی و سودآوری	3

شکل ۳

قالب مضامین سازمان دهنده و فراگیر
جهت شناسایی مؤلفه ها و ابعاد مدیریت
راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در
آرشیو ملی ایران

پرسش دوم: اولویت ابعاد و مؤلفه های مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران کدام اند؟

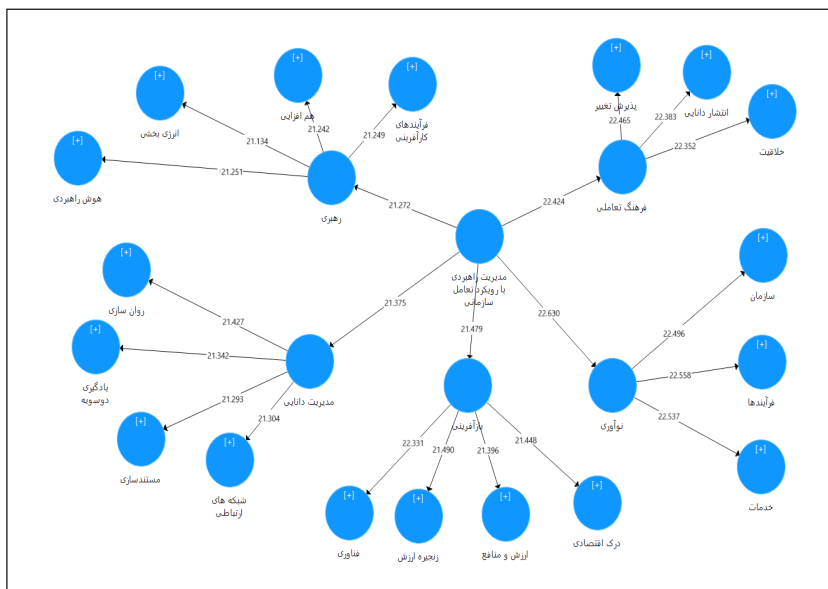
در پاسخ به پرسش فوق براساس تحلیل عاملی و تعیین ضریب معناداری تی برای هریک از ابعاد بازآفرینی کسب و کار، نوآوری، مدیریت دانایی، فرهنگ تعاملی و رهبری، مشخص شد که بار عاملی تمامی مؤلفه ها و شاخص ها بالاتر از ۰,۴ است که بیانگر قابل قبول بودن تبیین شاخص ها برای هریک از مؤلفه ها، و مؤلفه ها برای هریک از ابعاد است. هم چنین ضریب معناداری تی برای هریک از شاخص ها و مؤلفه ها بالاتر از ۲,۵۸ شده است؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان همه شاخص ها برای هریک از مؤلفه ها، و همه مؤلفه ها برای هریک از ابعاد تأیید می شود و هیچ شاخص و مؤلفه ای به حذف شدن نیاز ندارد. در شکل زیر بارهای عاملی برای مدیریت راهبردی متعادل آمده است.



شکل ۴

مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در حالت بار عاملی

همان طور که در شکل فوق ملاحظه می شود بار عاملی برای تمامی مؤلفه ها و شاخص ها بالاتر از ۰.۴ است که بیانگر قابل قبول بودن تبیین شاخص ها برای هر یک از مؤلفه ها، و مؤلفه ها برای هر یک از ابعاد است. در شکل زیر هم ضرایب معناداری تی مدل آمده است.



شکل ۵

مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در حالت معناداری ضرایب

در جدول ۴ و ۵ ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری تی و وضعیت آن‌ها آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همه مسیرها پذیرفته شده است.

اولویت	وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر		
۵	تأیید شد	۲۱,۲۷۲	۰,۷۰۹	رهبری	←	مدیریت راهبردی
۲	تأیید شد	۲۲,۴۲۴	۰,۷۳۷	فرهنگ تعاملی		
۱	تأیید شد	۲۲,۶۳	۰,۷۵۱	نوآوری		
۳	تأیید شد	۲۱,۴۷۹	۰,۷۲۶	بازآفرینی نظام کسب و کار		
۴	تأیید شد	۲۱,۳۷۵	۰,۷۱۸	مدیریت دانایی		

جدول ۴

ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت ابعاد

باتوجه به جدول فوق از بین ابعاد مدیریت راهبردی، بعد نوآوری دارای اولویت اول، فرهنگ تعاملی دارای اولویت دوم، بازآفرینی نظام کسب و کار دارای اولویت سوم، مدیریت دانایی دارای اولویت چهارم و رهبری دارای اولویت پنجم است.

اولویت	وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر		
۱	تأیید شد	۲۲,۱۰۳	۰,۸۲۷	فرایندها	←	نوآوری
۲	تأیید شد	۲۲,۴۷۴	۰,۸۰۴	سازمان		
۳	تأیید شد	۲۱,۷۲۷	۰,۷۸۴	خدمات و محصولات		
۱	تأیید شد	۲۰,۸۲۸	۰,۷۶۹	انتشار دانایی	←	فرهنگ تعاملی
۲	تأیید شد	۲۰,۵۳۴	۰,۷۵۴	ترویج نوآوری و خلاقیت		
۳	تأیید شد	۲۰,۳۷۴	۰,۷۴۳	پذیرش تغییر		
۱	تأیید شد	۲۲,۴۷۴	۰,۸۰۴	درک اقتصادی و سودآوری	←	بازآفرینی نظام کسب و کار
۲	تأیید شد	۲۱,۶۸۶	۰,۷۸۲	ارزش و منافع ذی‌نفعان		
۳	تأیید شد	۲۰,۴۷۳	۰,۷۵۳	زنجیره ارزش		
۴	تأیید شد	۲۰,۲۴۶	۰,۷۴۱	فناوری‌هوشمند		

جدول ۵

ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت مولفه‌ها



مسیر				اولویت	وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر
←	مدیریت دانایی	یادگیری دوسویه	۰,۸۸۶	۲۴,۲۹۳	تأیید شد	۱	
		مستندسازی الکترونیک	۰,۸۶۵	۲۳,۷۹۶	تأیید شد	۲	
		روان سازی جریان اطلاعات	۰,۸۵۳	۲۳,۵۷۲	تأیید شد	۳	
		شبکه‌های ارتباطی زنده و پویا	۰,۸۴۱	۲۳,۳۹۷	تأیید شد	۴	
←	رهبری	فرایندهای کارآفرینی	۰,۷۴۲	۲۱,۷۴۷	تأیید شد	۱	
		هم‌افزایی فرایندهای کسب‌وکار	۰,۷۲۵	۲۰,۵۷۹	تأیید شد	۲	
		انرژی‌بخشی	۰,۷۰۷	۲۰,۳۹۱	تأیید شد	۳	
		هوش راهبردی	۰,۶۸۹	۲۰,۲۱۴	تأیید شد	۴	

ادامه جدول ۵

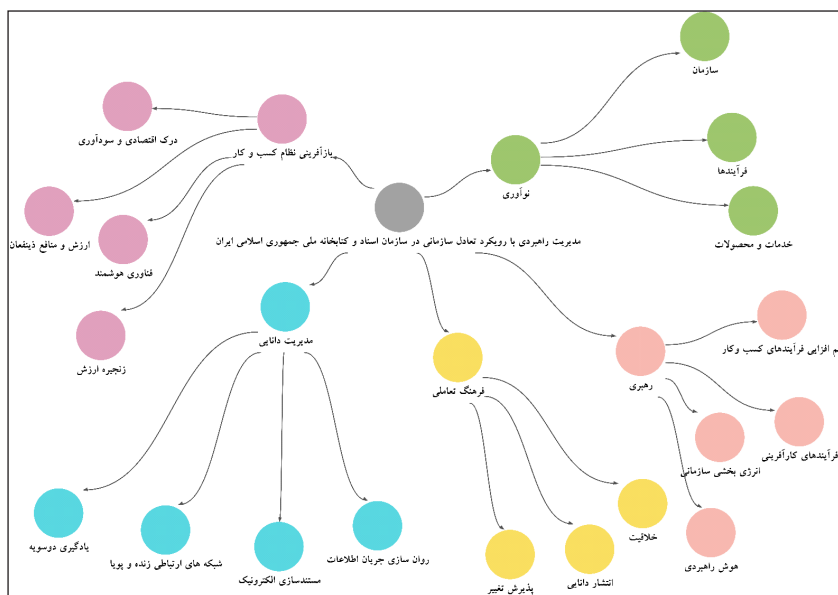
ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و
وضعیت مؤلفه‌ها

باتوجه به جدول فوق ازبین مؤلفه‌های بعد نوآوری، مؤلفه فرایندها دارای اولویت اول، سازمان دارای اولویت دوم و خدمات و محصولات دارای اولویت سوم است. ازبین مؤلفه‌های بعد فرهنگ تعاملی، مؤلفه انتشار دانایی دارای اولویت اول، ترویج نوآوری و خلاقیت دارای اولویت دوم و پذیرش تغییر دارای اولویت سوم است. ازبین مؤلفه‌های بازآفرینی نظام کسب‌وکار، مؤلفه درک اقتصادی و سودآوری دارای اولویت اول، ارزش و منافع ذی‌نفعان دارای اولویت دوم، زنجیره ارزش دارای اولویت سوم و فناوری هوشمند دارای اولویت چهارم است. ازبین مؤلفه‌های مدیریت دانایی، مؤلفه یادگیری دوسویه دارای اولویت اول، مستندسازی الکترونیک دارای اولویت دوم، روان‌سازی جریان اطلاعات دارای اولویت سوم، و شبکه‌های ارتباطی زنده و پویا دارای اولویت چهارم است. ازبین مؤلفه‌های رهبری، مؤلفه فرایندهای کارآفرینی دارای اولویت اول، هم‌افزایی فرایندهای کسب‌وکار دارای اولویت دوم، انرژی‌بخشی دارای اولویت سوم و هوش راهبردی دارای اولویت چهارم است.



پرسش سوم: مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

باتوجه به تحلیل عاملی و بررسی ضرایب مسیر، مقادیر معناداری، و وضعیت ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از پیشینه، ادبیات و مصاحبه با نخبگان که همگی تأیید شدند، مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو ملی ایران به صورت شکل (۶) ارائه می‌شود.



شکل ۶

مدل مدیریت راهبردی متعادل در آرشیو
ملی ایران

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با هدف طراحی مدل مدیریت راهبردی با رویکرد تعادل سازمانی در آرشیو ملی ایران بر مبنای نظریه داونپورت، لیبلد، ولپل (۲۰۰۶) و به منظور شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدل، از مرور سیستماتیک پیشینه، ادبیات و مصاحبه با نخبگان و مقوله‌بندی و کدگذاری مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استفاده شد. ابتدا ۶۸ شاخص استخراج شد که پس از تحلیل عاملی و تعیین ضریب معناداری تی، ۵ بُعد اصلی نیز شناسایی شد که عبارت‌اند از: نوآوری؛ فرهنگ تعاملی؛ بازآفرینی کسب‌وکار؛ مدیریت دانایی؛ و رهبری. سپس ۱۸ مؤلفه اصلی نیز شناسایی شد که عبارت‌اند از: درک نیاز و تقاضای ذی‌نفعان، شکل‌دهی مجدد نظام کسب‌وکار، درک فناوری، و درک اقتصادی جزء بعد بازآفرینی نظام کسب‌وکار؛ نوآوری محصول/خدمات، فرایند، و سازمان جزء بعد نوآوری؛ شبکه‌های ارتباطی زنده و پویا، مستندسازی الکترونیک، ساختار یادگیری دوسویه، روان‌سازی جریان اطلاعات جزء بعد مدیریت دانایی؛ فرهنگ

تغییر، انتشار دانایی، و نوآوری جزء بعد فرهنگ تعاملی؛ و هوش راهبردی، انرژی زایی، هم‌افزایی، و کارآفرینی به‌عنوان بعد رهبری. باتوجه‌به بررسی ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت ابعاد، نوآوری دارای اولویت اول، فرهنگ تعاملی دارای اولویت دوم، بازآفرینی نظام کسب‌وکار دارای اولویت سوم، مدیریت دانایی دارای اولویت چهارم، و رهبری دارای اولویت پنجم است. از بین مؤلفه‌ها نیز فرایندها، انتشار دانایی، درک اقتصادی و سودآوری، یادگیری دوسویه، و فرایندهای کارآفرینی دارای اولویت اول در بعد خود هستند.

در راستای یافته‌های پژوهش پیشنهادهای اجرایی زیر ارائه می‌شود:

۱- ایجاد و تقویت تفکر مبتنی‌بر رویکردهای جدید راهبردی در آرشیو ملی ایران، در وهله اول نیازمند آگاهی و درک مشترک مدیران و کارکنان از لزوم تغییر جهت‌گیری‌های مربوط به ابعاد مدیریت راهبردی متعادل و مزیت اقتصادی حاصل از آن است؛ بنابراین برگزاری کارگاه‌های آموزشی دوسویه و نشست‌های تخصصی با حضور مسئولان و ترغیب کارکنان به مشارکت در ترسیم چشم‌اندازی آرمان‌گرا، نقش بسیار مهمی در خودتکاملی، خوددانشگری، و تقویت فرهنگ تعاملی ایجاد تغییر، دانایی محوری، و ترویج نوآوری خواهد داشت.

۲- براساس یافته‌ها، نوآوری محصول، خدمات، ساختار و در رأس آن نوآوری در فرایندها از الزامات مدیریت راهبردی متعادل محسوب می‌شود. در این راستا تغییر ساختار سیاسی آرشیو ملی ایران به ساختاری فرهنگی از طریق بازتعریف جایگاه آن با انتزاع از ریاست‌جمهوری و الحاق به وزارت میراث فرهنگی قابل‌تأمل و بحث است. در پی چنین تغییری، ساختار آرشیوهای میراث مکتوب، میراث مستند و اشیای موزه‌ای نیز در مسیر تکامل کارکردی خود قرار می‌گیرند. از طرفی آرشیو ملی ایران که سازمانی رسانه‌ای نیز محسوب می‌شود برای شناخته‌شدن خود باید ابتدا به طراحی مجدد و یژند خود توجه داشته باشد و برای دیده‌شدن در سطح ملی از چتر حمایتی سازمان صداوسیما و شهرداری استفاده کند. برای نمونه در روز اسناد ملی تمام تبلیغات شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی به‌صورت مکرر به آرشیو ملی اختصاص داده شود یا بیشترین ظرفیت بیلبوردها و بنرهای تبلیغاتی سطح شهر ابعاد وجودی آرشیو ملی را در قالب شعارهای جذاب پیام‌رسانی کند. ارائه خدمات در قالب برپایی نمایشگاه‌ها و کارناوال‌های سیار و ثابت با برنامه‌های جذاب و متنوع نیز حضور آرشیو بین مردم را در خارج از محیط سازمان پررنگ می‌کند. این امور علاوه‌براینکه به تولید محصول و خدمات مشترک و سودآوری حاصل از جلب مشارکت عمومی منجر می‌شود، زمینه‌ساز اشتها و یژند آرشیو ملی در سطح ملی و فراملی می‌شود.



۳- براساس یافته‌های پژوهش، فرایندهای کارآفرینی، اولویت اول بُعد رهبری، و درک اقتصادی و سودآوری اولویت اول بُعد بازآفرینی کسب‌وکار در مدیریت راهبردی هستند؛ بنابراین آرشیو ملی ایران می‌تواند با ایجاد واحدهایی با عنوان کارآفرینی و کسب‌وکار در ساختار سازمانی خود، بستر استفاده از مشاوره و بهره‌گیری از آرشیوداران خلاق و کارآفرین‌های بازار، و زمینه‌های آگاهی و رشد اقتصادی بسیاری را فراهم سازد. هم‌چنین با ارائه خدمات فراتر از مرزهای صنعت، از طریق همکاری و واگذاری امتیاز به شرکت‌های تولیدی صناعی مانند بازی‌های رایانه‌ای، برنامه‌های متنوعی برای رده‌های سنی مختلف طراحی کند. برای جلب مشارکت عموم می‌توان از ظرفیت خانه‌ها یا رستوران‌های شخصی در قالب کافه‌آرشیو و ایجاد جاذبه‌های تاریخی مبتنی بر اسناد، کتاب و اشیای قدیمی استفاده کرد. واگذاری امتیاز برای سرمایه‌گذاری در زمینه طراحی فضاهای آرشیوی با قالب‌های متنوع مانند کیوسک تلفن یا ماشین‌های قدیمی در میدان‌های شهر فرصت خوبی برای جلب‌نظر و مشارکت عموم مردم به آرشیو در لابه‌لای مشغله‌های زندگی است.

۴- براساس یافته‌ها، از آنجاکه پاسخگویی و دسترسی آسان و در لحظه به خدمات و محصولات و تأمین نیازها تا سطح جهانی، پیش‌شرط رضایت ذی‌نفعان است، پیشنهاد می‌شود که با همکاری ذی‌نفعان، پلتفرم‌های شبکه‌ای هوشمند متعامل در آرشیو ملی طراحی شود. طراحی فضای اشتراکی با ویژگی نوآورانه و مشوق‌هایی که ذی‌نفعان خود چرخه خلق تا عرضه محتوای آرشیوی یعنی میراث مکتوب و مستند را مدیریت کنند، عاملی مؤثر برای کامیابی ذی‌نفعان به‌شمار می‌آید.

۵- از آنجاکه شبکه‌های ارتباطی زنده و پویا، مستندسازی الکترونیک، و ساختار یادگیری دوسویه، مؤلفه‌های اصلی مدیریت دانایی هستند، پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌گران و مربیان آموزشی براساس علم، تخصص و تجربه، در وبگاه آرشیو ملی ایران پروفایل شخصی طراحی شود تا ذی‌نفعان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی براساس اطلاعات موجود، توانایی تشخیص، برقراری ارتباط، و تعامل دوسویه دانشی با این افراد را داشته باشند.

۶- براساس یافته‌های پژوهش توانمندی رهبری سازمان‌های پیشرو بر کشف مستمر فرصت‌ها و ایده‌ها متکی است؛ بنابراین آرشیو ملی ایران نیازمند طراحی شبکه تعاملی ایده‌پردازی و جذب طرح‌های نوآورانه در سطح ملی و فراملی است. در این راستا ارائه فراخوان ملی، تهیه پروفایل و طراحی پلتفرم نوآوران ملی بر روی وبگاه آرشیو ملی، امکان حضور مجازی و از راه دور پیوسته را برای نخبگان سراسر جهان فراهم می‌سازد.



۷- براساس یافته‌ها، بازآفرینی کسب و کار نیازمند طراحی مجدد زنجیره ارزش، تحلیل بازار صنعت و شناسایی نیازهای ذی‌نفعان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های همکاری متعامل است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود خدمات و محصولات قابل عرضه در آرشیو ملی ایران به جای تولید انبوه که هنوز مشتری آن مشخص نیست بر سفارشی شدن متمرکز شود. در تحلیل و بازتعریف ذی‌نفعان، شاخص‌های فرهنگی، جغرافیایی، جمعیتی، قومیتی، و سنی نیز منظور شود و بسته‌های آموزشی و پژوهشی مناسب هر گروه تدارک دیده شود. در همین راستا می‌توان از ظرفیت رسانه‌هایی مانند تلفن همراه برای انتشار گزیده‌ای از اسناد رقمی برای آشنایی مخاطبان بالقوه و جذب بیشتر ذی‌نفعان بالفعل به آرشیو استفاده کرد. باز شدن خودکار پنجره درگاه آرشیو ملی هنگام ورود به فضای وب جهانی، حضور در مدارس با استفاده از زنگ آرشیو، فرصتی مناسب برای آشنایی کودکان و نوجوانان و عموم مردم با اسناد و اهمیت آن است. برگزاری کارگاه‌های سازمان‌دهی اسناد خانوادگی و شجره‌نامه‌نویسی، برنامه‌های خاطره‌نویسی و خاطره‌خوانی در قالب‌های از پیش طراحی شده و سرگرم‌کننده نیز عاملی مؤثر برای ایجاد علاقه دانش‌آموزان به آرشیو است.

۸- براساس یافته‌ها، انرژی بخشی از ویژگی‌های رهبری در سازمان‌هاست؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولان ارشد آرشیو ملی آینده شفاف و آینده جایگزین را برای آرشیو داران تصریح کنند و ضمن جذب و تربیت کارکنانی خلاق و نوآور، از طریق ارتباط مؤثر و ایجاد ساختاری منعطف و غیررسمی و ظرفیت‌سازی برای حضور در فضای کسب و کارهای بازنوآورانه، کارکنان را به انگیزش، خودسازمان‌دهی دانش و مهارت، و هم‌چنین کارآفرینی هرچه بیشتر ترغیب کنند.

منبع

کتاب

- آبرات، راسل؛ بندیکسن، مایکا. (۱۴۰۰). *بازاریابی استراتژیک: مفاهیم و موارد*. (حسام خضرای حاذق فکر، مترجم). تهران: هیرمند.
- آیرلند، ار. دواين؛ هاسکيسون، رابرت‌ای؛ هیت، مایکل. ای. (۱۳۹۴). *مفاهیم مدیریت استراتژیک*. (سید محمد اعرابی و نسترن سیمار اصل، مترجمان؛ مرجان فیاضی، ویراستار علمی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- برایسن، جان مور. (۱۳۹۹). *برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌های عمومی و غیرانتفاعی*. (مهدی خادمی گراشی، مترجم). تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- پیرس، جان، ای؛ رابینسون، ریچارد. (۱۳۹۲). *مدیریت استراتژیک: تدوین، پیاده‌سازی و کنترل*. (محمد حسین بیرامی، مترجم). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.



- چرنو، الکساندر. (۱۴۰۰). *مدیریت استراتژیک بازاریابی*. (صمد عالی، مجتبی مالکی، حامد ثقفیان، مترجمان). تهران: سپیدبرگ.
- داونپورت، توماس؛ لیلد، ماریوس؛ وُلپل، اسون. (۲۰۰۶). *مدیریت استراتژیک نوین در اقتصاد نوآوری*. (محسن قدمی، مسعود نیازمند، میترا آفتاب آذری، مترجمان). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- درخشنده، محمدمهدی. (۱۴۰۰). *آشنایی با مدیریت استراتژیک و رهبری تحول‌گرا*. تهران: حدیث قلم.
- رضایی‌زاده، کریم. (۱۳۹۹). *هوش استراتژیک*. (کریم رضایی‌زاده، احمد روان‌بخش، مجتبی عسکری، نویسندگان). مشهد: جالیز.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). *سند راهبردی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران «نهادی خلاق، پویا و در دسترس» (۱۳۹۵-۱۴۰۰)*. (مجتبی مقصودی، مدیر علمی و اجرایی؛ شهاب دلیلی، معصومه خواجه‌ای، آناهیتا نظری، همکاران پژوهشی).
- شمالی، شهرام. (۱۳۹۹). *مدیریت استراتژیک و مدیریت دانش بر کارآفرینی*. تهران: زرنوشت.
- صفایی، هادی. (۱۴۰۰). *رویکرد نوین مدیریت استراتژیک در سازمان‌ها*. تهران: اساتید دانشگاه.
- فقهی فرهمند، ناصر. (۱۳۸۹). *مدیریت استراتژیک سازمان*. تبریز: فروزش.
- کاپلان، رابرت اس؛ نورتون، دیوید پی. (۱۴۰۰). *سازمان استراتژی محور*. (پرویز بختیاری، مترجم). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- گیودایس، مانلیو دل؛ کارایانیس، الیاس؛ پروتا، ماریا. (۱۳۹۲). *مدیریت دانایی میان‌فرهنگی*. (چ ۱). (محسن قدمی و مسعود نیازمند، مترجمان). تهران: نشر شهر.
- لشکرپلوکی، مجتبی. (۱۳۹۴). *مهندسی مجدد سازمان*. تهران: آریانا قلم.
- لیبولد، ماریوس؛ پروبت، گیلبرت؛ گیلبرت، مایکل. (۱۳۹۱). *مدیریت راهبردی در اقتصاد دانایی: نگرش‌ها و کاربردهای نو*. (محسن قدمی، مسعود نیازمند، عیسی کشاورز، مترجمان). تهران: آرون.
- وست‌آور، جان‌تان اچ. (۱۳۹۹). *تغییر و تحول استراتژیک سازمانی*. (عماد حمیدآوی، مترجم). تهران: مرکز آموزش تحقیقات صنعتی ایران.
- ولز، جان آر. (۱۳۹۹). *هوشمندی استراتژیک*. (علی‌رضا هاشمی، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ویاردوت، اریک. (۱۳۹۹). *اصول ثابت استراتژی کسب‌وکارهای موفق و پایدار*. (امان‌الله راهپما، مسعود مرادپور، مترجمان). تهران: آفتاب گیتی.
- هانگر، جی دیوید؛ ویلن، توماس ال. (۱۴۰۰). *مدیریت استراتژیک: توسعه پایدار سازمان‌ها*. (مهدی حقیقی کفاش، الهام‌السادات موسوی مقدم، مترجمان). تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- هیل، چارلز و دیگران. (۱۳۹۹). *مدیریت استراتژیک*. (چارلز دبلیو. ال. هیل، گرت آر. جونز، ملیسای، شیلینگ، نویسندگان؛ محمدمهدی ابریشم‌کار، شراره قاضی‌نور نائینی، مترجمان). تهران: نسل نو اندیش.

مقاله

برادران، مسعود؛ فراچی، محمدمهدی؛ آبادی خواه، مطهره. (۱۴۰۰). «طراحی مدل مدیریت استراتژیک در دانشگاه فردوسی مشهد با استفاده از تئوری داده بنیاد». *پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره چهاردهم، ش ۳.

کهزادی طهنه، مریم؛ زارعی، عاطفه؛ معروفی، فخرالدین؛ بیات، بهروز. (۱۴۰۲). «اعتبارسنجی الگوی مؤلفه های مدیریت راهبردی کتابخانه های عمومی ایران». *تحقیقات، اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی*، دوره ۲۹، ش ۲، صص ۲۴۰-۲۵۸.

نظری، محسن؛ ودادهیر، ابوعلی؛ عزتی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). «تخریب و بازآفرینی خلاق صنایع با رویکرد کارآفرینی». *توسعه کارآفرینی*، ش ۵۴، صص ۷۳۷-۷۵۵.

Latin Resources

Book

Chesbrough, Henry William. (2006). *Open Business Models: How to Thrive in the New Innovation Landscape*. Harvard Business Press: Brighton, MA, USA.

Hiriyappa, B. (2018). *Strategic Management and Business Policy: For Managers and Consultant*. PublishDrive.

https://www.google.com/books/edition/Strategic_Management_and_Business_Policy/sFiZDwAAQBAJ?hl=fa&gbpv=1

Article

Chien-Chih, Yu; Janssen, Marij. (2010). "The need for strategic management and business model design in government and public administration". *Electronic Government, an International Journal*, 7(4), pp 299-315.

https://www.researchgate.net/publication/220082725_The_need_for_strategic_management_and_business_model_design_in_government_and_public_administration

Costa, Joana; Pádua, Mariana; Moreira, António Carrizo. (2023). "Leadership styles and innovation management: What is the role of human capital". *Administrative Sciences*, Vol 13, Issue 2, pp 1-21. <https://doi.org/10.339/admsci13020047>

Grant, Robert M. (2016). *Contemporary Strategy Analysis* (9th Edition). John Wiley & sons, Ltd.



- ICA. (2021-2024). "EMPOWERING ARCHIVES AND THE PROFESSION". https://www.ica.org/sites/default/files/ga_2020-7a_strategic_review_.pdf
- Khalfan Zahran Al Hijji. (2014). "Strategic Management Model for Academic Libraries". *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, 147, pp 9-15.
- Library and Archives Canada. (2006). "LAC Directions for Change". <https://www.collectionscanada.gc.ca>. <https://B2n.ir/p46334> آدرس کوتاه شده
- Mainardes, Emerson Wagner; Ferreira, João J; Raposo, Mario L. (2014). "Strategy and Strategic Management concepts: Are They Recognized By management student?". *Business Administration and Management*, 17(1), 2014.
- National Archives and Records Administration (NARA). (2018). "2018-2022 Strategic Plan". <https://www.archives.gov/files/about/plans-reports/strategic-plan/2018/strategic-plan-2018-2022.pdf>
- National Archives of Australia. (2022). "Strategy 2030: a transformed and trusted National Archives". <https://www.naa.gov.au/sites/default/files/2021-11/NAA-Strategy-2030-Plan-V2.pdf>
- Pasaribu, Fajar; Bulan, Tapi Rondang Ni; Muzakir, Muzakir; Pratama, Khalik. (2021). "Impact Of Strategic Leadership And Organizational Innovation On The Strategic Management: Mediation Role Of It Capability". *Polish Journal of Management Studies*, Vol 24. No 2.
- Stephoe-Warren, Gail; Howat, Douglas; Hume, Ian. (2011). "Strategic thinking and decision making: literature review". *Journal of Strategy and Management*, 4(3), pp 238-250.
- Trushman, Michael L; O'Reilly III, Charles A. (1996). "Ambidextrous Organizations: Managing Evolutionary and revolutionary change". *California Management Review*, 38(4), pp 8-29.
- Voelpel, Sven; Leibold, Marius; Tekie, Eden; von Krogh, Georg. (2005). "Escaping the Red Queen Effect in competitive Strategy: how Managers Can Change industry Rules by Sense- testing their Business Models". *European Management Journal*, vol, 23, Issue 1.

English Translation of References

Books

- Abratt, Russell; & Bendixen, Michael. (1400/2021). *“Bāzāryābi-ye ešterātežik: Mafāhim va mavāred”* (Strategic marketing: Concepts and cases). Translated by Hesam Khezbabi Hazegh-Fekr. Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Bryson, John Moore. (1399/2020). *“Barnāme-rizi-ye ešterātežik dar sāzmān-hā-ye ‘omumi va qeir-e entefā’ee”* (Strategic planning for public and non-profit organizations). Translated by Mehdi Khademi Gerashi. Tehran: Mo’assese-ye Ketāb-e Mehrabān-e Našr. [In Persian]
- Chernev, Alexander. (1400/2021). *“Modiriyat-e ešterātežik-e bāzāryābi”* (Strategic marketing management). Translated by Samad Aali, Mojtaba Maleki, & Hamed Saqafian. Tehran: Sepidbarg. [In Persian]
- Chesbrough, Henry William. (2006). *Open business models: How to thrive in the new innovation landscape*. Harvard Business Press: Brighton, MA, USA.
- Davenport, Thomas H.; Leibold, Marius; & Voelpel, Sven C. (2006). *“Modiriyat-e ešterātežik-e novin dar eqtesād-e no-āvari”* (Strategic management in the innovation economy: Strategic approaches and tools for dynamic innovation capabilities). Translated by Mohsen Ghadami, Masoud Niazmand, Mitra Aftab Azari. Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University). [In Persian]
- Derakhshandeh, Mohammad Mehdi. (1400/2021). *“Āšnāyi bā modiriyat-e ešterātežik va rahbari-ye tahavvol-garā”* (Introduction to strategic management and transformational). Tehran: Hadis-e Qalam. [In Persian]
- Faghihi Farahmand, Nasser. (1389/2010). *“Modiriyat-e ešterātežik-e sāzmān”* (Strategic management of organization). Tabriz: Foruzeš. [In Persian]
- Giudice, Manlio Del; Carayannis, Elias G.; & Peruta, Maria. (1392/2013). *“Modiriyat-e dānāyi-ye miyān-farhangi”* (Cross-cultural knowledge management: Fostering innovation and collaboration inside the multicultural enterprise (Innovation, technology, and knowledge management)) (1st ed.). Translated by Mohsen Ghadami & Masoud Niazmand. Tehran: Našr-e Šahr. [In Persian]

- Grant, Robert M. (2016). *Contemporary strategy analysis* (9th ed.). John Wiley & sons, ltd.
- Hill, Charles W. L, et al. (1399/2020). *“Modiriyat-e ešterātežik”* (Strategic management theory). Authored by Charles W. L. Hill; Gareth R. Jones; & Melissa A. Schilling. Translated by Mohammad Mehdi Abrishamkar, Sharareh Ghazinoor Naeini. Tehran: Nasl-e No-andiš. [In Persian]
- Hiriyappa, B. (2018). *Strategic management and business policy: For managers and consultant*. PublishDrive. Retrieved from https://www.google.com/books/edition/Strategic_Management_and_Business_Policy/sFiZDwAAQBAJ?hl=fa&gbpv=1.
- Hunger, J. David; & Wheelen, Thomas L. (1400/2021). *“Modiriyat-e ešterātežik: Towse’e-ye pāydār-e sāzmān-hā”* (Strategic management & business policy: Achieving sustainability). Translated by Mehdi Haghighi Kaffash; & Elham al-Sadat Mousavi Moghaddam. Tehran: Šerkat-e Čāp va Našr-e Bāzargāni (Commercial Print and Publications Company). [In Persian]
- Ireland, R. Duane; Hoskisson, Robert E.; & Hitt, Michael A. (1394/2015). *“Mafāhim-e modiriyat-e ešterātežik”* (Management of strategy: Concepts and cases). Translated by Seyyed Mohammad A’rabi & Nastaran Simar Asl. Edited by Marjan Fayyazi. Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (Iracultural-studies.com). [In Persian]
- Kaplan, Robert S.; & Norton, David P. (1400/2021). *“Sāzmān-e ešterāteži-mehvar”* (Strategy - focused organization: How balanced scorecard companies thrive in the new business environment). Translated by Parviz Bakhtiari. Tehran: Sāzmān-e Modiriyat-e San’ati (Industrial Management Institute). [In Persian]
- Lashkar Bolouki, Mojtaba. (1394/2015). *“Mohandesi-ye mojaddad-e sāzmān”* (Organizational reengineering). Tehran: Āriyānā Qalam. [In Persian]
- Leibold, Marius; Probst, Gilbert; & Gibbert, Michael. (1391/2012). *“Modiriyat-e rāhbordi dar eqtesād-e dānāyi: Negareš-hā va kārbord-hā-ye no”* (Strategic management in the knowledge economy: New approaches and business applications). Translated by Mohsen Ghadami, Masoud Niazmand, Isa Keshavarz. Tehran: Āron. [In Persian]

- Pearce, John A.; & Robinson, Richard Braden. (1392/2013). *“Modiriyat-e ešterātežik: Tadvin, piyāde-sāzi va kontorol”* (Strategic management: Formulation, implementation, and control). Translated by Mohammad Hossein Beyrami. Tehran: Sāzmān-e Modiriyat-e San’ati (Industrial Management Institute). [In Persian]
- Rezaeizadeh, Karim. (1399/2020). *“Huš-e ešterātežik”* (Strategic intelligence). Authored by Karim Rezaeizadeh, Ahmad Ravanbakhsh; & Mojtaba Asgari. Mašhad: Jāliz. [In Persian]
- Safayi, Hadi. (1400/2021). *“Ruykard-e novin-e modiriyat-e ešterātežik dar sāzmān-hā”* (New approach to strategic management in organizations). Tehran: Asātid-e Dānešgāh. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). (1395/2016). *“Sanad-e rāhbordi-ye Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān “Nahādi xallāq, puyā va dar daštres (1395 – 1400)”* (Strategic document of the National Archives and Library Organization of the Islamic Republic of Iran “A creative, dynamic and accessible institution 2016 – 2021”). Researched with the collaboration of Mojtaba Maghsoudi, Science & executive manager; Shahab Dalili; Masoumeh Khajeei; Anahita Nazari. [In Persian]
- Shomali, Shahram. (1399/2020). *“Modiriyat-e ešterātežik va modiriyat-e dāneš bar kārāfarini”* (Strategic management and knowledge management on entrepreneurship). Tehran: Zarnevešt. [In Persian]
- Viardot, Eric. (1399/2020). *“Osul-e sābet-e ešterāteži-ye kasb-o-kār-hā-ye movaffaq va pāydār”* (The timeless principles of successful business strategy). Translated by Amanollah Rahpeyma & Masoud Moradpour. Tehran: Āftāb-e Giti. [In Persian]
- Wells, John R. (1399/2020). *“Hušmandi-ye ešterātežik”* (Strategic IQ: Creating smarter corporations). Translated by Alireza Hashemi. Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Farhangi (Iranculturalstudies.com). [In Persian]
- Westover, Jonathan H. (1399/2020). *“Taqyir va tahavvol-e ešterātežik-e sāzmāni”* (Strategic organizational development and change (Leading innovative organizations)). Translated by Emad Hamidavi. Tehran: Markaz-e Āmuzeš-e Tahqiqāt-e San’ati-ye Irān (Industrial Research and Training Center of Iran). [In Persian]



Articles

- Baradaran, Masoud; Farahi, Mohammad Mehdi; & Abadikhah, Motahhareh. (1400/2021). "Tarrāhi-ye model-e modiriyat-e esterātežik dar dānešgāh-e Ferdowsi-ye Mašhad bā estefādeh az teori-ye dvde-bonyād" (Designing strategic management model in the university education system using Grounded theory). *Pāzuheš-hā-ye Tarvij va Āmuzeš-e Kešāvarzi* (Agricultural Extension and Education Research), **14**(3). [In Persian]
- Chien-Chih, Yu; & Janssen, Marij. (2010). "The need for strategic management and business model design in government and public administration". *Electronic Government, an International Journal*, **7**(4), pp. 299-315. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/220082725_The_need_for_strategic_management_and_business_model_design_in_government_and_public_administration.
- Costa, Joana; Pádua, Mariana; Moreira, & António Carrizo. (2023). "Leadership styles and innovation management: What is the role of human capital". *Administrative Sciences*, **13**(2), pp. 1-21. Retrieved from <https://doi.org/10.339/admsci13020047>.
- ICA. (2021-2024). "Empowering archives and the profession". Retrieved from https://www.ica.org/sites/default/files/ga_2020-7a_strategic_review_.pdf.
- Khalfan Zahran Al Hijji. (2014). "Strategic management model for academic libraries". *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, **147**, pp 9-15.
- Kohzadi Tahneh, Maryam; Zarei, Atefeh; Maroufi, Fakhr al-Din; & Bayat, Behrouz. (1402/2023). "E'tebār-sanji-ye olgu-ye mo'allefe-hā-ye modiriyat-e rāhbordi-ye ketābxāne-hā-ye 'omumi-ye Irān" (Validation of the model of strategic management components of public libraries in Iran). *Tahqiqāt, Ettelā'-resāni va Ketābxāne-hā-ye 'Omumi* (Research on Information Science and Public Libraries) (RISPL), **29**(2), pp. 240-258. [In Persian]
- Library and Archives Canada. (2006). "LAC Directions for Change". Retrieved from <https://www.collectionscanada.gc.ca>. <https://B2n.ir/p46334>.
- Mainardes, Emerson Wagner; Ferreira, João J; & Raposo, Mario L. (2014). "Strategy and strategic management concepts: Are they recognized by management student?". *Business Administration and Management*, **17**(1), 2014.



- National Archives and Records Administration (NARA). (2018). "2018–2022 Strategic plan". Retrieved from <https://www.archives.gov/files/about/plans-reports/strategic-plan/2018/strategic-plan-2018-2022.pdf>.
- National Archives of Australia. (2022). "Strategy 2030: A transformed and trusted National Archives". Retrieved from <https://www.naa.gov.au/sites/default/files/2021-11/NAA-Strategy-2030-Plan-V2.pdf>.
- Nazari, Mohsen; Vedadhir, Abu Ali; & Ezzati, Hamidreza. (1400/2021). "Taxrib va bāz-āfarini-ye xallāq-e sanāye' bā ruykard-e kārāfarini" (Creative destruction and re-creation of industries with an entrepreneurial approach: A Case Study of Al-Opeyk and Hampa). *Towse'e-ye Kārāfarini* (Journal of Entrepreneurship Development) (JED), **54**, pp. 737-755. [In Persian]
- Pasaribu, Fajar; Bulan, Tapi Rondang Ni; Muzakir, Muzakir; & Pratama, Khalik. (2021). "Impact of strategic leadership and organizational innovation on the strategic management: Mediation role of it capability". *Polish Journal of Management Studies*, **24**(2).
- Steptoe-Warren, Gail; Howat, Douglas; & Hume, Ian. (2011). "Strategic thinking and decision making: Literature review". *Journal of Strategy and Management*, **4**(3), pp. 238-250.
- Trushman, Michael L; & O'Reilly III, Charles A. (1996). "Ambidextrous organizations: Managing evolutionary and revolutionary change". *California Management Review*, **38**(4), pp. 8-29.
- Voelpel, Sven; Leibold, Marius; Tekie, Eden; & von Krogh, Georg. (2005). "Escaping the red queen effect in competitive strategy: How managers can change industry rules by sense- testing their business models". *European Management Journal*, **23**(1).





Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.34, No.4, (Winter 2025)

Ser.No: 136

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

The position of the Atrak border river in the economic-political geography developments of the Pahlavi period based on documents/

Bagherali Adelfar; Fouzieh Javanmardi 6-29(24)

Analysis of the process of election and non-native representatives of Sistan in the National Assembly and people's reaction (1285-1357 AH, 1906-1979 AD)/ **Mohamad reza Pordeli; Morteza Nouraei; Morteza Dehghan nejad**

30-67(38)

Public-Municipality Tensions Over Authoritarian Street Construction in Shiraz During the Pahlavi I Era/ **Sahand Lotfi; Sarah Ghamar**

68-101(34)

The role of the completion and rental law of residential units in the regulation of the housing market during the Pahlavi era/ **Mohsen Parvish**

102-123(22)

Archival Studies

The representation of the concept of resistance in the postage stamps of the Sacred Defense preserved in the National Museum of Malek from the perspective of Michel Foucault/ **Zahra Khosh Naghsh; Shokofeh Satyarvand**

124-155(32)

Designing a Balanced Strategic Management Model in the National Archives of Iran /**Anahita Nazari; Reza Salehi Amiri; Mohsen Ghadami; Fatemeh Azizababdi Farahani**

156-190(35)

English Abstracts \ **Javad Abdollahi**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.34, No.4, (Winter 2025)
(136)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the
Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Delara Mardoukhi, delara.mardoukhi@gmail.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University
of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip
Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor,
University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor,
Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor,
Alzahra University, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of
Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor,
University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor,
National library and Archives of Iran,
Iran.

Narges Neshat, Professor,
National library and Archives of Iran,
Iran.

Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, Associ-
ate Professor, Research Institute of Imam
Khomeini and Islamic Revolution, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

